



جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری

معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور
مرکز آموزش مدیریت دولتی

درسنامه آموزشی

آشنایی با ساختار نظام و دولت جمهوری

اسلامی ایران و سند چشم انداز

(از مجموعه دوره‌های آموزشی بدو خدمت، موضوع بخشنامه شماره ۲۶۶۸۰/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۰)

دفتر برنامه ریزی و توسعه آموزش

پاییز ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شناسنامه

عنوان: درسنامه آموزشی «آشنایی با ساختار نظام و دولت جمهوری اسلامی ایران و سند چشم‌انداز»

تهیه شده در: دفتر برنامه‌ریزی و توسعه آموزش - مرکز آموزش مدیریت دولتی

بررسی، نظارت و ساماندهی: ایران رادمش - احمد ذاقلی

گردآوری، تنظیم و تدوین: احمد ذاقلی - زهرا امیرخانی - لیلا مهربانی

ویرایش فنی و صفحه‌آرایی: لیلا مهربانی

تاریخ انتشار: آذرماه ۱۳۹۱

فهرست مطالب

۱۰	پیشگفتار
۱۱	بخش اول: کلیات
۱۲	۱. مقدمه
۱۲	۲. قانون و انواع آن
۱۳	۳. اجزای قانون
۱۴	۴. قانون اساسی و انواع آن
۱۴	۵. تمایزات قانون اساسی با سایر قوانین و مقررات
۱۴	۵-۱. از جهت وضع و تصویب
۱۵	۵-۲. از لحاظ شرح و تفسیر
۱۵	۵-۳. از نظر لغو، تهذیب و تغییر یا تجدیدنظر و بازنگری
۱۵	۵-۴. از جهت تبعیت و مطابقت با یکدیگر
۱۵	۶. ویژگی های لازم قانون اساسی
۱۶	۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بازنگری در آن
۱۷	۸. نظام های سیاسی
۱۷	۸-۱. انواع نظام های سیاسی و ویژگی های آنها
۱۹	۸-۲. ارزیابی نظام های سیاسی
۲۰	۸-۳. نظام های ریاستی و پارلمانی و مسئله مردم سالاری
۲۰	۹. نظام جمهوری اسلامی ایران
۲۰	۹-۱. حاکمیت های الهی و مردمی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲۲	۹-۲. چگونگی تحقق حاکمیت در قانون اساسی و در نظام اداری
۲۳	بخش دوم: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران
۲۳	فصل اول: نهاد رهبری
۲۴	۱. ولایت مطلقه فقیه و جایگاه مقام رهبری
۲۴	۲. تعیین رهبر
۲۵	۳. شرایط و صفات رهبر
۲۵	۴. وظایف و اختیارات رهبر
۲۶	۴-۱. تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام
۲۶	۴-۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام
۲۷	۴-۳. فرمان همه پرسی
۳۰	۵. شورای موقت رهبری
۳۱	فصل دوم: قوه مقننه
۳۲	۱. کلیات

۳۲	۲. مجلس شورای اسلامی.....
۳۲	۱-۲. تعداد نمایندگان و نحوه برگزاری جلسات.....
۳۳	۲-۲. ساختار مجلس شورای اسلامی.....
۳۴	۳-۲. اختیارات و وظایف نمایندگان.....
۳۴	۴-۲. مصونیت و استعفای نمایندگان.....
۳۴	۵-۲. اختیارات و مسئولیت‌های مجلس.....
۳۶	۶-۲. کمیسیون‌های داخلی مجلس.....
۳۷	۳. دیوان محاسبات کشور.....
۳۸	۱-۳. پیشینه و ساختار.....
۳۸	۲-۳. اهداف، وظایف و اختیارات.....
۴۰	۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.....
۴۰	۱-۴. اهداف و شرح وظایف مرکز.....
۴۰	۲-۴. ارکان مرکز.....
۴۱	۳-۴. ساختار مرکز.....
۴۲	۵. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.....
۴۲	۱-۵. جایگاه، ساختار سازمانی و وظایف.....
۴۴	۶. شورای نگهبان.....
۴۵	۱-۶. ساختار شورا و نحوه انتخاب اعضای آن.....
۴۵	۲-۶. وظایف و اختیارات شورا.....
۴۷	فصل سوم: قوه مجریه.
۴۸	۱. معنای دولت.....
۴۸	۲. وظایف و اختیارات قوه مجریه.....
۴۸	۱-۲. مسئولیت اجرای قانون اساسی.....
۴۸	۲-۲. امضا و ابلاغ مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی.....
۴۸	۳-۲. امضای عهدنامه‌ها، قراردادها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی.....
۴۸	۴-۲. مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور.....
۴۹	۵-۲. تعیین سفیران کشور و پذیرش استوارنامه‌های سفیران کشورهای دیگر.....
۴۹	۶-۲. اعطای نشان‌های دولتی.....
۴۹	۷-۲. انتخاب و عزل وزیران.....
۴۹	۸-۲. ریاست هیأت وزیران.....
۴۹	۹-۲. مسئولیت اقدامات وزیران.....
۴۹	۱۰-۲. اختیار وضع آئین‌نامه‌های اداری.....
۵۰	۱۱-۲. ریاست شوراهای عالی.....
۵۰	۳. شرایط انتخاب، عزل و استعفای رئیس‌جمهور.....
۵۰	۱-۳. انتخاب رئیس‌جمهور.....

- ۲-۳. عزل یا استعفای رئیس‌جمهور ۵۰
- ۳-۳. رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور ۵۱
۴. تشکیلات اجرایی و سازمان کار دولت ۵۱
۵. نهاد ریاست جمهوری و معاونین رئیس‌جمهور ۵۳
- ۱-۵. نهاد ریاست جمهوری ۵۳
- ۲-۵. معاونین رئیس‌جمهور ۵۳
۶. وزارتخانه‌ها، اهداف و وظایف آنها ۵۴
- ۱-۶. وزارت آموزش و پرورش ۵۴
- ۲-۶. وزارت امور خارجه ۵۷
- ۳-۶. وزارت اطلاعات ۵۸
- ۴-۶. وزارت امور اقتصادی و دارایی ۵۸
- ۵-۶. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ۶۱
- ۶-۶. وزارت صنعت، معدن و تجارت ۶۲
- ۷-۶. وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ۶۷
- ۸-۶. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ۶۹
- ۹-۶. وزارت جهاد کشاورزی ۷۲
- ۱۰-۶. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ۷۵
- ۱۱-۶. وزارت راه و شهرسازی ۷۷
- ۱۲-۶. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ۸۰
- ۱۳-۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۸۳
- ۱۴-۶. وزارت کشور ۸۶
- ۱۵-۶. وزارت نفت ۸۷
- ۱۶-۶. وزارت نیرو ۹۰
- ۱۷-۶. وزارت ورزش و جوانان ۹۲
- ۱۸-۶. وزارت دادگستری ۹۳
۷. معاونت‌های رئیس‌جمهور و سازمان‌های وابسته به قوه مجریه ۹۵
- ۱-۷. معاونت‌های توسعه مدیریت و سرمایه انسانی و برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور ۹۵
- ۲-۷. معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور ۱۰۰
- ۳-۷. بنیاد ملی نخبگان ۱۰۱
- ۴-۷. سازمان حفاظت محیط زیست ۱۰۳
- ۵-۷. سازمان انرژی اتمی ۱۰۵
- ۶-۷. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ۱۰۶
- ۷-۷. سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها ۱۰۹
- ۸-۷. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۱۱۱
۸. نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی ۱۱۲
۹. استانداران ۱۱۴

۱۱۸	فصل چهارم: قوه قضائیه
۱۱۹	۱. جایگاه و وظایف قوه قضائیه در نظام جمهوری اسلامی ایران
۱۲۰	۱-۱. اصول حاکم بر نظام قضائی جمهوری اسلامی ایران
۱۲۱	۲. نحوه انتصاب، وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه
۱۲۲	۳. تشکیلات دادگستری (دادسراها و دادگاه‌ها)
۱۲۳	۴. وزیر دادگستری
۱۲۴	۵. مراجع قضائی
۱۲۴	۵-۱. دیوان عالی کشور
۱۲۵	۵-۲. دادستانی کل کشور
۱۲۵	۵-۳. دادرسی و دادگاه عالی انتظامی قضات
۱۲۶	۵-۴. دیوان عدالت اداری
۱۲۷	۵-۵. سازمان قضائی نیروهای مسلح
۱۲۸	۵-۶. سایر مراجع قضائی
۱۲۸	۶. نهادهای شبه قضائی
۱۲۸	۶-۱. داوری
۱۲۸	۶-۲. شورای حل اختلاف
۱۲۹	۷. سازمان‌ها و تشکیلات غیرقضائی وابسته به قوه قضائیه
۱۲۹	۷-۱. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور
۱۳۰	۷-۲. سازمان بازرسی کل کشور
۱۳۲	۷-۳. سازمان پزشکی قانونی کشور
۱۳۲	۷-۴. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۱۳۳	۷-۵. شرکت سهامی روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
۱۳۳	۷-۶. دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری
۱۳۴	۸. نهادها و اشخاص مرتبط با قوه قضائیه
۱۳۴	۸-۱. وکلای دادگستری (کانون و کلا)
۱۳۴	۸-۲. کارشناسان رسمی دادگستری (کانون کارشناسان رسمی)
۱۳۴	۸-۳. مترجمان رسمی
۱۳۵	بخش سوم: شوراها و مجامع تخصصی در قانون اساسی
۱۳۶	۱. مفاهیم و کلیات
۱۳۶	۱-۱. تعریف شورا
۱۳۶	۱-۲. نقش شورا در جامعه
۱۳۶	۱-۳. اهمیت مشاوره در اسلام
۱۳۷	۱-۴. جایگاه شورا در نظام سیاسی اسلام
۱۳۷	۱-۵. محدوده مجاز برای مشورت
۱۳۷	۱-۶. اهداف مشورت

۲. جایگاه شوراها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸
۳. مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸
- ۳-۱. شرایط نمایندگان ۱۳۹
- ۳-۲. تعداد خبرگان و مدت هر دوره ۱۴۰
- ۳-۳. ساختار ۱۴۰
- ۳-۴. وظایف ۱۴۲
۴. شوراهای اسلامی (روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان) ۱۴۳
۵. مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۴۷
- ۵-۱. وظایف ۱۴۸
۶. شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما ۱۴۹
۷. شورای عالی امنیت ملی ۱۴۹
۸. شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۵۰
- ۸-۱. جایگاه، اهداف و وظایف ۱۵۱
- ۸-۲. دبیرخانه ۱۵۲
۹. شورای عالی اداری ۱۵۲
۱۰. شورای بازنگری قانون اساسی ۱۵۴
۱۱. شورای موقت رهبری ۱۵۵
۱۲. شورای نگهبان ۱۵۵
۱۳. سایر شوراها ۱۵۵
- بخش چهارم: سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و برنامه‌های توسعه** ۱۵۶
۱. تعریف چشم‌انداز ۱۵۷
۲. ساختار چشم‌انداز ۱۵۷
۳. سند چشم‌انداز ایران از منظر مقام معظم رهبری ۱۵۷
۴. متن سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی ۱۵۸
۵. ویژگی‌های سند چشم‌انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۶۰
۶. ابعاد اساسی سند چشم‌انداز ۱۶۱
۷. محورهای اصلی سند چشم‌انداز ۱۶۱
۸. اهداف سند چشم‌انداز ۱۶۲
۹. تحقق چشم‌انداز ۱۶۶
۱۰. الزامات تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله ۱۶۸
۱۱. برنامه‌های توسعه کشور ۱۶۹
۱۲. دهه چهارم؛ دهه پیشرفت و عدالت ۱۷۲
۱۳. الزامات عملی ساختن راهبرد پیشرفت همراه با عدالت ۱۷۲
۱۴. ابلاغ سیاست‌های برنامه پنجم؛ فرصتی برای نیل به پیشرفت و عدالت توأمان ۱۷۳
۱۵. الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت ۱۷۴

منابع و مآخذ.....	۱۷۵
الف) کتاب‌ها و مقالات.....	۱۷۵
ب) قوانین و مقررات.....	۱۷۶
ج) پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و سایت‌های اینترنتی.....	۱۷۷



پیشگفتار

در اجرای ماده ۵۸ قانون مدیریت خدمات کشوری^۱ و ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی فصل نهم قانون مذکور^۲، «نظام آموزش کارمندان دستگاه‌های اجرایی» توسط معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور به دستگاه‌های مشمول قانون مذکور ابلاغ شد^۳.

براساس ماده ۵ نظام مذکور، «آموزش‌های توجیهی و تصدی شغل بدو خدمت» یکی از انواع مهم آموزش‌هاست. این آموزش‌ها شامل دوره‌هایی است که با دو هدف «آشنا ساختن کارمندان جدیدالاستخدام با اهداف و وظایف دستگاه اجرایی محل خدمت آنها، قوانین و مقررات استخدامی، کلیات قانون مدیریت خدمات کشوری، حقوق فردی و شغلی، محیط کار، قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران و نظام اداری» و «ایجاد توانایی‌های شغلی (دانش، مهارت و نگرش) لازم برای تصدی شغل توسط کارمندان جدیدالاستخدام (رسمی، پیمانی و قراردادی) در بدو ورود به خدمت» طراحی و اجرا می‌شود.

محتوای دوره‌ها نیز شامل مباحث مربوط به آگاهی‌های عمومی در زمینه نظام جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تشکیلات دولت، نظام اداری و اصول، راهبردها و اهداف حاکم بر آن، قوانین و مقررات استخدامی، آشنایی با قانون مدیریت خدمات کشوری، آشنایی با برنامه‌های توسعه و اصول و سیاست‌های حاکم بر آن، آشنایی با وظایف، مسئولیت‌ها، حقوق و محیطی که کارمند قرار است در آن مشغول به کار شود، اخلاق کارگزاری و روابط انسانی در محیط کار و دانش، مهارت و نگرش تخصصی موردنیاز انجام وظایف شغلی در بدو ورود به خدمت است.

برای بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی کارمندان و پایه‌گذاری ارتباط سالم کارمند با نظام اداری و دستگاه محل خدمت، عناوین و طرح درس‌های دوره‌های آموزشی بدو خدمت طراحی و طی بخشنامه شماره ۲۰۰/۲۶۶۸۰ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۰ ابلاغ شده است.

این درس‌نامه، منبع آموزشی یکی از دوره‌های یادشده با عنوان «آشنایی با ساختار نظام و دولت جمهوری اسلامی ایران و سند چشم‌انداز» است که براساس سرفصل‌های دوره و برای بهره‌برداری فراگیران، به همت دفتر برنامه‌ریزی و توسعه آموزش مرکز تدوین شده است.

در این راستا لازم است از تلاش‌های همکاران محترم دفتر مذکور، سرکار خانم ایران رادمنش (مدیرکل)، جناب آقای احمد ذاقلی (رئیس گروه طراحی و برنامه‌ریزی آموزشی) و سرکار خانم‌ها زهرا امیرخانی و لیلا مهربانی (کارشناسان برنامه‌ریزی آموزشی) در امر سامان‌دهی و تدوین درسنامه حاضر، تشکر و قدردانی نمائیم.

با توجه به ضرورت بازنگری و انجام اصلاحات، برای رفع اشکالات و رسیدن به مرحله کمال مطلوب، از همه استادان، صاحب‌نظران و فراگیران محترم تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و ارائه پیشنهادها و دیدگاه‌های اصلاحی، ما را در اصلاح این درس‌نامه و تدوین دیگر آثار موردنیاز کارمندان دولت یاری کنند.

مرکز آموزش مدیریت دولتی

۱. مصوب کمیسیون مشترک مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۳۸۶/۰۷/۰۸.

۲. تصویب‌نامه شماره ۲۵۷۹/ت۴۳۹۱۶ک مورخ ۱۳۸۹/۱/۱۰.

۳. بخشنامه شماره ۲۰۰/۱۸۳۴ مورخ ۱۳۹۰/۱/۳۰.

بخش اول: کلیات

هدف کلی

ارتقای دانش فراگیران در زمینه قانون اساسی، نظام‌های سیاسی و حکومت جمهوری اسلامی ایران

اهداف رفتاری

انتظار می‌رود فراگیران پس از مطالعه این فصل بتوانند:

۱. تعاریف و مفاهیم قانون را توضیح دهند.
۲. انواع نظام‌های سیاسی را نام برده و ویژگی‌های آنها را تشریح کنند.
۳. چگونگی وضع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بازنگری در آن را شرح دهند.
۴. ویژگی‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را بیان کنند.



۱. مقدمه

قانون، از واژه یونانی «کنون» مشتق شده و به مفهوم خط‌کش یا قاعده است؛ اما قانون به معنای عام، وجه تفکیک زندگی مدنی از زندگی غیرمدنی انسان‌ها است. تمدن، در یک مفهوم، نتیجه پدید آمدن قانون در زندگی انسان‌ها است. انسان‌ها، تا زمانی که چیزی را به نام قاعده و قانون نمی‌شناختند، اثری از تمدن هم در میان‌شان وجود نداشت. بعد از ورود قانون و نظم در زندگی انسانی، انسان وارد مرحله تمدن شد؛ یعنی انسان آغاز به متمدن شدن کرد.

وقتی قانون، وجه تشخیص زندگی متمدن از غیرمتمدن است، پس اهمیت قانون در زندگی انسان امروزی، که متمدن‌ترین انسان در طول تاریخ انسانیت است، یک امر کاملاً واضح و بدیهی به‌شمار می‌رود. ارزش‌های زندگی انسان، امروز بیشتر از هر وقت دیگر نیاز به قانون دارد. ارزش‌های امروزی همه مبتنی‌اند بر عدالت؛ و قانون بهترین نهادی است در زندگی انسان‌ها که اگر به‌صورت درست اجرا شود، می‌تواند عدالت را به وجه احسن تأمین کرده و ضمانتی برای ارزش‌های انسانی ایجاد کند.^۲ در این جا وقتی از قانون یادآور می‌شویم، منظور عرف، عادات یا در کل، تعاملات اجتماعی و مقررات مذهبی نیست؛ منظور ما مقرراتی است که توسط مردم و یا نمایندگان منتخب آنها در چارچوب دولت‌های مدرن و دموکراتیک وضع شده و قابل اجرا می‌باشند.

۲. قانون و انواع آن

قانون عبارت است از «دخاله عادلانه دولت برای تحدید منافع و مطامع انسانی». به زحمت می‌توان دخالت کم و زیاد دولت را در امور اجتماعی مردم جداً مورد انکار قرار داد، زیرا زندگانی اجتماعی مردم بدون رعایت قوانین، بسیار مبهم، پیچیده و غیرقابل تحمل است.^۳ قانون براساس رویکردهای مختلف، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی دارد. در ادامه، به‌طور خلاصه، به انواع قانون براساس دیدگاه‌های متفاوت نسبت به آن، اشاره می‌شود:

الف) رویکرد منشأگرایی: قوانین از حیث منشأ وضع با یکدیگر تفاوت دارند. گاهی قوانین منشأ الهی و دینی و گاهی جنبه‌های اجتماعی دارند. به‌عنوان مثال قوانین مربوط به نکاح، مبانی دینی و منشأ الهی دارند، چرا که در قرآن کریم نسبت به برخی از اینها احکام صریحی وجود دارد؛ در حالی که قانون بیمه، قانونی است که جنبه اجتماعی دارد و خود جامعه انسانی به وضع این قوانین اقدام کرده است.

ب) رویکرد موضوعی: در این ارتباط بسته به اینکه قانون دربردارنده چه موضوع حقوقی باشد، به انواع مختلف از جمله قانون جزایی، کیفری، تجاری و اداری دسته‌بندی می‌شود. از سوی دیگر، بسته به اینکه تا چه اندازه قانون بر اراده و آزادی افراد جامعه تأثیرگذار باشد، قوانین به امری و تکمیلی تقسیم می‌شوند. در قوانین امری، افراد در صورت عدم اجرای قانون، مجرم شناخته می‌شوند. به‌عنوان مثال، قانون کار یک قانون امری است. اما در قوانین تکمیلی، قانون‌گذار برای اینکه اراده اشخاص را تکمیل کند و با قانون‌گذاری خودش به آنها کمک کند، به وضع قانون می‌پردازد و افراد می‌توانند برخلاف آن عمل کنند که در این زمینه می‌توان به قانون معاملات و قراردادها که در زیرمجموعه قانون مدنی می‌باشد اشاره کرد.

ج) رویکرد اجرایی: قوانین از حیث اجرا به دو دسته قوانین داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌شوند. قوانین داخلی در درون مرزهای یک کشور اجرا می‌شود، ولی دایره اجرای قوانین بین‌المللی فراتر از مرزهای یک کشور در سطح بین‌المللی است. از

1. Canon

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، دانش، ۱۳۸۸، ص ۵۱۷.

۳. رضا فیض مهدوی، قانون چیست؟، نشریه حقوق (قانون و کالا)، دوره اول، آذر و دی ۱۳۳۳، شماره ۳۹، صص ۲۳-۱۹.

این منظر قانون مجازات اسلامی، یک قانون با دایره شمول داخلی و قانون رفتار با اسیران جنگی، با توجه به اینکه در قالب یک کنوانسیون بین‌المللی از سوی کشورها پذیرفته شده است، یک قانون بین‌المللی است.

د) رویکرد دامنه شمول: قوانین از حیث دامنه شمول و مصادیق می‌تواند به قانون عام و قانون خاص تقسیم شود. قوانین عام، افراد زیادی یا به عبارت دیگر همه افراد جامعه را تحت شمول قرار می‌دهد یا ممکن است همه دستگاه‌های اجرایی جزو مصادیق این قانون باشند. به‌عنوان مثال قوانینی که در قانون مدنی وضع شده‌اند، مانند: قانون تابعیت ایران، از این جمله هستند. اما قانون خاص، قانونی است که برای اشخاص ویژه یا برای دستگاه‌های مشخصی وضع شده است. مثلاً: قوانین مربوط به نیروهای مسلح.

ه) رویکرد ارزشی: از لحاظ ارزش و اعتبار قانونی بندها، اجزاء و تبصره‌ها باید توجه کرد که تمام متن قانون از اعتبار یکسانی برخوردار است. هنگام بررسی قانون نمی‌توان یک بند یا جزء را ناچیزتر از بند دیگر دانست. یعنی مأمور اجرای قوانین حق ندارد به اعتبار اینکه این بند یا جزئی از یک قانون است، بدون مستند قانونی به آن بی‌اعتنایی یا خلاف آن عمل کند.

و) رویکرد رتبه‌بندی: به لحاظ مرتبت، قوانین به «اساسی»، «عادی» و «مصوبات هیأت وزیران» تقسیم می‌شوند.

- **قانون اساسی:** به قواعد و مقرراتی اطلاق می‌شود که اصول حاکم بر ساختار حکومت، روابط سیاسی افراد با دولت، نهادهای سیاسی و چگونگی توزیع قدرت میان فرمانروایان و شهروندان را تبیین می‌کند؛ قانون اساسی برترین قانون یک نظام سیاسی است که ثابت بوده و بر دیگر قوانین آن جامعه مقدم است. در جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان وظیفه حفظ اصول قانون اساسی و تضمین انطباق و عدم تعارض قوانین عادی با آن را برعهده دارد.

- **قوانین عادی:** موضوعات معمولی را حکم می‌کند و از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود. قوانین مصوب مجلس را گویند که در مقایسه با قانون اساسی، از ثبات و دوام کمتری برخوردارند و به تناسب نیازهای متغیر جامعه وضع می‌شوند. موضوعات مطرح در قانون اساسی بالاتر از قوانین عادی است و قوانین عادی نمی‌تواند در مغایرت با قوانین اساسی جامعه باشد.

- **مصوبات هیأت دولت و وزرا:** علاوه بر مصوبات مجلس قانون‌گذاری، هیأت دولت و وزرا نیز، گاه بخش‌نامه و آئین‌نامه‌هایی را صادر می‌کنند که همگی باید در چارچوب قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس قانون‌گذاری باشند.

۳. اجزای قانون

همه قوانین دربردارنده یک عنوان است که این عنوان تا حدود زیادی وابسته به موضوعی است که در آن قانون در مورد آن بحث شده است یا به عبارت دیگر، مهمترین موضوعی که در آن قانون مورد بحث واقع شده است. مثلاً قانون کار به طور کلی در مورد کارگر و کارفرما است.

قانون‌گذار مقررات را در متن قانون ارائه می‌کند. نحوه ارائه مقررات در متن قانون به چند شیوه است: در برخی مواقع قانون متشکل از یک ماده واحده است، یعنی یک موضوع خاص و معینی است که قانون‌گذار آن را تصویب می‌کند و بیش از یک متن ندارد. اما در برخی مواقع قانون دربردارنده چند ماده است. برخی قوانین ۲ یا ۳ ماده دارند، اما برخی قوانین مثل قانون مدنی ایران ۱۳۳۵ ماده دارد.

علاوه بر ماده واحده یا مواد، قوانین، اجزایی هم دارند. اجزای قوانین شامل تبصره‌ها، بندها و جزءها هستند. شاید در ظاهر به ذهن متبادر شود که منظور از تبصره یعنی واضح و روشن کردن بخشی از یک قاعده کلی که در ماده واحده یا یکی از مواد به آن اشاره شده که برای جلوگیری از برداشت غلط، تبصره‌ای ذیل آن ماده می‌آید تا روشنگر حکم آن ماده باشد. تبصره‌ها

به‌عنوان نوعی حامل مقرراتی هستند که علی‌القاعده باید دارای احکامی جزئی‌تر، کوتاه‌تر و مختصرتر باشند. ذیل تبصره‌ها ممکن است اجزای ریزتری شامل بندها، عبارتها و مقررات کوچک‌تر داشته باشیم.

۴. قانون اساسی و انواع آن

همان‌طور که ذکر شد، یکی از انواع قوانین، قانون اساسی است. در تعریفی عام، قانون اساسی به کلیه قواعد و مقررات عرفی و مدون یا پراکنده‌ای گفته می‌شود که مربوط به قدرت و اجرای آن است. بنابراین اصول و موازین حاکم بر روابط سیاسی افراد در ارتباط با دولت و نهادهای سیاسی کشور و شیوه تنظیم آنها، همچنین کیفیت توزیع قدرت میان فرمانروایان و فرمانبران از زمره قواعد قانون اساسی است. با این برداشت، هیچ جامعه، کشور یا دولتی نمی‌توان یافت که فاقد قانون اساسی باشد.

به‌طور خلاصه، قانون اساسی بر اساس دیدگاه‌های مختلف به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

۱. **قانون اساسی عرفی و قانون اساسی موضوعه:** قانون اساسی عرفی نیز مانند قانون اساسی موضوعه مربوط به انتقال و اجرای قدرت و ساختار سیاسی هر کشور است که در اثر تحولات تدریجی به وجود آمده است. قانون اساسی عرفی مجموعه‌ای از اعلامیه‌ها، منشورها و مصوبات مجلس قانون‌گذاری است، مانند قانون اساسی بریتانیا. اما قانون اساسی موضوعه توسط ارکان‌های مؤسس (مجلس مؤسسان، آراء مردم یا سایر دستگاه‌هایی که برای این منظور به وجود می‌آیند) در یک یا چند متن تهیه و به تصویب می‌رسد، مثل: قانون اساسی سوئیس.

۲. **قانون اساسی سخت (انعطاف‌ناپذیر) و قانون اساسی نرم (انعطاف‌پذیر):** قانون اساسی سخت و نرم را از جهت نحوه تجدیدنظر (بازنگری) به این نام می‌خوانند. زیرا قانون اساسی نرم را مانند قانون اساسی عادی از طریق مجالس مقننه با همان تشریفات قانون‌گذاری مورد تجدیدنظر قرار می‌دهند. اما تجدیدنظر در قانون اساسی سخت توسط مجلس (مجلس مؤسسان، مجلس خبرگان) یا به‌وسیله آراء مردم (همه‌پرسی) یا مخلوطی از شیوه‌های مختلف انجام می‌پذیرد.

۳. **قانون اساسی یک‌دست و قانون اساسی مختلط:** در قانون اساسی یک‌دست، کلیه اصول آن دارای ارزش مساوی است، اما در قانون اساسی مختلط از لحاظ قابلیت تجدیدنظر، اصول با هم تفاوت دارند.

۴. **قانون اساسی از لحاظ منشأ شکل‌گیری:** که این قسم خود به ۳ نوع دیگر تقسیم می‌شود:

- **قانون اساسی اقتداری:** قانون اساسی است که از سوی زمامدار بلامنازعی به‌عنوان امتیاز به مردم داده می‌شود.
- **قانون اساسی نیمه‌اقتداری:** گاهی شکل‌گیری قانون اساسی به‌وسیله حاکم مطلق، ولی با همکاری یک یا دو مجلس انجام می‌گیرد.
- **قانون اساسی مردم‌سالار:** این نوع قانون اساسی که در نتیجه نهضت‌ها و انقلاب‌ها به وجود می‌آید، از طریق مردم یا نمایندگان آنها تصویب می‌شود.

۵. تمایزات قانون اساسی با سایر قوانین و مقررات

۵-۱. از جهت وضع و تصویب

معمولاً قانون اساسی با تشریفات سنگین‌تر و بیشتری نسبت به قوانین عادی وضع و تصویب می‌شود؛ چنان‌که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شیوه مضاعف (خبرگان - همه‌پرسی) تدوین و تصویب شد؛ در حالی که قوانین عادی فقط از طریق مجلس شورای اسلامی وضع و تصویب می‌شوند.

۲-۵. از لحاظ شرح و تفسیر

شرح و تفسیر قانون اساسی هم تابع تشریفات خاص و متمایز از تشریفات تفسیر قوانین عادی است. حتی مرجع تفسیرکننده آنها نیز از هم جدا هستند. چنان‌که در کشور ما براساس اصل نود و هشتم قانون اساسی، «تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود» و به موجب اصل هفتاد و سوم، «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند، نیست».

۳-۵. از نظر لغو، تهذیب و تغییر یا تجدیدنظر و بازنگری

اصولاً قانون اساسی کمتر از قوانین دیگر دستخوش تغییر و تبدیل و یا نسخ و ابطال قرار می‌گیرد و اگر کشوری هم مسئله بازنگری و تجدیدنظر در قانون اساسی خود را بپذیرد، در این مورد تشریفات سنگینی را وضع می‌کند؛ چنان‌که در نظام جمهوری اسلامی ایران، بازنگری قانون اساسی با رعایت ضوابط ویژه‌ای عملی است که در ادامه خواهد آمد. حال آن‌که در مورد قوانین عادی، چنین تشریفات و وجود ندارد و از این حیث، انعطاف‌پذیرترند؛ تا جایی که حتی قوانینی به شکل آزمایشی و موقت از سوی کمیسیون‌های مجلس تصویب می‌شوند.

۴-۵. از جهت تبعیت و مطابقت با یکدیگر

قانون اساسی در رأس هرم قوانین و مقررات موضوعه کشور قرار دارد و سایر قوانین و مقررات نظیر قوانین عادی و احکام و نظام‌نامه‌های قوه مجریه نباید به نحوی آن را نقض کند یا با آن مغایر باشد. در کشور ما، مرجع ذی صلاح برای تشخیص انطباق و عدم مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی، شورای نگهبان است.

۶. ویژگی‌های لازم قانون اساسی

از آنجا که قانون اساسی، سند مهم حقوقی و سیاسی یک نظام به حساب می‌آید و به عنوان منبع مهم و همیشه قابل ارجاع و با ضمانت اجرای قوی حقوق اساسی معرفی شده است، برای تنظیم و تدوین و حتی نحوه نگارش آن، ضوابط و معیارهایی را باید در نظر گرفت که از آن جمله عبارتند از:

- الهام گرفتن از عقیده و ارزش‌های خاص و تناسب با فرهنگ و نیازهای جامعه.
- ابتکاری و غیرتقلیدی بودن؛ بدین بیان که کشورهایی که در طلیعه ایجاد یک نظام نوین قرار می‌گیرند سعی کنند به جای دراز کردن دست تکدی و در یوزگی به سوی کشورهایی که به زعم آنها مترقی و متمدن هستند، به سوی فرهنگ و متخصصان و خبرگان خود روی آورند و از آنان برای تدوین قانون اساسی کمک بگیرند.
- نپرداختن به امور جزئی؛ که اگر چنین شد، آن را از حالت بنیادی و چارچوبی خارج می‌سازد. در واقع قانون اساسی حتی‌الامکان باید به امور ثابت حاکمیت پردازد و امور متغیر را به قوانین عادی واگذار کند.
- نداشتن ابهام و پیچیدگی؛ چرا که عدم صراحت، وضوح و روشنی قانون، تعبیرها و برداشت‌های متضاد و مخالف با روح قانون را به همراه دارد که به صلابت و استحکام آن لطمه جبران‌ناپذیر وارد می‌سازد.
- عدم تعارض بین اصول قانون، نظم و ترتیب منطقی و قابل اجرا بودن قوانین و مقررات متناظر با آنها.^۱

۱. محمدجواد صفار، حقوق اساسی؛ آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (بعد از اصلاحات)، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۹، صص ۱۷-۱۹.

۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بازنگری در آن

حوادث دگرگون‌کننده مانند انقلاب‌ها، کودتاها و جنگ‌های داخلی که منجر به سقوط رژیم موجود و استقرار رژیم جدید می‌شود، تدوین و استقرار قانون اساسی جدید را ضروری می‌سازد. قانون اساسی سال‌های ۱۲۸۵ و ۱۲۸۶ ایران پس از انقلاب مشروطیت و قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸ از این گونه موارد به شمار می‌روند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برگزاری اولین انتخابات که منجر به تعیین نوع حکومت و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران شد، بحث راجع به تعیین قانون اساسی نظام در محافل مختلف گسترش یافت.

در این مرحله، با تیزبینی حضرت امام خمینی (ره)، پیش‌نویس قانون اساسی که پایه نظام جمهوری اسلامی ایران را بر آموزه‌ها و ارزش‌های حیات‌بخش اسلام به‌ویژه عدالت اجتماعی و جامعه توحیدی قرار داده، نگارش یافت و با تأکید آن حضرت، انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ برگزار شد.

خبرگان منتخب مردم که ترکیبی از افراد با سلیقه‌ها و انگیزه‌های مختلف بودند، در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸، پس از دریافت پیام حضرت امام (ره)، فعالیت خود را آغاز کرده و پس از ۳ ماه تلاش و کوشش فوق‌العاده و کار پرمسئولیت، تدوین قانون اساسی جمهوری ایران را به انجام رساندند.

قانون اساسی در نهایت در ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل به تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۵۸ توسط خبرگان قانون اساسی مورد تصویب قرار گرفت. سپس در یک همه‌پرسی در ۱۲ آذر سال ۱۳۵۸ به تأیید آحاد مردم ایران رسید و بدین گونه قانون اساسی تازه‌ای بر مبنای حقوق انسانی و اصول اسلامی تدوین و فصلی تازه در برابر قوانین اساسی کشورهای جهان گشوده شد.

در سال ۱۳۶۸، بخش‌هایی از قانون اساسی در شورای بازنگری قانون اساسی مورد بازنگری قرار گرفت و پس از برگزاری همه‌پرسی، به اجرا درآمد.

براساس اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی، بازنگری در قانون مذکور در موارد ضروری، به این ترتیب انجام می‌گیرد که مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، طی حکمی خطاب به رئیس‌جمهور، موارد اصلاح یا متمم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید:

۱. اعضای شورای نگهبان.
۲. رؤسای قوای سه‌گانه.
۳. اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۴. پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری.
۵. ده نفر به انتخاب مقام رهبری.
۶. سه نفر از هیأت وزیران.
۷. سه نفر از قوه قضائیه.
۸. ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی.
۹. سه نفر از دانشگاهیان.

شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند. مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم^۱ در

۱. اصل پنجاه و نهم قانون اساسی: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.»

مورد همه‌پرسی «بازنگری در قانون اساسی» لازم نیست. محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است.

۸. نظام‌های سیاسی

۸-۱. انواع نظام‌های سیاسی و ویژگی‌های آنها

در هر نظام سیاسی مشروع، از نظر شکلی، دو سؤال اصلی مطرح است؛ سؤال اول، مربوط به انتخاب روشی است که سهم حداکثری مردم را در طراحی و اجرای نظام سیاسی نشان دهد. سؤال دوم، مربوط به نحوه توزیع قدرت سیاسی در بین نهادها و قوای داخلی یک کشور است. کشورهای جهان تاکنون در پاسخ به سؤال اول، به طور عمده، سه نظام سیاسی را تجربه کرده‌اند که عبارتند از: **نظام ریاستی، نظام پارلمانی و نظام نیمه‌ریاستی و نیمه‌پارلمانی**. نمونه کامل این سه نظام به ترتیب، آمریکا، انگلستان و فرانسه است. در پاسخ به سؤال دوم، موضوع تفکیک قوا، به صورت افقی و یا عمودی (مطلق یا انعطاف‌ناپذیر و نسبی یا انعطاف‌پذیر) مورد پذیرش واقع شده است.^۱

۸-۱-۱. نظام‌های ریاستی

در نظام‌های ریاستی، رئیس کشور یا رئیس‌جمهور، رئیس حکومت (به معنی هیأت دولت) هم هست و دارای مسئولیت اجرایی است. در واقع در این حالت، **ریاست کشور با ریاست حکومت یکی است**. به عنوان مثال رئیس‌جمهور آمریکا هم رئیس کشور آمریکا است و هم رئیس قوه مجریه آن. نظام‌های ریاستی به صورت جمهوری اداره می‌شوند. در این نظام‌ها بین قوا تفکیک وجود دارد و قوه مجریه تا حد زیادی مستقل از قوه مقننه است.^۲

ویژگی‌های نظام ریاستی

۱. در این نظام، اعضای قوه مجریه و مقننه هر کدام به صورت مستقل از سوی مردم انتخاب می‌شوند. البته شکل انتخاب در کشورهای طرفدار این نظام، یکسان نیست. در کل، یا به صورت انتخابات دو درجه‌ای (غیرمستقیم) و یا یک درجه‌ای (مستقیم) است.
 ۲. الزاماً دو اکثریتی که قوه مجریه و مقننه را شکل می‌دهد، یکسان نیست. ممکن است از دو حزب متفاوت شکل بگیرد.
 ۳. استقلال قوا در این نظام رعایت شده و تفکیک، حالت افقی دارد؛ یعنی این دو قوه در برابر یکدیگر مستقل بوده و موضوع پاسخگو بودن در برابر یکدیگر، مطرح نیست. در نتیجه، سخن از عزل یا استیضاح و یا سؤال از رئیس قوه مجریه توسط مجلس وجود ندارد.

۴. وظایف هر کدام از دستگاه‌های کارگزار، تخصصی است. هیچ یک از قوا، حق دخالت در کار دیگری را ندارد.

لازم به یادآوری است، آنچه گذشت، مشخصات اصلی رژیم ریاستی است. علت نامگذاری این نوع رژیم به ریاستی، به کشور ابداع کننده آن، یعنی آمریکا برمی‌گردد. رئیس‌جمهور در این کشور نقش رهبری آن کشور را دارد. هم رئیس کشور و هم رئیس هیأت دولت است.^۳

۱. مسعود راعی، ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران، دومانه طرح ولایت، شماره ۱، ۱۳۹۰.

۲. سیدحسین زرهانی، نظام ریاستی و نظام پارلمانی، سایت اینترنتی <http://mystudents.persianblog.ir>، ۱۳۹۱/۰۸/۲۱.

۳. مسعود راعی، ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران، دومانه طرح ولایت، شماره ۱، ۱۳۹۰.

۸-۱-۲. نظام‌های پارلمانی

در نظام‌های پارلمانی، به نوعی بین ریاست کشور و ریاست هیأت دولت تفاوت وجود دارد. در واقع در این کشورها، رئیس کشور مقامی نمادین و تشریفاتی بوده و بیشتر وظیفه حل‌کننده برخی تعارض‌های پیش‌آمده بین قوا را برعهده دارد. در حالی که رئیس هیأت دولت یا نخست‌وزیر، مسئول اجرایی کشور محسوب می‌شود.

رؤسای کشورها تاکنون در دنیا به دو گونه بوده‌اند؛ یا رئیس‌جمهور هستند و یا شاه و ملکه. در این مدل، چه رئیس‌جمهور و چه شاه (ملکه)، دارای قدرت بالای اجرایی نیستند و در واقع نقش نماد وحدت ملی و حل‌کننده برخی تعارضات را برعهده دارند. اما نخست‌وزیر و یا صدراعظم دارای قدرت اصلی است. نخست‌وزیر در واقع و در بیشتر موارد، رهبر حزب پیروز در انتخابات پارلمانی است. بنابراین می‌توان گفت که دو گونه نظام پارلمانی وجود دارد:

۱- مشروطه سلطنتی (مانند انگلستان، ژاپن و نروژ)

۲- جمهوری با نظام پارلمانی (مانند هند و ترکیه).

در نظام‌های پارلمانی، تکیه بسیار زیادی بر احزاب می‌شود. احزاب در این نظام‌ها با رقابت جدی در سطح محلی و ملی برای کرسی‌های پارلمان تلاش می‌کنند و رهبر حزب و یا ائتلاف پیروز به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی می‌شود. در واقع مردم، پیش از انتخابات، رهبر احزاب و برنامه‌های احتمالی آنها را می‌دانند و بر این مبنای رأی می‌دهند.

ویژگی‌های نظام پارلمانی

۱. تفکیک قوا در آن عمودی و یا نسبی است.
۲. قوه مجریه از طریق قوه مقننه و نه به‌صورت مستقیم توسط مردم، انتخاب می‌شود.
۳. حاکمیت ملی از سوی مردم از رهگذر انتخابات، به نمایندگان پارلمان سپرده و از طریق پارلمان، به دستگاه‌ها و اشخاص کارگزار منتقل می‌شود.
۴. دستگاه‌ها در عین استقلال، موظف به پاسخ‌گویی در برابر دستگاهی هستند که از آن ناشی می‌شوند.
۵. به تعبیر برخی حقوق‌دانان، حالت همکاری قوا به‌صورت پارلمانی است.
۶. دستگاه‌های متمایز در رژیم پارلمانی، جنبه تخصصی کامل ندارد؛ یعنی دستگاه‌ها، کارکردهای مشترکی دارند.
۷. قوه مجریه معمولاً دو رکنی است؛ ریاست کشور که قاعدتاً رکن غیرمسئول است و ریاست هیأت دولت و کابینه (نخست‌وزیر)، که کلیه مسئولیت‌های سیاسی را برعهده دارد.
۸. مجلس منتخب مردم، حق دارد از راه سؤال و استیضاح و یا بررسی‌های پارلمانی و استفاده از نهادهای نظارتی، همچون دیوان محاسبات، قوه مجریه را کنترل کند.
۹. در مقابل، هیأت دولت نیز ابزارهای خاص تأثیرگذاری بر قوه مقننه را در اختیار دارد؛ مانند:

- تهیه لوایح قانونی و ارسال آن به مجلس جهت تصویب؛
- حق حضور وزرا در جلسات پارلمان جهت دفاع از نظرات و سیاست‌های خود؛
- دخالت و تأثیر هیأت دولت در کار قانون‌گذاری از طریق تصویب‌نامه و آئین‌نامه ماهوی و اجرایی.

نکته مهم آن که، تعادل قوا در این رژیم به دو صورت شکل می‌گیرد: امکان اسقاط کابینه، به واسطه رأی عدم اعتماد نمایندگان مجلس به کابینه و حق انحلال پارلمان توسط قوه مجریه.

۸-۱-۳. نظام‌های نیمه‌ریاستی و نیمه پارلمانی

برخی از قوانین اساسی از آمیختن دو نظام سیاسی پیشرفته به نوعی نظام جدید، که اصطلاحاً نیمه‌ریاستی و به تعبیر دقیق‌تر، مجریه نیمه‌ریاستی نامیده می‌شود، دست یافته‌اند. در این الگو، قوه مجریه دو رکنی است. جایگاه رئیس‌جمهور شبیه نظام ریاستی است و نخست‌وزیر و وزرا توسط او معرفی می‌شوند؛ البته در برابر مجلس مسئولیت دارند (به جز رئیس‌جمهور). بارزترین این نوع رژیم در فرانسه است. هرچند در زمینه شکل‌گیری هیأت‌ها، نوآوری به وجود آمده است. مثلاً هنگامی که نخست‌وزیر از سوی رئیس‌جمهور منصوب شد و کابینه را تشکیل داد، برنامه خود را تحت عنوان اعلامیه سیاست عمومی دولت در برابر دولت ملی قرائت می‌کند. رأی موافق به اعلامیه دولت، به منزله رأی اعتماد به هیأت دولت است.

۸-۲. ارزیابی نظام‌های سیاسی

هر یک از نظام‌های سیاسی، دارای نقاط قوت و ضعف خاص خود هستند که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۸-۲-۱. ارزیابی نظام ریاستی

این نظام حاصل دو اکثریت است. این دو اکثریت در مواردی همسان و در مواردی غیرهمسان می‌باشد. مثلاً ممکن است رئیس قوه مجریه از یک حزب و نمایندگان مجلس از حزب دیگری باشند که خود زمینه تعارض را به وجود می‌آورد. از آنجا که وزرا در برابر مجلس پاسخگو نبوده و مجلس نمی‌تواند آنها را مورد سؤال و یا استیضاح قرار دهد، با نوعی مصونیت مواجه می‌شوند؛ چرا که تنها راه عزل آنها از طریق خواست رئیس‌جمهور است.

همچنین هزینه مشارکت مردم در اعمال حق سیاسی خود، افزایش می‌یابد؛ چرا که باید حداقل دو بار سر صندوق حاضر شوند و این خود هزینه‌های زیادی برای کشور دارد.

۸-۲-۲. ارزیابی نظام پارلمانی

در نظام پارلمانی نیز معضلاتی وجود دارد: به عنوان مثال، اگر قرار باشد رئیس قوه مجریه از سوی پارلمان انتخاب شود، این اتفاق با حضور احزاب در یک کشور مناسبت بیشتری دارد. در نتیجه، چنانچه کشوری فاقد حزب باشد، عملاً مردم نمی‌دانند. نمایندگان آنها به چه شخصی به عنوان رئیس قوه مجریه رأی خواهند داد. از سوی دیگر، حق انحلال پارلمان توسط قوه مجریه پذیرفته شده است. از آنجا که مردم تنها از یک طریق می‌توانند مشارکت سیاسی خود را اعمال کنند، انحلال پارلمان، یعنی عدم توجه به انتخاب مردم. بهره‌گیری از رأی عدم اعتماد که یکی از مهم‌ترین وسایل برای مهار قدرت قوه مجریه است، خود می‌تواند ابزاری برای مبارزه با قوه مجریه و ناکارآمد کردن آن شود.

امکان تبانی نمایندگان مجلس در رأی ندادن به برنامه‌ها و سیاست‌های دولت و یا عدم تصویب بودجه نیز، از دیگر آسیب‌های این نظام است. در عین حال، عدم وضع آئین‌نامه یا تأخیر در وضع آن توسط قوه مجریه، عملاً مصوبات مجلس را به کاغذی بی‌خاصیت تبدیل می‌کند. به عبارت دیگر، تمایز قوا، همکاری در وظایف و وابستگی اندامی، تبدیل به ضد خود می‌شود.

۸-۲-۳. ارزیابی نظام نیمه‌ریاستی و نیمه پارلمانی

نظام‌های نیمه‌ریاستی نیز علی‌رغم همه تلاش‌های به عمل آمده، خالی از عیب نیست. همان‌طور که گذشت، بارزترین نمونه این نظام‌ها در فرانسه است که می‌توان به برخی از اشکالات آن اشاره کرد. رئیس‌جمهور از حق وتوی تعلیقی، نسبت به مصوبات پارلمان برخوردار است. او می‌تواند از حربه رفراندوم استفاده کند و به تحمیل افکار و سیاست‌های خود پردازد. حق دارد پارلمان را منحل کند. همین‌طور می‌تواند اجلاس‌های پارلمان را کنترل کند.^۱

۸-۳. نظام‌های ریاستی و پارلمانی و مسئله مردم‌سالاری

باید توجه داشت که وجود نظام ریاستی یا پارلمانی الزاماً به معنی وجود مردم‌سالاری حقیقی در یک کشور نیست. زیرا بسیاری از رژیم‌های ریاستی به دام استبداد افتاده‌اند. به‌عنوان نمونه می‌توان به وضعیت کشور مصر در دوران حکومت حسنی مبارک اشاره کرد. در حالی که این کشور از وجود همه نهادها و مؤسسات مردم‌سالاری بهره‌مند بود، اما رئیس‌جمهور این کشور با افزایش اختیارات خود، تمامی این نهادها را ناکارآمد کرد و کشور را به سمت خودکامگی و استبداد کشاند. البته این مسئله اختصاص به نظام‌های ریاستی ندارد. نظام‌های پارلمانی هم می‌توانند به شکل استبدادی اداره شوند. به‌عنوان نمونه می‌توان به شرایط سیاسی ایران پس از انقلاب مشروطه اشاره کرد. طبق قانون اساسی مشروطه قرار بود شاه ایران دارای اختیارات اجرایی و حکومتی نباشد و فقط سلطنت کند. همچنین قرار بود مجلس شورای ملی به‌عنوان نماد اراده ملت به انتخاب نخست‌وزیر اقدام کرده و شاه نیز به‌عنوان نماد وحدت ملی و به‌عنوان رئیس کشور، انتخاب مجلس را تأیید نماید. اما عملاً در دوران دو پادشاه رژیم پهلوی، رئیس کشور، یعنی شاه، دارای قدرت اصلی و سیاسی کشور بود و پارلمان و نخست‌وزیر، گوش به فرمان آنها بودند.

۹. نظام جمهوری اسلامی ایران

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران مانند کدامیک از موارد پیش گفته است؟ با رجوع به اصول مختلف قانون اساسی، به دست می‌آید که این نظام تقریباً تمام ویژگی‌های دو نظام ریاستی و پارلمانی را دارد. شاید بتوان آن را شبه‌ریاستی و یا شبه‌پارلمانی نامید؛ چرا که نمایندگان حق سؤال و عزل وزرا و رئیس‌جمهور (رأی به عدم کفایت سیاسی طبق اصل هشتاد و نهم) را دارند. از سوی دیگر، دولت با ارائه لایحه به مجلس در کار قانون‌گذاری وارد می‌شود و می‌تواند آئین‌نامه‌هایی وضع کند که خود، زمینه دخالت دولت در وضع قانون را نشان می‌دهد.

در این نظام، رئیس‌جمهور منتخب مردم است و نمایندگان هم منتخب مردم؛ یعنی دو اکثریت در اینجا مطرح است. از سوی دیگر، رئیس‌جمهور مسئول اجرای قانون اساسی است و گونه‌ای از حق نظارت برای او شناسایی شده است. سرانجام، تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری در اختیار رهبری نظام است که مشروعیت اقدامات رئیس‌جمهور بر این اساس است. رهبری در صورت صلاحدید، طبق قانون حق دارد حکم ریاست‌جمهوری را تنفیذ نکند.

۹-۱. حاکمیت‌های الهی و مردمی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

نخستین تفکرات کلی سازمان و مدیریت، در مقدمه قانون اساسی، در بخش «حکومت اسلامی» به چشم می‌خورد که حاکمیت دولت را در جامعه اسلامی بر دو پایه ولایت‌فقیه (رهبری) و مشارکت فعال مردم در تصمیم‌گیری‌ها می‌داند. مقدمه قانون همچنین در بخش «شیوه حکومت در اسلام»، به بیان ویژگی‌های جامعه اسلامی می‌پردازد و هدف آن را پرورش انسان‌هایی با

۱. مسعود راعی، ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران، دومانه‌نامه طرح ولایت، شماره ۱، ۱۳۹۰.

ارزش‌های والای اسلامی و ایجاد جامعه نمونه (اسوه) برای مستضعفان جهان در راه تشکیل امت واحد جهانی قلمداد می‌کند. در مقدمه قانون اساسی آمده است:

«و اکنون قانون اساسی بر آن است که با موازین اسلامی، جامعه نمونه (اسوه) بنا کند و در گسترش روابط بین‌المللی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند...»

مقدمه قانون اساسی در خصوص چگونگی تشکیل جامعه اسلامی معتقد است که جامعه اسلامی بر پایه ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی تشکیل می‌شود و صالحان عهده‌دار حکومت و اداره آن نهادها و بنیادها هستند. «قانون‌گذاری» که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است، بر مدار قرآن و سنت در جامعه جریان دارد و قانون اساسی ضمن تأکید بر حاکمیت خداوند، بر حاکمیت مردم نیز از طریق مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز، توجه تام دارد. بنابراین، براساس اصل یکم قانون اساسی^۱، نظام سیاسی حاکم بر ایران، «جمهوری اسلامی» و براساس اصل دوم، نظام جمهوری اسلامی ایران دارای دو پایه اساسی یا دو گونه حاکمیت است. پایه نخست، «حاکمیت خداوند» است که نظام سیاسی ایران را «مشروعیت» می‌بخشد و پایه دوم، «حاکمیت مردم» است که به نظام سیاسی «مقبولیت عامه» می‌دهد. اصل پنجاه و ششم قانون اساسی در خصوص حاکمیت دوگانه می‌گوید:

«حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خدا است و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقتی که در اصول بعد می‌آید، اعمال می‌کند.»

ابعاد حاکمیت‌های الهی و مردمی نظام سیاسی ایران، که از اصول دین و مذهب اسلام نشأت گرفته و حکومت توحیدمحور و مردم‌سالار هدایت شده را به وجود آورده است، در اصل دوم قانون اساسی به ترتیب زیر مشخص شده است:

«جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱. خدای یکتا (لااله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛
۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛
۳. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛
۴. عدل خدا در خلقت و تشریح؛
۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی؛
۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه:

الف) اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین؛

ب) استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها؛

ج) نفی هرگونه ستمگری و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.»

۱. اصل یکم قانون اساسی: «حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله‌العظمی امام خمینی، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یک هزار و سیصد و نود و نه هجری قمری، با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.»

۹-۲. چگونگی تحقق حاکمیت در قانون اساسی و در نظام اداری

۹-۲-۱. تحقق حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

لفظ «اسلامی» در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، بر حاکمیت خداوند یا مشروعیت نظام (محتوا) و لفظ «جمهوری»، بر حاکمیت مردمی یا مقبولیت نظام (شکل) دلالت دارد. اصولی از قانون اساسی، چگونگی تحقق حاکمیت الهی (اصول چهارم^۱، پنجم^۲ و ... و مردمی (اصول ششم^۳، هفتم^۴ و ...) را در تدوین و اجرای ساختار نظام نشان می‌دهد.

۹-۲-۲. تحقق حاکمیت در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران

در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران نیز دو حاکمیت وجود دارد که هر یک با سازمان کار و مدیریت خاص، کشور را اداره می‌کند. تحقق حاکمیت الهی از طریق ولایت فقیه (رهبری) و تحقق حاکمیت مردمی از طریق استقرار نهادها و قوای سه‌گانه است^۵ که در بخش‌های بعد به آنها خواهیم پرداخت.



۱. اصل چهارم قانون اساسی: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است.»
۲. اصل پنجم قانون اساسی: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و باتقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدبر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.»
۳. اصل ششم قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود؛ از راه انتخابات: انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها؛ یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.»
۴. اصل هفتم قانون اساسی: «طبق دستور قرآن کریم: «و امرهم شوری بینهم» و «شاورهم فی الامر»، شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.»
۵. بهاء‌الدین برهانی، آشنایی با سازمان کار و مدیریت دولت جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۶، صص ۲۳-۲۱.

بخش دوم: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران

هدف کلی

ارتقای دانش فراگیران در زمینه جایگاه نهاد رهبری و قوای سه گانه حاکم در نظام جمهوری اسلامی ایران

فصل اول: نهاد رهبری

هدف کلی

ارتقای دانش فراگیران در زمینه مفهوم ولایت فقیه و جایگاه، وظایف و اختیارات مقام رهبری

اهداف رفتاری

انتظار می رود فراگیران پس از مطالعه این فصل بتوانند:

۱. مفهوم و جایگاه ولایت فقیه را در ساختار نظام توضیح دهند.

۲. نحوه تعیین و شرایط و صفات رهبر را براساس اصول قانون اساسی بیان نمایند.

۳. وظایف و اختیارات مقام رهبری را تشریح کنند.

۱. ولایت مطلقه فقیه و جایگاه مقام رهبری

ولایت فقیه به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد نظام جمهوری اسلامی است که مطابق قانون اساسی، در اعمال مستقیم و غیرمستقیم قدرت سیاسی نقش بسیار مهمی دارد. نظریه ولایت فقیه حضرت امام خمینی (ره) که مبنای نظام جمهوری اسلامی است، وظایف، شرایط و اختیاراتی را برای ولی فقیه اثبات کرده که بیشترین قرابت و شباهت را با نظام امامت دارد. با تکمیل و متمم این نظریه در طول حیات ده ساله حضرت امام (ره) در نظام جمهوری اسلامی، «ولایت مطلقه فقیه» در قانون اساسی نهادینه شد. در واقع قانون اساسی، ترجمان حقوقی و ساختاری همان نظریه است که براساس ولایت امر و امامت مستمر، زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایط را آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد. بنابراین می‌توان گفت که مبنای فکری و نظری نظام جمهوری اسلامی ایران، نظریه «ولایت مطلقه فقیه» حضرت امام خمینی (ره) و ساختار حقوقی و اجرایی آن، «قانون اساسی» است.

علاوه بر این که در مقدمه قانون اساسی بر طرح حکومت اسلامی متکی بر ولایت فقیه تأکید شده است، بند ۵ اصل دوم نیز اعتقاد به «امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی» را به‌عنوان اساس نظام بیان کرده است. در راستای همین امامت و رهبری مستمر است که در اصل پنجم، «اصل ولایت فقیه» گنجانده شده و ولایت امر و امامت امت در زمان غیبت برعهده فقیه گذاشته شده است.

همچنین طبق اصل پنجاه و هفتم^۱، حق حاکمیت ملت نیز براساس اعتقاد مکتبی به امامت، از طریق ولایت فقیه اعمال می‌گردد. رهبری الهی ایجاب می‌کند ولی امر و رئیس حکومت (دولت)، بر قوای سه‌گانه، که حاکمیت ملت را اعمال می‌کنند، نظارت عالی داشته باشد. بر این اساس است که این اصل، صراحتاً هر سه قوه را «زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت» قرار داده است تا با نظارت عالی رهبری بر قوای سه‌گانه، پشتوانه اسلامی نظام و مشروعیت الهی رژیم سیاسی تأمین گردد. بنابراین نقش ولی امر در هدایت مجموعه نظام کاملاً روشن است.^۲

۲. تعیین رهبر

براساس اصل یکصد و هفتم قانون اساسی، «مقام رهبری در ایران انتخابی است نه انتصابی؛ مطابق اصل مذکور، «پس از مرجع عالی‌قدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی (قدس سره‌الشریف)، که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم، بررسی و مشورت می‌کنند؛ هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت، یکی از آنان را به‌عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را برعهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است».

۱. اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند».

۲. شفیعی فر، محمد، جایگاه ولایت فقیه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۷۸.

۳. شرایط و صفات رهبر

براساس اصل یکصد و نهم قانون اساسی، شرایط و صفات رهبر عبارتند از:

۱. صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه؛
 ۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛
 ۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.
- در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد، مقدم است.

۴. وظایف و اختیارات رهبر

همان‌گونه که ذکر شد، ولایت فقیه از ارکان عمده نظام جمهوری اسلامی است و مطابق اصل پنجم قانون اساسی، در زمان غیبت، ولایت امر و امامت امت را برعهده دارد. این اصل حقوقی برگردان قانونی مبانی اعتقادی نظام است که در مقدمه و نیز اصول کلی قانون اساسی بر آنها تأکید شده است. جهت تحقق ولایت امر و به‌منظور حضور و نظارت فعال رهبری بر کلیه ارکان نظام، اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران را زیرنظر ولایت مطلقه امر و امامت امت قرار داده است تا با نظارت عالیه رهبری بر قوای سه‌گانه، پشتوانه اسلامی نظام و مشروعیت الهی رژیم سیاسی تأمین گردد. بنابراین نقش ولی امر در هدایت مجموعه نظام کاملاً روشن است.

اما رهبری به‌عنوان رئیس دولت - کشور، اختیارات و وظایفی هم به‌منظور اعمال مستقیم قدرت دارد که اصل یکصد و دهم قانون اساسی حداقل به ۱۱ مورد از مصادیق آن اشاره کرده است. همچنین براساس اصل یکصد و هفتاد و هفتم، که در بازنگری سال ۱۳۶۸ به قانون اساسی اضافه شد، ابتکار تجدیدنظر در قانون اساسی از آغاز تا انجام در دست مقام رهبری و تحت نظارت ایشان می‌باشد. این اختیارات همراه با گستره وسیع نظارت رهبری بر قوای حاکم، نشان‌دهنده اراده قانون‌گذار در جهت اعتلای اقتدار مقام ولایت امر و تسلط و اشراف ایشان بر کلیه ارکان نظام اسلامی است.

براساس اصل یکصد و دهم قانون اساسی، «وظایف و اختیارات رهبر به شرح زیر است:

۱. تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام؛
۳. فرمان همه‌پرسی؛
۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح؛
۵. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها؛
۶. نصب و عزل و قبول استعفا؛
- الف) فقهای شورای نگهبان؛
- ب) عالی‌ترین مقام قوه قضائیه؛
- ج) رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران؛
- د) رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران؛^۱

۱. ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، بالاترین مرجع نظامی نیروهای مسلح در کشور است که مسئولیت سیاست‌گذاری، هماهنگی و فرماندهی همه نیروهای مسلح ایران از جمله ارتش، سپاه و نیروی انتظامی را برعهده دارد.

ه) فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛

و) فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی؛

۷. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه؛

۸. حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

۹. امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم. صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی

که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخاب به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد؛

۱۰. عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا

رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی براساس اصل هشتماد و نهم؛^۱

۱۱. عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.

رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند».

۴-۱. تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام

مطابق این بند، سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی در همه زمینه‌های داخلی و خارجی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی،

فرهنگی و ... به‌وسیله مقام رهبری تعیین و ترسیم می‌شود و مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی

امنیت ملی، هیأت دولت و سایر مراجع ذی‌ربط نیز باید در محدوده این سیاست‌های کلی و در چارچوب قانون اساسی و موازین

شرعی، بستر و زمینه لازم را برای اجرایی کردن آنها از طریق وضع قوانین و مقررات، تدوین آئین‌نامه‌ها و ... فراهم آورند.

البته رهبری برای اعمال این اختیار مهم و کلیدی، بازوها و عواملی جهت مشاوره و کارشناسی در اختیار دارد که مهم‌ترین

آنها، مجمع تشخیص مصلحت نظام است که همه اعضای آن منصوب رهبری و معمولاً از شخصیت‌های مهم سیاسی، اقتصادی،

فرهنگی و ... هستند. مقام معظم رهبری در آخرین حکم خود، تعیین سیاست‌های کلی را به مجمع مذکور تفویض کردند.

۴-۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام

رهبری همان‌طور که مسئولیت تعیین سیاست‌های کلی نظام را برعهده دارد، با دقت تمام بر حسن اجرای این سیاست‌ها نیز

نظارت دارد تا سیاست‌های تعیین شده به هنگام اجرا، از اهداف و آرمان‌های اصلی منحرف نشده و به خوبی پیاده شود. این

مسئولیت را نیز رهبری به مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض نموده‌اند.

۱. اصل هشتماد و نهم قانون اساسی: «۱. نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند، هیأت وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند؛ استیضاح

وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیأت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح

آن در مجلس حاضر شده و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیأت وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح

خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند، اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رأی اعتماد نداد، هیأت وزیران یا وزیر مورد

استیضاح، عزل می‌شود. در هر دو صورت، وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیأت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می‌شود، عضویت پیدا کنند. ۲. در صورتی که

حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس‌جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند،

رئیس‌جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات

نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس‌جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس‌جمهور رأی دادند، مراتب جهت اجرای بند ده اصل یکصد و دهم،

به اطلاع مقام رهبری می‌رسد».

۴-۳. فرمان همه‌پرسی

مراجعه مستقیم به آراء عمومی و همه‌پرسی، به‌عنوان یکی از راه‌های قانون‌گذاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است و در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌توان از همه‌پرسی بهره برد. تشخیص و ابتکار عمل در این مورد به دست رهبری است که قاعداً با مشورت نهادهای ذی‌ربط، ضرورت و اهمیت انجام همه‌پرسی را تشخیص خواهد داد. البته مراجعه به آراء عمومی بعد از بازنگری در قانون اساسی، یک ضرورت قانونی است و به ابتکار رهبری بستگی ندارد؛ ولی در سایر موارد، همه‌پرسی با درخواست رهبری و تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس انجام می‌شود.

۴-۴. فرماندهی کل نیروهای مسلح

در همه نظام‌های سیاسی، نیروهای مسلح جایگاه بسیار مهمی دارد و در سپردن اختیار آنها به شخص یا نهادی، دقت زیادی به کار می‌رود تا ضمن حفظ موازنه قدرت، از بروز مخاطرات جلوگیری شود. در نظام جمهوری اسلامی این اختیار به نهادی داده شده که از حد اعلای مشروعیت الهی و مردمی برخوردار است و توازن قوا را نیز به هم نمی‌زند.

نیروهای مسلح با این که از لحاظ تشکیلاتی و سازمانی جزو قوه مجریه محسوب می‌شوند، ولی از لحاظ فرماندهی و نیز سیاست‌گذاری‌های کلان تابع مقام رهبری هستند. فرماندهی نیروهای مسلح از جمله موارد مشخصی است که طبق اصول شصتم^۱ و یکصد و سیزدهم^۲ قانون اساسی از قوه مجریه مستثنا شده و مستقیماً به رهبری سپرده شده است. البته رهبری در اعمال این مسئولیت نیز از مشاوره و مشارکت نهادهای دیگر همچون شورای عالی امنیت ملی بهره می‌برد.

۴-۵. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها

اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها در شرایطی که ضرورت و مصلحت ایجاب کند، از مسئولیت‌ها و وظایف رهبری است. به همین منظور بسیج نیروهای نظامی و مردمی جهت دفاع از نظام و میهن اسلامی و مقابله با تهاجمات و توطئه‌ها نیز توسط ایشان انجام می‌گیرد؛ زیرا فرماندهی کل نیروهای مسلح در اختیار اوست. لازم به ذکر است، رهبری در این مسئله نیز از مشاورت و کمک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی، نیروهای مسلح و سایر نهادهای ذی‌صلاح کمک می‌گیرد.

۴-۶. نصب و عزل و قبول استعفا

فقهای شورای نگهبان مسئول پاسداری از احکام اسلامی هستند و رهبری از طریق عزل و نصب آنها، بر فرایند تدوین و تصویب تمام قوانین و مقررات کشور نظارت می‌کند تا خط مکتبی نظام حفظ شود. این اختیار، فقهای شورای نگهبان را کاملاً در جهت اهداف نظام و منویات رهبری قرار می‌دهد.

رئیس قوه قضائیه هم که عالی‌ترین مقام این قوه است، توسط رهبری نصب یا عزل می‌شود. وظایف و اختیارات بسیار مهم قوه قضائیه و رئیس آن و نیز استقلال این قوه از قوای دیگر می‌تواند آن را در موضعی برتر و بالاتر از سایر قوا قرار دهد و استقلال آنها را تهدید نکند. لذا برای حفظ تعادل و توازن قوا، نبض این قوه در اختیار مقام برتر و بی‌طرفی است که اجازه نمی‌دهد این قوه از حدود خود خارج شود. البته لزوم رعایت شرایط ویژه برای رئیس قوه قضائیه و نیز قضات موجب می‌شود که عامل هدایت و کنترل‌کننده، به اهرم فشار و قدرت تبدیل نشود.

۱. اصل شصتم قانون اساسی: «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً برعهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهور و وزرا است.»

۲. اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی: «پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد.»

نصب و عزل و قبول استعفای رئیس سازمان صدا و سیما نیز از جمله مسئولیت‌های رهبری است که در اصل یکصد و هفتاد و پنجم^۱ قانون اساسی بدان تصریح شده است.

همچنین مسئولیت نصب و عزل و قبول استعفای رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی نیز بر عهده مقام رهبری است.

۴-۷. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه

مطابق اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی، قوای سه‌گانه در جمهوری اسلامی مستقل از یکدیگر بوده و هریک وظایف خاص خود را انجام می‌دهند. اما چون سیستم تفکیک نسبی قوا حاکم است، به هر حال با هم برخورد و تلاقی نیز دارند. زیرا از یک سو بین آنها ارتباط و هماهنگی وجود دارد و از سوی دیگر اقتدار و نفوذ. به همین علت باید برای تنظیم روابط بین قوا راه‌حلی اندیشیده می‌شد، به طوری که موجب تمرکز قدرت در یک قوه و در نتیجه نفوذ قانونی آن قوه در قوای دیگر و نقض استقلال آنها نشود. این بود که در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، وظیفه حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه به رهبری سپرده شد تا هم نظارت بر سه قوه را تأمین و توجیه کند و هم از تمرکز بیش از حد قدرت در یک قوه جلوگیری نماید. بدیهی است نفوذ رهبری، دارا بودن منصب ولایت و توان تأثیرگذاری ایشان بر هر سه قوه، اجماع نظر بین سران قوای سه‌گانه را تسهیل می‌کند.

۴-۸. حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست.

گاه مسائل و معضلاتی دامن‌گیر نظام می‌شود که از راه‌های عادی و قانونی موجود قابل حل نیست؛ مسائلی که ممکن است پیش‌بینی خاصی برای آنها در قانون اساسی و قوانین عادی صورت نگرفته باشد یا اگر هم پیش‌بینی شده، مصلحت نظام اسلامی اقتضا می‌کند که در مورد آن معضل خاص، با سرعت ویژه و روش خاص عمل شود. اینجا فقط مقام رهبری است که می‌تواند گره مشکل را به سرپنجه تدبیر بگشاید و مسلماً مشورت ایشان با اهل نظر و به‌خصوص مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز کارساز است.

۴-۹. امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم

علاوه بر اینکه صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری باید در مرحله قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان برسد، پس از کسب آرای مردم نیز، تنفیذ حکم رئیس‌جمهور از سوی رهبری، یک شرط لازم و کافی برای احراز مقام ریاست جمهوری است. در نظر گرفتن این شرط بدین خاطر است که رئیس‌جمهور پس از مقام رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور و عهده‌دار مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه «به استثنای مواردی که مستقیماً بر عهده رهبری است» می‌باشد و برای اعمال این اختیارات و تصرف در شئون جامعه، علاوه بر کسب مشروعیت مردمی، به اذن و اجازه ولی فقیه نیز احتیاج دارد تا اختیارات اجرایی و اقتدار قانونی او که همواره با اعمال نوعی ولایت و حاکمیت همراه است، از مشروعیت الهی و دینی نیز برخوردار شود. از این نظر، تصور امضای حکم ریاست جمهوری به‌عنوان یک مسئله تشریفاتی، تصوری باطل است؛ زیرا امضای این حکم، در واقع انفاذ مقام ولایت برای مشروعیت تصرفات رئیس‌جمهور است.

۱. اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی: «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر)، نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خط‌مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.»

۴-۱۰. عزل رئیس‌جمهور

آخرین مرحله عزل رئیس‌جمهور، یا به عبارتی عمل حقوقی و شرعی آن، در حوزه مسئولیت رهبری است و قبل از آن باید دیوان عالی کشور به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی‌اش حکم داده باشد یا مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتم و نهم قانون اساسی با دو سوم آراء، استیضاح و عدم کفایت سیاسی وی را تأیید و تصویب کرده باشد؛ یعنی برای اعمال این اختیار از سوی رهبری، باید شرایطی رعایت شود. پس از این مرحله مقدماتی، رهبری با در نظر گرفتن مصالح کشور، عزل رئیس‌جمهور را انجام می‌دهد.

اختیار عزل رئیس‌جمهور، همراه با امضا و تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری، راهی برای برقراری تعادل بین قوا و در جهت اعمال اختیار رهبری در زمینه «تنظیم روابط قوای سه‌گانه» است. وظایف و اختیارات برتر رئیس‌جمهور ایجاب می‌کند که برای جلوگیری از گسترش نفوذ و کنترل قوه مجریه بر سایر قوا و نیز برای حفظ تعادل و استقلال قوای دیگر، مکانیسمی اندیشیده شود. در نظام‌های پارلمانی، قوای مجریه و مقننه بر هم اثر گذاشته و همدیگر را کنترل می‌کنند که معمولاً همیشه به سود قوه مجریه و به ضرر قوه مقننه است؛ اما در جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر اینکه قوه مجریه در برابر قوه مقننه مسئول است و مجلس می‌تواند رأی به عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور بدهد و وزرا را استیضاح کند، رئیس‌جمهور در برابر رهبری هم مسئول است و از طرف دیگر، قوه مقننه قابل انحلال توسط قوه مجریه نیست. بدین ترتیب در جمهوری اسلامی ایران، تعادل و توازن قوا کاملاً به سود مجلس است و طبق قانون اساسی، هیچ نهادی اختیار انحلال قوه مقننه را ندارد.

۴-۱۱. عفو یا تخفیف مجازات محکومین

معمولاً همه رؤسای کشورها اختیار عفو یا تخفیف مجازات محکومین را دارند و در این مورد تصمیم نهایی با آنهاست. در جمهوری اسلامی ایران نیز این امر پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و در حدود موازین اسلامی انجام می‌گیرد و رهبری هم معمولاً با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه موافقت می‌نماید. البته چون رئیس قوه قضائیه منصوب رهبری است، در واقع کاری به نمایندگی از رهبری انجام می‌دهد و امین رهبری در انتخاب و پیشنهاد محکومین موضوع عفو یا تخفیف است.

۴-۱۲. تجدیدنظر در قانون اساسی

براساس اصل یکصد و هفتاد و هفتم، که در بازنگری سال ۱۳۶۸ به قانون اساسی اضافه شد، ابتکار تجدیدنظر در قانون اساسی از آغاز تا انجام در دست مقام رهبری و تحت نظارت ایشان می‌باشد. بدین ترتیب که مقام رهبری پس از احساس ضرورت تجدیدنظر در قانون اساسی و مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را طی حکمی خطاب به رئیس‌جمهور، به شورای بازنگری پیشنهاد می‌کند.

این شیوه به گونه‌ای است که کل جریان بازنگری و تجدیدنظر در اختیار رهبری قرار می‌گیرد. هم ابتکار آن به دست رهبری است، هم موارد اصلاح و متمیم را ایشان مشخص می‌کند و هم مصوبات شورای بازنگری باید به تصویب و امضای رهبری برسد. پس از تأیید رهبری، مصوبات شورای بازنگری باید از طریق همه‌پرسی به تأیید نهایی مردم نیز برسد.^۱

۱. شفیعی‌فر، محمد، جایگاه ولایت‌فقیه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۷۸.

۵. شورای موقت رهبری

مطابق اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی، «هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم^۱ می‌باشد. در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به‌طور موقت به عهده می‌گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها، در شورا به جای وی منصوب می‌گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱، ۳، ۵ و ۱۰ و قسمت‌های (د)، (ه) و (و) بند ۶ اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه چهارم اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند. هرگاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت، شورای مذکور در این اصل، وظایف او را عهده‌دار خواهد بود.»



۱. اصل یکصد و هشتم قانون اساسی: «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آئین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.»

فصل دوم: قوه مقننه

هدف کلی

ارتقای دانش فراگیران در زمینه نظام قانون گذاری جمهوری اسلامی و ساختار، وظایف و اختیارات قوه مقننه

اهداف رفتاری

انتظار می رود فراگیران پس از مطالعه این فصل بتوانند:

۱. ساختار قوه مقننه را بیان کنند.
۲. وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی را تشریح کنند.
۳. اهداف، وظایف و اختیارات دیوان محاسبات کشور را برشمارند.
۴. ارکان مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی را توضیح دهند.
۵. فلسفه وجودی و جایگاه شورای نگهبان را در نظام قانون گذاری جمهوری اسلامی تحلیل کنند.



۱. کلیات

قوه مقننه بخشی از نظام جمهوری اسلامی ایران است که کار تهیه و تصویب قوانین عمومی کشور را برعهده دارد. قوه مقننه از دو نهاد اصلی تشکیل شده است.

یکی از این دو نهاد، مجلس شورای اسلامی است که در آن، نمایندگان منتخب مردم، قوانین گوناگون مورد نیاز کشور را تهیه و تصویب می‌کنند. قانون اساسی در اصل پنجاه و هشتم مقرر داشته است: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید، برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.» همچنین برابر اصول هفتاد و یکم، هفتاد و دوم^۲ و هفتاد و سوم^۳ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی وضع قانون می‌کند؛ شرح و تفسیر قوانین عادی فقط با مجلس است و قوانین وضع شده به وسیله مجلس نیز، نباید مغایرتی با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی داشته باشد.

نهاد بعدی، شورای نگهبان قانون اساسی است که کار نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی و تشخیص انطباق آنها با قانون اساسی و شرع را برعهده دارد. در اصل نود و ششم قانون اساسی آمده است: «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی برعهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.»

۲. مجلس شورای اسلامی

بر اساس اصل شصت و دوم^۴ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی مردم انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌شود. در انتخاب مستقیم، رأی دهندگان بدون واسطه، نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند. منظور از مخفی بودن رأی آن است که رأی دهندگان آزادند نام هر کاندیدایی را که بخواهند در ورقه رأی بنویسند و هیچ کس نمی‌تواند در مقام تجسس و بازرسی برآید و از نوع رأی آنها اطلاع یابد.

همچنین مطابق اصل شصت و سوم، «دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود؛ به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.» به عبارت دیگر، مجلس شورای اسلامی تعطیل بردار نیست.

۱-۲. تعداد نمایندگان و نحوه برگزاری جلسات

به موجب اصل شصت و چهارم قانون اساسی، «عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال یک هزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی، پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها، حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان

۱. اصل هفتاد و یکم قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسایل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.»

۲. اصل هفتاد و دوم قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده برعهده شورای نگهبان است.»

۳. اصل هفتاد و سوم قانون اساسی: «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند، نیست.»

۴. اصل شصت و دوم قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.»

آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند.»

همچنین براساس اصل شصت و پنجم^۱، پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد. نمایندگان در نخستین جلسه مجلس باید در برابر قرآن مجید به خدا سوگند یاد کنند که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشند. نمایندگان اقلیت‌های مذهبی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد.

۲-۲. ساختار مجلس شورای اسلامی

۲-۲-۱. هیأت رئیسه

در اولین جلسه مجلس، هیأت رئیسه سنی تشکیل می‌شود. دو نفر از مسن‌ترین نمایندگان به‌عنوان منشی تعیین می‌شوند. وظایف هیأت رئیسه سنی، اداره جلسه افتتاحیه، انجام مراسم تحلیف و اجرای انتخابات هیأت رئیسه موقت است. با گزینش هیأت رئیسه موقت، به اعتبارنامه نمایندگان رسیدگی و صحت و سقم انتخابات و صلاحیت منتخبین مورد بررسی واقع می‌شود. در صورتی که اعتبارنامه کسی مورد تصویب قرار نگیرد، وی نماینده مجلس شناخته نمی‌شود و برای حوزه مربوطه انتخابات مجدد انجام می‌شود. با اتمام کار بررسی اعتبارنامه نمایندگان، هیأت رئیسه دائمی تشکیل می‌شود که مرکب از رئیس، دو نایب رئیس، شش منشی و سه کارپرداز خواهد بود. کلیه امور اداری مجلس برعهده هیأت رئیسه و زیرنظر رئیس مجلس اداره می‌شود. رئیس قوه مقننه براساس قانون اساسی در شورای عالی امنیت ملی، شورای بازنگری قانون اساسی و شورای مقرر در اصل یکصد و سی و یکم قانون اساسی^۲ عضویت دارد.

۲-۲-۲. کمیسیون‌ها

به‌منظور بررسی، اصلاح و تکمیل لوایح دولت و طرح‌های قانونی که نمایندگان یا شورای عالی استان‌ها بر طبق اصول هفتاد و چهارم^۳ و یکصد و دوم^۴ قانون اساسی به مجلس می‌دهند و همچنین، تهیه طرح‌های لازم و انجام وظایف دیگری که طبق قانون برعهده مجلس گذاشته شده است، کمیسیون‌هایی در مجلس تشکیل می‌شود. تعداد، وظایف و عناوین کمیسیون‌های دائمی که برحسب وظایف وزارتخانه‌ها و نهادهای رسمی کشور شکل می‌گیرد، براساس آئین‌نامه داخلی مجلس است. هر کمیسیون می‌تواند برای مشاوره، از صاحب‌نظران داخل و خارج مجلس دعوت به‌عمل آورد.

۱. اصل شصت و پنجم قانون اساسی: «پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آئین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد؛ مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آئین‌نامه داخلی، موافقت دو سوم حاضران لازم است.»

۲. اصل یکصد و سی و یکم قانون اساسی: «در صورت فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس‌جمهور و یا در موردی که مدت ریاست‌جمهوری پایان یافته و رئیس‌جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس‌جمهور با موافقت رهبری، اختیارات و مسئولیت‌های وی را برعهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس‌جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز، رئیس‌جمهور جدید انتخاب شود؛ در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس‌جمهور معاون اول نداشته باشد، مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.»

۳. اصل هفتاد و چهارم قانون اساسی: «لوايح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.»

۴. اصل یکصد و دوم قانون اساسی: «شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.»

۲-۳. اختیارات و وظایف نمایندگان

۲-۳-۱. شرکت در جلسات عمومی و کمیسیون‌های مجلس

نماینده مجلس براساس مسئولیت نمایندگی باید با آمادگی کامل در جلسات رسمی مجلس و کمیسیون مربوطه شرکت کند و در بحث و بررسی و تصویب طرح‌ها و لوایح مشارکت داشته باشد.

۲-۳-۲. تذکر به مسئولان و کارگزاران

در صورتی که نماینده در یکی از سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت، عملیات مخالف اصول یا برخلاف قانون و مقررات قانونی مشاهده نماید یا از سوء جریان اداره‌ای اطلاع پیدا کند، حق دارد درباره آن موضوع توسط رئیس به وزیر مربوط کتباً تذکر دهد. وزیر باید پاسخ کتبی را مستقیماً به نماینده ابلاغ کند.

۲-۳-۳. سؤال

سؤال، مرحله‌ای شدیدتر از تذکر است. در هر مورد که نمایندگان از رئیس‌جمهور، وزیر یا مسئول مربوطه درباره یکی از وظایف وی سؤال کنند، طرف سؤال موظف است در مجلس حاضر شده و به سؤال جواب دهد.

۲-۳-۴. استیضاح

شدیدترین اقدام نمایندگان نسبت به مواردی که به‌عنوان تخلف رئیس‌جمهور، وزیر یا هیأت وزیران تشخیص می‌دهند، استیضاح است.

۲-۴. مصونیت و استعفا نمایندگان

نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد. همچنین، هر نماینده‌ای می‌تواند از مقام نمایندگی استعفا دهد، به شرط آنکه دارای دلیل موجهی باشد. پذیرش استعفا نیز با اکثریت مطلق آرای حاضران است. در صورتی که نماینده‌ای بیش از حد مجاز غیبت غیرموجه داشته باشد، مستعفی شناخته خواهد شد.

۲-۵. اختیارات و مسئولیت‌های مجلس

۲-۵-۱. وضع قانون

قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران، به جز موارد کمی که مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون وضع می‌کند، حق انحصاری مجلس شورای اسلامی است. مجلس در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. قوانین پیشنهادی به‌صورت لایحه یا طرح برای تصویب ارائه می‌شود. لوایح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود. طرح‌های قانونی نیز به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان در مجلس شورای اسلامی طرح می‌گردد. بحث و بررسی در خصوص طرح‌ها و لوایح براساس اهمیت آنها به چند صورت انجام می‌گیرد:

رسیدگی عادی: که طبق روال معمول پس از اعلام وصول در نوبت قرار می‌گیرد.

رسیدگی فوری: این‌گونه طرح‌ها یا لوایح براساس ضرورت به یک‌فوریتی، دوفوریتی و سه‌فوریتی تقسیم می‌شوند.

البته بعضی لوایح دارای ویژگی خاصی بوده و شیوه رسیدگی به آنها در قانون مشخص شده است؛ مثل لایحه بودجه سالانه.

۲-۵-۲. نظارت و ارزیابی

ارزیابی و نظارت بر کارهای قوه مجریه، یکی از وظایف عمده مجلس و بیانگر رابطه این قوه با قوه مجریه است و از جهات سیاسی و اجتماعی مهم‌تر از وظیفه قانون‌گذاری است.

۲-۵-۳. تحقیق و تفحص در امور کشور

براساس اصل هفتاد و ششم قانون اساسی، «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.» لذا می‌تواند از مسئولان اجرایی درباره موضوعات تحت قلمرو مسئولیت آنان توضیح بخواهد و با بازرسی و مشاهده اسناد و ادله مربوط، اطلاعات لازم را گردآوری کند. نتیجه این تحقیق و تفحص می‌تواند منجر به سؤال و استیضاح قوه مجریه شود یا افرادی در این رابطه به محاکم و مراجع قضایی معرفی گردند یا مسائلی از طریق مطبوعات و رسانه‌های عمومی به اطلاع مردم برسد.

۲-۵-۴. رسیدگی به شکایات

براساس اصل نودم قانون اساسی، «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.»

۲-۵-۵. شرح و تفسیر قوانین عادی

اگرچه یکی از شرایط قانون، صراحت و نداشتن ابهام و اجمال است، ولی قانون‌گذار هر اندازه که نکته‌سنج و دقیق بوده و احاطه به موضوع داشته باشد، باز هم ممکن است زوایایی از دید او دور بماند یا با تغییر مقتضیات و شرایط زمان، قانون مبهم جلوه کند و نیاز به تفسیر داشته باشد. برای تفسیر قانون، هر مقامی صلاحیت ندارد. براساس اصل هفتاد و سوم قانون اساسی، «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است.»

۲-۵-۶. نظارت بر صدا و سیما

صدا و سیما نقش بسیار مهمی در کشور دارد و باید آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در آن تأمین گردد. جهت نظارت بر این تشکیلات، طبق اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی، شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) تشکیل خواهد شد. براساس اصل یادشده خط‌مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند. منظور از قانون، مصوبه نمایندگان مجلس است. بنابراین مجلس نقش مهمی در تعیین خط‌مشی، اداره و کیفیت نظارت بر عملکرد صدا و سیما دارد.

۲-۵-۷. تصویب عهدنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی

به‌موجب اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی، «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.»

۲-۶. کمیسیون‌های داخلی مجلس

کمیسیون‌های داخلی مجلس شورای اسلامی، گروه‌هایی از نمایندگان هستند که با هدف بررسی تخصصی طرح‌ها و لوایح مطرح شده در مجلس تشکیل می‌شوند. برپایه اصل شصت و ششم^۱ قانون اساسی، تعداد کمیسیون‌ها و دوره تصدی نمایندگان در آنها در آئین‌نامه داخلی مجلس مشخص خواهد شد. همچنین در اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی آمده است: «سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند؛ در این صورت، این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید، به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم، به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد، تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور، باید ضمن ابلاغ برای اجرا، به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی نیز برسد.

به صورت معمول، طرح‌ها و لوایح مجلس ابتدا در کمیسیون‌های مربوط مورد بررسی کارشناسی قرار می‌گیرد و در هنگام طرح در صحن علنی مجلس، نظر نهایی کمیسیون پرسیده و اعلام می‌شود. در حال حاضر، کمیسیون‌های داخلی مجلس شورای اسلامی عبارتند از:

۲-۶-۱. کمیسیون‌های تخصصی

مجلس شورای اسلامی دارای تعدادی کمیسیون تخصصی است که هر یک در محدوده تخصصی خود، به بررسی طرح‌ها و لوایح و سایر امور مرتبط با مجلس می‌پردازند. این کمیسیون‌ها عبارتند از:

۱. کمیسیون آموزش و تحقیقات
۲. کمیسیون اجتماعی
۳. کمیسیون اقتصادی
۴. کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی
۵. کمیسیون انرژی
۶. کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات
۷. کمیسیون بهداشت و درمان
۸. کمیسیون صنایع و معادن
۹. کمیسیون عمران
۱۰. کمیسیون فرهنگی
۱۱. کمیسیون قضایی و حقوقی
۱۲. کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی

۱. اصل شصت و ششم قانون اساسی: «ترتیب انتخاب رئیس و هیأت رئیسه مجلس و تعداد کمیسیون‌ها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به وسیله آئین‌نامه داخلی مجلس معین می‌گردد.»

۲-۶-۲. کمیسیون‌های خاص

این کمیسیون‌ها عبارتند از:

۱. کمیسیون اصل نودم قانون اساسی مجلس
۲. کمیسیون تحقیق
۳. کمیسیون تدوین آئین‌نامه داخلی مجلس

۲-۶-۳. کمیسیون مشترک

در مواردی که طرح یا لایحه‌ای در مجلس مطرح می‌شود و به تشخیص هیأت رئیسه، بررسی آن در حیطه کار چند کمیسیون باشد، کمیسینی مشترک از اعضای کمیسیون‌های مرتبط برای بررسی طرح یا لایحه مذکور تشکیل می‌گردد. تعداد اعضای کمیسیون مشترک ۲۳ نفر است که سهم هر یک از کمیسیون‌های مرتبط به وسیله هیأت رئیسه مجلس مشخص می‌شود. در کمیسیون مشترک یک نفر به عنوان رئیس و دو نفر به عنوان نایبان رئیس، یک نفر به عنوان مخبر و دو نفر به عنوان منشی مجموعاً به عنوان هیأت رئیسه کمیسیون با رأی مخفی با ورقه و با اکثریت نسبی آرای اعضای کمیسیون انتخاب می‌شوند.

۲-۶-۴. کمیسیون ویژه

در مواردی که مسائل مهم و استثنایی در کشور رخ می‌دهد، مجلس به پیشنهاد حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان و با تصویب در جلسه علنی، کمیسیون ویژه‌ای برای رسیدگی و تهیه گزارش در ارتباط با موضوع تشکیل می‌دهد. اعضای این کمیسیون بنابه نظر پیشنهاددهندگان ۷ تا ۱۵ نفر خواهد بود که در جلسه علنی مجلس و با رأی مخفی با ورقه و براساس اکثریت نسبی آرای نمایندگان حاضر انتخاب می‌شوند. هیأت رئیسه این کمیسیون با انتخاب یک نفر به عنوان رئیس، دو نفر به عنوان نایبان رئیس، یک نفر به عنوان مخبر و دو نفر به عنوان منشی شکل خواهد گرفت.

۳. دیوان محاسبات کشور

دیوان محاسبات کشور مؤسسه‌ای دولتی و در امور مالی و اداری، مستقل است که براساس اصل پنجاه و چهارم^۱ قانون اساسی، زیر نظر مجلس شورای اسلامی به عنوان بازوی نظارتی آن عمل می‌نماید. مطابق اصل پنجاه و پنجم، «دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد، رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.»

دیوان محاسبات کشور علاوه بر ستاد مرکزی مستقر در پایتخت، در کلیه مراکز استان‌ها نیز به موجب قانون تشکیلات استانی دارد.

۱. اصل پنجاه و چهارم قانون اساسی: «دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی است. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استان‌ها به موجب قانون تعیین خواهد شد.»

۳-۱. پیشینه و ساختار

دیوان محاسبات کشور در سال‌های ۱۲۵۸ و ۱۲۸۶ هجری شمسی موجودیت پیدا کرده و ساختار آن به نحوی بوده است که رئیس دیوان به‌طور فردی و اعضای محکمه آن به‌طور جمعی از طرف مجلس شورای ملی انتخاب می‌شده‌اند. دیوان محاسبات در سال ۱۳۰۲ منحل و در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی مجدداً تأسیس گردید. در آن زمان، دیوان وابسته به وزارت دارایی و دارای سه شعبه مستشاری بوده که رئیس شعبه اول، ریاست دیوان محاسبات را نیز به عهده داشته و هر شعبه، تعداد کافی ممیز حساب داشته است. از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۵۲، یعنی حدود ۴۰ سال، تغییری در قانون دیوان محاسبات ایجاد نشده و کماکان دیوان محاسبات زیر نظر وزارت مالیه اداره می‌شده است. در سال ۱۳۵۲، قانون دیوان محاسبات مورد تجدیدنظر کلی قرار گرفت.

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۵۸، مطابق اصول پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم، دیوان محاسبات کشور از وزارت امور اقتصادی و دارایی منفک و تحت اداره مستقیم مجلس شورای اسلامی و به‌عنوان سازمانی مستقل موجودیت یافت. قانون دیوان محاسبات کشور در سال ۱۳۶۱ به تصویب رسیده و بعدها اصلاحاتی در آن به‌عمل آمده است. دیوان محاسبات جمهوری اسلامی ایران مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی است و در امور مالی و اداری استقلال دارد و اعتبار مورد نیاز آن با پیشنهاد دیوان و تأیید کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی جداگانه در لایحه بودجه کل کشور منظور می‌شود. دیوان محاسبات کشور از نظر مقررات استخدامی تابع آئین‌نامه خاصی است که از طرف دیوان تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

۳-۲. اهداف، وظایف و اختیارات

مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مقررات جاری مربوط، اهداف دیوان محاسبات کشور عبارتند از:

۱. اعمال کنترل و نظارت مستمر مالی به‌منظور پاسداری از بیت‌المال.
۲. عدم تجاوز هر گونه هزینه از اعتبارات مصوب در بودجه کل کشور.
۳. مصرف هر گونه وجهی از بودجه کل کشور در محل مصرف قانونی تعیین شده.
۴. کنترل عملیات و فعالیت‌های مالی کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند.
۵. بررسی و حسابرسی وجوه مصرف شده و درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار در ارتباط با سیاست‌های مالی تعیین شده در بودجه مصوب با توجه به گزارش عملیاتی و محاسباتی مأخوذه از دستگاه‌های مربوطه.
۶. تهیه و تدوین گزارش تفریغ بودجه به‌انضمام نظرات خود و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی.

همچنین بخشی از وظایف و اختیارات دیوان محاسبات کشور براساس مقررات جاری مربوط عبارتست از:

۱. حسابرسی یا رسیدگی کلیه حساب‌های درآمد و هزینه و سایر دریافت‌ها و پرداخت‌ها و نیز صورت‌های مالی دستگاه‌ها از نظر مطابقت با قوانین و مقررات مالی و سایر قوانین مربوط و ضوابط لازم‌الاجرا، اعم از وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر واحدها که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند و هر گونه واحد اجرایی که بر طبق اصول چهل

و چهارم^۱ و چهل و پنجم^۲ قانون اساسی، مالکیت عمومی بر آنها مترتب است و یا واحدهایی که شمول مقررات عمومی در مورد آنها مستلزم ذکر نام است.

۲. بررسی وقوع عملیات مالی در دستگاه‌ها به منظور اطمینان از حصول و ارسال صحیح و به موقع درآمد و یا انجام هزینه و سایر دریافت‌ها و پرداخت‌ها

۳. رسیدگی به موجودی حساب اموال و دارایی‌های دستگاه‌ها

۴. بررسی جهت اطمینان از برقراری روش‌ها و دستورالعمل‌های مناسب مالی و کاربرد مؤثر آنها در جهت نیل به اهداف دستگاه‌های مورد رسیدگی

۵. اعلام نظر در خصوص لزوم وجود مرجع کنترل‌کننده داخلی و یا عدم کفایت مرجع کنترل‌کننده موجود در دستگاه‌های مورد رسیدگی با توجه به گزارشات حسابرسی‌ها و رسیدگی‌های انجام شده جهت حفظ حقوق بیت‌المال

۶. رسیدگی به حساب کسری ابواب جمعی و تخلفات مالی و هرگونه اختلاف حساب مأمورین ذی‌ربط دولتی در اجرای قوانین و مقررات مربوط

۷. اقدام در حفظ حقوق بیت‌المال در حدود قوانین و مقررات مالی

۸. تنظیم دادخواست علیه مسئول یا مسئولین خاطی از مقررات مالی و طرح در هیأت‌های مستشاری

۹. رسیدگی به موارد کسری ابواب جمعی مسئولین و طرح دادخواست علیه آنها و صدور آراء متناسب با موضوع مطروحه

۱۰. رسیدگی و انشاء رأی نسبت به موارد تخلف از قوانین و مقررات مربوط

۱۱. اجرای آراء دیوان محاسبات کشور و اعلام گزارش موارد بلااجرا به مجلس شورای اسلامی

۱۲. ایجاد هماهنگی و وحدت رویه در انجام وظایف هیأت‌های مستشاری

۱۳. صدور رأی در خصوص تفریغ بودجه و گزارش نهایی آن

۱۴. حسابرسی و رسیدگی به حسابهای درآمد و هزینه، صورت‌های مالی، اسناد و مدارک مربوط به دستگاه‌ها

۱۵. تعیین نحوه حفظ و نگهداری و بایگانی صورت حساب‌های مالی و اسناد و مدارک مربوط در دستگاه‌ها

۱۶. رسیدگی به موضوعاتی که حسب مورد از طرف مجلس شورای اسلامی ارجاع می‌شود.

۱۷. تحقیق و تفحص در کلیه امور مالی کشور

۱۸. عضویت در سازمان‌های بین‌المللی مربوط نظیر سازمان بین‌المللی مؤسسات عالی حسابداری (ایتنوسای) و سازمان

آسیایی مؤسسات عالی حسابداری (آسوسای)

۱. اصل چهل و چهارم قانون اساسی: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.»

۲. اصل چهل و پنجم قانون اساسی: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.»

۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

در جهان امروز، طرح پرسش‌های نو و مسائل پیچیده و چندوجهی در حوزه‌های مختلف، نهادهای قانون‌گذاری را ناگزیر از تأسیس مراکز علمی و پژوهشی ساخته تا با اتکا به تخصص‌ها و مطالعات فراهم آمده در آن مراکز و بهره‌گیری از آن‌ها، به شناخت کارشناسانه مسائل و پاسخگویی به نیازهای نو در تدوین قوانین توفیق یابند.

مجالسی که چنین تکیه‌گاه‌های علمی و تحقیقاتی سازمان‌یافته‌ای در اختیار دارند، با مجالسی که نمایندگان‌شان با اتکا به توان علمی و تجربی خود به کارشناسی و تدوین قوانین مبادرت می‌ورزند، در روش و در نتیجه، قابل مقایسه نیستند. مجلس شورای اسلامی با درک این ضرورت، مرکز پژوهش‌های خود را بنا نهاده است.

مجلس شورای اسلامی از نخستین دوره، برای کارشناسی طرح‌ها و لوایح، از مشورت موردی کارشناسان استفاده می‌کرد. در عین حال، اساس کار بر فهم شخصی و توان علمی خود نمایندگان متکی بود؛ لکن از اواخر سال ۱۳۷۱ به دستور هیأت رئیسه مجلس، نهادی مستقل، دائمی و سازمان‌یافته به نام «مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی» برای ارائه خدمات مستمر کارشناسی و مطالعاتی در کنار مجلس قرار گرفت. مراحل قانونی تأسیس این مرکز در پاییز سال ۱۳۷۴ به انجام رسید.

۴-۱. اهداف و شرح وظایف مرکز

مطابق قانون «شرح وظایف مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی»^۱، هدف از تأسیس مرکز، انجام دادن طرح‌های مطالعاتی و تحقیقاتی به منظور ارائه نظرهای کارشناسی و مشورتی به نمایندگان، کمیسیون‌ها و هیأت رئیسه مجلس است. وظایف این نهاد در ماده ۲ قانون مذکور به شرح زیر است:

۱. مطالعه، بررسی و ارائه نظرهای کارشناسی بر روی تمام طرح‌ها و لوایح.
۲. گردآوری، نقد و تنظیم نظرهای محققان و پژوهشگران مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی، دستگاه‌های اجرایی، نهادها، گروه‌ها و احزاب سیاسی و افکار عمومی در مورد نیازهای جامعه.
۳. مطالعه، بررسی و تحقیق نسبت به حسن اجرای قوانین و سایر ابعاد نظارتی مجلس و ارائه پیشنهادهای کارشناسانه برای رفع موانع و مشکلات اجرایی.
۴. تأمین نیازهای اطلاعاتی کمیسیون‌ها و نمایندگان مجلس از طریق تدارک و برقراری نظام اطلاع‌رسانی.
۵. انجام پژوهش‌های موردی حسب درخواست هیأت رئیسه، کمیسیون‌ها و نمایندگان مجلس.
۶. انجام مأموریت‌های محوله در رابطه با کتابخانه‌های مجلس که این گونه موارد زیر نظر مستقیم رئیس مجلس قرار می‌گیرند.
۷. اشاعه نتایج مطالعات پژوهشی از طریق: نشر کتب و نشریات، تشکیل گردهمایی‌های دوره‌ای و انعکاس نظرات به واحدها و دستگاه‌های ذی‌ربط با نظر هیأت رئیسه مجلس.

۴-۲. ارکان مرکز

براساس تصریح ماده ۳ قانون شرح وظایف مرکز پژوهش‌ها، ارکان مرکز عبارتند از:

۱. هیأت امناء: متشکل از رئیس مجلس به‌عنوان رئیس هیأت امناء، اعضای هیأت رئیسه مجلس و رئیس مرکز. تصویب خط‌مشی کلی مرکز بنا بر پیشنهاد رئیس مرکز، تأیید بودجه، تأیید زیرمجموعه سازمانی و آئین‌نامه‌های استخدامی، مالی و معاملاتی و نصب و عزل رئیس مرکز، از جمله وظایف هیأت امناء است.

۱. مصوب جلسه مورخ ۱۳۷۴/۰۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی.

۲. رئیس مرکز: رئیس مرکز را هیأت امنای با توجه به ماده ۷ قانون یادشده، برای مدت چهار سال از میان افرادی ذی صلاح که دارای مدارج بالای علمی و تجربه کافی باشند، انتخاب می‌کند. اهم وظایف رئیس عبارتند از: ارائه خط‌مشی، پیشنهاد بودجه و نظارت عالی بر امور اجرایی و پژوهشی.

۳. شورای پژوهشی: شورای پژوهشی، متشکل از رئیس مرکز، پنج نفر از شخصیت‌های علمی و کارشناسی از بین نمایندگان مجلس به انتخاب هیأت امنای مرکز و پنج نفر از پژوهشگران متخصص دارای حداقل مرتبه استادیاری با معرفی رئیس مرکز و تصویب هیأت امنای است. بررسی و تأیید طرح‌های پژوهشی، همکاری در تدوین برنامه سالانه، نظارت بر انتشار نشریه‌های علمی و پژوهشی و تعیین برنامه‌های اجرایی مرکز برای ارتباط علمی با سایر مراکز آموزشی و پژوهشی داخل و خارج کشور، جزو وظایف شورای پژوهشی است.

۴-۳. ساختار مرکز

در ساختار سازمانی مرکز پژوهش‌ها، یک معاونت پژوهشی و یک معاونت اجرایی که هر یک در امری خاص به‌عنوان بازوی معین رئیس مرکز عمل می‌کنند، پیش‌بینی شده است.

الف) معاونت پژوهشی

اهم وظایف حوزه معاونت پژوهشی، اجرای طرح‌های تحقیقاتی و مطالعاتی در کلیه زمینه‌های مرتبط با مجلس شورای اسلامی است. مطالعات و تحقیقات در مرکز پژوهش‌ها عمدتاً در دفترهای تخصصی، برنامه‌ریزی، مطالعه و انجام می‌شوند. ساختار تشکیلاتی گروه‌های دفترهای تخصصی، مرکب از یک مدیر، چندین محقق ارشد و دستیاران تحقیقاتی است. دفترها موظف به تعریف، نظارت و در صورت لزوم هدایت طرح‌های پژوهشی و تضمین هویت عمومی و تخصصی آنها هستند؛ همچنین موظفند روند پیشرفت امور و دستاوردها و نتایج فعالیت‌ها را به معاونت پژوهشی منتقل کنند. گروه‌های پژوهشی، کانون‌های اصلی فعالیت‌های پژوهشی مرکز شناخته می‌شوند. همچنین «شورای مشاوران تخصصی»، دفترهای تخصصی را در زمینه‌های مختلف مطالعاتی از نظر ارزیابی فنی و علمی مطالعات انجام یافته، حمایت می‌کند. هر دفتر با یک یا چند کمیسیون مجلس مرتبط است. فعالیت‌های دفترها همچنین متناسب با حوزه وظایف آنها، با چند دستگاه اجرایی ارتباط می‌یابد.

دفتر تخصصی مرکز عبارتند از: دفتر مطالعات زیربنایی، دفتر مطالعات انرژی، صنایع و معادن، دفتر مطالعات اقتصادی، دفتر مطالعات برنامه و بودجه، دفتر مطالعات اجتماعی، دفتر مطالعات فناوری‌های نوین، دفتر مطالعات حقوقی، دفتر مطالعات فرهنگی و دفتر مطالعات سیاسی.

ب) معاونت اجرایی

معاونت اجرایی، حوزه ستادی مرکز بوده و مشتمل بر سه اداره کل فناوری اطلاعات و ارتباطات، ذی‌حسابی و امور مالی و امور اداری می‌باشد که اهم وظایف آن عبارت است از:

۷. اداره کل فناوری اطلاعات و ارتباطات

۱. پشتیبانی از فعالیت‌های معاونت پژوهشی و زیرمجموعه‌های آنها در حوزه فناوری اطلاعات.
۲. نگهداری سخت‌افزار، نرم‌افزار و زیرساخت‌های شبکه رایانه‌ای مرکز.
۳. پیگیری، پیاده‌سازی و اجرای راهبردهای مرکز در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات.
۴. توسعه و نگهداری نرم‌افزارهای مرکز، شامل برنامه‌های کاربردی و وب‌سایت‌های عمومی و اختصاصی.

✓ **ذی‌حسابی و امور مالی**

۱. تهیه و تنظیم بودجه سالانه و وصول و تخصیص اعتبار از وجوه اعتبارات مصوب و نظارت بر مصرف اعتبارات طبق قوانین و مقررات مرتبط.
۲. انجام کلیه امور مالی و حسابداری مرکز.
۳. پرداخت حقوق کارکنان و هزینه‌های مربوط به قراردادهای تحقیقاتی (پژوهشگران، نویسندگان، مترجمان، ویراستاران و ...).
۴. انجام امور ذی‌حسابی طبق قانون محاسبات عمومی و سایر قوانین و مقررات مرتبط.
۵. حفظ و حراست از اموال و کالاهای تحت ابواب جمعی مرکز

✓ **اداره کل امور اداری**

۱. صدور احکام.
۲. عقد قراردادهای پژوهشی.
۳. نظارت و محاسبه کارکردها.

۵. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نهادی با سابقه نزدیک به یکصد سال است که بخش مهمی از میراث ماندگار تمدن کهنسال و بزرگ ایران اسلامی را بر دوش می‌کشد و براساس رسالت تاریخی خود مبنی بر پشتیبانی اطلاعاتی از فرایند قانون‌گذاری و حمایت از پژوهش در حوزه علوم انسانی، ارائه خدمت می‌کند.

این کتابخانه، به اراده دوستانداری از خبرگان فرهنگ و ادب در جمع مجلسیان منتخب مردم در اوایل تأسیس حکومت مشروطه، همزمان با استقرار مجلس و اراده حاکمیت قانون در ایران شکل گرفت و از این‌رو، اولین کتابخانه پارلمانی آسیا، با اندکی مسامحه، عمری به قدمت تاریخ تأسیس مجلس قانون‌گذاری در کشور دارد. کتابخانه مجلس به‌عنوان اولین کتابخانه رسمی و دولتی نوین ایران در سال ۱۳۰۴، به‌طور رسمی گشایش یافت.

در پی پیروزی انقلاب اسلامی، کتابخانه مجلس تنها پس از یک توقف داوطلبانه شش‌ماهه، بار دیگر به‌عنوان مرکزی فرهنگی فعالیت خویش را از سر گرفت. در سال ۱۳۶۲، با تصمیم مسئولان وقت، کتابخانه مجلس سنای سابق نیز با عنوان کتابخانه شماره ۲ زیر نظر کتابخانه مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و در ادامه، بر مبنای اساسنامه مصوب ۱۳۷۵/۰۹/۱۳ کمیسیون مشترک مجلس شورای اسلامی، عنوان آن به «کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی» تغییر کرد.^۱

۵-۱. جایگاه، ساختار سازمانی و وظایف

به‌موجب قانون تصویب اساسنامه کتابخانه مجلس شورای اسلامی^۲، به کمیسیون مشترک امور اداری و استخدامی و دیوان محاسبات، بودجه و امور مالی مجلس اجازه داده شد که اساسنامه تفصیلی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی را به تصویب نهایی برساند. اساسنامه یادشده در تاریخ ۱۳۷۵/۰۹/۱۳ به تصویب کمیسیون مذکور رسید.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (<http://www.ical.ir>)، ۱۳۹۱/۰۹/۱۵.

۲. مصوب جلسه مورخ ۱۳۷۵/۰۶/۲۱ مجلس شورای اسلامی.

مطابق ماده ۱ اساسنامه، کتابخانه مجلس، مؤسسه‌ای تحقیقاتی، فرهنگی و خدماتی است که زیر نظر مستقیم رئیس مجلس فعالیت می‌کند و براساس ماده ۳، هدف اصلی و بنیادی آن، جمع‌آوری آثار حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با تأکید بر اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی، حفظ و نگهداری میراث ملی، آثار کمیاب و خطی و موزه‌ای و انتشار مناسب آن، ارائه خدمات به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، دولتمردان نظام و پژوهشگران داخلی و خارجی، دانشجویان و سایر مراجعان است.

برابر ماده ۴، کتابخانه مجلس با توجه به جایگاه کلی خود به عنوان یک کتابخانه جامع تحقیقاتی در سطح ملی و جهانی، دارای وظایف و اختیارات زیر است:

الف) گردآوری، سازماندهی، پژوهش و اشاعه انواع منابع معتبر فارسی و غیرفارسی بر طبق اصول مندرج در ماده ۳ و خرید نسخ خطی و چاپی و آثار کمیاب یا پذیرش آثار اهدایی و وقفی.

ب) استفاده از دانش فنی جدید برای سازماندهی منابع و مواد و ارائه بهینه خدمات.

ج) عضویت در مجامع ملی و بین‌المللی مرتبط، شرکت در جلسات و گردهمایی‌های مربوط و انجام مطالعات تطبیقی جهت بهبود فعالیت‌های خدماتی، پژوهشی و اطلاع‌رسانی و به‌روز نگه داشتن کتابخانه.

د) برقراری ارتباط با کتابخانه‌های مجالس سایر کشورها و مبادله آثار علمی و انتشارات کتابخانه‌ای.

ه) حفظ، آماده‌سازی و انتشار مدارک، اسناد و فهارس و ترجمه آنها.

و) مبادله، اهدا و یا فروش نسخ اضافی موجود و جین کتابخانه با تصویب هیأت امناء.

ز) همکاری و مشارکت با کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مراکز اسنادی هم‌تراز در اجرای طرح‌های مرتبط با وظایف کتابخانه.

ح) دریافت اسناد راكد مجلس اعم از مکتوب و غیرمکتوب برحسب مورد.

ماده ۵، به ارکان کتابخانه می‌پردازد که عبارتند از: هیأت امناء و رئیس کتابخانه. مطابق ماده ۶، هیأت امناء از رئیس مجلس، رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات، رئیس کمیسیون فرهنگی، کارپرداز فرهنگی و دو نفر از کارشناسان کتابداری و کتاب‌شناسی به پیشنهاد رئیس کتابخانه و تأیید رئیس مجلس، تشکیل می‌شود. همچنین، رئیس مجلس، مسئولیت ریاست و رئیس کتابخانه، دبیری هیأت امناء را برعهده دارند.

برابر ماده ۱۰، هیأت امناء وظایفی همچون: سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تعیین خط‌مشی کلی در امور کتابخانه، بررسی و تصویب بودجه سالانه کتابخانه، پیشنهاد تغییر و اصلاح اساسنامه به کمیسیون مشترک امور اداری و استخدامی و دیوان محاسبات، بودجه و امور مالی مجلس، استماع و اظهارنظر نسبت به گزارش رئیس کتابخانه، تصویب آئین‌نامه‌های داخلی مورد نیاز کتابخانه، تهیه و تصویب آئین‌نامه‌های مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی کتابخانه و مشاوره با رئیس مجلس در جهت تثبیت یا عزل رئیس کتابخانه را برعهده دارد.

براساس ماده ۱۱، رئیس مجلس فردی برجسته از نظر علمی و مذهبی را که دارای تخصص کتابداری، کتاب‌شناسی و اطلاع‌رسانی باشد، به‌عنوان رئیس کتابخانه به مدت چهارسال منصوب می‌کند که انتصاب مجدد یا برکناری وی قبل از اتمام دوره چهارساله توسط رئیس مجلس بلامانع است. مطابق ماده ۱۳، رئیس کتابخانه از نظر پست سازمانی، هم‌تراز معاون وزیر است. همچنین به‌موجب ماده ۱۲، وظایف رئیس کتابخانه عبارتند از:

الف) سرپرستی کلیه امور کتابخانه.

ب) مراقبت بر حسن اجرای اساسنامه و تصمیمات هیأت امناء.

ج) معرفی اعضای انتخابی هیأت امناء به رئیس مجلس.

- د) اخذ مجوزهای لازم جهت استخدام از هیأت امناء.
- ه) نصب و عزل کارکنان کتابخانه.
- و) امضای کلیه قراردادها و اسناد مالی و افتتاح حساب با رعایت ضوابط و مقررات قانونی.
- ز) پیش‌بینی راه‌های افزایش درآمد جهت پیشنهاد به هیأت امناء.
- ح) پیشنهاد بودجه سالانه و تهیه گزارش عملکرد آن.
- ط) پیشنهاد آئین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی به هیأت امناء.
- ی) پیشنهاد تغییر یا اصلاح اساسنامه به هیأت امناء.
- ک) دعوت از اعضای هیأت امناء برای تشکیل جلسه.

۶. شورای نگهبان

همان‌طور که بیان شد، قوه مقننه در ایران از دو رکن مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تشکیل شده است. شورای نگهبان در نظام جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین نهادهای حکومتی به شمار می‌آید. این نهاد شباهت زیادی با بعضی از نهادهای حافظ قانون اساسی در تعدادی از کشورها دارد. در قوانین اساسی برخی کشورها نیز نهادهایی به نام «دادگاه قانون اساسی»، «شورای قانون اساسی»، «دیوان قانون اساسی» و نظایر آن پیش‌بینی شده است که با وجود برخی تفاوت‌ها، از حیث ساختار و نوع مسئولیت‌ها با یکدیگر شباهت‌های فراوانی دارند. شورای نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای جایگاه ویژه‌ای است؛ به گونه‌ای که نبودن آن در کنار مجلس قانون‌گذاری، موجب عدم اعتبار مجلس می‌شود.^۱ شورای نگهبان وظیفه دارد تمام مصوبات مجلس را از حیث عدم مغایرت با موازین اسلامی و قانون اساسی بررسی کرده تا در صورت عدم مغایرت، مصوبه مجلس، صورت قانونی به خود گیرد.^۲

علاوه بر این نقش برجسته، شورای نگهبان مأموریت نظارت بر انتخابات را داشته و مرجع رسمی تفسیر قانون اساسی نیز به شمار می‌آید. علت اصلی پیش‌بینی نهاد شورای نگهبان، دو مسئله حراست و نگهبانی از «احکام اسلام» و صیانت از «قانون اساسی» بوده است؛ به همین دلیل از این نهاد به شورای «نگهبان» تعبیر شده است. اصل نود و یکم قانون اساسی به این مطلب اشاره کرده است. براساس اصل مذکور، «به‌منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان ... تشکیل می‌شود».

پیش‌بینی مسئله «نظارت بر قانون‌گذاری» در حقوق ایران، موضوع جدیدی نیست؛ بلکه می‌توان گفت که از نظر قدمت، همزاد تدوین اولین قانون اساسی و تولد نهاد قانون‌گذاری در ایران است. اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه در راستای اطمینان از شرعی بودن کلیه مصوبات مجلس شورای ملی چنین مقرر کرده بود: «مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تأیید حضرت امام عصر عجل‌الله فرجه و بذل مرحمت اعلی حضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است، باید در هیچ عصری از اعصار، مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی‌الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد

۱. اصل نود و سوم قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان».

۲. اصل نود و ششم قانون اساسی: «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی برعهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است».

اسلامیه برعهده علمای اعلام ادام‌الله برکات وجودهم بوده و هست؛ لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار، هیأتی که کمتر از پنج نفر نباشد، از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند، به این طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسلام، بیست نفر از علما که دارای صفات مذکوره باشند معرفی به مجلس شورای ملی بنمایند، پنج نفر از آنها را یا بیشتر به مقتضای عصر، اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده، به سمت عضویت بشناسند تا موادی که در مجلسین عنوان می‌شود، به دقت مذاکره و غوررسی نموده، هر یک از آن مواد معنونه که مخالف با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیأت علما در این باب، مُطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل‌الله فرجه تغییرپذیر نخواهد بود». بدین ترتیب می‌توان گفت اصل مزبور در قانون اساسی مشروطه، که در ادبیات حقوقی و سیاسی به اصل «طراز» معروف است، جلوه‌ای ناقص از شکل تکامل یافته نهاد «شورای نگهبان» بوده است.

۶-۱. ساختار شورا و نحوه انتخاب اعضای آن

فلسفه وجودی شورای نگهبان، حفظ اسلامیت نظام و مغایر نبودن قوانین موضوعه با مقررات اسلامی و قانون اساسی است. در اصل نود و یکم قانون اساسی چنین آمده است: «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

۱. شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.

۲. شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رای مجلس انتخاب می‌گردند».

قانون‌گذاری از شئونات ولی فقیه است. بنابراین انتخاب فقهای شورای نگهبان از طریق رهبری، بیانگر اعمال ولایت و نظارت ایشان در امر قانون‌گذاری است.

همچنین براساس اصل نود و دوم قانون اساسی، «اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند؛ ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به جای آنها انتخاب می‌شوند». عزل و قبول استعفای فقهای شورا، براساس اصل یکصد و دهم قانون اساسی، از اختیارات مقام رهبری است.

۶-۲. وظایف و اختیارات شورا

شورای نگهبان دارای دو رکن «فقها» و «مجمع فقها و حقوقدانان» است. فقها در تمام تصمیمات شورا شرکت دارند؛ ولی حقوقدانان در اموری که مختص فقهاست، حق اظهار نظر ندارند.

الف) وظایف فقهای شورای نگهبان

۱. تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین شرعی.

۲. تشخیص عدم مغایرت مصوبات دولت با اصول و احکام مذهب رسمی کشور.

۳. عضویت در شورای موقت رهبری.

ب) وظایف و اختیارات مجمع فقها و حقوقدانان

۱. پاسداری از قانون اساسی از طریق تشخیص عدم تعارض مصوبات مجلس شورای اسلامی و دولت با قانون اساسی

۲. حضور در مجلس؛ حضور شورای نگهبان در مجلس ممکن است به چند طریق صورت پذیرد:

حضور اختیاری: اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در

مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند.

حضور الزامی: در سه مورد، حضور شورای نگهبان در مجلس الزامی است:

- هنگامی که جلسات مجلس به صورت غیر علنی برگزار می‌شود.

- هنگام بحث و بررسی طرح‌ها و لوایح فوری.

- در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور.

۳. تفسیر قانون اساسی: براساس اصل نود و هشتم قانون اساسی، «تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با

تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.»

۴. تعیین صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری: صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در

قانون مقرر شده باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان برسد.

۵. نظارت بر انتخابات: براساس اصل نود و نهم قانون اساسی، «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری،

ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را برعهده دارد.»



۱. اصل نود و هشتم قانون اساسی: «اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.»

فصل سوم: قوه مجریه

هدف کلی

ارتقای دانش فراگیران در زمینه ساختار، وظایف و اختیارات قوه مجریه و تشکیلات اجرایی دولت

اهداف رفتاری

انتظار می‌رود فراگیران پس از مطالعه این فصل بتوانند:

۱. وظایف و اختیارات قوه مجریه را شرح دهند.
۲. تشکیلات اجرایی دولت را تشریح کنند.
۳. اهداف و وظایف وزارتخانه‌ها را بازگو نمایند.
۴. جایگاه نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی را در ساختار دولت توضیح دهند.



۱. معنای دولت

اصطلاح دولت به معنی امروزی آن از اوایل قرن شانزدهم میلادی در برخی کتاب‌های سیاسی رایج شد. کلمه دولت در حقوق اساسی معاصر در مفاهیم زیر به کار می‌رود:

الف) دولت به معنی وسیع کلمه: به کشور یا جامعه ملی اطلاق می‌گردد؛ مانند اینکه گفته می‌شود دولت ایران یکی از اشخاص جامعه بین‌المللی است. دولت در این مفهوم به معنی جمعیت معینی است که در سرزمین معین تحت حکومت خاصی زندگی می‌کنند. به این مفهوم، «دولت کشور» نیز اطلاق می‌گردد.

ب) دولت به معنی محدود کلمه: به قدرت سیاسی یا حکومت گفته می‌شود که در واقع یکی از ارکان تشکیل‌دهنده دولت به مفهوم قبلی است. اگر می‌خوانیم که دولت در اقتصاد مداخله می‌کند یا مالیات می‌گیرد، منظور دستگاه حکومتی یا جمع کارگزاران است که به وسیله نیروی قاهره خود، اراده حکومت را بر آحاد جامعه تحمیل می‌کند.

ج) دولت به معنی محدودتر: فقط شامل قوه مجریه می‌شود؛ مثلاً اینکه گفته می‌شود رئیس‌جمهور رئیس دولت است، یعنی رئیس قوه مجریه است.

۲. وظایف و اختیارات قوه مجریه

۱-۲. مسئولیت اجرای قانون اساسی

بر اساس اصل یکصد و سیزدهم^۱ قانون اساسی، یکی از مهم‌ترین وظایف رئیس‌جمهور، اجرای قانون اساسی است که می‌تواند از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی و پیگیری، اقدامات لازم را به عمل آورد و در صورت توقف یا عدم اجرای اصلی از اصول قانون اساسی، به نحو مقتضی اقدام نماید؛

۲-۲. امضا و ابلاغ مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی

بر اساس اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی، «رئیس‌جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.»

۳-۲. امضای عهدنامه‌ها، قراردادها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی

مطابق اصل یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی، «امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او است.»

۴-۲. مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور

بر اساس اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی، «رئیس‌جمهور مسوولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً برعهده دارد و می‌تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد.»

۱. اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی: «پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد.»

۲-۵. تعیین سفیران کشور و پذیرش استوارنامه‌های سفیران کشورهای دیگر

مطابق اصل یکصد و بیست و هشتم قانون اساسی، «سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس‌جمهور تعیین می‌شوند. رئیس‌جمهور استوارنامه سفیران را امضا می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.»

۲-۶. اعطای نشان‌های دولتی

طبق اصل یکصد و بیست و نهم قانون اساسی، «اعطای نشان‌های دولتی با رئیس‌جمهور است.»

۲-۷. انتخاب و عزل وزیران

به موجب اصول یکصد و سی و سوم^۱ و یکصد و سی و ششم^۲ قانون اساسی، وزیران توسط رئیس‌جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند؛

۲-۸. ریاست هیأت وزیران

طبق اصل یکصد و سی و چهارم^۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور بر کار وزیران نظارت کرده و با اتخاذ تدابیر لازم، نسبت به هماهنگی ساختن تصمیمات آنها اقدام می‌کند؛

۲-۹. مسئولیت اقدامات وزیران

بر اساس اصل یکصد و سی و هفتم قانون اساسی، «هر یک از وزیران مسئول اقدامات و وظایف خویش در برابر رئیس‌جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، مسئول اعمال دیگران نیز هست.»

۲-۱۰. اختیار وضع آئین‌نامه‌های اداری

طبق اصل یکصد و سی و هشتم^۴ قانون اساسی هیأت وزیران می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود به وضع نظامات و آئین‌نامه‌های عمومی مبادرت کند.

۱. اصل یکصد و سی و سوم قانون اساسی: «وزرا توسط رئیس‌جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزرا لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.»

۲. اصل یکصد و سی و ششم قانون اساسی: «رئیس‌جمهور می‌تواند وزرا را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.»

۳. اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی: «ریاست هیأت وزیران با رئیس‌جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیم‌های وزیران و هیأت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط‌مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیأت وزیران که به پیشنهاد رئیس‌جمهور اتخاذ می‌شود لازم‌الاجرا است. رئیس‌جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است.»

۴. اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی: «علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آئین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آئین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آئین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های مشترک از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس‌جمهور اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد.»

۲-۱۱. ریاست شوراهای عالی

طبق اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی، «به‌منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود.» به‌علاوه، براساس قوانین و مقررات گوناگون، رئیس‌جمهور مسئولیت ریاست بر شوراهای دیگری همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی اداری، شورای عالی انرژی، شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور و ... را نیز برعهده دارد.

۳. شرایط انتخاب، عزل و استعفای رئیس‌جمهور

۳-۱. انتخاب رئیس‌جمهور

طبق اصل یکصد و چهاردهم قانون اساسی، «رئیس‌جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به‌صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.» حکم ریاست‌جمهوری پس از انتخاب از طرف مردم باید به‌وسیله مقام رهبری امضا و تنفیذ گردد.

به‌موجب اصل یکصد و پانزدهم نیز، «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.» رئیس‌جمهور باید پیش از آغاز به کار، در مجلس شورای اسلامی، به ترتیب مقرر در قانون اساسی، سوگند یاد کند.

قبل از انتخابات، نامزدهای ریاست‌جمهوری باید آمادگی خود را رسماً اعلام کنند و پس از بررسی صلاحیت و شرایط لازم توسط شورای نگهبان، اسامی آن‌ها به‌عنوان نامزد ریاست‌جمهوری اعلام می‌شود. طبق اصل یکصد و هفدهم قانون اساسی، رئیس‌جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود و اگر در دوره اول این اکثریت به‌دست نیامد، در جمعه هفته بعد، با شرکت دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته‌اند، انتخاب به‌عمل می‌آید.

۳-۲. عزل یا استعفای رئیس‌جمهور

براساس بند ۱۰ اصل یکصد و دهم قانون اساسی، «عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور، پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی براساس اصل هشتاد و نهم»، از وظایف و اختیارات مقام رهبری است. همچنین به‌موجب اصل یکصد و سی، «رئیس‌جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است، به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد.»

طبق اصل یکصد و سی و یکم نیز، «در صورت فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس‌جمهور و یا در موردی که مدت ریاست‌جمهوری پایان یافته و رئیس‌جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس‌جمهور با موافقت رهبری، اختیارات و مسئولیت‌های وی را برعهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس‌جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز، رئیس‌جمهور

۱. اصل یکصد و هفدهم قانون اساسی: «رئیس‌جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود، ولی هر گاه در دوره نخست هیچ‌یک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته‌اند شرکت می‌کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آراء بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رأی داشته‌اند برای انتخاب مجدد معرفی می‌شوند.»

جدید انتخاب شود؛ در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس‌جمهور معاون اول نداشته باشد، مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.»

۳-۳. رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور

طبق اصل یکصد و چهلم قانون اساسی، «رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی، با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.»

۴. تشکیلات اجرایی و سازمان کار دولت

قوه مجریه، نهاد سیاسی و اجرایی دولت است که در دو بعد حاکمیت و حکومت نقش دارد. قوه مجریه در نقش حاکمیت، به‌عنوان یکی از قوای سه‌گانه، مسئولیت اجرای قانون اساسی و در نقش حکومت، مسئولیت اجرای خدمات عمومی کشور را، به جز در امور اجرایی که به مقام رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد.

در حال حاضر دستگاه‌های دولتی مرتبط با قوه مجریه، بخش اعظم سازمان کار و تشکیلات دولت را تشکیل می‌دهد که در دو سطح کلان (شامل: وزارتخانه، مؤسسه دولتی، شرکت دولتی و مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی) و خرد (مشمول بر واحدهای داخلی سازمان‌ها شامل حوزه وزارت یا ریاست، حوزه معاونت، حوزه مدیریت، دفتر، اداره کل، مرکز و حوزه واحدهای گروه، اداره و بخش) طراحی و سازماندهی شده است.^۱

سازمان‌ها و نهادهای دولتی زیر نظر قوه مجریه، طبق مواد ۱ تا ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری^۲، به‌صورت زیر تعریف شده‌اند:

وزارتخانه: واحد سازمانی مشخصی است که تحقق یک یا چند هدف از اهداف دولت را برعهده دارد و به‌موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و توسط وزیر اداره می‌گردد.

مؤسسه دولتی: واحد سازمانی مشخصی است که به‌موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که برعهده یکی از قوای سه‌گانه و سایر مراجع قانونی می‌باشد، انجام می‌دهد.

مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی: واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد.

شرکت دولتی: بنگاه اقتصادی است که به‌موجب قانون برای انجام قسمتی از تصدی‌های دولت به‌موجب سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری جز وظایف دولت محسوب می‌گردد، ایجاد و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و سهام آن متعلق به دولت می‌باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی منفرداً یا مشترکاً ایجاد شده مادام که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سهام آنها منفرداً یا مشترکاً متعلق به واحدهای سازمانی فوق‌الذکر باشد، شرکت دولتی است.

۱. بهاء‌الدین برهانی، آشنایی با سازمان کار و مدیریت دولت جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۶، صص ۵۲-۵۱.

۲. مصوب کمیسیون مشترک مجلس شورای اسلامی به‌تاریخ ۱۳۸۶/۰۷/۰۸.

دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.

سازماندهی تشکیلات دولت در سطح خرد یا سطح واحدهای درون‌سازمانی نیز براساس مفاد فصل چهارم قانون مدیریت خدمات کشوری (مواد ۲۹ تا ۳۵) و آئین‌نامه‌های اجرایی مرتبط صورت می‌گیرد. به موجب ماده ۲۹ قانون مذکور، «دستگاه‌های اجرایی مکلفند سازماندهی، طراحی و تنظیم تشکیلات خود را متناسب با ویژگی‌های مربوط در چارچوب الگوها، ضوابط و شاخص‌هایی که سازمان تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد با رعایت موارد ذیل انجام دهند:

الف) سقف پست‌های سازمانی با رعایت راهبردهای مذکور در فصل دوم این قانون و با پیشنهاد دستگاه و تأیید سازمان به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ب) تشکیلات و سقف پست‌های سازمانی مصوب حداقل پس از یک برنامه و حداکثر پس از دو برنامه پنج‌ساله متناسب با سیاست‌ها و احکام برنامه جدید مورد بازنگری و تصویب مجدد قرار خواهد گرفت.

ج) به‌منظور کوتاه نمودن مراحل انجام کار و سلسله مراتب اداری، سطوح عمودی مدیریتی در دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی با احتساب بالاترین مقام اجرایی در هر واحد سازمانی، به قرار زیر تعیین می‌گردد:

وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی: حداکثر در (۴) سطح / واحدهای استانی: حداکثر (۳) سطح / واحدهای شهرستانی، مناطق و نواحی هم‌تراز: حداکثر (۲) سطح / سایر واحدهای تقسیمات کشوری: یک سطح.

د) هر کدام از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مستقل که تحت نظر معاون رئیس‌جمهور اداره می‌شوند، می‌توانند حداکثر (۵) معاون و سایر مؤسسات دولتی حداکثر (۳) معاون یا عناوین مشابه در ساختار تشکیلاتی خود پیش‌بینی نمایند و متناسب با حجم کار و تنوع وظایف و تعداد پست‌های سازمانی هر معاون می‌تواند حداکثر (۵) مدیرکل یا مدیر یا رئیس یا عناوین مشابه داشته باشد. پست‌های مدیریتی موردنیاز حوزه وزیر یا رئیس مؤسسات دولتی از سرجمع پست‌های مدیریتی مذکور در این بند تأمین خواهد شد.

ه) تعداد پست‌های مشاور برای مقامات اجرایی مذکور در بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۷۱)، حداکثر (۱۰) و برای سایر مقامات اجرایی مذکور در این ماده، حداکثر (۴) و برای رؤسای مؤسسات دولتی با گستره کشوری، حداکثر (۳) پست در سقف پست‌های مصوب تعیین می‌گردد.

و) واحدهای سازمانی وزارتخانه‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی در مراکز استانها (به استثنای استانداری‌ها) با رعایت ماده (۲۹) این قانون حداکثر در سطح اداره کل سازماندهی می‌شوند و سازمان‌های موجود در این سطح تغییر می‌یابند.

ز) در صورتی که دستگاه‌های اجرایی مطابق شرح وظایف قانونی و تشکیلات مصوب خود الزاماً موظف به ارائه خدماتی در شهرستان‌های کمتر از هفتاد هزار نفر جمعیت و بخش‌های کمتر از سی هزار نفر جمعیت باشند در صورتی که در تاریخ تصویب این قانون ساختمان‌های واحدهای اداری ذی‌ربط احداث نشده باشند موظفند کارمندان ذی‌ربط خود را در مجتمع اداری مراکز شهرستان و بخش که به‌عنوان نمایندگی تحت نظر فرماندار و بخشدار ایجاد می‌گردد مستقر نموده و از ایجاد واحدهای مستقل خودداری نمایند.

افزایش جمعیت این گونه شهرها موجب لغو این حکم برای واحدهای ذی‌ربط نمی‌گردد. هزینه‌های پشتیبانی و خدماتی این مجتمع‌ها در بودجه وزارت کشور (استانداری‌ها) پیش‌بینی می‌گردد. در سایر شهرها با تشخیص هیأت وزیران اجرای این بند امکان‌پذیر می‌باشد.»

۵. نهاد ریاست جمهوری و معاونین رئیس جمهور

۵-۱. نهاد ریاست جمهوری

یکی از مشکلات اساسی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی، بخشی‌نگری است و از آنجا که سازمان‌های مذکور در انجام امور مربوط به خود دارای استقلال هستند، ممکن است از تشریک مساعی و همکاری با سایر دستگاه‌ها امتناع و مسائل و موضوعات را با توجه به منافع تشکیلاتی خود به انجام رسانند. حال آنکه هدف از تشکیل دستگاه‌های دولتی، تقسیم وظایف دولت برای نیل به اهداف کلان کشور است؛ از این رو، وجود نهادی که بتواند هماهنگی اداری بین دستگاه‌های دولتی ایجاد کند، امری ضروری است.

در ساختار دولت، این وظیفه برعهده نهاد ریاست جمهوری قرار گرفته است. این نهاد به‌عنوان یک بازوی اجرایی - مشورتی برای رئیس جمهور عهده‌دار وظایفی به شرح زیر می‌باشد:

- ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی.
- سرپرستی و نظارت کلی بر اجرای قوانین در دستگاه‌های اجرایی و پیگیری حسن انجام تصمیمات دولت.
- رسیدگی به شکایات و درخواست‌های دریافت‌شده.
- تعیین روش و تنظیم و اجرای برنامه‌های تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی اقدامات و برنامه‌های دولت.
- تلاش در جهت یکسان‌سازی طرح‌های مربوط به سیستم بکارگیری و پرداخت در دستگاه‌های اجرایی و ...

۵-۲. معاونین رئیس جمهور

مطابق اصل یکصد و بیست و چهارم^۱ قانون اساسی، رئیس جمهور می‌تواند به‌منظور انجام وظایف قانونی خود معاونانی تعیین نماید. با توجه به ساختار کنونی نظام اداری، رئیس جمهور دارای یک معاون اول و چند معاون دیگر است. اگرچه در قانون اساسی اختیار انتصاب معاون اول برای رئیس جمهور پیش‌بینی شده است، اما این به معنای الزام قانونی وی برای تعیین معاون اول نیست؛ بنابراین باید توجه داشت انتخاب معاون اول، تابع اراده و نظر رئیس جمهور است. به همین دلیل، معاون اول دارای شخصیت متمایز سیاسی نبوده و فقط عهده‌دار اداره برخی از وظایف اجرایی رئیس جمهور می‌باشد. برخی از وظایف معاون اول عبارت است از:

- ایجاد هماهنگی بین معاونت‌های رئیس جمهور.
- ریاست و اداره هیأت وزیران در غیاب رئیس جمهور و با موافقت وی.
- مطابق اصل یکصد و سی و یکم قانون اساسی، در صورت فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده یا امور دیگری از این قبیل، مسئولیت‌ها و اختیارات او برعهده معاون اول قرار می‌گیرد و وی به همراه رؤسای مجلس و قوه قضائیه، باید در مدت کمتر از ۵۰ روز، انتخابات ریاست جمهوری را برگزار کند.

رئیس جمهور علاوه بر معاون اول، معاونان دیگری نیز دارد که برخی از آنها متصدی تشکیلات اجرایی مشخصی نیستند؛ مانند معاون حقوقی، معاون پارلمانی، معاون اجرایی و ...؛ اما بیشتر معاونان رئیس جمهور علاوه بر این سمت، ریاست یکی از

۱. اصل یکصد و بیست و چهارم قانون اساسی: «رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیأت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت‌ها را به‌عهده خواهد داشت.»

سازمان‌های وابسته به قوه مجریه، که عهده‌دار انجام وظایف قانونی رئیس‌جمهور هستند، را بر عهده دارند که از آن جمله می‌توان به معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست و ... اشاره کرد. در قسمت‌های بعد، توضیحات مربوط به جایگاه، اهداف و وظایف سازمان‌های پیش‌گفته ارائه خواهد شد.

۶. وزارتخانه‌ها، اهداف و وظایف آنها

همانگونه که ذکر شد، براساس ماده ۱ قانون مدیریت خدمات کشوری، «وزارتخانه واحد سازمانی مشخصی است که تحقق یک یا چند هدف از اهداف دولت را برعهده دارد و به‌موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و توسط وزیر اداره می‌گردد.» با توجه به این تعریف، هر وزارتخانه توسط وزیر مربوط اداره می‌شود و وی در مقام حسن اجرای وظایف خود در مقابل رئیس‌جمهور و مجلس شورای اسلامی مسئولیت اجرایی و سیاسی دارد. این مسئولیت در قبال مجلس از طریق رأی اعتماد و استیضاح ظهور می‌یابد.

هر وزیر، مسئول حسن اداره وزارتخانه خود است و برای تحقق مسئولیت‌ها، اختیارات سازمانی، استخدامی، تصمیم‌گیری، نظارتی، مالی، قضایی و ... را دارا است. همچنین به‌دلیل تنوع و گستردگی وظایف و حجم زیاد کارها، هر وزیر به‌عنوان بالاترین مقام اداری وزارتخانه، یک یا چند معاون و هر معاون، چند دفتر یا اداره کل و هر دفتر یا اداره کل، چند اداره یا گروه دارد که هر کدام زیر نظر مقام مافوق، به انجام وظایف ویژه و از پیش تعیین شده می‌پردازند. ضمناً وزیر می‌تواند بخشی از وظایف و اختیارات خود را با رعایت قوانین و مقررات مربوط، به مقامات زیر نظر خود تفویض کند.

خدمات و مشاغل هر وزارتخانه نیز، برحسب نوع آن، به فعالیت‌های صفی و ستادی تقسیم‌بندی می‌شود. منظور از مشاغل و فعالیت‌های صفی، آن دسته از خدمات و عملیات اجرایی است که در واقع وزارتخانه برای تأمین و انجام دادن آنها ایجاد شده است. به بیان دیگر، اینگونه فعالیت‌ها به طور مستقیم با اهداف وزارتخانه در ارتباط هستند. برای مثال، فردی که به‌عنوان پزشک در یک بیمارستان دولتی اشتغال دارد، عهده‌دار خدمات صفی در وزارت بهداشت است.

در مقابل، مشاغل و فعالیت‌های ستادی فقط به‌منظور مهیا نمودن شرایط لازم برای نیل به اهداف اصلی وزارتخانه یا به عبارتی، برای پشتیبانی از فعالیت‌های صفی به وجود آمده‌اند. مثلاً فرد شاغل در اداره کارگزینی وزارت بهداشت، عهده‌دار یک شغل ستادی است.

با توجه به مطالب فوق در مورد ماهیت مشاغل می‌توان گفت، فعالیت‌های ستادی تقریباً در تمامی وزارتخانه‌ها به‌صورت مشابه و مشترک وجود دارد؛ ولی فعالیت‌های صفی در هر وزارتخانه متفاوت است؛ زیرا اهداف و وظایف وزارتخانه‌ها با یکدیگر تفاوت دارد.^۱ در ادامه، اهداف و وظایف وزارتخانه‌های موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۶-۱. وزارت آموزش و پرورش^۲

اهداف

- تقویت و تحکیم مبانی اعتقادی و معنوی دانش‌آموزان از طریق تبیین و تعیین اصول و معارف احکام دین مبین اسلام و مذهب حقه جعفری اثنی‌عشری براساس عقل، قرآن و سنت معصومین (ع).

۱. سبک‌های اداری ساختار نظام اداری ایران، سایت اینترنتی <http://juge.ir>، ۱۳۹۱/۰۹/۲۰.

۲. این وزارتخانه در سال ۱۳۷۲ هجری قمری به نام وزارت علوم تأسیس شد. سپس در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی به نام وزارت فرهنگ تغییر عنوان یافت. در سال ۱۳۴۰، وزارت فرهنگ به وزارت فرهنگ و هنر و وزارت آموزش و پرورش و سازمان اوقاف تجزیه شد و از سال ۱۳۴۶، امور مربوط به آموزش عالی و تحقیقات از وزارت آموزش و پرورش منتزع گردید. در حال حاضر، مسئولیت آموزش تا پایان دوره متوسطه بر عهده این وزارتخانه است.

- رشد فضائل اخلاقی و تزکیه دانش‌آموزان بر پایه تعالیم عالیه اسلام.
- تبیین ارزش‌های اسلامی و پرورش دانش‌آموزان براساس آنها.
- تقویت و تحکیم روحیه اتکال به خدا و اعتماد به نفس.
- ایجاد روحیه تعبد دینی و التزام عملی به احکام اسلامی.
- ارتقای بینش سیاسی براساس اصل ولایت‌فقیه در زمینه‌های مختلف جهت مشارکت آگاهانه در سرنوشت سیاسی کشور.
- ایجاد زمینه‌های لازم برای حفظ و تداوم استقلال فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از طریق آشنا ساختن دانش‌آموزان به علوم و فنون و صنایع و حرف مورد نیاز جامعه براساس اولویتهای موجود در کشور.
- شناخت، شکوفا کردن و پرورش استعدادهای دانش‌آموزان و تقویت روحیه بررسی و تتبع و تحقیق و ابتکار و خلاقیت در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و ... با تأکید بر نفی روحیه مدرک‌گرایی.
- رشد دادن و تقویت روحیه عدالت‌پذیری و عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی و مبارزه با تبعیضات ناروا و حمایت از مظلومین و مستضعفین.
- تقویت روحیه دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان وظیفه‌ای همگانی و متقابل.
- ایجاد روحیه پاسداری از قداست و استواری بنیان و روابط خانواده براساس تعالیم عالیه اسلام.
- ایجاد روحیه احترام به قانون و التزام به اجرای آن و حمایت از برخورداری عموم مردم از حقوق قانونی خویش.
- ایجاد و تقویت روحیه اخوت اسلامی و تعاون عمومی و انفاق و ایثار.
- ایجاد روحیه صرفه‌جویی قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر و مصرف‌زدگی.
- تقویت حس مسئولیت و اهتمام به امور مسلمین و پایبندی به نظم و انضباط.

وظایف

- تهیه و تدوین مقررات و تنظیم لوایح مربوط به وظایف محوله.
- تهیه و پیشنهاد برنامه‌های میان مدت و بلند مدت در جهت تأمین اهداف و آموزش و پرورش.
- همکاری با وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی در امر آموزش دخالت دارند جهت هماهنگ‌کردن آموزش‌ها در چارچوب نظام آموزشی کشور.
- تأمین و تدارک نیازمندی‌های آموزشی و پرورشی (مکان تجهیزات، امکانات دیگر آموزشی و کمک آموزشی).
- تألیف و طبع و توزیع کتب درسی و نشریات کمک آموزشی براساس برنامه‌ریزی‌های زمان‌بندی شده در چارچوب نظام آموزشی با رعایت اصل پانزدهم^۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت بافت متناسب زندگی روستایی، عشایری و شهری.
- زیر پوشش قرار دادن کلیه کودکان لازم‌التعلیم و تقویت نهضت سوادآموزی.
- آموزش مستمر معلمان و کارکنان وزارت به‌منظور ارتقای سطح توانایی شغلی آنان.
- جذب و انتخاب افراد صالح برای تعلیم و تربیت از طریق گزینش.
- صدور اجازه تأسیس و نظارت مستمر بر مدارس وابسته به مردم و دیگر دستگاه‌های اجرایی و آموزشگاه‌های آزاد.

۱. اصل پانزدهم قانون اساسی: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد؛ ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

- تأمین نیاز نیروی انسانی آموزشی و پرورشی وزارت از طریق ایجاد دانشسراها و مراکز تربیت معلم و آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای.
- توسعه و تعمیم تربیت بدنی به‌ویژه مربوط به فنون نظامی در سطح مدارس و مراکز آموزشی وابسته به وزارت با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط.
- انجام اقدامات لازم به‌منظور تأمین، حفظ و ارتقای سلامت جسمی، روانی و اجتماعی دانش‌آموزان کشور با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- ایجاد و اداره مدارس ایرانیان مقیم خارج از کشور با هماهنگی وزارت امور خارجه.
- نظارت بر اجرای صحیح و دقیق کلیه آئین‌نامه‌ها و سنجش و ارزیابی نتایج حاصله از برنامه‌ها.
- برقراری ارتباط با مؤسسات بین‌المللی و مؤسسات سایر کشورها در زمینه مسائل آموزش و پرورش با هماهنگی وزارت امور خارجه در چارچوب سیاست‌های کلی کشور.
- تأسیس مراکز فنی و حرفه‌ای در جهت تأمین اهداف این قانون.
- بکارگیری امکانات ویژه و انجام اقدامات لازم در زمینه تعلیم و تربیت فرزندان شهدا و مفقودین و اسراء با همکاری و هماهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران.
- همکاری و هماهنگی با دستگاه‌های ذی‌ربط نسبت به ارتقای سطح آموزش علمی و عملی محصلین و مدرسین فنی و حرفه‌ای.
- تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه.
- تأمین نیاز افراد عقب‌مانده از طریق ایجاد و تقویت مدارس استثنایی.
- توجه لازم به هنر و تلطیف ذوق و عواطف دانش‌آموزان و پرورش خلاقیت‌های هنری آنان و نیز استفاده از هنر در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی.
- اهتمام بیشتر جهت تعلیم و تربیت دانش‌آموزان بی‌سرپرست و بی‌بضاعت و دانش‌آموزانی که اولیای آنها فاقد صلاحیت سرپرستی باشند با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط.
- ارتباط مستمر با اولیای دانش‌آموزان و استمداد از آنها در تعلیم و تربیت با توجه به نقش عظیم خانواده در این امر خطیر.
- برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های جاذب و متنوع به‌منظور استفاده مفید و سازنده از اوقات فراغت دانش‌آموزان در محدوده اعتبارات مصوب دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و با استفاده از کمک‌های مردمی.^۱

برخی از سازمان‌ها/ دستگاه‌های وابسته

- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشگاه مطالعات.
- سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور.
- سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی.
- سازمان مدارس غیردولتی و مشارکت‌های مردمی و خانواده.
- سازمان نهضت سوادآموزی.
- کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.^۲

۱. قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش (مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۲۵ مجلس شورای اسلامی).

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت آموزش و پرورش (<http://www.medu.ir>), ۱۳۹۱/۰۹/۱۱.

۶-۲. وزارت امور خارجه

هدف

- اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و حفظ و صیانت مصالح کشور و منافع اتباع ایران در خارج از کشور.^۱

وظایف

- بررسی، برقراری، تنظیم، حفظ و توسعه روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با سایر دولت‌ها و سازمان‌های سیاسی بین‌المللی و نظارت و اشراف بر سایر روابط خارجی.
- ایجاد و اداره نمایندگی‌های سیاسی و کنسولی در کشورهای خارجی و سازمان‌های سیاسی بین‌المللی براساس قوانین و مقررات مربوط.
- توجه و مراقبت دائم و اقدامات لازم و به‌موقع نسبت به وقایع بین‌المللی به‌ویژه وقایع جهان اسلام و تهیه و تنظیم گزارش‌های لازم و دقیق در این زمینه با پیش‌بینی و پیشنهادات جهت اطلاع مراجع ذی‌ربط.
- فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای انجام وظایف نمایندگی‌های دولت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی در ایران طبق قوانین و مقررات و عرف داخلی و بین‌المللی و براساس اصل عمل متقابل با هماهنگی و همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط.
- تدوین و اجرای آئین‌نامه‌های مربوط به تابعیت و پناهندگی سیاسی با همکاری و هماهنگی وزارت کشور و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط.
- انجام اقدامات لازم در زمینه امور کنسولی اعم از حفظ حقوق و منافع اتباع ایرانی خارج از کشور و امور مربوط به تابعیت و احوال شخصیه آنان با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط.
- همکاری با دستگاه‌های اجرایی کشور و ارائه نظریات لازم با رعایت ملاحظات سیاسی خارجی در جهت بررسی و تهیه طرح‌های مربوط به برقراری و گسترش مناسبات اقتصادی، فرهنگی، علمی، فنی و ...
- فراهم آوردن موجبات و زمینه‌های شرکت و عضویت دستگاه‌های دولتی در مجامع، سازمان‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی و ایجاد تسهیلات لازم با همکاری و مشارکت دستگاه‌های ذی‌ربط.
- همکاری با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاه‌های ذی‌ربط در اشاعه فرهنگ اسلامی در کشورهای خارجی.
- همکاری با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای خبرگزاری‌ها و نمایندگی‌های مطبوعاتی خارجی در چارچوب روابط و مقررات و سیاست‌های ارشادی و تبلیغاتی کشور با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط.
- همکاری با وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط در انجام امور دانشجویان ایرانی خارج از کشور و بورس‌های واگذاری به جمهوری اسلامی ایران و بالعکس.
- تهیه و تدوین مقررات و تنظیم لوایح مربوط به وظایف محوله.
- همکاری با دستگاه‌های ذی‌ربط در ایجاد زمینه‌های مناسب به‌منظور بهره‌گیری از استعدادها و امکانات دانشجویان و اتباع ایرانی خارج از کشور.
- انجام اقدامات لازم منبث از قوانین و مقررات کشور که در ارتباط با وظایف وزارت امور خارجه می‌باشد.
- تهیه لوایح مربوط به تعیین خطوط مبدأ و حد دریای سرزمینی، فلات قاره، منطقه انحصاری اقتصادی و منطقه انحصاری ماهی‌گیری.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت امور خارجه (<http://www.mfa.gov.ir>)، ۱۳۹۱/۰۹/۱۱.

- تهیه و تنظیم متون معاهدات مربوط به تعیین خطوط مرزی (زمینی، رودخانه‌ای، هوایی، دریایی) و موافقتنامه‌های انتظامات سرحدی و نظارت بر حسن اجرای آنها، همچنین رسیدگی و حل و فصل اختلافات مربوط به خطوط سرحدی با همکاری و هماهنگی ارگان‌های ذی‌ربط با رعایت اصل هفتاد و هشتم^۱ قانون اساسی.
- بررسی و ابلاغ موافقت با استملاک عین یا منفعت نمایندگی‌های خارجی و استملاک اتباع بیگانه در ایران و انجام امور مربوط به استملاک دولت جمهوری اسلامی ایران در کشورهای خارجی.
- ایجاد زمینه‌های لازم برای عقد قراردادها، عهدنامه‌ها، موافقتنامه‌ها و مقابله‌نامه‌های دولت جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی.^۲

۳-۶. وزارت اطلاعات

اهداف

- کسب و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات و ضدجاسوسی.
- به دست آوردن آگاهی‌های لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی جهت پیشگیری و مقابله با توطئه‌های آنان علیه انقلاب اسلامی کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران.

وظایف

- کسب و جمع‌آوری اخبار و تولید، تجزیه، تحلیل و طبقه‌بندی اطلاعات موردنیاز در ابعاد داخلی و خارجی.
- کشف توطئه‌ها و فعالیت‌های براندازی، جاسوسی، خرابکاری و اغتشاش علیه استقلال و امنیت و تمامیت ارضی کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران.
- حراست اخبار، اطلاعات، اسناد، مدارک، تأسیسات و پرسنل وزارتخانه.
- آموزش و کمک‌های لازم به ارگان‌ها و نهادها جهت حفاظت از مدارک، اسناد و اشیاء مهم آنها.
- ارائه خدمات اطلاعاتی ضروری به سازمان‌ها و ارگان‌ها و آگاه ساختن به موقع آنها نسبت به توطئه‌ها.
- همکاری و تبادل اطلاعات و تجارب اطلاعاتی با کشورهایی که حائز صلاحیت لازم باشند.^۳

۴-۶. وزارت امور اقتصادی و دارایی^۴

هدف

- تنظیم سیاست‌های اقتصادی و مالی کشور، ایجاد هماهنگی در امور مالی و اجرای برنامه سیاست‌های مالی، تنظیم و اجرای برنامه همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک با کشورهای خارجی.

۱. اصل هفتاد و هشتم قانون اساسی: «هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است؛ مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور، به شرط اینکه یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزنند و به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد».

۲. قانون وظایف وزارت امور خارجه (مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۴/۰۱/۲۰ مجلس شورای اسلامی).

۳. قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران (مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۲/۰۵/۲۷ مجلس شورای اسلامی).

۴. به موجب تصویب‌نامه شماره ۲۳۹۱۳/ت/۲۷۱۳۳ هـ. مورخ ۱۳۸۰/۰۶/۱۰ هیأت وزیران، وظایف مربوط به امور مالیاتی کشور از بدنه وزارت امور اقتصادی و دارایی مجزا و در شکل سازمانی وابسته به وزارتخانه با عنوان «سازمان امور مالیاتی کشور» تغییر ساختار داد. هدف سازمان مزبور عبارت است از: «فراهم نمودن موجبات اجرای مطلوب کلیه برنامه‌ها و تکالیف مربوط به وصول مالیات و نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات مالیاتی و ایجاد بستر مناسب جهت تحقق اهداف مالیاتی کشور و افزایش کارایی نظام مالیاتی و تمرکز کلیه امور مربوط به اخذ مالیات در سازمانی واحد».

وظایف

- تنظیم سیاست‌های اقتصادی و مالی کشور و ایجاد هماهنگی در اجرای آنها.
- پیشنهاد، دریافت، بررسی و انجام کلیه امور مربوط به سرمایه‌گذاری‌های ایران در خارج و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران و همچنین کمک‌های اقتصادی و فنی به کشورهای خارجی.
- پرداخت وام و اعتبار به دولت‌ها و مؤسسات خارجی و بین‌المللی و همچنین تحصیل و استفاده از وام‌ها و اعتبارات خارجی.
- تنظیم و اجرای برنامه همکاری‌های اقتصادی، مالی و فنی ایران با سایر کشورها و سازمان‌ها و مؤسسات اقتصادی و مالی بین‌المللی و ایجاد هماهنگی در اعمال نظارت بر اینگونه روابط و مناسبات بین‌المللی.
- نظارت بر فعالیت‌های مالی و اقتصادی بخش خصوصی در جهت اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی.
- اجرای تکالیف مربوط به امور پولی، بانکی، بیمه‌ای، ارزی و اعتباری کشور که به موجب قوانین و مقررات موضوعه به عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی است.
- نظارت بر تشخیص و وصول مالیات‌های مستقیم و همچنین وصول مالیات‌های غیرمستقیم و حقوق و عوارض و هزینه‌های گمرکی.
- مراقبت در امر وصول سایر منابع درآمدی دولت که در قانون بودجه کل کشور منظور می‌شود.
- اجرای مراقبت عمومی واردات، صادرات، قراردادهای بازرگانی، موافقت‌های پایایی و اعمال مقررات گمرکی درباره معافیت‌ها و ممنوعیت‌ها.
- ایجاد تسهیلات و کمک‌های لازم به کارگران و کشاورزان در خرید سهام واحدهای تولیدی مشمول قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی.
- تمرکز وجوهی که از محل درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار منظور در بودجه عمومی دولت وصول می‌شود و همچنین درآمد شرکت‌های دولتی به استثنای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه در حساب‌های خزانه نزد بانک مرکزی و برقراری ترتیبات لازم برای اینکه شرکت‌های دولتی بتوانند به موقع از وجوه خود استفاده نمایند.
- تمرکز وجوه سپرده وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی در حساب‌های خزانه نزد بانک مرکزی.
- افتتاح حساب‌های بانکی وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی در بانک مرکزی یا شعب سایر بانک‌های داخلی در مرکز و شهرستان‌ها.
- تخصیص اعتبارات لازم برای هزینه‌های جاری و عمرانی با همکاری معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور و ابلاغ آن به دستگاه‌های اجرایی مربوط.
- پرداخت اعتبارات مصوب بودجه کل کشور اعم از اعتبارات جاری و عمرانی و اختصاصی به حساب‌های بانکی وزارتخانه‌ها و مؤسسات و سایر دستگاه‌های اجرایی و نیز پرداخت بدهی‌ها و وصول مطالبات ناشی از اجرای برنامه‌های عمرانی گذشته.
- ایجاد تسهیلات لازم در پرداخت‌ها از طریق واگذاری تنخواه‌گردان حسابداری به دستگاه‌های اجرایی.
- رد سپرده‌های قابل استرداد و همچنین وجوهی که زائد بر میزان مقرر وصول می‌شود.
- صدور حواله اعتباراتی که در بودجه عمومی به‌عنوان کمک برای عملیات جاری شرکت‌های دولتی یا به‌عنوان کمک و اعانه به مؤسسات غیردولتی منظور می‌شود.
- رسیدگی و موافقت با پرداخت دیون محقق بر ذمه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی از محل اعتبار دیون بلامحل.

- واگذاری پیش‌پرداخت برای رفع احتیاجات سال بعد وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی با رعایت مفاد ماده ۷۷ قانون محاسبات عمومی کشور^۱.
- تسلیم صورتحساب دریافت‌ها و پرداخت‌های ماهانه مربوط به حساب‌های درآمد بودجه عمومی دولت و سپرده‌های وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی به دیوان محاسبات کشور.
- تعیین نمونه اسنادی که برای پرداخت هزینه‌ها موردقبول واقع می‌شود و همچنین مدارک و دفاتر و روش نگهداری حساب با هماهنگی دیوان محاسبات کشور.
- دریافت صورتحساب‌های ماهانه و سالانه از دستگاه‌های اجرایی برای بررسی و درج در صورتحساب عملکرد بودجه سالانه کل کشور.
- اخذ ترازنامه و حساب سود و زیان سالانه شرکت‌های دولتی برای بررسی و درج خلاصه آنها در صورتحساب عملکرد بودجه سالانه کل کشور.
- تهیه و تنظیم صورتحساب عملکرد بودجه سالانه کل کشور.
- دادن مهلت و یا تخصیص بدهی اشخاص به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی.
- بررسی و اظهارنظر در مورد لوایح و همچنین تصویب‌نامه‌های پیشنهادی دستگاه‌های اجرایی که جنبه مالی، محاسباتی، معاملاتی، بانکی و اقتصادی دارند.
- مبادله قرارداد و وصول اقساط وام‌های پرداختی به دستگاه‌های اجرایی از محل اعتبارات عمرانی جهت اجرای طرح‌های عمرانی انتفاعی.
- رسیدگی به موجودی و نظارت و تمرکز حساب اموال دولتی در اختیار دستگاه‌های اجرایی.
- نگهداری اسناد مالکیت اموال غیرمنقول دولت که حق استفاده آنها به عهده دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط است.
- رسیدگی به موارد تخلف از اجرای مقررات در امر پرداخت هزینه‌ها و اقدام در مورد آنها طبق ماده ۹۱ قانون محاسبات عمومی کشور.
- تهیه و توزیع و همچنین نظارت بر چاپ اوراق بهادار کنترلر دولت و سایر اوراقی که برای وصول درآمدهای عمومی دولت منظور در قانون بودجه کل کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- انتصاب ذیحساب و معاون ذیحساب در دستگاه‌های اجرایی طبق مقررات ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی کشور.
- انجام سایر وظایفی که بر طبق مقررات قانون محاسبات عمومی کشور و سایر مقررات مالی، به وزارت امور اقتصادی و دارایی محول شده است.
- تضمین وام‌ها و اعتبارات اعطایی به دولت.
- بررسی بودجه و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت‌های دولتی که سهام آنها متعلق به دولت است برای طرح و تصویب در مجامع عمومی شرکت‌های مزبور.
- انتشار اوراق مشارکت در چارچوب مقررات قانونی و آئین‌نامه‌های اجرایی مربوط.
- توزیع و فروش سفته و بارنامه تجارتي از طریق شبکه بانکی کشور و نگاهداری حساب آنها.
- بررسی‌های مالی برای شناسایی منابع درآمدی کشور و پیشنهاد وضع و یا اصلاح قوانین و مقررات مالی.

۱. مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۶/۰۶/۰۱ مجلس شورای اسلامی.

برخی از سازمان‌ها/دستگاه‌های وابسته

- سازمان امور مالیاتی کشور
- سازمان بورس و اوراق بهادار
- سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی
- سازمان حسابرسی
- سازمان خصوصی‌سازی ایران
- سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران
- شرکت سرمایه‌گذاری خارجی ایران
- صندوق کمک‌های توسعه‌ای ایران^۱

۵-۶. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

هدف

- فراهم آوردن موجبات تأمین بهداشت و درمان کلیه افراد کشور از طریق تعمیم و گسترش خدمات بهداشتی، درمانی و آموزشی.

وظایف

- تعیین سیاست و خط‌مشی کلی بهداشت و درمان کشور و همکاری در تنظیم خط‌مشی‌های آموزش عالی پزشکی و پیراپزشکی با توجه به اولویت امر بهداشت در حفظ سلامت افراد جامعه.
- تأمین بهداشت محیط و نظارت بر بهسازی محیط زیست سراسر کشور.
- نظارت بر تأمین و تعمیم بهداشت صنعتی.
- پیشگیری از بروز شیوع بیماری‌های واگیردار و قابل انتقال و انجام اقدامات لازم جهت کنترل و ریشه‌کن کردن آنها در سراسر کشور.
- توسعه خدمات بهداشتی به‌ویژه با تأکید بر آموزش بهداشت عمومی، خدمات بهداشتی ویژه بهداشت مادر و کودک و بهداشت خانواده.
- توزیع عادلانه امکانات و تسهیلات بهداشتی و درمانی کشور با تأکید بر اولویت بهداشت و رفع نیاز مناطق روستایی محروم.
- نظارت بر انجام اقدامات بهداشتی و درمانی برای پیشگیری و از بین بردن بیماری‌های مشترک بین انسان و دام.
- تأمین درمان افراد جامعه با توجه به سیاست‌ها و خط‌مشی کلی منطبق بر اصل بیست و نهم^۲ قانون اساسی.
- صدور یا لغو پروانه کار برای تأسیس و بهره‌برداری مؤسسات درمانی، صاحبان حرف مختلف پزشکی، پیراپزشکی و نظارت بر فعالیت‌های درمانی مراکز و مؤسسات درمانی بخش دولتی و غیردولتی.
- تأمین خدمات درمانی بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی با توجه به قانون تأمین اجتماعی.
- تأمین خدمات درمانی کارمندان دولت با توجه به قانون تأمین خدمات درمانی مستخدمان دولت.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت امور اقتصادی و دارایی (<http://www.mefa.ir>)، ۱۳۹۱/۰۹/۱۲.

۲. اصل بیست و نهم قانون اساسی: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی‌درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق‌را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.»

- بررسی امکانات درمانی کشورهای خارج به منظور اعزام بیمارانی که امکان درمان آنها در داخل کشور فراهم نیست.
- تهیه و تعیین ضوابط و مقررات مربوط به ورود، نگهداری، ساخت مواد اولیه دارویی، غذایی، آرایشی و تدارک و توزیع فرآورده‌های مربوط.
- شناخت و استفاده از امکانات داخلی کشور برای تهیه فرآورده‌های دارویی و انحصار کنترل کامل ورود دارو و تهیه تولید و توزیع آن در سطح کشور و استفاده از نام علمی داروها.
- تأمین نیروی انسانی پزشکی و پیراپزشکی موردنیاز و تأسیس مجموعه‌های آموزشی و پژوهشی با هماهنگی و همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط.
- اجرای طرح‌های آموزشی لازم برای گسترش کیفی و کمی آموزش نیروی انسانی در زمینه امور بهداشتی و درمانی.

برخی از سازمان‌ها/ دستگاه‌های وابسته

- انستیتو پاستور ایران.
- سازمان انتقال خون ایران.
- شرکت مادر تخصصی پالایش و پژوهش خون.
- دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی.^۱

۶-۶. وزارت صنعت، معدن و تجارت^۲

اهداف

الف) بخش صنعت و معدن

- تدوین استراتژی توسعه صنعتی و معدنی.
- تعیین سیاست‌ها، برنامه و ضوابط کلی بخش صنعت و معدن کشور.
- نظارت بر فعالیت‌های صنعتی و معدنی و هدایت و حمایت از آنها.
- برنامه‌ریزی برای افزایش بازدهی و بهره‌وری بخش صنعت و معدن کشور.
- تدوین و تعیین سیاست‌های توسعه صادرات محصولات صنعتی و فرآورده‌های معدنی و خدمات فنی مهندسی در چارچوب سیاست‌های صادراتی کشور.
- تنظیم سیاست‌های لازم جهت توسعه کمی و بهبود کیفی صنایع دستی و روستایی و پیگیری جهت برقراری حمایت‌های لازم از آنها.
- حمایت از اقدامات مربوط به رشد بهره‌وری مدیریت و نیروی انسانی و توسعه کارآفرینی بخش صنعت و معدن کشور.
- صدور مجوز تأسیس و بهره‌برداری واحدهای تولیدی صنعتی و معدنی با رعایت مقررات زیست‌محیطی.

ب) بخش تجارت (بازرگانی)

- فراهم نمودن موجبات توسعه و بهبود امور بازرگانی کشور.
- تنظیم و اجرای سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و مقررات بازرگانی کشور به‌طور گسترده و همه‌جانبه.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (<http://www.mohme.gov.ir>), ۱۳۹۱/۰۹/۱۲.

۲. این وزارتخانه براساس مصوبه جلسه مورخ ۱۳۹۰/۰۴/۰۸ مجلس شورای اسلامی، از ادغام دو وزارتخانه «بازرگانی» و «صنایع و معادن» تشکیل شده است.

وظایف

الف) بخش صنعت و معدن

- تدوین استراتژی‌ها (راهبردها)، سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های توسعه صنعتی و معدنی در چارچوب سیاست‌های اقتصادی کشور.
- تهیه، تدوین و اجرای برنامه‌های خاص و استراتژیک صنعتی و معدنی در بخش دولتی.
- ارائه راهبرد و سیاست‌های تدوین مقررات، استانداردها و شاخص‌های بهره‌برداری از معادن و صنایع کشور.
- نظارت بر روند فعالیت‌های صنعتی و معدنی در جهت تحقق سیاست‌ها، اهداف و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- تنظیم و تدوین ضوابط و مقررات لازم به‌منظور تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در بخش صنعت و معدن.
- انجام مطالعه و تنظیم سازوکارهای لازم برای تأثیرگذاری بر اجرای طرح‌ها و برنامه‌های زیست‌محیطی واحدهای صنعتی و معدنی و همکاری با سازمان محیط زیست برای انجام اقدامات لازم و تحقق برنامه و طرح‌های مربوط.
- انجام بررسی‌های علمی و فنی و تهیه و تدوین شاخص‌ها و استانداردهای لازم به‌منظور گسترش، نوسازی و افزایش بهره‌وری واحدهای صنعتی و معدنی، شناخت و انتقال فناوری نو و استفاده از آن در واحدهای مذکور.
- انجام مطالعه و تنظیم سازوکارهای لازم برای تأثیرگذاری بر رشد فناوری در واحدهای موجود و همچنین اشاعه فناوری‌های نو در واحدهای صنعتی و معدنی.
- زمینه‌سازی و سیاست‌گذاری مناسب برای اداره علمی و تخصصی واحدهای صنعتی و معدنی.
- فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ایجاد و تقویت تشکل‌های صنعتی و معدنی در راستای گسترش مشارکت مردم در تصمیم‌سازی‌ها.
- ایجاد زمینه برقراری مشوق‌های لازم جهت توسعه ارائه خدمات فنی و تخصصی به واحدهای صنعتی و معدنی کشور.
- بررسی و پیشنهاد برنامه و نحوه اعطای کمک‌های اعتباری بودجه عمرانی به بخش صنعت و معدن و همکاری با بانک‌های تخصصی و مؤسسات اعتباری در این زمینه.
- انجام بررسی و مطالعات لازم برای شناخت و ترویج عوامل مؤثر در بهره‌برداری مطلوب از ظرفیت‌های صنعتی و معدنی.
- فراهم آوردن موجبات فروش سهام دولتی واحدهای صنعتی و معدنی به مردم از طریق عرضه آن در بورس اوراق بهادار، مزایده و سایر روش‌ها.
- ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌های صنعتی و معدنی اجرا شده و یا در دست اجرا توسط سازمان‌های دولتی و غیردولتی.
- تدوین و پیشنهاد میزان مالیات‌ها و عوارض و همکاری در تدوین تعرفه‌های گمرکی مربوط به امور صنعت و معدن در راستای ایجاد فضای رقابتی در محیط فعالیت‌های صنعتی و معدنی و ایجاد انگیزه جهت سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و معدنی در مناطق مختلف کشور.
- پیگیری و نظارت بر تدوین و اجرای ضوابط خدمات پس از فروش کالاهای صنعتی و معدنی.
- تهیه و تدوین و اعلام ضوابط و مقررات مربوط به تأسیس و بهره‌برداری واحدهای تولیدی صنعتی و معدنی با رعایت اصول و معیارهای زیست‌محیطی و صدور مجوزهای مربوط.
- تدوین ضوابط بهره‌برداری اصولی از معادن کشور و نظارت بر حسن اجرای آن به‌منظور انطباق عملیات بهره‌برداری با ضوابط و معیارهای مربوط.

- ساماندهی نظام آماری و اطلاعات صنعتی و معدنی به‌منظور امکان تدوین برنامه و نظارت بر سیاست‌های صنعتی و معدنی.
- قبول عضویت و شرکت در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی مربوط به امور صنعت و معدن.
- تهیه و انتشار نشریات صنعتی و معدنی به‌منظور ارتقای فرهنگ صنعتی و معدنی کشور.
- صدور مجوز تأسیس انجمن‌ها و تشکل‌های صنعتی و معدنی و نظارت بر حسن اجرای آنها.
- مطالعه و بررسی برای دستیابی به صنایع نوین و پیشرفته و انجام اقدامات لازم به‌منظور ایجاد و توسعه واحدهای صنعتی و معدنی.
- انجام مطالعه و تنظیم سازوکارهای لازم برای ارتقا و توسعه آموزش‌های مهارتی و مدیریتی و پژوهش‌های کاربردی.
- تنظیم و تدوین سیاست‌ها به‌منظور فراهم نمودن زمینه لازم برای توسعه صادرات محصولات صنعتی و معدنی و انجام همکاری‌های لازم در این رابطه با دستگاه‌های ذی‌ربط.
- بررسی مسائل اقتصادی مرتبط با بخش صنعت و معدن و ارائه راهکارهای اجرایی مناسب به‌منظور رشد و توسعه صنایع و معادن کشور.
- انجام بررسی‌های زمین‌شناسی و اکتشافات و مطالعه ذخایر معدنی به‌منظور فراهم کردن زمینه بهره‌برداری صحیح و مؤثر از آنها.
- پیگیری و نظارت بر تدوین و اجرای استانداردهای تولیدی در واحدها و رشته‌های صنعتی و معدنی.
- برنامه‌ریزی برای ایجاد زیربنای صنعتی و معدنی (اعم از شهرک‌ها و نواحی صنعتی) به‌منظور فراهم کردن زمینه‌های لازم برای توسعه فعالیت‌های صنعتی و معدنی کشور و کمک به سیاست‌های توسعه منطقه‌ای.
- تنظیم سیاست‌های لازم برای توسعه کمی صنایع دستی و روستایی و پیگیری برای برقراری حمایت‌های لازم از آنها.
- سازماندهی لازم برای توسعه و بهبود صنایع کوچک و اعطای کمک‌های لازم برای این منظور.
- ایجاد هماهنگی و نظارت بر فعالیت‌های مؤسسات و شرکت‌های وابسته به وزارتخانه و انجام هماهنگی‌های عملیاتی و برنامه‌ای لازم.
- تهیه و تنظیم لوایح و پیشنهادهای لازم به‌منظور تحقق اهداف و وظایف وزارتخانه و پی‌گیری مراحل تصویب آنها.

(ب) بخش تجارت (بازرگانی)

سیاست‌گذاری

- تنظیم و اجرای سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و مقررات بازرگانی کشور.
- تنظیم روابط تجاری و عقد قراردادهای بازرگانی با سایر کشورها با رعایت مقررات مربوط.
- تنظیم ضوابط و مقررات صادرات و واردات سالانه کشور و نظارت بر اجرای آن.
- سیاست‌گذاری، پایش، نظارت و تنظیم بازار محصولات و ایجاد تسهیلات در تأمین کالاها و مواد اولیه موردنیاز.
- نظارت و حفظ تعادل بهای تولیدات داخلی و کالاهای واردشده به کشور و بررسی شرایط تولید تا مرحله مصرف.
- تهیه و تنظیم و واپایش تراز تجاری کشور.
- اصلاح نظام تعرفه‌های گمرکی.
- اتخاذ تدابیر لازم و اصلاح مقررات مربوط به ورود و صدور کالا و خدمات در جهت تسهیل تجاری.

برنامه‌ریزی

- برنامه‌ریزی و اقدام لازم برای تأمین ثبات اقتصادی و همکاری در واپایش تورم.
- تنظیم بازار داخلی برای محصولات و کالاهای تولیدی و مصرفی و فرآوردهای کشاورزی و دامی.
- بررسی و اجرای امور مربوط به توصیه‌های سازمان جهانی گمرک و سازمان‌های بین‌المللی استاندارد جهانی.
- انجام بررسی‌های لازم و تهیه گزارش‌ها و پیشنهادهای مناسب به منظور رفع تنگناها و مشکلات موجود در جهت تشویق و توسعه امر صادرات با توجه به اهداف برنامه‌های دولت.
- برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های خرید و فروش محصولات کشاورزی به صورت تضمینی با استفاده از بودجه عمومی، وجوه اداره شده یا تسهیلات بانکی.
- مطالعه و بررسی جهت تنظیم سیاست‌های کلان تجاری در خصوص فراهم آوردن زمینه مشارکت روزافزون در نظام تجارت چندجانبه و در سایر ترتیبات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط با همکاری سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط.
- اعمال نظارت‌های لازم بر اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های بازرگانی کشور در بعد بین‌المللی و منطقه‌ای.
- قبول عضویت و شرکت در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی مربوط به امور بازرگانی.
- انجام وظایف و مأموریت‌های مرتبط با روابط تجاری با اتحادیه اروپا و قراردادهای تجاری آنها.
- انجام وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران و عضویت در سازمان تجارت جهانی.
- تهیه، تنظیم و ارائه آمار و اطلاعات نهایی واردات و صادرات کشور و تجزیه و تحلیل لازم به منظور دستیابی به الگوی مناسب در زمینه صادرات و واردات کالاها و خدمات.
- انجام پژوهش‌ها و مطالعات لازم در زمینه‌های اقتصادی، بازرگانی و اداری برای رسیدن به هدف‌های کلان اقتصادی و بازرگانی کشور.

هدایت و هماهنگی

- ایجاد هماهنگی بین فعالیت‌ها و خدمات موردنیاز بازرگانی داخلی و خارجی کشور.
- تنظیم ضوابط و مقررات مربوط به نحوه ارائه خدمات موردنیاز بازرگانی داخلی و خارجی کشور.
- برقراری ارتباطات بین‌المللی و عقد قراردادهای جهانی با سایر کشورها در صورت لزوم.
- حمایت و تشویق صادرات غیرنفتی کشور از طریق هدایت فعالیت‌های مربوط به ضمانت و بیمه صادرات، ارائه اعتبارات صادراتی داخلی و خارجی، پرداخت جوایز و تسهیلات به صادرکنندگان و تشکل‌های صادراتی و تنظیم ضوابط و اجرای مقررات مربوط به تشویق صادرات و یارانه‌های صادراتی.
- فراهم‌سازی زمینه‌های رقابت و جلوگیری از بروز انحصار در فعالیت‌های تأمین و توزیع کالاهای اساسی.
- ایجاد تسهیلات به منظور توسعه صادرات از طریق تعرفه‌های تجاری و جلوگیری از دامپینگ و قاچاق کالا.
- انجام اقدامات و ایجاد تسهیلات لازم برای حضور کالاها و خدمات کشور در بازارهای جهانی.
- حمایت از حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان از طریق سیاست‌گذاری، نظارت بر قیمت، استاندارد، نحوه توزیع و کیفیت کالاها و خدمات وارداتی و ساخت داخل.

- تهیه و تنظیم سیاست‌ها و راهبردها و نظارت بر برنامه‌های جامع تأمین و تدارک کالاها، اساسی، حساس و ضروری وارداتی و محصولات داخلی موردنیاز و ایجاد هماهنگی لازم.
- تسهیل در اعمال تشریفات و مقررات گمرکی در راستای تشویق صادرات غیرنفتی.
- حمایت از سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی از طریق منابع بانکی و اعتبارات دولتی لازم به‌منظور تقویت این بخش در اقتصاد کشور.
- نظارت بر کلیه فعالیت‌های صنف‌ها (اتحادیه‌های صنفی و واحدهای مربوط).
- رسیدگی و حل اختلاف ناشی از اجرای قانون و مقررات گمرکی.
- برنامه‌ریزی برای تأمین، حمل، ذخیره‌سازی و توزیع کالاها، اساسی.
- به کار بستن مقررات گمرکی درباره معافیت‌ها، ممنوعیت‌ها و تشویق صادرات.
- تنظیم بازار دام، طیور، گوشت و متفرعات آن در جهت حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و ایجاد هماهنگی و اجرای سیاست‌های ارشادی در تولید، تبدیل، توزیع و بهبود کمی و کیفی آنها.
- اتخاذ تمهیدات و اقدامات لازم در جهت راه‌اندازی و استفاده گسترده از فناوری روز در مبادلات بازرگانی کشور نظیر تجارت الکترونیکی، تبادل الکترونیکی اطلاعات و ... و تدوین نظام جامع اطلاع‌رسانی بخش بازرگانی.
- هدایت سیاست‌های ارزی، پولی و تولیدی در جهت تحقق سیاست‌های تجاری.
- ایجاد سازوکار مناسب برای بهینه‌سازی مصرف کالاها، اساسی و هدایت هدفمند یارانه‌های مربوط به امر تولید کالاها، مزبور در داخل کشور.
- نظارت بر واردات به‌موقع کالاها، اساسی، حساس و ضروری از طریق حضور مؤثر در بازارهای جهانی و انعقاد قراردادهای مناسب و بهینه و ایجاد هماهنگی‌های لازم.
- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت نظارت بر امور مربوط به تخصیص ارز و گشایش اعتبارات کالاها، مشمول زمان‌بندی گشایش اعتبارات.
- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت تعیین اولویت نظارت و بازرسی به‌ویژه در برخورد با متخلفان.

برخی از سازمان‌ها/ دستگاه‌های وابسته

- سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران.
- سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران.
- سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی ایران.
- سازمان گسترش و نوسازی صنایع کشور.
- سازمان ملی استاندارد ایران.
- بانک صنعت و معدن.
- صندوق حمایت از تحقیقات و توسعه صنایع الکترونیک.
- صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک.
- شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران.
- سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان.

- مرکز توسعه تجارت الکترونیکی.
- سازمان توسعه تجارت ایران.
- صندوق ضمانت صادرات ایران.
- شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران.
- شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- شرکت سهامی فرش ایران.
- مرکز ملی شماره‌گذاری کالا و خدمات ایران.
- مرکز ملی فرش ایران.
- شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران.^۱

۶-۷. وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات^۲

اهداف

- اعمال حاکمیت بر طیف فرکانس و حفاظت از حقوق رادیویی کشور در سطح منطقه و بین‌الملل.
- تمرکز امور سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و استانداردها و نظارت بر حسن اجرای آنها در بخش‌های مختلف ارتباطات پستی و مخابراتی نظیر خدمات جدید و متعارف پستی، مخابراتی، ارتباطات فضایی، ارتباطات رادیویی، انتقال داده‌ها، انتقال صدا و تصویر، سنجش از راه دور، ارتباطات رایانه‌ای و ...
- ایجاد بستر مناسب برای ارتباطات و آمایش و پردازش اطلاعات و روش‌های دورسنجی و پشتیبانی آنها.
- سیاست‌گذاری در زمینه توسعه امکانات و خدمات ارتباطی هماهنگ با آخرین پیشرفت‌های علمی، تجربی و فناوری اطلاعات در جهان، در چارچوب سیاست‌های کلی نظام.

وظایف

- تدوین سیاست‌ها و ضوابط کلی در زمینه توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات در چارچوب سیاست‌های کلی نظام.
- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان و هدایت و نظارت بر شبکه‌های پستی، پست بانک و مخابراتی و فناوری اطلاعات کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام.
- ایجاد، نگهداری، بهره‌برداری و توسعه شبکه‌های مادر پستی و مخابراتی کشور.
- تنظیم، مدیریت و کنترل فضای فرکانسی کشور و تدوین مقررات و تصویب ضوابط، جداول و معیارهای استفاده بهینه از فرکانس و مدارهای ماهواره‌ای و نظارت و حاکمیت بر طیف و جدول ملی فرکانس کشور.
- ایجاد و حفظ شبکه‌های مادر مخابراتی، تنظیم فضای فرکانسی کشور و تضمین استمرار ارائه خدمات پستی و مخابراتی.
- طراحی و تدوین نظام ملی فناوری اطلاعات کشور.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت صنعت، معدن و تجارت (<http://www.mimt.gov.ir>)، ۱۳۹۱/۰۹/۱۲.

۲. به‌موجب ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات (مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۲/۰۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی)، نام وزارت پست و تلگراف و تلفن به «وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات» تغییر یافت و کلیه وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های وزیر و وزارت مذکور به وزیر و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تفویض شد.

- نظارت کلان بر فعالیت‌های بخش غیردولتی در امور مربوط به مخابرات، پست، پست بانک، خدمات هوایی پیام و فناوری اطلاعات در چارچوب قوانین و مقررات و با رعایت اصل چهل و چهارم قانون اساسی.
- صدور مجوز تأسیس و بهره‌برداری واحدهای ارائه خدمات پستی، مخابراتی و فناوری اطلاعات در سطح کشور در چارچوب قوانین و مقررات و با رعایت اصل چهل و چهارم قانون اساسی.
- توسعه و ترویج ارتباطات و فناوری اطلاعات در کشور و تأمین زیرساخت‌های موردنیاز آن به‌منظور دسترسی آحاد مردم به خدمات پایه ذی‌ربط.
- حمایت از تحقیق و توسعه برای استفاده وسیع‌تر فناوری جدید در زمینه فناوری اطلاعات و اشاعه فرهنگ کاربردی آنها.
- تدوین و پیشنهاد استانداردهای ملی مربوط به ارتباطات و فناوری اطلاعات در کشور به مراجع ذی‌ربط.
- اعمال استانداردها، ضوابط و نظام‌های کنترل کیفی و تأیید نمونه تجهیزات در ارائه خدمات و توسعه و بهره‌برداری از شبکه‌های مخابراتی، پستی و فناوری اطلاعات در کشور.
- فراهم نمودن زمینه مشارکت بخش غیردولتی در توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات.
- تدوین ضوابط حل اختلاف و تعیین اسناد مورد قبول محاکم قضایی در اختلافات و تخلفات مربوط به ارتباطات و فناوری اطلاعات و ارائه به دولت جهت طی مراحل قانونی.
- عضویت در اتحادیه‌ها و مجامع بین‌المللی ارتباطی و فناوری اطلاعات به نمایندگی از سوی دولت و اهتمام به انجام تعهدات و قراردادهای بین‌المللی و دوجانبه پستی، پست بانک، مخابراتی و فناوری اطلاعات.
- تصویب سیاست‌ها و هدایت امور مربوط به طرح، چاپ و انتشار تمبر و اوراق بهادار پستی و صدور اجازه ورود، استفاده و ساخت ماشین‌های نقش تمبر و اعمال نظارت بر کلیه امور مربوط به آن.
- حفاظت، حراست و عدم ضبط و افشای انواع مراسلات و امانات پستی و همچنین مکالمات تلفنی و مبادلات شبکه اطلاع‌رسانی و اطلاعات مربوط به اشخاص حقیقی و حقوقی طبق قانون.^۱

بوخی از سازمان‌ها/دستگاه‌های وابسته

- شرکت مخابرات ایران.
- شرکت پست ایران.
- پست بانک ایران.
- سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی.
- سازمان فناوری اطلاعات ایران.
- شرکت ارتباطات سیار.
- شرکت ارتباطات زیرساخت.
- شرکت خدمات هوایی پیام.^۲

۱. قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات (مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۲/۰۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی).

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات (<http://www.ict.gov.ir>)، ۱۳/۰۹/۱۳۹۱.

۶-۸. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی^۱

اهداف

- اعمال نظارت بر اجرای قوانین و مقررات مربوط به بخش تعاونی و حمایت و پشتیبانی از بخش مزبور.
- تنظیم روابط کارگر و کارفرما و حفظ و صیانت نیروی کار با رعایت موازین اسلامی و مصالح عمومی.
- بررسی و برآورد نیروی انسانی و فراهم آوردن فرصت‌های اشتغال.
- تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه‌ماهر موردنیاز صنایع کشور در جهت رسیدن به اشتغال کامل و فراهم آوردن امکانات رفاهی و ارائه خدمات اجتماعی به کارگران و ارتقای بینش اسلامی و آگاهی‌های عمومی آنها.
- انسجام کلان سیاست‌های رفاهی به‌منظور توسعه عدالت اجتماعی و حمایت از همه افراد کشور در برابر رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و پیامدهای آن.
- برخورداری همه افراد کشور از تأمین اجتماعی و تحقق تکلیف دولت در این خصوص.
- ارائه خدمات حمایتی و توانبخشی و اعطای یارانه و کمک‌های مالی به افراد و خانواده‌های نیازمند.

وظایف

- اجرای تکالیف پیش‌بینی شده برای دولت در قوانین و مقررات در رابطه با بخش تعاونی و نظارت بر حسن اجرای آنها.
- جلب و هماهنگی حمایت‌ها و تسهیلات و امکانات دولتی و عمومی برای بخش تعاونی با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط.
- تشویق و کمک و همکاری در تأسیس و گسترش تعاونی‌ها با جذب و جلب همکاری و مشارکت عموم مردم و شوراهای اسلامی کشور.
- ایجاد زمینه‌های همکاری و هماهنگی و تعاون بین تعاونی‌ها و همچنین بین اتحادیه‌های تعاونی یا بین بخش تعاونی و سایر بخش‌های اقتصادی.
- کمک به فعالیت‌های تبلیغاتی، آموزشی، فرهنگی، فنی، علمی، تحقیقاتی و صنعتی لازم برای بخش تعاونی با همکاری اتحادیه‌های تعاونی.
- انجام معاملات لازم و ارائه خدمات موردنیاز بخش تعاونی.
- اجرای برنامه‌های ترویج و آموزش تعاون برای تفهیم و تعمیم روش‌ها و برنامه‌های مختلف تعاونی و انتشار کتب و نشریات موردنیاز.
- راهنمایی مسئولان تعاونی‌ها در امور حقوقی، مالی و اداری و هدایت آنها در جهت استفاده از روش‌ها و سیستم‌های بهتر.
- فراهم آوردن موجبات صدور تولیدات تعاونی‌ها.
- حسابرسی از تعاونی‌ها در صورت تقاضا و شکایت‌های اعضا در حدود امکانات.
- فراهم آوردن تسهیلات لازم در جهت دستیابی تعاونی‌ها به مواد اولیه، وسایل و کالاهای موردنیاز.
- جلوگیری از فعالیت اشخاص حقیقی و یا حقوقی که به هر نحو از نام یا عنوان تعاونی سوءاستفاده می‌کنند.

۱. این وزارتخانه، براساس مصوبه جلسه مورخ ۱۳۹۰/۰۴/۰۸ مجلس شورای اسلامی، از ادغام سه وزارتخانه «تعاون»، «کار و امور اجتماعی» و «رفاه و تأمین اجتماعی» ایجاد شده است.

- تنظیم برنامه و تعیین نحوه کمک‌های اعتباری در حدود مقررات و اختیارات از طریق بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و کمک‌های دولتی به تعاونی‌ها.
- جمع‌آوری آمار و اطلاعات در زمینه نیروی انسانی کشور و مطالعه و تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری از آنها به‌منظور ارائه توصیه‌های ضروری به دستگاه‌های برنامه‌ریز کشور جهت نیل به اشتغال کامل.
- بررسی نوسانات کار و بیکاری و امکانات اشتغال در کشور و ارائه راهنمایی‌های شغلی.
- بررسی دلایل و عوامل بیکاری از قبیل بیکاری‌های فصلی و اتفاقی و تنظیم برنامه‌های خاص اشتغال به‌منظور از بین بردن این نوع بیکاری‌ها.
- بررسی سطح دستمزد در صنایع و حرف مختلف به‌منظور مقایسه با شاخص هزینه زندگی.
- نظارت بر امور طبقه‌بندی مشاغل و تعیین حداقل دستمزد در صنایع و حرف مختلف با توجه به میزان بهره‌وری کار.
- پیشگیری از بروز اختلافات ناشی از اجرای مقررات قانون کار از طریق ریشه‌یابی آنها و وضع مقررات مناسب.
- بازرسی مستمر از کارگاه‌ها و کارخانه‌های کشور و برقرارکردن مبانی حفاظتی و بهداشتی (محیطی) و انطباق شرایط کار با قوانین و مقررات موجود.
- بررسی و شناخت عوامل مختلف در زمینه اختلافات دسته‌جمعی کارگران و اتخاذ تدابیر لازم در جهت رفع اختلافات مذکور.
- تأمین نیروی انسانی ماهر و نیمه‌ماهر در چارچوب اقتصاد ملی و طرح‌های عمرانی با توجه به نیازمندی‌های کشور و سیاست کلی دولت.
- توسعه شرکت‌های تعاونی مصرف کارگران و ارائه آموزش‌های عملی در زمینه هدایت و توسعه شرکت‌های تعاونی کارگری و نظارت دقیق در گردش آنها.
- فراهم ساختن وسایل رفاه کارگران از طریق ایجاد تأسیسات و خدمات رفاهی در کارگاه‌ها و فراهم آوردن تسهیلات لازم جهت تأمین مسکن کارگران.
- ایجاد باشگاه‌های ورزشی و تفریحی و مراکز رفاهی و توسعه و تجهیز باشگاه‌های موجود و شناسایی و پرورش استعداد‌های هنری و ورزشی کارگران.
- کمک به توسعه سازمان‌های کارگری و کارفرمایی و بالابردن کیفیت کار آنها.
- گسترش نظام بیمه‌ای و تأمین سطح بیمه همگانی برای آحاد جامعه با اولویت دادن به بیمه‌های مبتنی بر بازار کار و اشتغال.
- ایجاد هماهنگی و انسجام بین بخش‌های مختلف بیمه‌های اجتماعی و درمانی.
- اجرای طرح بیمه اجباری مزدبگیران.
- تشکیل صندوق‌های بیمه‌ای موردنیاز از قبیل: بیمه حرف و مشاغل آزاد (خویش‌فرمایان و شاغل غیردائم)، بیمه روستائیان و عشایر، بیمه خاص زنان بیوه و سالخورده و خودسرپرست و بیمه خاص حمایت از کودکان.
- گسترش بیمه‌های خاص جبران خسارات ناشی از حوادث طبیعی از قبیل: سیل، خشکسالی، زلزله و طوفان.
- پشتیبانی حقوقی از بیمه‌های تکمیلی.
- نظارت بر عملکرد صندوق‌های بیمه‌ای.
- پیگیری اصلاح اساسنامه‌های شرکت‌ها و صندوق‌های بیمه‌ای به نحوی که اصل بنگاهداری برای شرکت‌ها و صندوق‌های بیمه‌ای لحاظ شود.

- حمایت از افراد جامعه در برابر رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و پیامدهای سوء آنها خصوصاً در زمینه بیکاری، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی و پیری.
- نظارت بر تعادل منابع و مصارف صندوق‌ها براساس علم محاسبات بیمه‌ای.
- اطلاع‌رسانی در خصوص خدمات بیمه‌ای.
- سازماندهی و هدفمند کردن منابع حمایتی.
- هماهنگی بخش‌های مختلف دولت در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی.
- مشارکت در تعیین خط فقر (مطلق و نسبی).
- تأمین حداقل زندگی برای همه افراد و خانواده‌هایی که در آمد کافی ندارند، با اولویت افرادی که به دلایل جسمی و روانی قادر به کار نیستند.
- پرداخت مقرری به افراد جویای کار به شکل وام و برای مدت محدود.
- تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های بی‌سرپرست و زنان خودسرپرست.
- فراهم‌سازی امکانات، آموزش بازتوانی و ایجاد مهارت‌های شغلی خانوارهای نیازمند.
- تأمین خدمات پیشگیری از بروز یا تشدید معلولیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی در گروه‌های هدف و تحت پوشش قرار دادن آنها در سه سطح پیشگیری، درمان و توانبخشی.
- فراهم آوردن امکانات لازم به‌منظور بهبود وضع جسمی، ذهنی، اجتماعی و اقتصادی معلولین برای ادامه زندگی و تلاش برای تأمین استقلال و خودکفایی معلولان، افراد محروم از فرصت‌های برابر اجتماعی و آسیب‌دیدگان اجتماعی.
- آماده‌سازی محیط اجتماعی و فضای فیزیکی متناسب با ویژگی‌ها و توانایی‌های معلولان.
- ادامه روند حمایت از نیازمندان روستایی و عشایر.

برخی از سازمان‌ها/دستگاه‌های وابسته

- سازمان تأمین اجتماعی.
- سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
- صندوق مهر امام رضا(ع).
- صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر.
- سازمان بهزیستی کشور.
- سازمان بیمه سلامت ایران.
- بانک توسعه تعاون.
- مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت فنی و بهداشت.
- صندوق بازنشستگی کشور.
- صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون.^۱

۶-۹. وزارت جهاد کشاورزی^۱

هدف

- فراهم آوردن موجبات توسعه پایدار کشاورزی و منابع طبیعی و افزایش کمی و کیفی محصولات کشاورزی در جهت تأمین امنیت غذایی، رشد سرمایه‌گذاری، عمران و توسعه روستاها و مناطق عشایری.

وظایف

الف) سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت

- تعیین سیاست‌ها و راهبردهای مربوط به بخش کشاورزی، توسعه و عمران روستاها و مناطق عشایری و همچنین تنظیم و اجرای برنامه‌های توسعه کشاورزی در چارچوب سیاست‌های توسعه پایدار.
- انجام بررسی‌ها و اقدامات لازم به منظور برنامه‌ریزی تولید و تأمین نیاز کشور به محصولات و فرآورده‌های کشاورزی و دامی و توسعه صادرات با رعایت مزیت‌های نسبی در چارچوب سیاست‌های بازرگانی کشور.
- تهیه، تدوین، اجرا و به‌هنگام‌سازی نظام‌های اطلاع‌رسانی کشاورزی و روستایی و استقرار نظام‌های آماری.
- تهیه استانداردها و ضوابط و برنامه‌ریزی لازم در زمینه تأسیسات و زیرساخت‌های موردنیاز تولید و تولیدکنندگان بخش کشاورزی.
- نظارت و ارزشیابی عملکرد و فعالیت‌های مؤسسات و شرکت‌های وابسته به وزارتخانه و ایجاد هماهنگی‌های برنامه‌ای و عملیاتی لازم.
- نظارت و ارزشیابی برنامه‌ها، طرح‌ها، فعالیت‌ها و اقدامات در حیطه وظایف وزارت جهاد کشاورزی به منظور سنجش میزان کارایی و اثربخشی آنها.

ب) امور پژوهش، آموزش و ترویج

- انجام پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای در زمینه‌های:
 ۱. آب و خاک، اصلاح بذر و نهال، اصلاح نژاد، پرورش دام و آبزیان، جنگل و مرتع و آب‌خیزداری، آفات و بیماری‌های گیاهی و راه‌های مبارزه با آن.
 ۲. بهره‌برداری از فنون پیشرفته بیوتکنولوژی و مهندسی ژنتیک در بخش کشاورزی، تدوین شیوه‌های مناسب و استفاده از فناوری‌های نوین توسعه کشاورزی و دامی متناسب با شرایط اقلیمی و جغرافیایی کشور.
 ۳. افزایش بهره‌وری، کاهش ضایعات و بهبود کیفی تولید محصولات و فرآورده‌های بخش کشاورزی.
 ۴. بیماری‌ها، مایه‌ها، سرم‌ها و مواد بیولوژیک لازم برای پیشگیری و مبارزه با بیماری‌های دامی، آبزیان و مشترک انسان و دام و تهیه و تولید آنها در کشور.
 ۵. حفاظت، جمع‌آوری، ارزیابی، احیا و توسعه ذخایر توارث ژنتیکی، تنوع زیستی گیاهی و ژرم‌پلاسم گیاهان زراعی، باغی، زینتی، دارویی، مرتعی، جنگلی و دام و آبزیان و میکروارگانیزم‌ها و حشرات مفید و زیان‌آور کشاورزی در چارچوب وظایف محول شده.
- مطالعه و تحقیق به منظور توسعه کشاورزی و ارتقای جایگاه آن در اقتصاد ملی و توسعه روستایی و عشایری.
- برنامه‌ریزی و اجرای آموزش‌های علمی - کاربردی و فنی - حرفه‌ای شاغلان بخش کشاورزی و صنایع روستایی در چارچوب سیاست‌های مصوب و همچنین آموزش روش‌ها و فنون نوین کشاورزی و دامداری به تولیدکنندگان مربوط.

۱. این وزارتخانه به موجب مصوبه جلسه مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۰۶ مجلس شورای اسلامی، از ادغام دو وزارتخانه «کشاورزی» و «جهاد سازندگی» تشکیل شده است.

- مطالعه، طراحی و بهینه‌سازی الگوها و نظام‌های تولید و بهره‌برداری در بخش کشاورزی و ارزیابی و اصلاح مستمر آنها.
- برنامه‌ریزی و ارائه نتایج پژوهش‌های انجام شده به کارکنان، تولیدکنندگان و بهره‌برداران بخش کشاورزی و نیز شناخت مسائل و مشکلات آنها و اقدام در جهت رفع آن از طریق اجرای برنامه‌های ترویجی.

ج) امور منابع طبیعی و آب‌خیزداری

- بررسی و مطالعه جامع حوزه‌های آب‌خیز کشور به منظور تهیه طرح‌های آب‌خیزداری و جلوگیری از فرسایش خاک و تهیه برنامه جامع استفاده از اراضی کشاورزی و منابع طبیعی و بهره‌برداری بهینه از این اراضی.
- برنامه‌ریزی و انجام اقدامات لازم به منظور جلوگیری از تغییر و تبدیل کاربری اراضی کشاورزی و جنگلی.
- حفظ، احیا، گسترش، حمایت و بهره‌برداری صحیح از جنگل‌ها و مراتع طبیعی و دست‌کاشت کشور و فراهم نمودن زمینه اجرای طرح‌های بزرگ جنگل‌کاری، جنگل‌داری، مرتع‌داری، ایجاد پارک‌های جنگلی و تفرج‌گاه‌های طبیعی در چارچوب هدف‌ها و سیاست‌های توسعه پایدار و اعمال نظارت‌های لازم.
- برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های آب‌خیزداری و تثبیت شن‌های روان و بیابان‌زدایی.
- تشخیص و تفکیک حریم قانونی اراضی ملی از مستثنیات اشخاص حقیقی و حقوقی و واگذاری منابع ملی به نام دولت جمهوری اسلامی ایران و اجرای مقررات مربوط به مدیریت و واگذاری اراضی ملی و دولتی در چارچوب قوانین و مقررات موجود.

د) امور زیربنایی کشاورزی و توسعه روستایی

- توسعه مکانیزاسیون کشاورزی با توجه به ویژگی‌های اقلیمی و فرهنگی مناطق مختلف و ارائه خدمات حمایتی و فنی موردنیاز.
- یکپارچه‌سازی اراضی، احداث راه‌های بین مزارع، تجهیز و نوسازی مزارع و باغ‌ها به منظور استفاده مؤثر از منابع و نهاده‌های کشاورزی و ارتقای بهره‌وری در فرایند تولید با تأکید بر بهبود بهره‌وری از آب.
- برنامه‌ریزی و انجام اقدامات لازم در زمینه حفظ و اصلاح خاک و فراهم آوردن موجبات بهره‌برداری مطلوب از آن.
- فراهم آوردن موجبات لازم به منظور افزایش اثربخشی و بازدهی آبیاری در مزارع و باغ‌ها.
- برنامه‌ریزی برای انتقال آب شبکه‌های ۳ و ۴ و نهرهای سنتی و قنوات، توزیع و مصرف آب کشاورزی و انجام اقدامات لازم به منظور احداث، توسعه و نگهداری تأسیسات مربوط در چارچوب قوانین موجود.
- انجام وظایف ناشی از اجرای قانون توزیع عادلانه آب - مصوب ۱۳۶۱ - و اصلاحات بعدی آن.
- برنامه‌ریزی و انجام مطالعات لازم به منظور طراحی و اجرای طرح‌های کوچک توسعه منابع آب، پس از کسب مجوز لازم از وزارت نیرو.
- برنامه‌ریزی و اقدامات لازم در جهت احداث، نگهداری و بهره‌برداری از بنادر شیلاتی و تأسیسات زیربنایی با رعایت وظایف سایر وزارتخانه‌ها.
- برنامه‌ریزی، اتخاذ تدابیر و پیش‌بینی سازوکارهای لازم به منظور توسعه و عمران روستاها با هماهنگی سایر دستگاه‌ها.
- برنامه‌ریزی و ساماندهی کوچ و اسکان عشایر در چارچوب طرح‌های جامع ناحیه‌ای.
- توسعه و حمایت صنایع کوچک تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی در چارچوب سیاست‌های صنعتی کشور.

ه) امور کشاورزی، دام و آبزیان

- نظارت و کنترل بر تولید، واردات و مصرف مایه‌ها و سایر مواد بیولوژیکی مورد مصرف دامی.

- برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر لازم به‌منظور افزایش بهره‌وری از عوامل و منابع تولید کشاورزی و دستیابی به الگوهای کشت متناسب با منابع آب در دسترس، ظرفیت‌های تولید و شرایط اقلیمی مناطق مختلف کشور.
- تأمین بهداشت دام و فرآورده‌های مربوط به آن و مبارزه با بیماری‌های دامی و مشترک انسان و دام، قرنطینه دام و کنترل بهداشتی کشتارگاه‌ها و نظارت بهداشتی بر مراتع، آبشخورها، محل نگهداری دام، کارخانه‌های تولید خوراک دام و سایر تأسیسات و مراکز تهیه، نگهداری و عرضه فرآورده‌های خام دامی.
- برنامه‌ریزی و انجام اقدامات لازم به‌منظور ایجاد و گسترش شبکه‌های پیش‌آگاهی و مراقبت، پیشگیری، قرنطینه گیاهی و تشخیص و مبارزه با آفات و بیماری‌های عمومی، همگانی و سایر آفات و بیماری‌های گیاهی و نظارت بر ورود، تولید، توزیع و مصرف موردنیاز بخش کشاورزی با رعایت شاخص‌های زیست‌محیطی کشور.
- برنامه‌ریزی و تهیه و اجرای طرح‌های مربوط به حفظ منابع دام، طیور و اصلاح نژاد و بهبود تغذیه دام.
- توسعه کمی و کیفی تولیدات دامی و تدوین و اجرای نظام دامداری کشور و ساماندهی کشتارگاه‌ها.
- برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر لازم در جهت حفظ، احیا، توسعه و بهره‌برداری مناسب از منابع آبی آب‌های تحت حاکمیت و صلاحیت دولت جمهوری اسلامی ایران و توسعه آبی‌پروری در کشور.

(و) امور حمایتی

- حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و استفاده از تسهیلات اعتباری بانک کشاورزی و سایر منابع بانکی و تشکیل صندوق‌های حمایت از توسعه بخش کشاورزی و صنایع تبدیلی و روستایی با مشارکت تولیدکنندگان و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای تأمین اعتبارات موردنیاز تولیدکنندگان بخش کشاورزی.
- اجرای سیاست‌ها و روش‌های حمایتی و بیمه‌ای به‌منظور حمایت از تولیدکنندگان، تولیدات و تأسیسات بخش کشاورزی و پرداخت خسارت به تولیدکنندگان خسارت‌دیده براساس سیاست‌های اتخاذ شده.
- برنامه‌ریزی و اتخاذ سیاست‌های حمایتی و تشویقی به‌منظور توسعه و ارتقای فناوری ماشین‌آلات و ادوات بخش کشاورزی در چارچوب سیاست‌های مصوب.
- فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای تأمین و توزیع نهاده‌های کشاورزی و دامی، دارو، سرم و سایر مواد بیولوژیک از طریق بخش غیردولتی و در صورت لزوم توسط وزارتخانه و اعمال نظارت‌های لازم در این زمینه.
- انجام اقدامات لازم به‌منظور ایجاد تشکل‌های غیردولتی موردنیاز بخش کشاورزی و ارائه خدمات و حمایت‌های مالی و فنی به آنها و اعمال نظارت‌های لازم.
- پیشنهاد برنامه‌های تنظیم بازار محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دامی و نیز قیمت تضمینی به‌منظور حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی به هیأت وزیران و خرید به‌موقع محصولات کشاورزی.
- فراهم آوردن تسهیلات و امکانات و انجام هماهنگی‌ها و پیگیری‌های لازم برای توسعه صادرات محصولات و فرآورده‌های بخش کشاورزی و صنایع روستایی در چارچوب سیاست‌ها و برنامه‌های بازرگانی کشور.^۱

برخی از سازمان‌ها/دستگاه‌های وابسته

- سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
- سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران.

۱. تصویب‌نامه شماره ۱۸۸۰۱/ت/۲۵۶۳۸-هـ مورخ ۱۳۸۱/۰۴/۲۵ هیأت وزیران، موضوع شرح وظایف تفصیلی وزارت جهاد کشاورزی.

- شرکت خدمات حمایتی کشاورزی.
- سازمان جنگل‌ها، مراتع و آب‌خیزداری.
- سازمان دامپزشکی کشور.
- شرکت خدمات کشاورزی.
- سازمان حفظ نباتات.
- صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری.
- صندوق بیمه محصولات کشاورزی.
- مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- بانک کشاورزی.
- سازمان امور اراضی.
- سازمان امور عشایر ایران.
- سازمان شیلات ایران.
- شرکت تولید محصولات کشاورزی، دامی و منابع طبیعی.
- مؤسسه جهاد استقلال.
- مؤسسه جهاد توسعه.
- مؤسسه جهاد نصر.^۱

۱۰-۶. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

اهداف

- برنامه‌ریزی، هماهنگی، پشتیبانی و توسعه توان دفاعی نیروهای مسلح در چارچوب قوانین و تدابیر فرماندهی
- تجهیز نیروهای دفاعی برای مقابله با تهدیدهای احتمالی.

وظایف

- بررسی، تنظیم و تحویل بودجه و اعتبارات نیروهای نظامی و وزارت و سازمان‌های وابسته به آنها با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح و نظارت بر انجام هزینه‌ها و بررسی و تأیید بیلان حساب بودجه آنها.
- ساخت و تولید اقلام موردنیاز نیروهای مسلح و انجام تحقیقات صنعتی لازم و افزایش امکانات تکنولوژی صنایع مربوط برابر تدابیر و خط‌مشی فرماندهی کل قوا.
- نوسازی، بازسازی و تعمیرات اساسی وسایل و تجهیزات خارج از مقدرات نیروهای مسلح برابر دستورالعمل ابلاغی ستاد کل.
- پشتیبانی فنی، آموزشی و تعمیراتی خدمات رایانه‌ای نیروهای مسلح.
- هدایت و هماهنگ‌کردن امور تحقیقات صنعتی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته به وزارت برابر مصوبات و خط‌مشی فرماندهی کل و بهره‌گیری از امکانات مراکز پژوهشی، تحقیقاتی و صنعتی کشور.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت جهاد کشاورزی (<http://www.maj.ir>)، ۱۳۹۱/۰۹/۱۲.

- آموزش و تربیت کادر متخصص و موردنیاز وزارت و سازمان‌های وابسته و سازماندهی عناصر سازمانی تابعه و وابسته.
- کسب آگاهی از پیشرفت‌های حاصله در زمینه صنایع نظامی و شناخت سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته در جهان.
- انجام کلیه خریدهای خارجی موردنیاز نیروهای نظامی و وزارت و سازمان‌های وابسته به آنها براساس تدابیر فرماندهی کل و سیاست کلی و خط‌مشی دولت جمهوری اسلامی ایران.
- تهیه، تأمین و خرید داخلی اقلام مشترک موردنیاز نیروهای نظامی به تشخیص ستاد کل به استثنای سوخت و مواد فاسدشدنی و همچنین انجام کلیه خریدهای داخلی موردنیاز وزارت.
- تهیه و تنظیم لوایح موردنیاز نیروهای نظامی و وزارت و سازمان‌های وابسته به آنها براساس تدابیر کلی فرماندهی کل، پیگیری جهت سیر مراحل قانونی، ابلاغ قوانین و مصوبات هیأت وزیران از طریق ستاد کل به نیروهای نظامی و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات.
- دفاع از حقوق نیروهای نظامی و وزارت و سازمان‌های وابسته به آنها در مراجع قضایی.
- اداره امور املاک نیروهای نظامی و وزارت و سازمان‌های وابسته به آنها از نظر حقوقی و قانونی.
- تهیه و تأمین زمین موردنیاز و احداث ساختمان و تأسیسات ساختمانی نیروهای نظامی و وزارت برابر دستورالعمل و خط‌مشی فرماندهی کل در چارچوب ضوابط و سیاست‌های وزارت راه و شهرسازی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
- تهیه و تأمین نقشه‌های نظامی و مرزی کشور و خدمات جغرافیایی موردنیاز نیروهای مسلح.
- تأمین خدمات درمانی پرسنل نیروهای مسلح و وزارت و سازمان‌های وابسته به آنها اعم از کادر ثابت، پیمانی، وظیفه و اعضای ویژه بسیج، بازنشستگان، وظیفه‌بگیران، مستمری‌بگیران و عائله تحت تکفل آنها.
- تأمین نیازهای درمانی پرسنل و اداره امور بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های وزارت و سازمان‌های وابسته.
- انجام امور بیمه و بازنشستگی، وظیفه و مستمری پرسنل نیروهای نظامی و وزارت و سازمان‌های وابسته به آنها.
- تأمین خدمات تعاونی پرسنل نیروهای مسلح و وزارت و سازمان‌های وابسته به آنها اعم از کادر ثابت، پیمانی، وظیفه و اعضای ویژه بسیج، بازنشستگان، وظیفه‌بگیران، مستمری‌بگیران و عائله تحت تکفل آنان.
- تأمین و حفاظت فیزیکی اماکن و تأسیسات وزارت و سازمان‌های وابسته.
- آموزش و آماده‌سازی پرسنل کادر ثابت وزارت و سازمان وابسته در رشته‌های رزمی، جهت پذیرش مسئولیت‌های محوله در جنگ با همکاری نیروهای مسلح.^۱

برخی از سازمان‌ها/دستگاه‌های وابسته

- سازمان صنایع دفاع
- سازمان صنایع هوافضا
- سازمان صنایع هوایی
- شرکت صنایع الکترونیک ایران
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح^۲

۱. قانون تشکیل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۸/۰۵/۲۸ مجلس شورای اسلامی).

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (<http://www.mod.ir>)، ۱۳۹۱/۰۹/۱۸.

۱۱-۶. وزارت راه و شهرسازی^۱

اهداف

- تأمین راه‌های کشور اعم از زمینی (راه و راه‌آهن) و راه‌های دریایی و هوایی.
- اداره امور ترابری کشور، پی‌ریزی سیاست جامع هماهنگ برای آن و ایجاد، توسعه، تجهیز، گسترش و نگاهداری تأسیسات زیربنایی آن با توجه به مقتضیات توسعه اجتماعی، اقتصادی، عمرانی و دفاع ملی.
- تعیین مراکز جمعیتی و تعادل مطلوب بین جمعیت و وسعت شهرها در سطح کشور به منظور برنامه‌ریزی عمران منطقه‌ای و استفاده بهتر از منابع سرزمین نظیر خاک و آب و جلوگیری از ایجاد مشکلات شهری در اثر رشد و توسعه ناموزون آنها و در نتیجه اتلاف منابع اقتصادی و انسانی کشور.
- تأمین رفاه اجتماعی در زمینه مسکن.
- کمک به حفظ تعادل اقتصادی از طریق اعمال سیاست‌های تشویقی و استفاده از سرمایه‌گذاری در امر ساختمان.
- تأمین رفاه کارکنان دولت از طریق احداث خانه‌های سازمانی.
- راهبری تحقیقات ساختمانی به منظور ایمن‌سازی ساختمان‌ها در قبال حوادث طبیعی، استفاده بهتر از منابع و مصالح محلی و افزایش کیفیت مصنوعات ساختمانی.
- هماهنگی و تمرکز در تهیه و اجرای طرح‌ها و ساختمان‌های دولتی.

وظایف

- مطالعه، تهیه و تنظیم برنامه‌های جامع و هماهنگ به منظور تعیین خط‌مشی‌های اجرایی در زمینه ترابری کشور و اجرای آنها.
- احداث، توسعه، بهره‌برداری و نگاهداری راه‌ها، راه‌آهن، بنادر و فرودگاه‌ها.
- تهیه و تنظیم ضوابط و معیارهای لازم برای احداث و نگاهداری تأسیسات زیربنایی با توجه به مقتضیات و پیشرفت‌های وسایل ترابری و نظارت بر اجرای آنها.
- بررسی روش‌های ساختمان، نگاهداری و بهره‌برداری راه‌ها، راه‌آهن، بنادر و فرودگاه‌ها.
- طبقه‌بندی کلیه تأسیسات زیربنایی و تعیین مشخصات فنی و مهندسی آنها و همچنین تعیین تشکیلات و دستگاه‌هایی که باید از هر یک از آنها نگهداری نمایند.
- تعیین مشخصات مجاز وسایل ترابری در بهره‌برداری از تأسیسات زیربنایی و جلوگیری از بهره‌برداری وسایل خارج از مشخصات مذکور در استفاده از تأسیسات مزبور.
- بررسی درباره راه‌های ترابری بین‌المللی و نحوه ارتباط با آنها و پیشنهاد قراردادهای دوجانبه با دولت‌ها و مؤسسات خارجی، حسب ضرورت.
- بررسی نیازمندی‌ها و شناسایی مجموع توان و ظرفیت ترابری کشور اعم از راه‌ها، راه‌آهن، راه‌های آبی، راه‌های هوایی و خطوط لوله به منظور تهیه برنامه‌ها و ارائه توصیه‌های لازم به سازمان‌های مربوط.
- ایجاد، نگاهداری و بهره‌برداری از خطوط پایگاه‌های مواصلاتی اختصاصی زمینی، دریایی و هوایی با توجه به برنامه‌ها و نیازمندی‌های ترابری کشور.
- بررسی و ارائه پیشنهادهای لازم به سازمان‌های مربوط در باب سیاست نرخ‌گذاری خدمات جنبی آن.

۱. این وزارتخانه براساس مصوبه جلسه مورخ ۱۳۹۰/۰۳/۳۱ مجلس شورای اسلامی، از ادغام «وزارتخانه راه و ترابری» و «مسکن و شهرسازی» به وجود آمده است.

- تعیین ضابطه‌ها و معیارهای فنی، اقتصادی و ایمنی ترابری در راه‌های زمینی، دریایی و هوایی و نظارت بر اجرای آنها.
- تعیین ضابطه‌ها و معیارهای لازم برای ایجاد، اداره و توسعه مؤسسات ترابری اعم از آنکه در داخل و یا در خطوط بین‌المللی فعالیت داشته باشند و نظارت بر فعالیت آنها.
- تهیه طرح مقررات و آئین‌نامه‌های مربوط به صدور اجازه تأسیس مؤسسات دفاتر شعبه‌ها و نمایندگی‌های ترابری خارجی که در کشور فعالیت می‌کنند و نظارت بر فعالیت آنها با کسب نظر وزارت کشور.
- تعیین ضابطه‌ها و معیارهای لازم به‌منظور تنظیم امور مربوط به ترابری سازمان‌های دولتی به استثنای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، با همکاری دستگاه‌های مربوط و ایجاد هماهنگی و تمرکز امور مذکور.
- تعیین ضوابط و معیارها و اتخاذ سیاست‌های لازم برای تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در امور مربوط به ترابری.
- بررسی در زمینه حریم‌های تأسیسات زیربنایی ترابری و تهیه و تنظیم مقررات موردنیاز برای پیشنهاد به مراجع صلاحیت‌دار و نظارت بر اجرای آنها.
- بررسی نیازمندی‌های کشور از نظر خدمات خاک‌شناسی و شناسایی مصالح ساختمانی و تجهیز و توسعه آزمایشگاه‌های مربوط و عرضه و فروش خدمات به بخش عمومی و خصوصی از طریق آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک.
- بررسی نیازمندی‌های کشور از نظر شناسایی راه‌های آبی و دریا و اقیانوس‌ها و شناسایی، ایجاد، تجهیز و توسعه تشکیلات سازمان‌های لازم و عرضه و فروش آن به بخش عمومی و خصوصی.
- انجام کلیه امور مربوط به خدمات هواشناسی کشور و ارائه آنها به بخش عمومی و خصوصی.
- تصدی حمل و نقل هوایی مسافر و بار و محمولات پستی در داخل و خارج کشور و عرضه و فروش خدمات در این زمینه به بخش عمومی و خصوصی از طریق هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران و شرکت خدمات هوایی کشور (آسمان).
- اجازه دادن ماشین‌آلات مختلف راه‌سازی و ساختمانی که به‌موجب قانون در اختیار وزارت راه و شهرسازی می‌باشد و یا از محل بودجه طرح‌های عمرانی خریداری شده است، به پیمانکاران طرف قرارداد به‌منظور ایجاد تسهیلات و توسعه خدمات راه‌سازی.
- تهیه آئین‌نامه‌های مجازات خلافی با موافقت وزارت دادگستری و وزارت کشور و پیشنهاد قوانین و مقررات لازم درباره رسیدگی به موارد تخلف از مقررات ترابری کشور.
- تربیت کادر متخصص و فنی موردنیاز برای استفاده صحیح از وسایل و ماشین‌آلات جدید.
- تشکیل واحدهای مطالعاتی و تحقیقاتی لازم برای انجام وظایف بالا.
- اتخاذ و اعمال سیاست‌ها و تنظیم برنامه‌های جامع و هماهنگ برای ایجاد تعادل مطلوب بین جمعیت و وسعت شهرها در سطح کشور.
- تعیین محل شهرها و مراکز جمعیت آینده.
- بررسی ارتباط شهرهای فعلی و آینده در سطح منطقه و کشور.
- تهیه و تنظیم سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی و ضوابط لازم برای هدایت و کنترل شهرنشینی در جهت تحقق طرح جامع سرزمین با لحاظ اولویت‌های آمایشی.
- مشخص نمودن شهرها و شهرک‌ها از نظر فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی، جهانگردی، تاریخی، خدماتی و غیره.
- تهیه معیارها، ضوابط و آئین‌نامه‌های شهرسازی و ابلاغ مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مسئول و ارشاد و راهنمایی دستگاه‌های مربوط در مورد مسائل ناشی از اجرای طرح‌های جامع شهری.

- تعیین حدود توسعه و ظرفیت شهرهای آینده و طرح و تنظیم نقشه توزیع جمعیت (تهیه طرح جامع برای هر یک از شهرها با توجه به ضوابط و استانداردهای مصوب و تعیین ضوابط و استانداردها برای تهیه نقشه‌های هادی و اعلام آن به وزارت کشور).
- اعتلای هنر معماری ایران و رعایت سبک‌های مختلف معماری سنتی و ملی و تقویت و توسعه فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در معماری و شهرسازی.
- پیشنهاد ایجاد شهر و شهرک غیرروستایی در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها جهت تصویب به شورای عالی شهرسازی.
- نظارت بر فعالیت‌های شهرسازی بخش خصوصی از حیث رعایت معیارها و ضوابط شهرسازی.
- نظارت بر تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی و جلب نظر شورای شهر و شهرداری مربوط در حین تهیه طرح‌های تفصیلی و همچنین نظارت بر اجرای مراحل مختلف طرح‌های مذکور.
- سیاست‌گذاری در مورد طرح‌ریزی شهری و نحوه مدیریت مجموعه‌های شهری.
- راهبری تعیین استانداردها برای مسکن، ساختمان‌های دولتی و تأسیسات شهری و همچنین تهیه و اجرای طرح‌های عمرانی شهری در چارچوب نظام فنی و اجرایی کشور.
- نظارت عالی بر اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی و مقررات ملی ساختمان در طراحی و اجرای تمامی ساختمان‌ها و طرح‌های شهرسازی و عمرانی شهری با هدف ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و شهرها و در چارچوب نظام فنی و اجرایی کشور با رعایت اصول پدافند غیرعامل.
- راهبری اجرای طرح‌های بهسازی، نوسازی و بازسازی محلات و ساماندهی بافت‌های قدیمی شهرها و حاشیه آنها با رویکرد توانمندسازی ساکنین این بافت‌ها.
- اعمال سیاست‌های دولت بر اراضی شهری اعم از خالصه و موات، بایر، دایر و سایر رقبات شهری و اجرای قانون زمین شهری و آئین‌نامه اجرایی آن.
- برنامه‌ریزی و مدیریت عمران زمین‌های شهری و نظارت در زمینه استفاده بهینه از زمین در محدوده‌های شهری.
- راهبری تدوین موازین، استانداردها و مشخصات فنی و مقررات ملی برای ساختمان‌ها و مسکن در چارچوب برنامه و راهبری تحقیق و بررسی مسائل مربوط به ساختمان و مصالح ساختمانی و نیز راهبری تهیه استانداردهای لازم برای مصالح ساختمانی با همکاری مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و حمایت از تولیدکنندگان آنها.
- اتخاذ تصمیم و تعیین خط‌مشی برنامه‌های اجرایی زمین، مسکن، شهرسازی، ساختمان‌های دولتی و عمران شهری.
- تهیه و اجرای طرح‌های ساختمان‌های دولتی و تأمین ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی موردنیاز جامعه از طریق مهندسین مشاور و پیمانکاران تأیید صلاحیت‌شده و در چارچوب نظام فنی و اجرایی کشور.
- تعیین سیاست‌های دولت در زمینه تولید و عرضه مسکن در کشور و توسعه و بهبود استانداردهای کمی و کیفی مسکن.

برخی از سازمان‌ها/دستگاه‌های وابسته

- سازمان ملی زمین و مسکن.
- شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
- شرکت عمران شهرهای جدید.
- مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.

- سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران.
- سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای.
- سازمان بنادر و دریانوردی.
- سازمان هواپیمایی کشوری.
- راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران
- شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران.
- سازمان هواشناسی کشور.
- شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران.
- شرکت آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک.
- شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور.
- شرکت فرودگاه‌های کشور.^۱

۱۲-۶. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری^۲

اهداف

- توسعه علوم، تحقیقات و فناوری و تقویت روحیه تحقیق و تتبع و ترویج فکر خلاق و ارتقای فرهنگ علم دوستی.
- اعتلای موقعیت آموزشی، علمی و فنی کشور.
- تعمیق و گسترش علوم، معارف، ارزش‌های انسانی و اسلامی و اعتلای جلوه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و میراث علمی تمدن ایرانی و اسلامی.
- تأمین نیروی انسانی متخصص و توسعه منابع انسانی کشور.
- ارتقای سطح دانش و مهارت‌های فنی و توسعه و ترویج فرهنگ تفکر علمی در جامعه.
- حفظ و تحکیم آزادی علمی و استقلال دانشگاه‌ها، مراکز علمی و تحقیقاتی.

وظایف

- الف) در زمینه انسجام امور اجرایی و سیاستگذاری نظام علمی و امور تحقیقات و فناوری
- شناسایی مزیت‌های نسبی، قابلیت‌ها، استعدادها و نیازهای پژوهش و فناوری کشور بر مبنای آینده‌نگری و آینده‌پژوهی و معرفی آن به واحدهای تولیدی، تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و تحقیقاتی جهت بهره‌برداری.
 - بررسی اولویت‌های راهبردی تحقیقات و فناوری با همکاری یا پیشنهاد دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و پیشنهاد به شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری.
 - حمایت از توسعه تحقیقات بنیادی و پژوهش‌های مرتبط با فناوری‌های نوین براساس اولویت‌ها.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت راه و شهرسازی (<http://www.mrud.ir>)، ۱۳۹۱/۰۹/۱۸.

۲. براساس ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی، به‌منظور انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی کشور، از ابتدای برنامه مذکور، وزارت «فرهنگ و آموزش عالی» به وزارت «علوم، تحقیقات و فناوری» تغییر نام یافت.

- برنامه‌ریزی برای تدارک منابع مالی توسعه فناوری کشور و مشارکت در ایجاد توسعه و تقویت فناوری ملی و حمایت از توسعه فناوری‌های بومی.
- اتخاذ تدابیر لازم به‌منظور افزایش کارایی و اثربخشی تحقیقات کشور و توسعه تحقیقات کاربردی با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط.
- اتخاذ تدابیر و تهیه پیشنهادهای لازم در خصوص انتقال فناوری و دانش فنی و برنامه‌ریزی به‌منظور بومی کردن فناوری‌های انتقال یافته به داخل کشور و ارائه آنها به شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری.
- ایجاد زمینه‌های مناسب برای عرضه فناوری در داخل و خارج کشور و حمایت از صدور فناوری‌های تولید شده در کشور و کمک به ایجاد انجمن‌ها و شرکت‌های غیردولتی علمی، تحقیقاتی و فناوری.
- تمهید سازوکارهای لازم برای ایجاد هم‌سویی میان فعالیتهای آموزشی، تحقیقاتی و فناوری، تقویت ارتباط دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی با بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.
- اتخاذ راه‌کارهای مناسب برای کمک به توسعه پژوهش و فناوری در بخش‌های غیردولتی.
- اتخاذ تدابیر و ارائه پیشنهادهای لازم جهت حفظ دانشمندان و محققان و تأمین امنیت شغلی آنان و استفاده بهینه از توانمندی‌های آنها.
- ارزیابی جامع عملکرد نظام ملی علوم، تحقیقات و فناوری شامل پیشرفت‌ها، شناخت موانع و مشکلات و تدوین و ارائه گزارش سالانه.

ب) در زمینه اداره امور دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تحت پوشش

- پیشنهاد ضوابط و معیارهای کلی پذیرش دانشجو به مراجع ذی‌صلاح.
- تعیین راهکارهای لازم و برنامه‌ریزی و حمایت از ایجاد و گسترش دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی، مراکز تحقیقاتی و فناوری و دیگر مراکز فعالیت‌های علمی-پژوهشی همانند شهرک‌های تحقیقاتی، آزمایشگاه‌های ملی، موزه‌های علوم و فنون با استفاده از منابع دولتی و غیردولتی و مشارکت‌های مردمی متناسب با نیازها و ضرورت‌های کشور.
- برنامه‌ریزی اجرایی و آموزشی و تحقیقاتی متناسب با نیازها و تحولات علمی و فنی در جهان.
- تعیین ضوابط، معیارها و استانداردهای علمی مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی با رعایت اصول انعطاف، پویایی، رقابت و نوآوری علمی.
- نظارت بر فعالیت‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور.
- ارزیابی مستمر فعالیت هرگونه واحد آموزش عالی و یا مؤسسه تحقیقاتی (اعم از دولتی و غیردولتی) و جلوگیری از ادامه فعالیت، تعلیق فعالیت و یا انحلال هر یک از آنها در صورت تخلف از ضوابط و یا از دست‌دادن شرایط ادامه فعالیت براساس اساسنامه‌های مصوب.
- صدور مجوز تأسیس انجمن‌های علمی و حمایت و ارزیابی مستمر از فعالیت آنها براساس ضوابط مصوب مراجع ذی‌صلاح.
- تأیید اساسنامه و صدور مجوز تأسیس انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی و ارزیابی فعالیت آنها و اتخاذ تصمیم در مورد امکان ادامه فعالیت آنها براساس ضوابط و مقررات مراجع ذی‌صلاح.
- ارزیابی سالانه عملکرد مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی دولتی.

- تأیید صلاحیت و صدور احکام اعضای هیأت‌های ممیزه، هیأت‌های امناء، هیأت‌های مؤسس، هیأت‌های گزینش اعضای هیأت علمی و هیأت‌های انتظامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، طبق ضوابط و مقررات موضوعه.
- ارزیابی و اعتبارسنجی علمی دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی به صورت مستقیم و یا از طریق حمایت از انجمن‌های مستقل علمی، تخصصی و فرهنگستان‌ها در ارزیابی علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات و انتشار نتایج در محافل علمی و ارائه گزارش سالانه به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی و سایر مراجع ذی صلاح.
- تأیید اساسنامه و صدور مجوز ایجاد یا توسعه هرگونه واحد آموزش عالی یا مؤسسه تحقیقاتی (اعم از دولتی یا غیردولتی)، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی.
- بررسی و پیشنهاد اولویت‌های تخصیص منابع در حوزه‌های علوم، تحقیقات و فناوری به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- توسعه همکاری‌های علمی بین‌المللی و اتخاذ تدابیر لازم به منظور نهادینه کردن همکاری‌ها و مبادلات علمی بین مراکز علمی - تحقیقاتی داخل کشور با مراکز علمی - تحقیقاتی منطقه‌ای و بین‌المللی در چارچوب ضوابط و مقررات مصوب مراجع ذی صلاح.
- صدور مجوز «تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی دولتی و غیردولتی با مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز علمی خارجی از کشور» براساس ضوابط مصوب مراجع ذی صلاح.

ج) سایر موارد

- مشارکت فعال در فرایند سیاستگذاری نظام آموزش و توسعه نیروی انسانی کشور به منظور ایجاد هماهنگی لازم بین برنامه‌های سطوح مختلف آموزش کشور.
- مشارکت در تعیین اولویت‌های توسعه منابع انسانی کشور و ارائه نتایج حاصل شده به دستگاه‌های ذی ربط به منظور هدایت منابع در جهت اولویت‌های مذکور.
- ارزیابی و تأیید اختراعات، اکتشافات و نوآوری‌ها با همکاری سایر مراکز علمی و تحقیقاتی کشور به منظور فراهم نمودن زمینه حمایت از حقوق مالکیت معنوی و ثبت در مراجع ذی ربط.
- تعیین ضوابط و ارزشیابی علمی مدارک فارغ‌التحصیلان و تأیید ارزش علمی مدارک دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی (دولتی یا غیردولتی) داخل کشور به استثنای گروه پزشکی.
- تعیین ضوابط مربوط به تشخیص ارزش علمی گواهینامه‌های آموزش عالی و پژوهش‌های علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی خارجی و تعیین ارزش مدارک مذکور به استثنای گروه پزشکی.
- برنامه‌ریزی برای شناسایی و حمایت از شکوفایی استعدادهای درخشان و هدایت آنها به سمت اولویت‌های راهبردی کشور در زمینه علوم، تحقیقات و فناوری در چارچوب مقررات مصوب مراجع ذی صلاح.
- برنامه‌ریزی برای جذب متخصصان ایرانی داخل و خارج از کشور جهت همکاری علمی، تحقیقاتی و فناوری.
- اداره امور دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی خارج از کشور و ایجاد زمینه‌های علمی و فنی متقابل از طریق اعزام رایزن‌های علمی با هماهنگی وزارت امور خارجه.
- اهتمام در معرفی میراث علمی تمدن ایرانی و اسلامی و گسترش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی خارج از کشور.

- همکاری در اعتلای فرهنگ، اخلاق و معنویت اسلامی در مجامع علمی دانشگاهی و در جامعه.
- ایجاد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی به جامعه و بخش‌های مختلف در زمینه سیاست‌ها، اولویت‌ها و برنامه‌ها و عملکردهای آموزش عالی، تحقیقات و فناوری.
- نمایندگی دولت در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و برقراری ارتباطات لازم در حوزه مأموریت‌ها و اختیارات وزارتخانه.
- انجام امور مربوط به کمیسیون ملی یونسکو.^۱

برخی از سازمان‌ها/دستگاه‌های وابسته

- سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران.
- سازمان سنجش آموزش کشور.
- دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی.^۲

۱۳-۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

اهداف

- رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوا.
- استقلال فرهنگی و مصونیت جامعه از نفوذ فرهنگ اجانب.
- اعتلای آگاهی‌های عمومی در زمینه‌های مختلف و شکوفایی استعدادها و روحیه تحقق و تبع و ابتکار.
- رواج فرهنگ و هنر اسلامی.
- آگاهی جهانیان نسبت به مبانی و اهداف انقلاب اسلامی.
- گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام مختلف به‌خصوص مسلمانان و مستضعفان جهان.
- فراهم آوردن زمینه‌های وحدت میان مسلمین.

وظایف

- مطالعه و تحقیق در زمینه تبلیغات رسانه‌های جهانی و کشف روش‌های مورد عمل آنها و اتخاذ شیوه‌های مناسب مقابله با آن در صورت لزوم.
- شناساندن مبانی، مظاهر، اهداف انقلاب اسلامی به جهانیان، با بهره‌گیری از وسایل و امکانات هنری و سمعی و بصری، کتب و نشریات و برگزاری گردهمایی فرهنگی و سایر اقدامات لازم در داخل و خارج کشور با همکاری وزارت امور خارجه و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط.
- گردآوری و طبقه‌بندی کلیه مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی از قبیل: فیلم، کتاب، تصویر و سایر انتشارات مربوط به جمهوری اسلامی ایران و نشر موارد لازم.
- تعیین ضوابط اعطای جوایز در زمینه‌های فرهنگی و هنری در چارچوب آئین‌نامه‌های ضوابط.
- تمرکز و بررسی اخبار و اطلاعات مربوط به پیشرفت برنامه‌ها و فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی به‌منظور انتشار آنها.

۱. قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۳/۰۵/۱۸ مجلس شورای اسلامی).

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (<http://www.msrt.ir>)، ۱۳۹۱/۰۹/۱۸.

- اجرای قوانین مربوط به مطبوعات و نشریات و تعیین ضوابط و مقررات مربوطه و تمرکز، توزیع و نشر انواع آگهی‌های دولتی و اجرای آن در داخل و خارج از کشور.
- انعقاد قرارداد در زمینه مبادلات فرهنگی هنری سینمایی جهانگردی خبری مطبوعاتی و شرکت در جلسات سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در موارد مربوطه با همکاری و هماهنگی وزارت امور خارجه با رعایت قانون اساسی.
- ایجاد، توسعه و اداره کلیه امور نمایندگی‌های فرهنگی ایران در خارج و تعیین نمایندگان فرهنگی و مطبوعاتی و نظارت کامل به اجرای وظایفی که به عهده آنان نهاده می‌شود.
- انجام همکاری‌های فرهنگی و ارشادی با مرکز اسلامی و فرهنگی سایر کشورها به منظور اشاعه فرهنگ اسلامی.
- اداره امور حج و اوقاف و امور خیریه در چارچوب قوانین حج و اوقاف و امور خیریه.
- گردآوری خبرها، گزارش‌ها، مقالات و عکس‌های مربوط به ایران و کشورهای جهان و توزیع آن بین رسانه‌های گروهی کشور و همچنین پخش و انعکاس رویدادهای مختلف کشور و منطقه در زمینه پیشرفت و تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی بین وسائل ارتباط جمعی کشورهای جهان.
- ایجاد و توسعه و بهره‌برداری از تأسیسات ایرانگردی و جهانگردی از هر نوع که باشد و همچنین تأمین وسایل لازم برای مسافرت‌های فردی جمعی جهانگردان ایرانی و خارجی در داخل کشور اعم از زمینی، هوایی و دریایی و تأمین خدمات جهانگردی و اقدامات لازم برای ارائه پیشرفت‌های مملکتی و شناساندن تحولات فرهنگی و تمدن و جاذبه‌های جهانگردی ایران.
- تقویت روح تحقیق و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های فرهنگی و هنری اسلامی و ایرانی از طریق تشویق و حمایت نویسندگان، شعرا، ادبا، هنرمندان و معرفی و بزرگداشت علما، عرفا و شخصیت‌های فرهنگی جهان اسلام و تولید و نشر آثار مربوط به آنان و همچنین پرورش استعدادها و ذوق فرهنگی و هنری افراد.
- ایجاد و توسعه و تجهیز و اداره کتابخانه‌های عمومی و تأسیسات فرهنگی هنری و سینمایی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سراسر کشور.
- صدور اجازه تأسیس، انحلال و نظارت بر فعالیت مؤسسات خبری و نمایندگی‌های خبرگزاری‌ها و رسانه‌های خارجی و صدور اجازه فعالیت برای خبرنگاران خارجی و داخلی در کشور طبق مقررات مربوطه.
- صدور اجازه تأسیس، انحلال و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانون‌های تبلیغاتی چاپخانه‌ها و مؤسسات تکثیر و مؤسسات وابسته به صنعت چاپ و نظارت بر کیفیت محتوای آگهی‌ها و کارهای چاپی طبق ضوابط و مقررات قانونی مربوطه.
- صدور اجازه تأسیس توسعه یا انحلال مؤسسات آزاد آموزش‌های هنری و فرهنگی و سینمایی و نیز انجمن‌های فرهنگی و هنری و تصویب آئین‌نامه‌های مربوطه و نظارت بر اجرای آنها طبق ضوابط و مقررات قانونی و مربوطه.
- برنامه‌ریزی در جهت ایجاد و اصلاح و یا تکمیل تأسیسات جهانگردی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم و یا اعطای وام به بخش خصوصی و یا مشارکت با آنها و یا با سازمان‌های دولتی و شهرداری‌ها و صدور اجازه و نیز نظارت در تأسیس و اداره واحدهای اقامتی و پذیرایی و دفاتر خدمات مسافرتی و جهانگردی و سیاحت و زیارت فعالیت دارند و درجه‌بندی و نرخ‌گذاری این تأسیسات با همکاری سازمان‌های ذی‌ربط.
- نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی، هنری، تبلیغاتی اقلیت‌های مذهبی و دینی شناخته شده در قانون اساسی.
- صدور اجازه ورود و خروج آثار سمعی و بصری، آثار هنری، مطبوعات و نشریات و کلیه مواد تبلیغی و فرهنگی مشکوک.

- تهیه و تدوین آئین‌نامه‌ها و ضوابط ناظر بر تشکیل جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری و مسابقات سینمایی و ادبی در داخل و خارج کشور.
- صدور اجازه تأسیس یا انحلال مراکز یا مؤسسات و مجامع فرهنگی، مطبوعاتی خبری هنری، سینمایی، سمعی و بصری و مؤسسات انتشاراتی و تبلیغاتی در کشور و نظارت بر فعالیت‌های آنها و همچنین ناشرین و کتاب‌فروشان در چارچوب ضوابط و مقررات مربوط.
- هدایت و حمایت از فعالیت مراکز و مؤسسات فیلم‌سازی، سناریونویسی سینماها، کانون‌ها و مراکز نمایش فیلم، عکاسخانه‌ها و تولیدکنندگان نوار سمعی و بصری و صدور اجازه تأسیس و یا انحلال این‌گونه واحدها و نظارت بر آنها در چارچوب شرایط و مقررات مربوط.
- نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی، هنری و تبلیغاتی اتباع خارجی مقیم ایران با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط.
- تحقیق درباره اثرات وسایل ارتباط جمعی و سنجش میزان تأثیر برنامه‌ها و فعالیت‌های گفتاری تصویری مطبوعاتی خبری و متون چاپ شده در افکار عمومی با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط.
- انجام مطالعات و تحقیقات لازم پیرامون مسائل و مبانی فرهنگ عمومی هنر سینما و تئاتر و دیگر زمینه‌های فرهنگی و هنری مربوط به منظور استفاده از نتایج حاصل در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و هنری و دیگر امور مربوط و نهایتاً بهبود کیفی و کمی امور محوله.
- برنامه‌ریزی فرهنگی و تبلیغی در جهت همکاری بیشتر مردم با دولت و بررسی پیرامون اثرات برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت در افکار عمومی و ارائه آن به هیأت وزیران.
- ایجاد زمینه‌های گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی و اشاعه زبان فارسی در کشورهای مختلف با همکاری وزارتخانه‌های امور خارجه و علوم، تحقیقات و فناوری.
- تنظیم سیاست‌های کلی فرهنگی، هنری، سینمایی کشور و ارائه آنها به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب.
- تأسیس و اداره مؤسسات آموزشی لازم به منظور آموزش افراد مجرب در رشته‌های مختلف فرهنگ و هنر، ارشاد و جهانگردی و امور مربوط دیگر برحسب مورد و با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط.^۱

برخی از سازمان‌ها/دستگاه‌های وابسته

- سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.
- سازمان حج و زیارت.
- سازمان اوقاف و امور خیریه.
- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- سازمان چاپ و انتشارات.
- هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور.
- ستاد ملی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد.^۲

۱. قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۵/۱۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی).

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (<http://www.farhang.gov.ir>)، ۱۳۹۱/۰۹/۱۸.

۶-۱۴. وزارت کشور

اهداف

- فراهم نمودن موجبات حفظ نظم و امنیت در سراسر کشور.
- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در چارچوب قانون اساسی و سایر قوانین مملکتی.
- اجرای سیاست عمومی دولت به منظور پیشبرد برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عمرانی.
- حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی با استفاده از مشارکت‌های عمومی.
- نظارت بر اداره امور مناطق کشور از طریق استانداران، فرمانداران و بخشداران.
- شناسایی و تعیین هویت افراد.
- رفع بحران‌های ناشی از حوادث و وقایع غیرمترقبه.

وظایف

- تأمین و حفظ امنیت داخلی و استقرار نظم و آرامش در کشور و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی و نظامی و حفاظت از مرزها.
- تمشیت امور نیروی انتظامی.
- تلاش در جهت تحقق و توسعه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در چارچوب قانون اساسی و سایر قوانین کشور و تأمین توسعه سیاسی و اجتماعی پایدار و ارتقای سطح مشارکت عمومی.
- زمینه‌سازی برای فعالیت مطلوب احزاب و تشکل‌های سیاسی و غیردولتی و نظارت بر فعالیت آنها.
- هدایت و راهبری و پشتیبانی شوراهای اسلامی و نظارت بر فعالیت آنها.
- ایجاد نظام مطلوب تقسیمات کشوری.
- هماهنگی و هدایت استانداران برای تحقق سیاست‌های عمومی و برنامه‌های دولت.
- سیاست‌گذاری، راهبری و نظارت بر امور مربوط به اتباع و مهاجرین خارجی.
- اجرای سیاست‌های عمومی دولت به منظور پیشبرد برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و عمرانی.
- برنامه‌ریزی به منظور انجام امور انتخابات.
- هماهنگی در جهت توسعه امور عمرانی شهرها و روستاها و هدایت و پشتیبانی فنی - اجرایی شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات مربوط به آنها.
- برنامه‌ریزی و اعمال مدیریت در جهت رفع بحران‌های ناشی از حوادث طبیعی و سوانح غیرمترقبه.
- شناسایی و تعیین هویت ایرانیان.

برخی از سازمان‌ها/ دستگاه‌های وابسته

- سازمان ثبت احوال کشور.
- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- سازمان مدیریت بحران.^۱

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور (<http://www.moi.ir>)، ۱۳/۰۹/۱۳۹۱.

۶-۱۵. وزارت نفت

اهداف

- تحقق سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش نفت و گاز.
- سیاست‌گذاری، راهبری، برنامه‌ریزی و نظارت بر کلیه عملیات بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی.
- اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع و ذخایر نفت و گاز به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی.

وظایف

الف) امور حاکمیتی و سیاست‌گذاری

- تعیین خط‌مشی‌ها و سیاست‌های راهبردی عملیات بالادستی و پایین‌دستی نفت.
- تهیه و تنظیم برنامه‌های راهبردی عملیات بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی مطابق خط‌مشی‌ها و سیاست‌های ابلاغی و نظارت بر حسن اجرای آنها.
- تعیین، بازنگری و نظارت بر حسن اجرای استانداردهای صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و صدور گواهی‌نامه‌های لازم.
- تدوین رویه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی جهت حفاظت، نگهداری و ارتقای سطح سلامت، بهداشت، ایمنی و محیط زیست و پدافند غیرعامل در صنعت نفت، با هماهنگی دستگاه‌های اجرایی و نهادهای ذی‌ربط و نظارت بر اجرای آنها.
- وضع مقررات و صدور دستورالعمل‌های لازم برای حسن انجام امور اکتشاف، توسعه، تولید، انتقال، حفظ حریم خطوط لوله و تأسیسات، ذخیره‌سازی، توزیع و مصرف فرآورده‌های نفت و گاز و محصولات پتروشیمی.
- تأمین حفاظت و حراست از منابع، تأسیسات، شبکه‌های خطوط لوله، برق و مخابرات، ابنیه، اموال و اسناد متعلق به وزارت نفت و شرکت‌های تابعه توسط سازمان حراست صنعت نفت با همکاری نهادهای امنیتی، نظامی، انتظامی و پدافندی.
- تعیین خط‌مشی مؤثر به‌منظور جایگزینی صادرات فرآورده‌های نفت و گاز و محصولات نهایی پتروشیمی به جای صدور نفت خام و گاز طبیعی مبتنی بر شاخص‌های اقتصادی، مزیت‌های رقابتی و تکمیل زنجیره ارزش.
- تعیین و ابلاغ معیارها، مقررات و دستورالعمل‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی در تجهیزات، فرایندها و سامانه (سیستم)‌های مصرف‌کننده انرژی و نظارت بر حسن اجرای آنها با هماهنگی دستگاه‌های مربوط.
- تأیید و اعلام رسمی آمار و اطلاعات میدانی و ذخایر نفت و گاز کشور.
- سیاست‌گذاری و مدیریت تقاضای سوخت به‌منظور بهینه‌سازی مصرف سوخت در چارچوب قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی.

ب) امور نظارتی

- نظارت بر بهره‌برداری بهینه و صیانتی از ذخایر و منابع نفت و گاز کشور.
- نظارت بر فرایند نگهداری و اداره تأسیسات دولتی صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی.
- نظارت بر فرایند تجارت نفت، گاز، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی.
- نظارت بر فرایند تأمین، توزیع و تنظیم بازار نفت و فرآورده‌های نفت و گاز در داخل کشور.
- نظارت بر فرایند سرمایه‌گذاری صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی در داخل کشور به‌منظور تحقق اهداف سرمایه‌گذاری و نیز نظارت بر سهم دولت در سرمایه‌گذاری‌های این صنایع در خارج از کشور براساس مقررات مربوط.
- نظارت و پایش مجوزها و پروانه‌های صادره در عملیات بالادستی و پایین‌دستی نفت.

- اعمال نظارت و کنترل عملکرد شرکت‌های تابعه در زمینه‌های مالی، فنی، اداری، حقوقی، بازرگانی، پژوهشی، قراردادهای و سایر امور.
- نظارت بر فرایند تهیه و تأمین تجهیزات موردنیاز صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی.

ج) امور اجرایی

- تلفیق برنامه‌های عملیاتی، مالی و بازرگانی شرکت‌های اصلی تابعه و تطبیق آن با خط‌مشی‌ها و سیاست‌های ابلاغی جهت تنظیم برنامه جامع صنعت نفت.
- تدوین نظام جامع بودجه‌ریزی عملیاتی و مدیریت منابع مالی.
- صدور مجوز فعالیت و پروانه بهره‌برداری برای اشخاص واجد شرایط بخش‌های غیردولتی در عملیات پایین‌دستی صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی با رعایت قوانین و مقررات.
- صدور مجوز فعالیت و پروانه بهره‌برداری برای اشخاص حقوقی واجد صلاحیت برای اکتشاف، توسعه، استخراج و تولید از کلیه میادین نفت و گاز کشور.
- شناسایی، آمایش و پیشنهاد مکان‌های مناسب برای ایجاد و توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در حوزه نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی در چارچوب برنامه‌های آمایش سرزمین و اعمال سیاست‌های حمایتی و نظارتی بر فرایند توسعه و اداره هر یک از این مناطق در امور مرتبط با نفت و گاز.
- تأیید صلاحیت تشکیل انجمن‌ها، تشکلهای تولیدی، تجاری و خدمات مهندسی در صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی به‌منظور صدور مجوز تشکیل و نظارت بر آنها با رعایت قوانین و مقررات.
- تهیه، تدوین و ابلاغ فهرست بهای تخصصی صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی کشور متناسب با نرخ عوامل مندرج در فهرست‌بهای عمومی منتشره از سوی مراجع رسمی ذی‌ربط.
- تهیه و تدوین فهرست و ارزیابی صلاحیت سازندگان، پیمانکاران و مشاوران در رشته‌های تخصصی صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی برابر قوانین و مقررات.
- تدوین و ابلاغ نظام جامع فناوری اطلاعات و ارتباطات منابع سازمانی و نظارت بر طراحی و استقرار زیرساخت‌ها و سامانه‌های ذی‌ربط در کلیه سطوح فعالیت صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی.
- تهیه، تنظیم و انتشار ترازنامه سالانه حامل‌های انرژی.
- ایجاد سازوکارهای لازم برای گسترش عرضه نفت خام، میعانات گازی، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی اعم از مصرف داخلی و صادراتی از طریق بورس با رعایت الزامات قانونی و با مشارکت دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط.

د) امور سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی

- تأیید طرح‌های توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی به‌منظور تکمیل زنجیره تولید و ایجاد ارزش افزوده بیشتر.
- ایجاد سازوکار مؤثر برای جذب منابع مالی موردنیاز داخلی و خارجی به‌منظور اجرای طرح‌های توسعه‌ای و حفظ و نگهداشت توان تولید با رعایت قوانین و مقررات.
- جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی به‌منظور توسعه میادین هیدروکربوری با اولویت میادین مشترک از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت‌شده.

ه) امور منابع انسانی، علمی و فناوری

- حفظ و تقویت مراکز و مؤسسات آموزشی، دانشگاهی، تحقیقاتی، پژوهشی و مطالعاتی جهت ارتقای سطح علمی و عملیاتی و مهارت‌های فنی و کاربردی موردنیاز صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی با رعایت استانداردهای آموزش عالی کشور.
- تهیه و انتشار نشریه‌های علمی، فنی و تخصصی داخلی و بین‌المللی به‌منظور ارتقای سطح دانش در صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی برابر قوانین و مقررات.
- تدوین نظام جامع سرمایه انسانی متناسب با نیازهای صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی و نظارت بر حسن اجرای آن.
- تدوین نظام جامع کیفیت کالا و خدمات به‌منظور ارتقای کیفیت تولیدات و خدمات داخلی و اعمال سیاست‌های حمایت از بومی‌سازی و طراحی و ساخت تجهیزات و تأسیسات موردنیاز صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی با هماهنگی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط در داخل کشور.
- اتخاذ سیاست‌های حمایتی در مورد شرکت‌ها و مؤسسات داخلی حوزه صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی به‌منظور توانمندسازی و افزایش توان رقابتی آنها جهت ساخت تجهیزات و صدور خدمات فنی و مهندسی در عرصه‌های بین‌المللی و در راستای ارتقای شاخص‌های بهره‌وری در اقتصاد ملی.
- تدوین نظام جامع پژوهشی و برنامه‌ریزی و حمایت از فناوری‌ها و فعالیت‌های دانش‌بنیان برای استفاده از فناوری‌های پیشرفته و انتقال دانش فنی در صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی با همکاری سایر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط.
- یکپارچه‌سازی و همسوسنمودن اولویت‌های پژوهشی و فناوری صنعت نفت با سیاست‌ها و برنامه‌های ملی در حوزه علم و فناوری.
- فراهم کردن زیرساخت‌های نظام پژوهشی و فناوری با تقویت منابع انسانی ماهر و متخصص موردنیاز صنعت نفت با هماهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- حمایت از توسعه کاربرد فناوری‌های نوین تبدیل انرژی در بخش‌های مختلف مصرف و جایگزینی اقتصادی حامل‌های انرژی با استفاده از توسعه ظرفیت‌های محلی انرژی.

و) امور بین‌الملل

- عضویت یا نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در کلیه سازمان‌ها، مجامع و کنفرانس‌های بین‌المللی ذی‌ربط با رعایت قوانین.
- تعیین و تدوین دیپلماسی انرژی کشور و مشارکت در فرایند توسعه امنیت ملی با استفاده از منابع انرژی با همکاری دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط در چارچوب سند ملی راهبرد انرژی کشور و سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران.
- برقراری روابط بین‌المللی، مذاکره و انعقاد تفاهمنامه‌ها، موافقتنامه‌ها و مقاله‌نامه‌های دو یا چندجانبه با دولت‌ها و مؤسسات بین‌المللی در زمینه‌های علمی، فنی، صنعتی، تجاری و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایشی به نمایندگی از طرف دولت با رعایت قوانین^۱.

برخی از سازمان‌ها/دستگاه‌های وابسته

- شرکت ملی نفت ایران.
- شرکت ملی گاز ایران.

۱. قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (مصوب جلسه مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی).

- شرکت ملی صنایع پتروشیمی.
- شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران.^۱

۱۶-۶. وزارت نیرو

اهداف

- حفاظت، نگهداری، بهره‌برداری و بهبود کمی و کیفی منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی.
- جلب رضایت و اقبال مردم با تأمین، تصفیه و توزیع مناسب آب بهداشتی سالم و دائمی برای انواع مصارف.
- بالابردن بهداشت محیط شهرها و روستاها با طراحی و اجرای شبکه‌های جمع‌آوری و تصفیه‌خانه‌های فاضلاب.
- تأمین نیازهای انرژی با کیفیت مطلوب و تمام‌وقت برای انواع مصارف شهروندان.
- دیدگاه بلندمدت (دورنگر) به صیانت از منابع آب و انرژی و انتقال آن به نسل‌های آینده.

وظایف

الف) بخش آب

- اجرای طرح‌های ذخیره‌سازی، تأمین و انتقال آب برای مصارف خانگی، کشاورزی، عمومی، تجاری و صنعتی.
- حفاظت، کنترل و بهره‌برداری از منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی (رودخانه‌ها، سواحل، تالاب‌ها، دریاچه‌ها، چشمه‌ها، نهرها، کانال‌های آب، قنوات، چاه‌ها و سایر منابع آب).
- تدوین و تنظیم پیش‌نویس قوانین و لوایح پیشنهادی مربوط به منابع آب.
- تلاش جهت مطالعه و عضویت در کمیته و کنوانسیون‌های جهانی در زمینه آب.
- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و ارائه راهکارهای مناسب جهت اجرای طرح‌های مربوط به منابع آب کشور در قالب قوانین و برنامه‌های دولت.
- برنامه‌ریزی و انجام طرح‌های تحقیقاتی و پژوهشی منابع آب و تأمین نیروی انسانی متخصص و آموزش و تربیت آنان.
- هماهنگی، نظارت و ارزیابی فعالیت شرکت‌های زیرمجموعه در پیشبرد اهداف کلی منابع آب کشور.
- جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و ایجاد زمینه مناسب برای جلب مشارکت‌های مردمی و بخش خصوصی در اجرای طرح‌های آب در کشور.

ب) بخش آب و فاضلاب

- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و توسعه طرح‌های آب‌رسانی، تصفیه و توزیع آب شهری و روستایی.
- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و توسعه طرح‌های جمع‌آوری، انتقال و تصفیه پساب‌های صنعتی، شهری و روستایی.
- تدوین و تنظیم پیش‌نویس قوانین و لوایح پیشنهادی مربوط به تعرفه‌های آب‌بها و فاضلاب و حق اشتراک آب و فاضلاب به‌صورت سالیانه به دولت و مجلس و اجرای آنها.
- انجام امور تحقیقاتی مرتبط با فعالیت شرکت‌های آب و فاضلاب و هماهنگی و برنامه‌ریزی آموزشی به‌منظور ارتقای سطح علمی کارکنان شرکت‌های آب و فاضلاب.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نفت (<http://www.mop.ir>), ۱۳۹۱/۰۹/۱۱.

- عضویت در کنفرانس‌ها و انجمن‌های جهانی به منظور کسب و تبادل اطلاعات تخصصی و انجام مطالعات، پژوهش‌ها و تهیه طرح‌های آب و فاضلاب.
- تهیه استانداردها و رویه‌های اجرایی مربوط به امور آب و فاضلاب شهری به منظور ارائه خدمات بهتر به مشترکین، استفاده بهینه از امکانات، کنترل کیفی پساب خروجی از تصفیه‌خانه‌های فاضلاب براساس استانداردهای سازمان حفاظت محیط زیست.
- هماهنگی، نظارت و ارزیابی فعالیت شرکت‌های زیرمجموعه در پیشبرد اهداف کلی آب و فاضلاب کشور.

ج) بخش برق

- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و توسعه طرح‌های تولید، انتقال و توزیع انرژی برق در شهرها و روستاهای سراسر کشور.
- بررسی و تدوین پیشنهادهای لازم در زمینه راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌ها، قوانین و آئین‌نامه‌های صنعت برق و تعرفه‌های بهای مصرف و اشتراک برق به‌طور سالیانه جهت ارائه به دولت و مجلس و اجرای آنها.
- برنامه‌ریزی جهت انجام طرح‌های تحقیقاتی و پژوهشی مرتبط با فعالیت شرکت و هماهنگی و برنامه‌ریزی آموزشی به منظور ارتقای سطح علمی کارکنان صنعت برق کشور.
- جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و ایجاد زمینه‌های لازم برای مشارکت بخش خصوصی در اجرای طرح‌های تولید و انتقال برق در سراسر کشور.
- عضویت در کمیته و کنوانسیون‌های جهانی انرژی و کسب و تبادل اطلاعات لازم به منظور استاندارد کردن و ارتقای فعالیت‌های صنعت برق کشور.
- هدفمند کردن میزان مصرف برق و یارانه‌ها برابر استانداردهای جهانی.
- سیاست‌گذاری، نظارت و هماهنگی بین شرکت‌های زیرمجموعه به منظور اجرای به موقع طرح‌های برق در راستای پیشبرد اهداف کلان صنعت برق کشور.

د) بخش انرژی‌های تجدیدپذیر

- تعیین سیاست‌های کلان انرژی.
- برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های انرژی‌های تجدیدپذیر با توجه به ویژگی هر منطقه از کشور.
- مطالعه، تحقیق و پژوهش به منظور شناسایی توان مناطق کشور در استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر.
- مطالعه و تحقیق و اجرای طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی در کشور.

ه) بخش پشتیبانی فنی و مهندسی

- انجام طرح‌های تحقیقاتی و پژوهشی به منظور بالا بردن توان داخلی جهت ساخت و تولید کالاها و قطعات تأسیسات آبی و برقی در کشور.
- مدیریت بر ساخت و تولید قطعات مورد نیاز تأسیسات و طرح‌های آب و برق در داخل کشور.
- صدور خدمات فنی و مهندسی به سایر کشورها برای اجرای طرح‌های آب و برق.

و) بخش برنامه‌ریزی و نیروی انسانی

- تدوین سیاست‌ها و راهبری منابع انسانی به منظور تقویت مطالعات و برنامه‌ریزی جهت ارائه الگوی مناسب مدیریتی.
- مطالعه و تحقیق به منظور به کارگیری فناوری اطلاعات در صنعت آب و برق.

- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به‌منظور انجام پژوهش و تحقیقات، همچنین ایجاد زمینه‌های لازم آموزشی، تربیت و جذب نیروی انسانی متخصص در صنعت آب و برق.
- تدوین برنامه بلندمدت و راهبردی، تلفیق برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت بخش‌های مختلف صنعت آب و برق و ارائه لایحه بودجه وزارت نیرو.
- ارتباط مناسب و مستمر با مجلس شورای اسلامی به‌منظور توجیه و تصویب لوایح و قوانین مورد نیاز وزارت نیرو.

برخی از سازمان‌ها/دستگاه‌های وابسته

- شرکت توانیر.
- شرکت مدیریت منابع آب ایران.
- شرکت آب و فاضلاب کشور.^۱

۱۷-۶. وزارت ورزش و جوانان^۲

اهداف

- پرورش نیروی جسمانی و تقویت روحیه سالم در افراد.
- توسعه و تعمیم ورزش و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های تربیت بدنی و تفریحات سالم.
- ایجاد و اداره امور مراکز ورزش و توسعه و ترویج ورزش قهرمانی به‌منظور تحقق اهداف نظام.
- حل مسائل جوانان.
- اعتلا و رشد نسل جوان کشور.
- استفاده بهینه از استعداد و توانایی‌های نسل جوان.

وظایف

الف) حوزه ورزش

برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و نظارت به‌منظور:

- توسعه و تعمیم ورزش و پرورش نیروی بدنی و تقویت روحیه سالم در افراد کشور.
- تعلیم و تربیت داوران و مربیان ورزش در سراسر کشور.
- همگانی کردن ورزش در سطح کشور.
- تعمیم ورزش در روستاها و مناطق عشایری.
- ارتقای سطح ورزش قهرمانی برای دست‌یابی به رتبه‌های برتر در میادین بین‌المللی.
- ارتقای سطح ورزش حرفه‌ای با رویکرد اقتصادی.
- تأسیس، تجهیز و اداره ورزشگاه‌ها (استادیوم‌ها) و سایر مراکز ورزشی.
- تدوین شاخص‌های مربوط به صدور و لغو پروانه باشگاه‌ها و تعیین صلاحیت اخلاقی مدیران مراکز ورزشی و تفریحات سالم کشور و نظارت بر فعالیت‌های آنها طبق آئین‌نامه مصوب.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو (<http://www.moe.org.ir>)، ۱۳۹۱/۰۹/۱۳.

۲. براساس مصوبه جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۲ مجلس شورای اسلامی، سازمان‌های «تربیت بدنی» و «ملی جوانان» ادغام و به «وزارت ورزش و جوانان» تبدیل شد.

- هدایت و حمایت فدراسیون‌ها و هیأت‌های ورزشی برای دستیابی به اهداف ورزشی تعیین شده.
- بازرسی امور فنی مربوط به ورزش و تربیت بدنی در مدارس، دانشگاه‌ها، آموزشگاه‌های عالی و سایر دستگاه‌های اجرایی برای تحقق اهداف تعیین شده.
- ایجاد بستری مناسب جهت برقراری ارتباط واحدهای تحت پوشش سازمان با مراکز بین‌المللی تخصصی علمی- ورزشی به منظور دستیابی به آخرین اطلاعات و دستاوردها در زمینه‌های مربوط.
- فراهم نمودن تمهیدات لازم برای تقویت مشارکت بخش غیردولتی و تحکیم نهضت داوطلبی در فعالیت‌های ورزشی.

(ب) حوزه جوانان

- مطالعه و پژوهش در حوزه‌های راهبردی امور جوانان به منظور بازشناسی و تبیین مسائل و نیازهای گوناگون جوانان و ارائه راهبردهای مناسب برای حل مسائل آنان و هماهنگی مطالعات کاربردی دستگاه‌های اجرایی در این زمینه.
- شناسایی، نظارت، حمایت و تقویت تشکل‌های غیردولتی جوانان.
- شناسایی فعالیت‌های قابل واگذاری دستگاه‌های اجرایی به تشکل‌ها و سازمان‌های غیردولتی جوانان با همکاری مراجع ذی‌ربط.
- بررسی عملکرد و میزان اثربخشی فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی مرتبط با امور جوانان و ارسال به مراجع ذی‌ربط.
- ساماندهی و نظارت بر مراکز خدمات مشاوره‌ای و اطلاع‌رسانی جوانان.
- طراحی و مدیریت برنامه‌های ملی ویژه و فرابخشی و نمونه‌سازی فعالیت‌های مربوط به جوانان با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط.
- تهیه و تدوین «برنامه جامع ساماندهی امور جوانان کشور» با عنایت به جایگاه نقش و مأموریت‌های اساسی دستگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی مرتبط با امور جوانان.
- مطالعه و بررسی قوانین و مقررات مربوط به جوانان در جهت رفع کاستی‌ها و پیشنهاد برای تغییر و اصلاح یا وضع قوانین جدید به مراجع ذی‌صلاح با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط.
- ساماندهی فعالیت‌های فراغتی نسل جوان متناسب با مقتضیات دوره جوانی در جهت سازندگی کشور و رفع محرومیت فرهنگی و اجتماعی جوانان در مناطق شهری و روستایی.
- ارائه شیوه‌های مناسب برای استفاده بهینه از استعدادها و توانایی‌های جوانان و بهره‌گیری بیشتر از امکانات و منابع دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط.
- همکاری در تعیین ضوابط و استاندارد برای فعالیت‌های مراکز فرهنگی و هنری مربوط به جوانان با دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط.

برخی از سازمان‌ها/ دستگاه‌های وابسته

- شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور.
- خبرگزاری برنا.^۱

۱۸-۶. وزارت دادگستری

به موجب اصل یکصد و شصتم قانون اساسی، «وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌شود. رئیس قوه قضائیه

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت ورزش و جوانان (<http://www.msy.gov.ir>)، ۱۳۹۱/۰۸/۱۲.

می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض کند؛ در این صورت، وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود. بنابراین، وزیر دادگستری تنها وزیری است که برای انتخاب به این سمت، نیازمند کسب اعتماد رؤسای هر سه قوه است.

وظایف

۱. مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه از قبیل:
 - ارائه و پیگیری برنامه و بودجه، نیروی انسانی (اداری و استخدامی) و امکانات و تسهیلات مورد نیاز وزارت دادگستری و قوه قضائیه.
 - تهیه و تدوین و پیگیری تصویب آئین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و مجوزهای مورد نیاز قوه قضائیه در هیأت دولت.
 - تسلیم لوایح قضایی ارائه شده از سوی رئیس قوه قضائیه به دولت و دفاع در مراحل تصویب جهت تقدیم به مجلس شورای اسلامی.
 - تلاش در جهت پیشبرد برنامه‌ها و اهداف قوه قضائیه در لوایح قانونی که توسط دولت تهیه می‌شود.
 - ایجاد ارتباط و هماهنگی لازم بین قوه قضائیه و قوه مجریه در راستای انجام برنامه، سیاست‌ها و اهداف قوه قضائیه.
۲. مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مقننه از قبیل:
 - انعکاس نظرات و پیشنهادات قوه قضائیه نسبت به طرح‌های مربوط به این قوه که توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه و در مجلس مطرح می‌شود.
 - مشارکت در تنظیم لوایح قضایی، پیگیری و دفاع از آن در مجلس شورای اسلامی و انعکاس نظرات قوه قضائیه.
 - ارائه پاسخ‌های قوه قضائیه در ارتباط با شکایات و تحقیق و تفحص از قوه قضائیه (موضوع اصول هفتاد و ششم و نودم قانون اساسی).
 - ایجاد ارتباط و هماهنگی لازم میان قوه قضائیه و قوه مقننه.
۳. مسئولیت و پاسخگویی در قبال رئیس‌جمهور و مجلس شورای اسلامی در رابطه با وظایف خاص محوله و دیگر مصوبات هیأت وزیران.
۴. انجام وظایف و اعمال اختیاراتی که از سوی رئیس‌جمهور یا هیأت دولت محول می‌گردد.
۵. تهیه و وضع آئین‌نامه‌ها و صدور بخشنامه‌ها در حدود وظایف محوله و مصوبات هیأت وزیران.
۶. امضای عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای قضایی با سایر دولت‌ها در صورت اعطای نمایندگی از سوی رئیس‌جمهور با هماهنگی قوه قضائیه.
۷. انجام امور مالی، اداری و استخدامی غیرقضات در صورت تفویض اختیار از سوی رئیس قوه قضائیه یا سایر اموری که از سوی رئیس قوه قضائیه محول شود.
۸. اقدام در جهت احقاق حقوق شهروندان ایرانی مقیم خارج از کشور.
۹. معاضدت حقوقی به اتباع ایرانی مقیم سایر کشورهای جهان.
۱۰. پاسخ به استعلامات حقوقی دستگاه‌ها.
۱۱. هماهنگی در امور بین‌الملل نظیر قراردادهای همکاری و معاضدت قضایی استرداد مجرمین انتقال محکومین و ... با رعایت قانون اساسی و نظر رئیس قوه قضائیه.

۱۲. مدیریت امور پرداخت دیه از بیت‌المال و حمایت از قربانیان جرم و مجرمین جرایم غیر عمد.

۱۳. مدیریت امور مربوط به کانون‌های کارشناسان، وکلا و مترجمین رسمی دادگستری.

۱۴. رسیدگی، صدور حکم و تعزیر متخلفین قانون تعزیرات حکومتی.

برخی از سازمان‌ها/ دستگاه‌های وابسته

سازمان تعزیرات حکومتی.^۱

۷. معاونت‌های رئیس‌جمهور و سازمان‌های وابسته به قوه مجریه

۷-۱. معاونت‌های توسعه مدیریت و سرمایه انسانی و برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور

این معاونت‌ها پس از مصوبه شورای عالی اداری مبنی بر تفکیک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به دو معاونت زیر نظر رئیس‌جمهور به وجود آمد. با توجه به اینکه «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» نیز از ادغام دو سازمان «امور اداری و استخدامی کشور» و «برنامه و بودجه» ایجاد شده بود، به منظور آشنایی بیشتر، توضیحات مختصری در مورد هر یک ارائه می‌شود.

سازمان برنامه و بودجه

به منظور هماهنگ نمودن فعالیت‌های عمرانی و لزوم تهیه برنامه‌هایی برای رشد اقتصادی و اجتماعی کشور، در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی، شورای اقتصاد تشکیل شد. در ۱۷ فروردین ۱۳۲۵، به موجب تصویب نامه هیأت وزیران، هیأتی به نام هیأت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور تشکیل شد. هیأت دولت پس از دریافت گزارش‌های ارائه شده از سوی این هیأت، در مرداد ۱۳۲۵ تصویب کرد که برای رسیدگی به برنامه‌های ارائه شده از سوی وزارتخانه‌ها، هیأت جدیدی به نام هیأت عالی برنامه تشکیل شود. هیأت عالی برنامه در سال ۱۳۲۷، لایحه قانون برنامه هفت ساله عمرانی کشور را تهیه و به مجلس وقت ارائه کرد. در این لایحه برای نخستین بار با توجه به لزوم جلوگیری از ایجاد اصطکاک بین سازمان‌هایی که عملیات مشابه انجام می‌دهند از سوی، و لزوم تحول اقتصادی کشور از سوی دیگر، پیشنهاد می‌شود اجرای برنامه از طریق همکاری بین دوایر دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت از یک طرف و سازمانی خاص به نام سازمان برنامه از طرف دیگر انجام گیرد. به این ترتیب در مهر ۱۳۲۷، اداره‌ای به نام اداره دفتر کل برنامه تأسیس می‌شود که بعداً این اداره، سازمان موقت برنامه نامیده می‌شود. در نهایت طبق قانون مصوب ۲۶ بهمن ۱۳۲۷، سازمان برنامه به وجود می‌آید.

با تصویب قانون برنامه و بودجه در ۱۵ اسفند ۱۳۵۱، سازمان برنامه به دلیل انتقال وظیفه تهیه و تدوین تمامی بودجه به آن، «سازمان برنامه و بودجه» نامیده می‌شود.

سازمان امور اداری و استخدامی کشور

در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی، اداره کل طبقه‌بندی مشاغل، وابسته به وزارت دارایی به وجود آمد که هدف آن برقراری هماهنگی در حقوق و مزایای مستخدمان کشوری و به طور کلی اجرای اصل «حقوق مساوی برای کار مساوی» در محدوده نظام طبقه‌بندی مشاغل بود. در سال ۱۳۳۷، اداره کل مذکور به سازمان خدمات کشوری تغییر نام یافت و از وزارت دارایی منتزع و تحت نظر نخست‌وزیر قرار گرفت. فکر تجدیدنظر در مقررات استخدامی و ایجاد مرکزی برای نظارت بر امور استخدامی کشور روز به روز قوت بیشتری می‌گرفت تا اینکه در سال ۱۳۴۰، شورای عالی اداری کشور به وجود آمد و کار تدوین قانون استخدام کشوری

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت دادگستری (<http://www.justice.ir>)، ۱۳۹۱/۰۹/۱۹.

را از سر گرفت. شورای مذکور با بررسی کلیه قوانین و مقررات استخدامی کشور و مقایسه آنها با چندین کشور پیشرفته و در حال توسعه و پس از بحث و مذاکره با صاحب‌نظران، طرح مقدماتی لایحه استخدام کشوری را تهیه کرد. این لایحه پس از بررسی و تجدیدنظر در هیأت رئیسه شورای عالی اداری کشور و کمیسیون منتخب در هیأت دولت و کمیسیون استخدام مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۳۴۵/۰۳/۳۱ در یازده فصل به تصویب رسید. به موجب این قانون، شورای عالی اداری جای خود را به سازمانی تحت عنوان «سازمان امور اداری و استخدامی کشور» داد.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور براساس مصوبه هشتاد و ششمین جلسه شورای عالی اداری در تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۱، به منظور تحقق مطلوب وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور، موضوع اصل ۱۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تأمین یکپارچگی در مدیریت کلان و فراهم کردن زمینه تحقق مطلوب برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، از ادغام دو سازمان برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور تشکیل شد و فعالیت‌های خود را از تیر ماه سال ۱۳۷۹ آغاز کرد.

تشکیل معاونت‌ها

در سال ۱۳۸۶، شورای عالی اداری در یکصد و سی و سومین جلسه خود، در راستای تحقق چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی نظام و برنامه چهارم توسعه و به منظور حسن اجرای اصول ۶۰، ۱۲۴ و ۱۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اجرای مفاد ماده ۱۵۴ برنامه چهارم توسعه تصویب نمود:

«معاونت نظارت و هماهنگی بر سیاست‌های اقتصادی و علمی معاون اول رئیس‌جمهور، معاونت هماهنگی و نظارت راهبردی نهاد ریاست جمهوری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و مؤسسات وابسته به آن، با تمام وظایف و اختیارات و مسئولیت‌ها و دارایی و تعهدات و اعتبارات و امکانات و نیروی انسانی، ادغام و با عنوان دو معاونت به نام‌های «معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور» و «معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور» فعالیت می‌کنند.

۱-۱-۷. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور

وظایف

- برنامه‌ریزی (انجام مطالعات و بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی و پیش‌بینی منابع کشور به منظور تهیه برنامه و بودجه / تهیه و تنظیم برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت به منظور نیل به توسعه پایدار و همه‌جانبه در کشور).
- بودجه‌ریزی (پیشنهاد خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مربوط به بودجه کل کشور به شورای اقتصاد / تهیه و تنظیم بودجه سالانه کشور با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط).
- نظارت و ارزیابی (نظارت مستمر بر اجرای برنامه‌های توسعه و پیشرفت سالانه آنها / نظارت و ارزیابی کارایی و عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور / نظارت و ارزیابی طرح‌های عمرانی کشور).
- امور فنی (استقرار نظام فنی و اجرایی طرح‌های عمرانی کشور از طریق تدوین ضوابط فنی و اجرایی طرح‌ها / سازمان‌دهی و ارزشیابی عملکرد عوامل فنی و اجرایی از طریق تهیه، تدوین، اجرا و نظارت بر اجرای ضوابط مربوط به تشخیص صلاحیت فنی و ارجاع کار به واحدهای تهیه و اجراکننده طرح‌های عمرانی).

- امور انفورماتیک (برگزاری و اداره جلسات شورای عالی انفورماتیک کشور براساس آئین‌نامه مربوط و پیگیری و اجرای مصوبات شورا/ تهیه آئین‌نامه و ضوابط برای سالم‌سازی مراکز فعالیت کامپیوتری و احراز صلاحیت و طبقه‌بندی شرکت‌های کامپیوتری/ هماهنگی و نظارت بر امور شرکت‌های کامپیوتری/ صدور مجوز برای واردات تجهیزات کامپیوتری).

سازمان‌ها و مراکز وابسته

- مرکز آمار ایران
- سازمان نقشه‌برداری کشور
- سازمان ملی بهره‌وری ایران

شوراها و هیأت‌ها

- شورای اقتصاد
- شورای عالی آمار
- شورای عالی انفورماتیک
- شورای عالی نقشه‌برداری
- شورای عالی فنی
- هیأت رسیدگی به شکایات مناقصات
- هیأت امنای صندوق توسعه ملی
- شورای عالی اشتغال^۱.

۱-۲. معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور

مأموریت‌ها

- راهبری و مدیریت سرمایه انسانی دولت و انجام اقدامات لازم به‌منظور حصول اطمینان از تناسب و ارتباط نظام‌های توسعه منابع انسانی، جبران خدمت، ساختارهای سازمانی، امکانات و فناوری اداری و مدیریت عملکرد برای ارائه خدمات عمومی مؤثر و رضایت‌بخش.
- ایجاد زمینه‌های لازم برای تحول در نظام اداری و مدیریت دولتی، از طریق بسط دولت الکترونیک، تمرکززدایی، کوچک‌سازی و سپردن کارها به مردم.
- ایجاد بسترهای بازطراحی، بهینه‌سازی و استقرار نظام‌های مدیریتی موردنیاز برای تحقق برنامه‌های توسعه.
- نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به قانون مدیریت خدمات کشوری.
- تبیین و تدوین سیاست‌های کلان و راهبردی در جهت بهبود بهره‌وری در بخش‌های نظام اداری و اجرایی کشور به‌منظور تحقق اهداف سند توسعه ملی بهره‌وری.

سازمان‌ها و مراکز وابسته

- مرکز آموزش مدیریت دولتی
- دبیرخانه هیأت عالی گزینش

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (<http://www.spac.ir>), ۱۳۹۱/۰۸/۱۰.

شوراها و هیأت‌ها

- شورای عالی اداری
- شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی
- شورای حقوق و دستمزد
- هیأت عالی نظارت بر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری.^۱

۷-۱-۲-۱. مرکز آموزش مدیریت دولتی**تاریخچه**

در راستای اجرای برنامه‌های آموزشی مستخدمین دولت، به استناد تبصره ۳ ماده ۴۴ قانون استخدام کشوری (مصوب سال ۱۳۴۵)، مبنی بر تأسیس مؤسسه‌ای برای آموزش مدیریت و فنون اداری، در تیرماه ۱۳۴۸ «مرکز آموزش مدیریت دولتی» وابسته به سازمان اموراداری و استخدامی کشور تشکیل و فعالیت‌های خود را در چارچوب مأموریت‌ها و وظایف قانونی تعریف شده، آغاز نمود.

پس از تأسیس، بیشتر فعالیت‌های مرکز بر روی آموزش‌های شغلی کوتاه‌مدت (بدوخدمت و ضمن خدمت) مدیران و کارکنان متمرکز شده بود؛ اما در تاریخ ۱۳۵۱/۰۸/۰۲، شورای گسترش آموزش عالی کشور، مجوز اولین دوره آموزش بلندمدت در مقطع فوق‌لیسانس در رشته مدیریت دولتی را برای مرکز آموزش مدیریت دولتی صادر نمود. پس از سال ۱۳۶۴، مرکز برنامه‌های خود را در جهت ارتقای دانش مدیریت حرفه‌ای تحت عنوان دوره‌های بلندمدت در سطوح کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های مختلف (اداری و مالی، مدیریت دولتی، مدیریت بازرگانی، مدیریت صنعتی، مدیریت آموزشی، مدیریت مالی، مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی، مدیریت سیستم‌ها و روش‌ها و ...) گسترش داده و دانش‌آموختگان مختلفی را در رشته‌های مذکور به نظام اداری کشور عرضه کرد.

در تیرماه سال ۱۳۸۱، به دنبال ادغام سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه و تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، به استناد مصوبه شماره ۱۳/۶۵۵ مورخ ۱۳۸۱/۰۴/۰۳ شورای عالی اداری، مرکز آموزش مدیریت دولتی (وابسته به سازمان امور اداری و استخدامی کشور) با مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه (وابسته به سازمان برنامه و بودجه) ادغام و مؤسسه جدیدی تحت عنوان «مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی» (وابسته به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) شکل گرفت. با شکل‌گیری مؤسسه مذکور و پس از ابلاغ نظام آموزش کارکنان دولت^۲، برگزاری دوره‌های بلندمدت تقریباً متوقف شد و اجرای دوره‌های آموزشی ضمن خدمت در زمینه‌های فناوری اطلاعات، عمومی (فرهنگی و اجتماعی)، شغلی و به‌ویژه بهبود مدیریت قوت گرفت.

با تغییر ساختار و تشکیلات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تبدیل آن به دو معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی و برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و ابلاغ تشکیلات سازمانی هر دو معاونت در تاریخ ۱۳۸۸/۰۸/۰۸، مرکز آموزش مدیریت دولتی به‌عنوان یکی از واحدهای وابسته به معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور در ساختار سازمانی معاونت مذکور تعریف و بدین ترتیب، مرکز آموزش مدیریت دولتی با مأموریت‌های نوین دوباره احیا شد.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور (<http://www.mdhc.ir>)، ۱۳۹۱/۰۸/۱۰.

۲. بخشنامه شماره ۱۰۵/۲۲۵۵۴ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۸ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (وقت).

ارکان

ارکان مرکز شامل دو هیأت به نام‌های هیأت امانا و هیأت رئیسه است. هیأت امانا به‌عنوان مهمترین رکن مرکز، از ۵ نفر عضو دولتی و ۲ نفر صاحب‌نظر و متخصص در حوزه مدیریت و نظام اداری به شرح زیر تشکیل شده است:

- معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور (رئیس هیأت امانا)
- معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور
- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- رئیس مرکز آموزش مدیریت دولتی
- دو نفر صاحب‌نظر و متخصص در حوزه مدیریت و نظام اداری به انتخاب رئیس و اعضای هیأت امانا

اهداف

- ارتقای تخصص‌ها و مهارت‌های مدیران و کارکنان دولت در زمینه‌های مدیریت دولتی و علوم وابسته به آن در سطح ملی و بین‌المللی
- طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی مدیران و کارشناسان دولت به‌منظور توانمندسازی آنها از ابعاد مختلف
- فراهم آوردن بسترهای ملی و بین‌المللی برای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی در حوزه‌های مدیریت و علوم اداری برای کارکنان دولت
- انجام پژوهش‌ها و تحقیقات کاربردی و تطبیقی در حوزه نظام‌های علوم اداری و مدیریت منابع انسانی متناسب با نیازهای اداری کشور
- فراهم آوردن زمینه‌ها و بسترهای آموزشی لازم برای رشد معنوی منابع انسانی، افزایش ظرفیت‌ها و ارتقای دانش، تخصص و مهارت‌های کارکنان و مدیران.

مأموریت‌ها

- مأموریت اصلی مرکز، توسعه و تعالی عملکرد دستگاه‌های اجرایی در حوزه مدیریت دولتی و اداره عمومی کشور با رویکرد ارزشی، اسلامی و ایرانی از طریق آموزش مدیران، کارشناسان و کارکنان و انجام پژوهش‌های بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی با بهره‌گیری از قابلیت‌های بومی، ملی و تکنولوژی نوین است. این مهم از طریق عملیاتی ساختن مأموریت‌های ابلاغی از سوی معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور تحقق خواهد یافت:
- تهیه محتوای آموزشی مجموعه قوانین مربوط به حوزه منابع انسانی و امور استخدامی و ترویج فرهنگی آن در قالب منابع چاپی و الکترونیکی
- طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی مدیران، کارشناسان و کارکنان دولت براساس مصوبات معاونت در قالب برنامه آموزشی و اجرا در مرکز و استان‌ها با استفاده از ظرفیت بخش خصوصی
- انجام مطالعات کاربردی در خصوص قانون مدیریت خدمات کشوری و آئین‌نامه اجرایی آن، تدوین برنامه اجرایی برای آموزش مفاد آن و ارزیابی و رصد کردن چالش‌های موجود آن
- انجام مطالعات کاربردی و تطبیقی در حوزه مباحث مدیریت و منابع انسانی در کشورهای هدف با محوریت فصول قانون مدیریت خدمات کشوری و آئین‌نامه اجرایی مربوط

- طراحی نظام اداری مطلوب، با توجه به اسناد بالادستی و به‌ویژه سیاست‌های کلی نظام اداری (ابلاغی مقام معظم رهبری)، با مشارکت سایر دستگاه‌ها و اندیشمندان دانشگاهی
- ارتباط و همکاری با حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخلی و خارجی، به‌منظور تبادل اطلاعات و تعامل مناسب با آنها در صحنه ملی و بین‌المللی در حوزه‌های مرتبط
- تهیه مطالب موردنیاز در همکاری‌های بین‌المللی به‌ویژه در حوزه آموزش مدیریت، بهبود سیستم‌های طراحی و اجرای سیستم با همکاری بخش غیردولتی
- طراحی، برگزاری، توسعه و ارزشیابی دوره‌های مشترک آموزش عالی با همکاری دستگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی معتبر داخلی و خارجی
- طراحی و اجرای همایش‌های تخصصی ملی و بین‌المللی، به‌منظور افزایش ظرفیت‌های معرفتی، علمی و روش‌شناختی و پاسخگویی به نیازهای اداره امور عمومی
- توسعه شبکه‌های آموزش مجازی علمی - کارشناسی، با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی، برای تولید، تبادل و انتقال دانش مدیریت، برنامه‌ریزی و اداره امور عمومی
- اعتبارسنجی مؤسسات آموزشی دستگاه‌های دولتی و غیردولتی متقاضی اجرای دوره‌های آموزشی ضمن خدمت کارکنان دولت و نظارت بر عملکرد آنها در چارچوب نظام آموزش ضمن خدمت کارکنان دولت
- طراحی و ایجاد بانک اطلاعات مدیران بخش دولتی و بانک اطلاعات استعدادها مدیریت
- طراحی و ایجاد بانک اطلاعات مدرسان و برگزاری مستمر دوره‌های آموزشی ویژه مدرسان
- حمایت از تألیف، ترجمه، پایان‌نامه دکتری و کارشناسی ارشد مرتبط با علوم اداری و تحول نظام مدیریتی کشور
- همکاری و تعامل با حوزه‌های علمیه کشور به‌منظور طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی فرهنگی
- پشتیبانی از انجام پژوهش‌های کاربردی در نوآوری نظام‌ها و فرایندهای مدیریت و اداره امور عمومی
- پشتیبانی پژوهشی از مستندسازی الگوهای مدیریتی موفق و مؤثر مدیران کشور
- استفاده از ظرفیت استادان، پژوهشگران و متخصصان حرفه‌ای بازنشسته
- استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای و مطبوعاتی در جهت فرهنگ‌سازی نظام اداری مطلوب
- انجام مطالعات موردی به درخواست معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور^۱.

۲-۷. معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور

معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور در ۱۵ بهمن سال ۱۳۸۵ در راستای تحقق تأکیدها و توصیه‌های مکرر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و به دستور رئیس‌جمهور تشکیل شد.

طی چند دهه گذشته در بسیاری از کشورهای جهان، دفتر ویژه‌ای در بالاترین سطح اجرایی کشور و زیر نظر «رئیس‌جمهور» یا «نخست‌وزیر» به‌منظور هماهنگی و هم‌افزایی امور علمی و فناوری در کل کشور تشکیل شده که از وزارتخانه‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی آن کشور مجزا است.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز آموزش مدیریت دولتی (<http://www.smtc.ac.ir>)، ۱۳۹۱/۰۹/۱۱.

پس از تشکیل معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور، مجموعه‌های دیگری نیز که پیش از این در زمینه علم و فناوری در حوزه ریاست‌جمهوری مشغول به فعالیت بودند، شامل «صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران»، «پارک فناوری پردیس»، «ستاد ویژه توسعه فناوری نانو» و «مرکز همکاری‌های فناوری و نوآوری ریاست‌جمهوری»، نیز به این معاونت پیوستند.

مأموریت

در احکام ابلاغی رئیس‌جمهور به معاونان علمی و فناوری در دولت‌های نهم و دهم، مأموریت معاونت شامل «گسترش ارتباط صنعت و دانشگاه»، «گسترش ارتباط دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با نیازهای واقعی کشور»، «هدایت و حمایت از پژوهش‌های کاربردی ناظر بر رفع مشکلات داخلی»، «پشتیبانی از نخبگان و فناوران» و «تجمیع تلاش‌های علمی کشور» ذکر شده است.

واحدهای تابعه

- مرکز همکاری‌های فناوری و نوآوری.
- ستادهای فناوری‌های راهبردی.
- بنیاد ملی نخبگان.
- صندوق حمایت از پژوهشگران کشور.
- پارک فناوری پردیس.
- پارک زیست‌فناوری خلیج فارس.^۱

۳-۷. بنیاد ملی نخبگان

بنیاد ملی نخبگان تنها مرجع رسمی و قانونی جهت شناسایی، جذب و حمایت مادی و معنوی از نخبگان است که با حمایت خاص مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تأسیس و به مرکزی تبدیل شده است که اولویت اول آن جذب، حفظ و به‌کارگیری نخبگان و پشتیبانی از آنها در راستای ارتقای تولید علم و فناوری و پیشبرد توسعه فرهنگی و علمی کشور است.

ایده تأسیس بنیادی برای رسیدگی به مسائل گوناگون نخبگان کشور، برای نخستین بار با رهنمود مدبرانه رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیداری که ایشان با برخی از نخبگان دانشگاهی داشتند، شکل گرفت. معظم‌له در این دیدار که در مهرماه سال ۱۳۸۳ برگزار شد، خطاب به مسئولان ارشد کشور فرمودند: «من در مورد خاص نخبگان این جور به نظر می‌رسد که ما یک بنیاد نخبگان لازم داریم... ما باید یک بنیاد درست کنیم که زیر نظر ریاست‌جمهوری باشد؛ چون بهترین جا آنجاست. حتی دستگاه وزارتت هم برای این کار کافی نیست؛ چون این کار فراتر از کار یک وزارتخانه است».

البته ضرورت تأسیس بنیادی برای نخبگان علمی کشور از مدت‌ها پیش از آن نیز بارها از سوی ایشان مطرح شده بود. رهبر معظم انقلاب در همان دیدار به این مسئله اشاره و فرمودند: «من سال‌ها پیش -قبل از دولت آقای خاتمی- به رئیس‌جمهوری وقت گفتم دفتري درست کنید که به مسائل ارتباط دانشگاه با صنعت پردازد. در یک نگاه وسیع‌تر، در واقع می‌توانست دفتري باشد برای رسیدگی به مسائل گوناگون نخبگان، شنیدن حرف‌هایشان، حل کردن مشکلات ویژه، نگاه به پیشنهادهايشان در زمینه

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور (<http://isti.ir>)، ۱۳۹۱/۰۸/۰۱.

پیشرفت کار و اصلاً نگاه کلی به نخبه‌پروری در جامعه. بعد، در زمان دولت کنونی هم -دولت آقای خاتمی- به ایشان یکی دو مرتبه گفتم، که کارهایی هم انجام داده‌اند؛ منتهی کافی نیست».

ایشان در دیدار سال بعد از آن هم با نخبگان کشور فرمودند: «مسئله اهمیت دادن به علم، اهمیت دادن به تحقیق، اهمیت دادن به فناوری، پرداختن به نخبگان؛ این که ما وقتی یک نخبه را دلگرم کردیم، هر جای دنیا هم برود، متعلق به کشور خواهد بود و مطالب فراوانی که شما گفتید و من خلاصه‌ای از آن را یادداشت کردم، حرف‌های من است؛ اینها حرف‌هایی است که از ده سال پیش، دوازده سال پیش من دارم می‌گویم. من امروز نگاه می‌کنم، می‌بینم شما بدون این که بدانید یا یادتان باشد که این حرف‌ها یک روز از سوی مسئولان نظام گفته شده، خودتان دارید این حرف‌ها را می‌زنید و حرف دل شماست؛ این پیشرفت است».

این رهنمودها فصل‌الخطابی برای مسئولان کشور بود، به طوری که مدتی پس از این بیانات، شورای عالی انقلاب فرهنگی دست به کار شد تا اساسنامه تأسیس بنیاد ملی نخبگان را تنظیم نماید. اساسنامه مذکور در پانصد و شصت و دومین جلسه مورخ دهم خردادماه ۱۳۸۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی در یک مقدمه، چهار فصل، شانزده ماده و نه تبصره به تصویب رسید. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با نخبگان علمی کشور در سال ۱۳۸۴، با توجه به اهمیت موضوع از نظر معظم‌له و دغدغه ایشان برای راه‌اندازی این بنیاد، به اساسنامه تنظیم شده از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی ایراداتی را وارد دانسته، خطاب به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «من سال گذشته در همین جلسه پیشنهاد تأسیس بنیاد ملی نخبگان را مطرح کردم... اساسنامه بنیاد تصویب شد و آن را پیش ما آوردند. البته به نظر ما اساسنامه نواقصی دارد که حتماً باید برطرف شود و انشاء... برطرف خواهد شد». بر همین اساس، پیشنهاد اصلاح اساسنامه بنیاد ملی نخبگان مطرح و اصلاحاتی در نحوه اداره بنیاد منظور شد.

هدف

هدف از تأسیس بنیاد عبارت است از برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای شناسایی، هدایت، حمایت مادی و معنوی نخبگان، جذب، حفظ و بکارگیری و پشتیبانی از آنان در راستای ارتقای تولید علم، فناوری و توسعه علمی و متوازن کشور و احراز جایگاه برتر علمی، فناوری و اقتصادی در منطقه براساس سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴.

وظایف

۱. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای:

- الف) پشتیبانی مادی و معنوی از نخبگان کشور؛
- ب) شناسایی، هدایت و حمایت نخبگان به منظور ارتقای تولید علم در کشور؛
- ج) کشف، جذب و پرورش استعدادها و حمایت از شخصیت‌های جامع‌الشرایط علمی؛
- د) حمایت از نخبگان برای انجام فعالیت‌های تحقیقاتی و کارآفرینی.

۲. ایجاد هماهنگی میان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با نخبگان و نظارت بر فعالیت‌های مربوط به آنان در جهت اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب.

۳. کمک به فراهم نمودن تسهیلات و امکانات لازم برای دسترسی محققان و نخبگان به تحقیقات جهانی و انتقال فناوری‌های جدید به کشور در راستای تحقق اهداف توسعه علمی و متوازن کشور.

۴. کمک به فراهم نمودن تسهیلات و امکانات لازم برای حضور نخبگان در همایش‌های علمی در داخل و خارج کشور.

۵. تشکیل شبکه جهانی ویژه نخبگان ایرانی در داخل و خارج از کشور.

شکل حقوقی

بنیاد دارای شخصیت حقوقی مستقل است و به‌صورت مؤسسه دولتی و منحصرأ براساس مقررات این اساسنامه تحت نظر رئیس‌جمهور اداره می‌شود.

ارکان

بنیاد دارای ارکان زیر است:

الف) هیأت امناء

هیأت امناء، عالی‌ترین مرجع بنیاد در زمینه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و دارای کلیه اختیارات قانونی در حدود اهداف و وظایف بنیاد و اداره امور آن است. رئیس‌جمهور، مسئولیت ریاست هیأت امناء را برعهده دارد.

ب) رئیس بنیاد

رئیس بنیاد (معاون رئیس‌جمهور)، بالاترین مقام اجرایی بنیاد است. قائم‌مقام رئیس بنیاد از میان اعضای هیأت علمی واجد شرایط انتخاب می‌شود.

ج) شورای نخبگان

شورای نخبگان، شورای علمی بنیاد است که ترکیب اعضای آن متشکل از رئیس بنیاد (رئیس شورا)، قائم‌مقام و معاونان بنیاد و ۷ نفر عضو اصلی است که از میان نخبگان با پیشنهاد هیأت امناء و تأیید رئیس هیأت امناء و حکم رئیس بنیاد به مدت ۵ سال منصوب می‌شوند.^۱

۷-۴. سازمان حفاظت محیط زیست**هدف**

- تحقق اصل پنجاهم^۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور حفاظت از محیط زیست و تضمین بهره‌مندی صحیح و مستمر از محیط زیست به‌نحوی که ضمن حفظ تعادل مناسبات زیستی، موجبات توسعه پایدار و بهبود، رشد و اعتلای کیفی انسان‌ها فراهم آید.

وظایف

- حفاظت از اکوسیستم‌های طبیعی کشور و ترمیم اثرات سوء گذشته در محیط زیست.
- پیشگیری و ممانعت از تخریب و آلودگی محیط زیست و حفاظت از تنوع زیستی کشور.
- ارزیابی ظرفیت قابل تحمل محیط در جهت بهره‌وری معقول و مستمر از منابع محیط زیست.
- نظارت مستمر بر بهره‌برداری از منابع محیط زیست.
- برخورد فعال با زمینه‌های بحرانی محیط زیست شامل آلودگی‌های بیش از ظرفیت قابل تحمل محیط.
- بررسی، مطالعه و تحقیق به‌منظور دستیابی یا حصول شناسایی در زمینه:

۱. دفتر ریاست و روابط عمومی بنیاد ملی نخبگان، آشنایی با ضوابط و آئین‌نامه‌های بنیاد ملی نخبگان، مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی، ۱۳۹۱، صص ۱۱-۷.

۲. اصل پنجاهم قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

الف) عوامل آلوده‌کننده و مخرب محیط زیست در زمینه آب، هوا، خاک، مواد زائد، آفت‌کش‌ها، کودهای شیمیایی، سر و صدا و نظایر آنها.

ب) چگونگی استقرار پدیده‌های عمرانی و توسعه کشور مانند واحدهای صنعتی، نیروگاه‌ها، سدها، مجتمع‌های کشاورزی و عمرانی و سکونت‌گاه‌های انسانی و نظایر آن.

ج) استفاده از تکنولوژی سازگار با محیط.

د) مناطقی که دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد اکولوژیک هستند و تعیین حدود آنها، گونه‌های باارزش خاص و نادر در حال انقراض گیاهی و جانوری و زیستگاه‌های آنها و روابط اکولوژیک و تعیین پراکندگی آنها.

ه) مسائل زیست‌محیطی منطقه‌ای با استفاده از همکاری کشورهای هم‌جوار و همکاری بین‌المللی.

- تهیه و تدوین ضوابط و استانداردهای زیست‌محیطی در زمینه:

الف) هوا شامل هوای آزاد، حد مجاز تخلیه‌کننده‌ها، طبقه‌بندی منابع و عوامل آلوده‌کننده آب و تغییر و تخریب مسیر رودخانه‌ها و انهدام تالاب‌ها و دگرگونی اکولوژیک دریاچه‌ها و دریاها.

ب) منابع خاک شامل آلوده‌کننده و فرساینده خاک.

ج) سروصدا شامل حد مجاز و تعیین ضوابط مکانی، زمانی و نوعی.

د) مواد زائد و جامد شامل جمع‌آوری، حمل، دفع یا تبدیل و بازیافت مواد زائد و جامد از منابع روستایی، شهری، معدنی، کشاورزی و غیره در مناطق مختلف کشور.

ه) آفت‌کش‌ها و کودهای شیمیایی شامل حد مجاز باقیمانده در محیط، دفع یا معدوم نمودن و ممنوعیت مکانی، زمانی، نوعی، کمی و کیفی پوشش گیاهی و جانوران وحشی.

و) آلودگی‌های مواد نفتی، فلزات سنگین، سموم کشاورزی، فاضلاب انسانی و ... در محیط‌های دریایی (آب، رسوب، آبزیان).

- آموزش زیست‌محیطی به منظور اشاعه و ارتقای سطح دانش و بینش زیست‌محیطی افراد جامعه برای ایجاد علاقه، حس مسئولیت و مشارکت عمومی مردم کشور در حفاظت از محیط زیست با همکاری مراکز آموزشی و پژوهشی و رسانه‌های گروهی، تشکل‌های غیردولتی و بهره‌گیری از کلیه امکانات داخل کشور و در سطح بین‌المللی.

- ارزیابی و نظارت به منظور حصول اطمینان از کاربرد و کارایی ضوابط و استانداردهای زیست‌محیطی.

- ایجاد موزه و نمایشگاه به منظور جمع‌آوری و نگهداری و نمایش نمونه‌ها و گونه‌های گیاهی و جانوران وحشی با توجه جنبه‌های آموزشی و تحقیقاتی آنها و تاکسیدرمی جانوران وحشی جهت استفاده در نمایشگاه و موزه‌ها.

- ایجاد توسعه و گسترش مراکز آموزش علمی و کاربردی زیست‌محیطی به منظور تأمین و تربیت نیروی انسانی موردنیاز محیط زیست کشور با هماهنگی و همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سایر مراجع ذی‌ربط.

- مطالعه و بررسی اکوبیولوژی دریا و آلودگی‌های دریایی و تالاب‌های ساحلی.

- مطالعه و ارزیابی وضعیت کمی و کیفی اجزای تنوع زیستی و ذخایر ژنتیکی کشور.

- تدوین طرح‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی و پژوهشی منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی در زمینه مسائل زیست‌محیطی.

- ارزش‌گذاری اقتصادی منابع طبیعی و هزینه‌های زیست‌محیطی ناشی از توسعه.

- مطالعه و زمینه‌سازی جهت دستیابی به توسعه پایدار.^۱

۷-۵. سازمان انرژی اتمی

اهداف

- توسعه کاربرد علوم و فنون هسته‌ای در صنعت، کشاورزی، پزشکی و خدمات.
- انجام مطالعات و اقدامات لازم برای مکان‌یابی، طراحی، احداث و بهره‌برداری ایمن از نیروگاه‌های اتمی به‌منظور تأمین بخشی از برق مورد نیاز کشور.
- تأمین بخشی از سوخت مورد نیاز برنامه بلندمدت کشور در زمینه بهره‌برداری از ۲۰ هزار مگاوات نیروگاه اتمی و راکتورهای تحقیقاتی.
- اعمال کلیه تمهیدات ضروری جهت جمع‌آوری، نگهداری، تثبیت و دفع پسماندهای هسته‌ای.
- حفاظت و کنترل رادیولوژیکی مردم و محیط زیست در برابر اشعه مطابق معیارها و ضوابط بین‌المللی.
- تأمین منابع به‌روز و جامع اطلاعات علمی در زمینه انرژی هسته‌ای.

وظایف

- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی و پشتیبانی از کلیه فعالیت‌های مرتبط با علوم و فنون هسته‌ای در کشور.
- فعالیت و اقدام در زمینه اجرای قانون سازمان انرژی اتمی ایران، مصوب سال ۱۳۵۳، و اصلاحات بعدی آن.
- توسعه و گسترش علوم و فنون هسته‌ای در کشور و تلاش برای انتقال و بومی نمودن علوم و فناوری هسته‌ای روز دنیا و ایجاد زیر بنای لازم برای استفاده از آنها در برنامه‌های توسعه کشور.
- انجام فعالیت‌های مطالعاتی و پژوهشی و پروژه‌های مختلف در زمینه‌های مرتبط با علوم و فنون هسته‌ای.
- سیاست‌گذاری و نظارت بر فعالیت شرکت‌های مادر تخصصی تولید مواد اولیه و سوخت هسته‌ای و تولید و توسعه انرژی اتمی ایران و تلاش برای تأمین یا تولید منابع اولیه صنایع اتمی و سوخت هسته‌ای و نیز ایجاد و توسعه نیروگاه‌ها و تأسیسات و مراکز هسته‌ای.
- انجام نظارت‌های مختلف (از جمله در زمینه ایمنی و پادمان هسته‌ای و حفاظت در برابر اشعه) بر کلیه فعالیت‌های مربوط به علوم و فنون و مواد هسته‌ای و تأسیسات و دستگاه‌های مربوط که به‌وسیله سازمان انرژی اتمی یا سایر مؤسسات دولتی، وابسته به دولت و یا غیردولتی در کشور انجام می‌گیرد و ایجاد هماهنگی و تهیه و تنظیم مقررات و استانداردها و آیین‌نامه‌های مربوط و پیشنهاد آن به مراجع ذی‌صلاح برای تصویب.
- تولید، توزیع، نظارت بر استفاده و جمع‌آوری رادیوایزوتوپ‌ها و سایر مواد و تجهیزات مورد نیاز برای کاربرد علوم و فنون هسته‌ای در کشور.
- ایجاد ارتباط و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سایر مراجع بین‌المللی و یا کشورهای خارجی در زمینه علوم و فنون هسته‌ای.
- نمایندگی دولت ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.
- انجام سایر وظایف مرتبط و یا وظایفی که از سوی مراجع ذی‌صلاح برعهده سازمان گذاشته می‌شود.

مؤسسات وابسته

- شرکت تولید مواد اولیه و سوخت هسته‌ای ایران.
- شرکت تولید و توسعه انرژی اتمی ایران.^۱

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان انرژی اتمی ایران (<http://www.aeoi.org.ir>)، ۱۳۹۱/۰۸/۱۰.

۶-۷. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری^۱

اهداف

- دست‌یابی به شناخت جامع، متوازن و عمیق از گستره جغرافیایی و تاریخی، حضور و نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی در حوزه میراث فرهنگی (ملموس و ناملموس) و هنرهای سنتی.
- معرفی فرهنگ و تمدن غنی و ظرفیت‌های فرهنگی، تاریخی و طبیعی کشور و بهره‌گیری از مزیت‌ها و ظرفیت‌های آن برای تثبیت و ارتقای جایگاه تمدن ایران در جهان.
- تعامل هدفمند و سازنده بین‌المللی با تأکید بر کشورهای اسلامی در بخش میراث فرهنگی، طبیعی، صنایع دستی و گردشگری.
- توسعه نظام مدیریتی - حقوقی یکپارچه، کارآمد و متکی بر مشارکت جامعه ذی‌نفعان در بخش میراث فرهنگی (ملموس و ناملموس)، طبیعی، صنایع دستی و گردشگری متکی بر اصول اخلاقی، ارزش‌های ملی - اسلامی و منطبق بر معیارهای علمی، فنی و مقتضیات جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی کشور.
- تقویت و تعمیق رابطه جامعه با موارث و دارایی‌های طبیعی و فرهنگی و ارتقای آگاهی‌های عمومی برای افزایش سرمایه اجتماعی بخش میراث فرهنگی (ملموس و ناملموس)، طبیعی، صنایع دستی و گردشگری.
- توسعه ظرفیت‌ها و ارتقای قابلیت‌های موجود در زمینه‌های میراث فرهنگی (ملموس و ناملموس)، طبیعی، هنر و دانش سنتی و فناوری بومی، صنایع دستی و گردشگری.
- توسعه ظرفیت منابع انسانی دانش‌پایه، ماهر و مسئولیت‌پذیر در بخش دولتی و غیردولتی، خصوصی و جوامع محلی.
- ایجاد نظام اقتصادی کارآمد، رقابت‌پذیر، باثبات، متوازن و دارای رشد مستمر و پرشتاب بر پایه مزیت‌های نسبی فرهنگی و طبیعی کشور با مشارکت بخش غیردولتی و بخش خصوصی داخلی و خارجی.
- توسعه نظام فراگیر و کارآمد تولید و توزیع صنایع دستی در سطح ملی و بین‌المللی.
- شناخت، پژوهش و مستندسازی، معرفی، آموزش و ترویج، حفاظت، احیا و بهره‌برداری خردمندانه از میراث فرهنگی (ملموس و ناملموس)، طبیعی، هنرهای سنتی و صنایع دستی کشور.
- اهتمام ملی و تقویت حس مسئولیت عمومی و جلب مشارکت همگانی در حمایت و صیانت، حفاظت، احیا و بهره‌برداری خردمندانه از میراث فرهنگی، طبیعی، صنایع دستی و تنوع فرهنگی و تنوع منظرزیستی کشور.
- دست‌یابی به جایگاه واقعی کشور به‌عنوان یکی از قطب‌های گردشگری جهانی از طریق توسعه کمی و کیفی گردشگری ملی، تنوع محصول و تطابق بازار با آن، ارتقای کیفیت و استانداردسازی خدمات گردشگری و تسهیل سفر.

وظایف

الف) میراث فرهنگی

- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در خصوص حفظ، مرمت، احیا، ساماندهی و مدیریت بناها، مجموعه بناها، محوطه‌ها و بافت‌های تاریخی کشور و نظارت بر اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مربوط.
- تدوین ضوابط و دستورالعمل‌های لازم در خصوص حفاظت، نگهداری، مرمت و احیا میراث فرهنگی غیرمنقول، اموال و اشیاء تاریخی و نظارت بر حسن اجرای آنها در سطح کشور.

۱. براساس مصوبه جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ مجلس شورای اسلامی، سازمان «میراث فرهنگی و گردشگری» زیر نظر رئیس‌جمهور تشکیل شد. همچنین مطابق مصوبه شماره ۱۹۰۱/۷۳۹۲ مورخ ۱۳۸۵/۰۱/۲۱ شورای عالی اداری، «سازمان صنایع دستی ایران» از وزارت صنایع و معادن منتزع و در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ادغام گردید. از این‌رو، نام سازمان نیز به «سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری» تغییر یافت.

- برنامه‌ریزی به‌منظور شناسایی آثار و بافت‌های ارزشمند فرهنگی - تاریخی و پیشنهاد ثبت آنها در فهرست آثار ملی.
- بررسی ارزش و قابلیت آثار تاریخی غیرمنقول، اموال فرهنگی - تاریخی، میراث معنوی و انجام اقدامات لازم برای ثبت آنها در فهرست جهانی.
- بررسی و پیشنهاد حریم محوطه‌ها، تپه‌ها، بناها و بافت‌های تاریخی و انجام اقدامات لازم برای تصویب آنها.
- بررسی طرح‌های اضطراری به‌منظور حفاظت، استحکام‌بخشی، ساماندهی، مرمت و احیا آثار تاریخی غیرمنقول و نظارت بر اجرای طرح‌های مذکور.
- ساماندهی اموال منقول تاریخی و تهیه شناسنامه فنی و فهرست مورد نیاز برای آنها.
- شناسایی و مستندسازی آثار تاریخی - فرهنگی موجود در محدوده جغرافیایی اجرای کلیه طرح‌های عمرانی و اعلام نظر تخصصی در خصوص طرح‌های مذکور از دیدگاه میراث فرهنگی کشور.
- بررسی و مطالعه به‌منظور توسعه پایگاه‌های میراث فرهنگی در آثار تاریخی مهم کشور و نظارت بر فعالیت و عملیات پایگاه‌های موجود.

ب) صنایع دستی

- برنامه‌ریزی، تنظیم راهبردها، سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و ضوابط به‌منظور توسعه کمی و بهبود کیفی صنایع دستی کشور.
- برنامه‌ریزی در جهت حمایت از توسعه کمی و کیفی محصولات صنایع دستی و هنرهای سنتی و به‌ویژه در حوزه صادرات.
- برنامه‌ریزی و نظارت به‌منظور ترویج صنایع دستی و هنرهای سنتی و ایجاد تحول در طرح‌ها و تولید و عرضه محصولات با حفظ اصالت ملی و موارد مصرف آنها به‌ویژه در معماری و شهرسازی.
- برنامه‌ریزی در جهت تدوین استانداردهای لازم برای مواد اولیه و روش‌های تولید و صدور گواهی‌نامه‌های درجه کیفیت صنایع دستی و هنرهای سنتی با همکاری مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران.
- برنامه‌ریزی در جهت حفظ حقوق هنرمندان صنایع دستی و حمایت از مالکیت معنوی و فکری آنها با همکاری مراجع ذی‌ربط.
- هماهنگی در جهت جلب مشارکت مردم و بخش خصوصی و دولتی در جهت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در تولید و بازاریابی صنایع دستی با واحدهای ذی‌ربط.
- انجام مطالعات لازم در خصوص چگونگی گسترش و حضور مؤثر در بازارهای جهانی به‌منظور افزایش سهم ایران در بازار جهانی.
- بررسی و تعیین خط‌مشی‌های لازم در جهت تحقیق و پژوهش در خصوص هنرهای سنتی و صنایع دستی.
- بررسی در خصوص عضویت در سازمان‌ها، مجامع و مراکز بین‌المللی صنایع دستی و هنرهای سنتی و برنامه‌ریزی در خصوص حضور مؤثر در این‌گونه مجامع.
- تهیه ضوابط، مقررات، آئین‌نامه‌ها و نظام‌نامه‌های هدایتی و حمایتی هنرهای سنتی و صنایع دستی.
- برنامه‌ریزی در جهت حمایت از هنرمندان و صنعت‌گران صنایع دستی کشور.
- هماهنگی با مراجع ذی‌ربط در خصوص اعطای درجه هنری به هنرمندان صنایع دستی و هنرهای سنتی کشور در چارچوب قوانین و مقررات.
- تبادل ارتباط و مبادلات علمی، فرهنگی و فنی با دانشگاه‌ها، مؤسسات و نهادهای مرتبط با صنایع دستی در سطح ملی و بین‌المللی.
- برنامه‌ریزی برای ایجاد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی به‌منظور معرفی صنایع دستی در سطح ملی و بین‌المللی.
- نظارت بر کارگاه‌های تولیدی و آموزشی صنایع دستی کشور.

- برنامه‌ریزی برای ایجاد مراکز اسناد و مدارک صنایع دستی و هنرهای سنتی.
- صدور مجوز فعالیت شرکت‌ها و مؤسسات فعال در زمینه صنایع دستی و هنرهای سنتی و نظارت بر نحوه فعالیت آنها.
- صدور کارت صنعت، پروانه تولید، گواهی پایان دوره آموزشی، جواز تأسیس کارگاه‌ها و مجتمع‌های تولیدی و آموزشی و کارت مربی‌گری صنایع دستی و هنرهای سنتی با هماهنگی مراجع ذی‌ربط و انجام حمایت‌های لازم.

ج) گردشگری

- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی، تعیین خط‌مشی‌ها و اولویت‌ها در انطباق با برنامه‌های توسعه کشور.
- بررسی و مطالعه در زمینه بهبود، توسعه و ترویج صنعت گردشگری داخلی و خارجی.
- بررسی و ابلاغ استانداردها، ضوابط، مقررات و نظام‌نامه‌های ناظر بر احداث، ایجاد، اداره، توسعه و انحلال مراکز اقامتی، هتل‌ها، مهمانسراها، مجتمع‌های پذیرایی، آژانس‌های خدماتی و مسافرتی و سایر مراکز و مجامع مرتبط با فعالیت‌های گردشگری.
- سیاست‌گذاری و هدایت فعالیت‌ها برای ارتباط با سایر کشورها بالاخص کشورهای اسلامی منطقه.
- برنامه‌ریزی برای جذب گردشگران خارجی، ایجاد تسهیلات و رفع موانع، صدور روادیدها در مبادی ورودی کشور، ارائه اطلاعات و خدمات رفاهی لازم در سفارتخانه‌ها با همکاری واحدهای ذی‌ربط.
- ایجاد هماهنگی لازم با دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط برای تأمین امنیت، برگزاری تورها و ارائه سایر خدمات به گردشگران خارجی در طول اقامت.
- بررسی طرح‌ها و راه‌کارهای تشویقی و ترغیبی به‌منظور توسعه گردشگری داخلی و بازدید از امکانات و جاذبه‌های سیاحتی و زیارتی کشور.
- هماهنگی و برقراری ارتباط و مبادلات با وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، نهادها و سایر تشکلهای داخل کشور به‌منظور معرفی، اطلاع‌رسانی، بسط و توسعه گردشگری داخلی.
- برنامه‌ریزی به‌منظور ایجاد تسهیلات و زمینه‌های مناسب برای برگزاری تورهای تخصصی (ورزشی، بهداشتی، علمی و ...)
- برنامه‌ریزی به‌منظور شناخت بازارهای هدف و بررسی روش‌ها و مکانیسم‌های ارتقای منابع درآمد سازمان از محل صنعت گردشگری داخلی و خارجی.
- اتخاذ تدابیر لازم برای عضویت مؤثر در مجامع بین‌المللی مرتبط با صنعت گردشگری.
- اعمال سیاست‌های حمایتی، هدایتی و نظارتی از مؤسسات، سازمان‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی جهت بهبود و توسعه کیفی و کمی خدمات گردشگری.
- کنترل و اعمال نظارت‌های لازم در خصوص صدور مجوزها و نحوه اداره و ارائه خدمات توسط مراکز و مجتمع‌های اقامتی و پذیرایی و دفاتر خدماتی و مسافرتی.
- ایجاد پایگاه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی در خصوص شرایط، استانداردها و مشخصات مراکز اقامتی و پذیرایی، آژانس‌های مسافرتی و خدماتی، مبادلات ارزی، جاذبه‌های طبیعی و تاریخی، موزه‌ها.

د) سرمایه‌گذاری

- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای جذب منابع و سرمایه‌های داخلی و خارجی جهت توسعه فعالیت‌های میراث فرهنگی، گردشگری، صنایع دستی و هنرهای سنتی.
- تهیه طرح‌های توسعه در خصوص فعالیت‌های سازمان و فراهم آوردن امکانات لازم برای اجرای آنها.

- بررسی راه کارهای لازم به منظور شناسایی منابع جدید حمایتی و جذب سرمایه.
- بررسی قوانین و مقررات نظام‌های بانکی کشور و ارائه پیشنهادهای لازم جهت بهره‌گیری مناسب از تسهیلات بانکی به منظور تحقق اهداف سازمان در حوزه‌های میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.
- برنامه‌ریزی لازم به منظور رفع موانع و مشکلات اقتصادی بخش‌های میراث فرهنگی، گردشگری، صنایع دستی و هنرهای سنتی.
- بررسی طرح‌های تهیه شده توسط بخش‌های دولتی و غیردولتی در حوزه مأموریت‌ها و اختیارات سازمان از دیدگاه فنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و صدور موافقت‌نامه‌های لازم برای اجرای آنها.
- نظارت و کنترل بر اجرای طرح‌های توسعه‌ای و چگونگی مصرف تسهیلات واگذار شده در کلیه مراحل اجرا.
- مطالعه و بررسی و ارائه پیشنهاد به منظور توسعه مناطق نمونه گردشگری در مناطق مختلف کشور و نظارت بر اداره مناطق مزبور.
- فراهم آوردن بسترهای لازم به منظور ایجاد تأسیسات زیربنایی گردشگری و مراکز خدماتی، فرهنگی، رفاهی در داخل مناطق نمونه گردشگری.
- تخصیص تسهیلات اعتباری و فراهم نمودن امکانات استفاده از اعتبارات صندوق ضمانت صادرات، صندوق ذخیره ارزی، بانک‌های داخلی و خارجی، بیع متقابل و سایر منابع ذی‌ربط جهت توسعه فعالیت‌های میراث فرهنگی، گردشگری، صنایع دستی و هنرهای سنتی.
- جذب منابع و سرمایه‌های داخلی و خارجی در جهت اجرای طرح‌های توسعه میراث فرهنگی، گردشگری، صنایع دستی و هنرهای سنتی.

برخی سازمان‌ها/ دستگاه‌های وابسته

- صندوق مرمت، احیا و بهره‌برداری از بناهای تاریخی.
- پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- شرکت توسعه ایرانگردی و جهانگردی.^۱

۷-۷. سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها

براساس ماده ۱۵ قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی، به دولت اجازه داده شد که ظرف مدت یک ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، سازمانی با ماهیت شرکت دولتی به نام «سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها» با استفاده از منابع (امکانات، نیروی انسانی و اعتبارات) موجود، جهت اجرای این قانون با لحاظ قانون برنامه ایجاد کرده یا با اصلاح ساختار و ادغام شرکت‌های موجود، تأسیس نماید. سازمان مذکور باید به صورت متمرکز اداره شود و صرفاً مجاز به داشتن واحدهای ستادی، برنامه‌ریزی و نظارت در مرکز است. اساسنامه سازمان شامل ارکان، وظایف و اختیارات، به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (<http://www.ichto.ir>)، ۱۳۹۱/۰۷/۲۵.

به‌منظور اجرایی شدن ماده قانونی مذکور، اساسنامه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها بنا به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور در جلسات مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۶، ۱۳۸۹/۰۲/۱۹ و ۱۳۸۹/۰۴/۲۷ هیأت وزیران مطرح و مورد تصویب قرار گرفت.

براساس مفاد اساسنامه، سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها با ماهیت شرکت دولتی، دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و تمام سرمایه آن متعلق به دولت است.

مرکز اصلی سازمان در تهران و مدت آن نامحدود است و سازمان و ارکان آن تابع قوانین و مقررات مربوط به شرکت‌های دولتی و قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و این اساسنامه و آئین‌نامه‌های مربوط می‌باشد و در موارد سکوت، تابع قوانین مربوط است.

وظایف و اختیارات

اهداف، مسئولیت‌ها، وظایف و اختیارات موضوع قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و سایر قوانین و مقررات مربوط، جزو وظایف و اختیارات سازمان است. همچنین، مسئولیت‌ها و اختیارات و وظایف تفویضی قانونی و نیز مدیریت وجوه، اعتبارات و هزینه‌های موضوع قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و سایر قوانین و مقررات مربوط بر عهده سازمان است.

ارکان

سازمان دارای ۴ رکن است:

الف) مجمع عمومی

مجمع عمومی مرکب از ۱۶ عضو است که رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس مجمع عمومی و معاون اول رئیس‌جمهور به‌عنوان نایب رئیس مجمع عمومی هستند. رئیس مجمع عمومی می‌تواند وظایف و اختیارات خود را به اشخاص دیگر عضو مجمع عمومی واگذار کند.

وظایف و اختیارات مجمع عمومی، بررسی و اظهارنظر و اتخاذ تصمیم نسبت به گزارش‌های ادواری و عملکرد سالانه، صورت‌های مالی و بودجه پیشنهادی هیأت مدیره، تصویب ضوابط و دستوالعمل‌های اجرایی برای فعالیت و وظایف سازمان در چارچوب قوانین و مقررات مربوط و تعیین و تصویب خط‌مشی و برنامه‌های کلان سازمان است.

ب) هیأت مدیره

اعضای هیأت مدیره سازمان حداقل سه نفر می‌باشند. مدیرعامل، رئیس هیأت مدیره و سایر اعضای هیأت مدیره با پیشنهاد معاون اول رئیس‌جمهور و تصویب مجمع عمومی با رعایت قوانین و مقررات مربوط و حکم رئیس‌جمهور تعیین می‌شوند. عزل و برکناری و موافقت با استعفای اشخاص مذکور با رئیس مجمع عمومی است. هیأت مدیره سازمان نیز می‌تواند بخشی از اختیارات خود را به مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره تفویض کند.

رسیدگی و تهیه بودجه سالانه، گزارش‌های عملکرد ادواری و سالانه و صورت‌های مالی سازمان و ارائه آنها به مجمع عمومی جهت تصویب، بررسی و پیشنهاد اصلاح یا تغییر مواد اساسنامه به مجمع عمومی برای ارائه به مراجع ذیصلاح، بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد صلح و سازش و رد دعاوی و ارجاع به داوری و تعیین داور و همچنین استرداد دعوا برای طی مراحل قانونی با رعایت اصل یکصد و سی و نهم^۱ قانون اساسی، بررسی و تهیه سقف ایجاد تعهد برای سال‌های آینده و ارائه آن به

۱. اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی، باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.»

مجمع عمومی، پیشنهاد خط‌مشی و برنامه‌های کلان سازمان به مجمع عمومی، ارائه برنامه عملیاتی به مجمع عمومی برای تصویب، انجام تمهیدات لازم برای اعمال وظایف نظارتی سازمان و حسابرسی داخلی نسبت به عملیات، معاملات و تمامی فعالیت‌های سازمان، تعیین امضاهای مجاز سازمان، بررسی و تصویب دستورالعمل‌های داخلی لازم برای اداره سازمان، تشخیص مطالبات مشکوک‌الوصول و بررسی و پیشنهاد درباره مطالبات لاوصول برای اتخاذ تصمیم به مجمع عمومی و تنظیم و انتشار گزارش‌های ادواری از فعالیت‌های سازمان، از وظایف و اختیارات هیأت مدیره است.

ج) مدیرعامل

مدیرعامل، نماینده قانونی سازمان در تمامی مراجع اداری و قضایی است و وظایف و اختیاراتی از جمله: اجرای مصوبات و تصمیمات مجمع عمومی و هیأت مدیره، تهیه و تنظیم پیشنهاد خط‌مشی برنامه عملیاتی و بودجه سالانه سازمان به هیأت مدیره، تهیه و تنظیم صورت‌های مالی و گزارش‌های عملکرد ادواری و سالانه سازمان و ارائه آن به هیأت مدیره، معرفی دارندگان امضاهای مجاز سازمان به مراجع ذیصلاح و نظارت بر حسن اجرای آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مورد اجرا در سازمان و انجام اقدامات لازم برای حسن اداره سازمان در چارچوب قوانین و مقررات مربوط را دارا می‌باشد.

اسناد و اوراق مالی و قراردادهای و اسناد تعهدآور سازمان باید به امضای مدیرعامل یا نماینده مجاز وی و یکی از اعضای هیأت مدیره به انتخاب هیأت مدیره برسد. مدیرعامل همچنین می‌تواند به مسئولیت خود بخشی از وظایفش را به هر یک از اعضای هیأت مدیره و کارکنان سازمان تفویض کند. ساختار سازمان نیز با پیشنهاد مدیرعامل به تأیید رئیس مجمع عمومی می‌رسد.

د) بازرس یا بازرسان

بازرس یا بازرسان سازمان از بین اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح با تصویب مجمع عمومی تعیین می‌شود. مهم‌ترین وظایف بازرسان قانونی (حسابرس یا حسابرسان) سازمان عبارتند از: رسیدگی به صورت‌های مالی سازمان طبق استانداردهای حسابرسی و ارائه گزارش نتایج رسیدگی‌های انجام شده به مجمع عمومی و هیأت مدیره، تطبیق عملیات سازمان با قوانین و مقررات مربوط و اساسنامه سازمان و آئین‌نامه‌های اختصاصی آن و بودجه مصوب و سایر وظایف پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات مربوط و مصوبات مجمع عمومی.

۷-۸. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

قانون پولی و بانکی کشور در تاریخ ۱۳۳۹/۰۳/۰۷ تصویب و براساس فصل دوم آن، کلیه امور مربوط به چاپ و انتشار اسکناس و ضرب سکه و پشتوانه آن به بانک مرکزی واگذار شد. به دنبال تفکیک عملیات تجاری از چاپ اسکناس و سیاست‌های پولی و اعتباری، لزوم ایجاد بانک مرکزی ایران با هدف نظارت و هدایت فعالیت‌های بانک‌های کشور، تنظیم اعتبارات حفظ ثبات قیمت‌ها، حفظ ارزش پول، کنترل دقیق امور ارزی و هدایت پس‌اندازهای کشور به سوی سرمایه‌گذاری‌های مولد مطرح شد. بدین ترتیب بانک مرکزی ایران در تاریخ ۱۳۳۹/۰۵/۱۸ تأسیس گردید.

ارکان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شامل مجمع عمومی، شورای پول و اعتبار، هیأت عامل، هیأت نظارت اندوخته اسکناس و هیأت نظارت است و براساس ماده ۸۸ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی، رئیس‌جمهور مسئولیت ریاست مجمع بانک را برعهده دارد. رئیس کل بانک مرکزی نیز به پیشنهاد رئیس‌جمهور و بعد از تأیید مجمع عمومی، با حکم رئیس‌جمهور منصوب می‌شود.

در حال حاضر، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر آن است که با اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری، شرایط مساعدی برای پیشرفت اقتصادی کشور فراهم ساخته و در اجرای برنامه‌های مختلف اقتصادی، پشتیبان دولت باشد.

وظایف

براساس قانون پولی و بانکی کشور، مصوب ۱۳۵۱، بانک مرکزی به‌عنوان تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری کشور، موظف به انجام وظایف زیر است:

- حفظ ارزش داخلی و خارجی پول ملی کشور.
- انتشار اسکناس و ضرب سکه‌های فلزی رایج کشور.
- تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و ریالی.
- نظارت بر معاملات طلا و وضع مقررات مربوط به آن.
- نظارت بر صدور و ورود ارز و پول رایج کشور.
- تنظیم نظام پولی و اعتباری کشور.
- نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری.
- تنظیم حجم اعتبارات بانکی و ایجاد هماهنگی متناسب با نیازهای پولی کشور.
- نگهداری از حساب‌های کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت.
- نگهداری کلیه ذخایر ارزی و طلای کشور.
- نمایندگی دولت در سازمان‌های مالی و بین‌المللی.
- در اختیار داشتن تصدی تمام عملیات انتشار اوراق بهادار دولتی.
- انعقاد موافقت‌نامه پرداخت و اجرای قراردادهای پولی، مالی، بازرگانی و ترانزیتی دولت و سایر کشورها.^۱

۸. نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی

امروزه در اکثر سیستم‌های حکومتی، مؤسساتی با شخصیت مجزا از سازمان‌های حکومت مرکزی، برای اداره وظایف عمومی ایجاد شده‌اند. این سازمان‌ها ابزارهای مؤثری برای حکومت مرکزی به‌منظور انجام وظایف اجرایی و عمومی تخصصی که نیازمند استقلال و دور بودن از مسائل سیاسی است، ایجاد کرده‌اند. مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی نیز از جدیدترین انواع این مؤسسات هستند که پدیده‌ای نوین در اداره امور عمومی و نشان‌دهنده حد اعلای عدم تمرکز در اداره عمومی می‌باشند. اینگونه مؤسسات، در حقیقت دولت را در انجام وظایف و خدمات عمومی یاری می‌کنند و به نحوی، کارگزاری دولت در این زمینه‌ها هستند.

در ایران، تا قبل از قانون محاسبات عمومی کشور، مصوب ۱۳۶۶/۰۶/۰۱ مجلس شورای اسلامی، علیرغم وجود این مؤسسات در نظام اداره امور عمومی کشور، تعریفی از آنها ارائه نشده بود. براساس ماده ۵ قانون مذکور، «مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی از نظر این قانون، واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به‌منظور انجام وظایف و خدماتی که

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (<http://www.cbi.ir>)، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱.

جنبه عمومی دارد، تشکیل شده یا می‌شود». به موجب تبصره این ماده، «فهرست این قبیل مؤسسات و نهادها با توجه به قوانین و مقررات مربوط از طرف دولت پیشنهاد و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید».

در اجرای این تبصره، قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی در تاریخ ۱۳۷۳/۰۴/۱۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به موجب قانون مذکور و الحاقیه‌های بعدی آن، برخی از مؤسسات و نهادهای مذکور عبارتند از:

- شهرداری‌ها و شرکت‌های تابعه آنان، مادام که بیش از ۵۰ درصد سهام و سرمایه آنان متعلق به شهرداری‌ها باشد.
- بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی.^۱
- جمعیت هلال احمر.
- کمیته امداد امام خمینی.
- بنیاد شهید و امور ایثارگران.^۲
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- کمیته ملی المپیک ایران.
- بنیاد ۱۵ خرداد.
- سازمان تبلیغات اسلامی.
- فدراسیون‌های ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران.
- مؤسسه‌های جهاد نصر، جهاد استقلال و جهاد توسعه زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی.
- شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی.
- جهاد دانشگاهی.
- بنیاد امور بیماری‌های خاص.
- و ...

تعریف مندرج در قانون محاسبات عمومی تا زمان تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری، تنها تعریف ارائه شده از مؤسسات عمومی غیردولتی در قوانین کشور بود که با تعریف مندرج در ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری، دچار کمی

۱. «بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی» براساس فرمان امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۰۹ تأسیس شد و در تاریخ ۱۳۶۷/۰۹/۰۳، با صدور فرمان ایشان خطاب به نخست‌وزیر وقت، نام آن به «بنیاد جانبازان» تغییر یافت. متعاقب ابلاغ فرمان مقام معظم رهبری خطاب به رئیس‌جمهور وقت به تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۰۸، مبنی بر موافقت با تجمیع مأموریت ارائه خدمات به خانواده معزز شهدا، جانبازان عزیز و آزادگان سرافراز در بنیاد شهید انقلاب اسلامی، فعالیت امور جانبازان از بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی منتزع و عنوان بنیاد به «بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی» تغییر کرد. براساس مفاد ماده ۴ اساسنامه، که در سال ۱۳۸۳ تدوین شده است، بنیاد نهادی است نشأت گرفته از انقلاب اسلامی، غیرانتفاعی، دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی، اداری و استخدامی که تحت نظارت عالی مقام رهبری و طبق مقررات این اساسنامه و آئین‌نامه‌های داخلی اداره می‌شود.

۲. «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۲۲ براساس فرمان امام خمینی (ره)، برای رسیدگی به وضعیت خانواده‌های شهدا و همچنین رسیدگی به امور معلولین و آسیب‌دیدگان انقلاب اسلامی تشکیل شد. مطابق مصوبه شماره ۱۹۰۱/۲۲۸۳۸ مورخ ۱۳۸۳/۰۲/۱۹ شورای عالی اداری، بنا به پیشنهاد مشترک نهادهای متولی امور ایثارگران و موافقت مقام معظم رهبری طی فرمان شماره ۴۳۰۳-ر مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۰۸، کلیه مأموریت‌ها و وظایف مربوط به اداره امور خانواده محترم شهدا، جانبازان عزیز و آزادگان سرافراز، در «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» تجمیع و نام آن به «بنیاد شهید و امور ایثارگران» تغییر یافت. به موجب مفاد ماده ۱ اساسنامه بنیاد شهید انقلاب اسلامی، مصوب جلسه مورخ ۱۳۷۷/۰۲/۲۷ و اصلاحیه مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۷/۰۱/۱۸ مجلس شورای اسلامی، بنیاد دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و امور آن طبق مقررات و قوانین مربوط به نهادهای عمومی غیردولتی و در چارچوب این اساسنامه و آئین‌نامه‌های مربوط، زیر نظر رئیس‌جمهور و نظارت عالی مقام معظم رهبری اداره می‌شود.

تغییر شد. براساس مفاد ماده مذکور، «مؤسسه یا نهاد عمومی غیردولتی، واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین گردد و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد».

از آثار داشتن شخصیت حقوقی مستقل، که قانون‌گذار برای سازمان‌های عمومی غیردولتی در نظر گرفته، این است که این سازمان‌ها دارای استقلال مالی خواهند شد و از آثار و نتایج استقلال مالی، داشتن آزادی عمل در نحوه هزینه کردن و کسب درآمد و تصمیم‌گیری راجع به امور مالی مربوط به خود است؛ اما در همه موارد، به‌واسطه این استقلال حقوقی، لزوماً استقلال مالی حاصل نمی‌شود.

لذا، مؤسسات عمومی غیردولتی را در ارتباط با امور مالی می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: یک دسته شامل مؤسساتی که درآمد آنها تا حد زیادی تکافوی نیازهایشان را می‌کند و دسته دیگر، مؤسساتی که خود دارای درآمد خاص نبوده و تنها ارائه‌دهنده خدمات هستند یا به نحوی درآمدشان تکافوی نیازهایشان را نمی‌کند. به همین جهت در قوانین و مقررات مرتبط، برای تأمین مالی اینگونه مؤسسات نیز تدابیر لازم اندیشیده و منابع مالی برای آنها در نظر گرفته شده است. این منابع به‌صورت حق‌السهم و یا عوارض خاص از پاره‌ای از فعالیت‌ها است که توسط دستگاه‌های دولتی وصول و به خزانه واریز می‌شود. مانند چهل و دو درصد از درآمد حاصل از حق‌الثبت اسناد رسمی و معادل یک درصد قیمت هر بلیط هواپیما و کشتی که از هر مسافر اخذ می‌شود، برای جمعیت هلال‌احمر (براساس ماده ۷ قانون اساسنامه جمعیت هلال‌احمر) یا عوارضی که شهرداری‌ها مطابق قانون مشهور به تجمیع عوارض و قانون مالیات بر ارزش افزوده دریافت می‌دارند و ...

این منابع، حق ثابت و عینی این مؤسسات بوده و پس از وصول و واریز به خزانه، در بودجه سال بعد منعکس و عیناً در اختیار آنها قرار می‌گیرد. همچنین اعتبارات یادشده، در قالب کمک نبوده، بلکه به‌عنوان درآمد این مؤسسات تلقی می‌شود و چنانچه کفایت مخارج این مؤسسات را نکند، از کمک بودجه عمومی دولت هم بهره‌مند می‌شوند.^۱

۹. استانداران

استانداران در نظام اداری - سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نماینده عالی دولت در استان‌ها بوده و باید «سیاست عمومی دولت» را در حوزه مأموریت خود تعقیب، پیگیری و اجرا نمایند.

نقش استانداران در بسترسازی برای تحقق و اجرایی کردن سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌های دولت، از قبیل: سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، سیاست‌های کلی نظام اداری، سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف، قانون مدیریت خدمات کشوری، طرح تحول اقتصادی، قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و ... اهمیت جایگاه آنان در ایفای نقش نمایندگی عالی دولت را دوچندان می‌سازد.

مقام معظم رهبری در دیدار استانداران سراسر کشور^۲، بر لزوم تشخیص جایگاه استانداران و درک مسئولیت‌های ناشی از آن تأکید کرده و می‌فرماید: «نکته اصلی و اساس قضیه این است که استاندار در هر استانی جایگاه خودش را درست تشخیص بدهد و به معنای واقعی کلمه، مسئولیت‌های این جایگاه را بر دوش خودش احساس کند. به گمان بنده استاندار در هر استانی،

۱. ولی رستمی و سیدمجتبی حسینی‌پور، نظارت مالی بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، فصلنامه حقوق (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۹۴-۱۹۲.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار استانداران سراسر کشور (۱۳۸۴/۱۲/۰۸).

نقش رئیس دولت را در آن استان دارد. نمی‌شود استاندار بگوید که فلان بخش به مسئولیت خودش عمل نکرد و این کار به این دلیل عقب افتاد؛ نه، استاندار باید با تلاش خودش، با تماس با مرکز و دولت، کاری کند که همه بخش‌های مختلف بتوانند کارشان را آنجا انجام دهند. استاندار لازم است کارها را پیگیری کند، تا انجام بگیرد. ما تا الآن ملاک‌مان برای ضعف و قوت استاندارها این بود؛ یعنی اگر یک استاندار هر هفته شورای تأمین را هم تشکیل بدهد و کارهای دیگر هم بکند، اما کارهای استان پیش نرود - ولو کارهایی که مربوط به وزارت راه است، مربوط به وزارت نیرو یا فلان وزارتخانه است - ما استاندار را ضعیف می‌دانیم؛ قضاوت ما در مورد استاندارها ناشی از این مسئله است. پس اولین مطلب این است که استاندار جایگاه خودش و مسئولیت سنگینی را که پذیرفته، بداند^۱.

در راستای فراهم‌سازی شرایط مناسب برای ایفای مسئولیت‌های پیش‌گفته، موارد مرتبط با متناسب کردن اختیارات، تعیین وظایف و نحوه عزل و نصب استانداران، به تصویب شورای عالی اداری رسیده است.^۲ براساس مصوبه مذکور، استانداران در قلمرو مأموریت خویش به‌عنوان نماینده عالی دولت، مسئولیت اجرای سیاست‌های عمومی کشور در ارتباط با وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از بودجه عمومی دولت استفاده می‌نمایند، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی، شورای اسلامی شهر و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی را عهده‌دار هستند. همچنین، نیروهای نظامی در چارچوب وظایفی که در ارتباط با امنیت مناطق دارند، تحت نظارت استانداران عمل می‌کنند.

استانداران به‌عنوان نماینده عالی دولت، در برابر رئیس‌جمهور و هیأت وزیران مسئول بوده و به‌عنوان نماینده وزارت کشور، مسئولیت اجرای وظایف و اختیارات آن وزارت را در سطح استان برعهده دارند و در مقابل وزیر کشور پاسخگو هستند. استانداران به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیأت وزیران، با حکم رئیس‌جمهور منصوب شده و عزل آنان به پیشنهاد وزیر کشور و تأیید رئیس‌جمهور، با حکم وزیر کشور انجام می‌شود.

نصب، عزل و تغییر مدیران کل و یا بالاترین مقامات اداری، مدیران پروژه‌های ملی، بالاترین مقام نهادهای انقلاب اسلامی، فرماندهان نواحی و مناطق نیروهای انتظامی و مدیران صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در استان، توسط وزرا یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط، با هماهنگی استاندار صورت می‌گیرد.

بخشی از وظایف و اختیارات استانداران در قلمرو مأموریت خویش به شرح زیر است:

- برقراری و حفظ نظم و امنیت استان؛
- هدایت و تشکیل مرتب جلسات شورای تأمین استان و نظارت بر حسن اجرای مصوبات آن.
- هدایت و نظارت بر عملکرد شوراهای تأمین شهرستان‌ها و اقدامات فرمانداران و سایر دستگاه‌های اجرایی محلی و هماهنگی در حفظ آمادگی ارگان‌های امنیتی.
- پیش‌بینی و پیشگیری معضلات امنیتی استان، تعیین و تدوین اولویت‌ها و سیاست‌های امنیتی و تعیین حدود وظایف و اختیارات امنیتی کلیه دستگاه‌های اجرایی استان در چارچوب وظایفی قانونی آنها.
- فراهم آوردن موجبات اجرای طرح‌ها و سیاست‌های عام امنیتی و انتظامی، مصوبات مراجع قانونی و دستورالعمل‌ها و ابلاغیه‌های امنیتی.
- تأیید تشکیل موقت یا دائم یا انحلال رده‌های انتظامی در سطح استان در چارچوب قوانین و دستورالعمل‌های مربوط.

۱. هادی شوشتری، بررسی وظایف استانداران و فرمانداران در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران، رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، آبان ۱۳۸۴.

۲. مصوبه شماره ۱۲/۶۰۲ مورخ ۱۳۷۷/۰۷/۳۰ شورای عالی اداری.

- نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، گذرنامه و وظیفه عمومی.
- پیشگیری و مقابله با مشکلات مرزی و نظارت و مراقبت از مرزهای آبی و خاکی استان و برنامه‌ریزی به‌منظور جلوگیری از هرگونه تردد و نقل و انتقالات غیر مجاز در چارچوب سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مصوب.
- بررسی و تعیین مناطق ممنوع و محدود برای اسکان و تردد و تعیین گذرهای مرزی مجاز.
- بررسی و ارائه پیشنهاد ایجاد مرزهای رسمی (زمینی، هوایی و دریایی) استان به وزارت کشور.
- بررسی زمینه‌های مشترک همکاری با استان‌های کشورهای همجوار و انعقاد یادداشت تفاهم همکاری محلی در چارچوب سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی نظام.
- برنامه‌ریزی، هدایت و ایجاد هماهنگی‌های لازم در خصوص مبارزه با مواد مخدر، قاچاق سلاح مواد منفجره، کالا و ارز.
- نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات مربوط به تردد، اقامت، تابعیت، استملاک و سایر امور مربوط به اتباع و نمایندگی‌های خارجی، پناهندگان، معاودین، مهاجرین و آوارگان.
- فراهم آوردن موجبات تشکیل و تقویت شوراهای اسلامی به‌منظور جلب مشارکت همه‌جانبه مردم استان در امور مشارکت‌پذیر و سازماندهی مطلوب آن و اعمال نظارت بر شوراهای فوق در چارچوب قوانین و مقررات مربوط.
- تشکیل و هدایت شوراهایی که مسئولیت آنها برعهده استاندار است و رعایت تصمیمات متخذه شوراهای مذکور طبق قوانین و مقررات مربوط.
- جانشینی شورای اسلامی شهر (به‌جز شهر تهران)، در غیاب شورای اسلامی شهر؛ در این حالت کلیه وظایف شوراهای اسلامی شهرهای تابعه استان به‌غیر از وظیفه مربوط به تصویب برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن برعهده استاندار است.
- ایجاد زمینه‌های لازم برای تأسیس و توسعه مجامع و تشکل‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تخصصی و نظارت بر فعالیت‌های آنها به‌منظور گسترش مشارکت‌های مردمی در همه زمینه‌ها و نهادینه شدن آزادی‌های سیاسی و اجتماعی.
- نظارت بر همه‌پرسی و کلیه انتخاباتی که به‌موجب قانون برگزار می‌شود.
- انجام مطالعات و اقدامات اجرایی تقسیمات کشوری.
- نظارت بر حسن جریان امور مربوط به ثبت احوال.
- ایجاد زمینه مناسب برای رشد و ارتقای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بانوان و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های ذی‌ربط و نظارت بر فعالیت آنها.
- فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای رشد، پیشرفت و گسترش آموزش و پرورش، ورزش همگانی، بهداشت عمومی، آموزش عالی و تحقیقات.
- حفظ و حراست از ارزش‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و گسترش فرهنگ اصیل ایرانی.
- هدایت و هماهنگی اقدامات مربوط به پیشگیری و جلوگیری از منکرات و مفسدات اجتماعی.
- فراهم آوردن زمینه‌های عدالت اجتماعی و فقرزدایی.
- اتخاذ تدابیر و اعمال هماهنگی لازم به‌منظور پیشگیری، کنترل و مهار بحران‌های ناشی از حوادث و بلایای طبیعی از قبیل سیل، زلزله و ...
- هماهنگی و نظارت بر مسائل رفاهی کارمندان دولت و هماهنگی نمودن امور رفاهی آنان.
- مطالعه و بررسی امور اداری و استخدامی در استان و ارائه پیشنهادات لازم به معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور و سایر مراجع ذی‌صلاح.

- نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات.
- نظارت و بازرسی کلیه دستگاه‌های اجرایی سطح استان، به‌جز مواردی که به حکم قانون مستثنی شده باشد، و همچنین مراقبت در رفتار و اعمال کلیه کارکنان دستگاه‌های مذکور.
- ارزشیابی عملکرد مدیران براساس مصوبات و دستورالعمل‌های مراجع ذی‌صلاح.
- فراهم آوردن زمینه همکاری و ایجاد هماهنگی بین فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی، سازمان‌های محلی، نهادهای انقلاب اسلامی و شوراهای محلی در چارچوب قوانین و مقررات مربوط.
- نظارت و مراقبت در اجرای برنامه‌های عمرانی (ملی و استانی) و در صورت لزوم، دادن تذکر به مسئولین اجرایی یا اعلام مراتب به سازمان و وزارتخانه مربوط در جهت رفع نواقص احتمالی.
- نظارت بر حفظ و حراست از منابع طبیعی و محیط زیست و استفاده بهینه از منابع و امکانات بالقوه و موجود استان.
- شناسایی استعدادها و منطقه‌ای و تعیین نیازمندی‌های استان و تصمیم‌گیری، هماهنگی و هدایت برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی استان با تأکید بر اولویت‌های توسعه منطقه‌ای در چارچوب سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ملی.
- پیشنهاد وضع عوارض جدید بر فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی در محدوده استان و شناسایی منابع جدید درآمدی و پیشنهاد آن به مراجع ذی‌ربط در جهت اجرای برنامه‌های توسعه منطقه‌ای.
- تلاش در جهت کسب منابع درآمدی مقرر در قوانین مربوط در محدوده استان و همکاری با دستگاه‌های ملی ذی‌ربط در این خصوص.
- هدایت و هماهنگی فعالیت بانک‌ها و تعیین اولویت‌ها در اعطای تسهیلات تکلیفی بانکی در چارچوب سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و تشویق سرمایه‌گذاران از طریق تشکیل مؤسسات اعتباری غیردولتی و جذب سرمایه‌ها و سوق دادن آنها به سمت فعالیت‌های تولیدی و عمرانی.
- نظارت، هماهنگی و هدایت امور مربوط به صادرات غیر نفتی، مبادلات مرزی، ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی و مناطق ویژه حراست‌شده و تأسیس و راه‌اندازی بازارچه‌های مرزی طبق قوانین و مقررات مربوط.
- اجرای وظایف و اختیارات تفویضی رئیس‌جمهور، معاونان ایشان و وزیر کشور در خصوص امور اداری و استخدامی و ... و سایر وظایفی که از طریق مراجع ذی‌صلاح برعهده استاندار محول می‌شود.^۱
- مسئولیت نمایندگی ویژه رئیس‌جمهور در شرایط خاص و حسب ضرورت در صورت موافقت رئیس‌جمهور و تصویب هیأت وزیران.
- تهیه و ابلاغ دستورالعمل‌های اجرایی به‌منظور اجرای وظایف واحدهای اجرایی در استان که به‌نحوی با برنامه‌های توسعه و سیاست‌های عمومی و مسائل امنیتی و آرامش عمومی مرتبط است و همچنین، ایجاد هماهنگی بین واحدهای مذکور و استفاده بهینه از امکانات آنها با رعایت قوانین و مقررات.
- برقراری ارتباط با مراکز فرهنگی و اقتصادی کشورهای دیگر با هماهنگی وزارت کشور و موافقت وزارت امور خارجه.
- برقراری ارتباط رسمی و اداری با نمایندگان سیاسی و کنسولی استان.
- تشکیل شورای اداری استان به ریاست استاندار به‌منظور فراهم ساختن زمینه مناسب جهت هماهنگی بین فعالیت‌های مختلف و افزایش قابلیت‌ها و کارایی دستگاه‌های اجرایی و تحقق سیاست‌های عمومی و برنامه‌های توسعه در استان.
- انجام مراسم تشریفات (استقبال، پذیرایی و مشایعت) از مقامات عالی‌رتبه داخلی و خارجی که رسماً به استان سفر می‌کنند.

۱. بخشنامه شماره ۶۵۳۶۵-۴۴۱۸۵ مورخ ۱۳۸۹/۰۳/۲۳ رئیس‌جمهور و تصویب‌نامه‌های شماره ۱۰۷۰۴۰/ت/۴۴۴۴۴ مورخ ۱۳۹۱/۰۳/۰۷ و ۱۰۷۴۴۳/ت/۴۴۴۴۴ مورخ

فصل چهارم: قوه قضائیه

هدف کلی

ارتقای دانش فراگیران در زمینه ساختار، وظایف و اختیارات قوه قضائیه

اهداف رفتاری

انتظار می‌رود فراگیران پس از مطالعه این فصل بتوانند:

۱. ساختار قوه قضائیه را توضیح دهند.
۲. وظایف و اختیارات قوه قضائیه را تشریح کنند.
۳. ارکان و وظایف دیوان عدالت اداری را برشمارند.
۴. وظایف و اختیارات سازمان بازرسی کل کشور را بیان نمایند.
۵. پیشینه و ساختار روزنامه رسمی را به اختصار توضیح دهند.



۱. جایگاه و وظایف قوه قضائیه در نظام جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین هدف اسلام در حوزه‌های اجتماعی و فردی، تحقق عدالت در آن حوزه‌ها است. نظام قضائی جمهوری اسلامی ایران بر پایه آموزه‌های اسلامی مبتنی بر شریعت و فقه امامیه تأسیس شده است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی نسبت به امر قضا توجه ویژه‌ای صورت گرفته و در دیباچه آن آمده است: «مسأله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به‌منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی. از این رو ایجاد سیستم قضائی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضاات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است. این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد.»

برابر اصل پنجاه و هفتم قانون مذکور، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت اعمال می‌شوند و این قوا از یکدیگر مستقل هستند. همچنین مطابق اصل یکصد و پنجاه و ششم، «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند؛
۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛
۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین؛
۴. کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛
۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.»

عمده تفاوت نظام جمهوری اسلامی ایران با سایر نظام‌هایی که به طور کلاسیک تفکیک قوا را پذیرفته‌اند در آن است که قوای حاکم زیر نظر ولایت فقیه انجام وظیفه می‌کنند و این نظارت ناشی از پذیرش یکی از اصول بنیادی نظام و حکومت اسلامی است که در زمان غیبت امام زمان (عج) از سوی ولی فقیه عادل اعمال خواهد شد. به بیان ساده، ولایت امر همان حاکمیت است که از طریق رهبری اعمال می‌شود و رهبر به عنوان حاکم، بر تمام امور مملکت نظارت و اشراف دارد. در مورد قوای مجریه و مقننه، اصل انتخاب و مردم‌سالاری و دموکراسی کاملاً قابل لمس است؛ زیرا مردم با رأی مستقیم خود، رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس را انتخاب می‌کنند؛ ولی رئیس قوه قضائیه، همان‌طور که بعداً اشاره خواهیم کرد، توسط مقام رهبری منصوب می‌شود.

گرچه در قانون اساسی، قوای حاکم از یکدیگر مستقل هستند، ولی بنا به اصل ضرورت همکاری بین قوا و برای تأمین اهداف کلی نظام، این قوا با یکدیگر در ارتباط بوده و این ارتباط متقابل در پاره‌ای از موارد همراه با نظارت و پاسخگویی یک قوه در مقابل قوه دیگر می‌باشد. اما در این میان، قوه قضائیه از پاسخگویی و نظارت مستقیم سایر قوا تقریباً مصون است.

استقلال قوه قضائیه تنها مربوط به تشکیلات آن نمی‌شود، بلکه شامل قضاات نیز هست؛ یعنی اولاً اصل بی‌طرفی قاضی از لوازم اجتناب‌ناپذیر امر قضا به شمار می‌آید؛ ثانیاً استقلال قضاات هنگامی محقق می‌شود که آنان در مقام دادرسی صرفاً براساس موازین قضائی و به دور از هرگونه فشار سیاسی و اقتصادی مبادرت به صدور حکم کنند. این است که در اصل یکصد و شصت و ششم قانون اساسی می‌بینیم: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن، حکم صادر شده است.» و در اصل یکصد و شصت و هفتم آمده است: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

اصل دیگری که به استقلال قضات کمک می‌کند، اصل نفی سلسله مراتب اداری و تشکیلاتی در امر قضاوت است. در نظام قضائی کشور اصولاً قضات در اتخاذ تصمیم قضائی‌شان مستقل هستند و تحت نظر مافوق قرار نمی‌گیرند و در صورت تحقق اختلاف در اظهارنظر، این اختلاف در یک مرجع دیگر قضائی حل و فصل می‌شود. برای مثال گرچه اعضای دادسرا (بازپرس و دادستان)، هیأت واحدی را در امر تعقیب متهم تشکیل می‌دهند، ولی اگر در اتخاذ تصمیم نهایی، بازپرس عقیده به بی‌گناهی و دادستان عقیده به مجرمیت متهم داشته باشد، برای حل اختلاف، موضوع در دادگاه مطرح می‌شود تا به اختلاف عقیده آن دو رسیدگی قضائی شود؛ بنابراین دادستان نمی‌تواند نظر قضائی‌اش را بر بازپرس تحمیل کند.

۱-۱. اصول حاکم بر نظام قضائی جمهوری اسلامی ایران

نظام قضائی جمهوری اسلامی ایران بر پایه اصول زیر بنا نهاده شده است:

الف) رعایت موازین اسلامی: از آنجا که نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول اسلامی است، حاکمیت موازین اسلامی در جامعه ضرورت دارد. برای آنکه موازین اسلامی و قانون، به‌عنوان دو مبنای جداگانه تلقی نشوند و همچنین، به‌منظور جلوگیری از تشتت آراء فقها در امری واحد و مشروعیت بخشیدن به نظام قضائی، موازین فقهی باید به‌وسیله قانون تبیین و از سوی قضات، رعایت شود؛ بنابراین، صفات و شرایط قاضی و صلاحیت دادگاه‌ها وفق موازین فقهی در قانون معین شده است.

ب) بی‌طرفی قاضی: در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصل بر بی‌طرفی قاضی است.

ج) علنی بودن محاکمات: براساس اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی، «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است؛ مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

د) برائت: به‌موجب اصل سی و هفتم قانون اساسی، «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود؛ مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». اصل برائت قابل تسری به موارد حقوقی نیز هست؛ بدین معنی که هر کس مدعی حقی باشد، باید آن را اثبات کند.

ه) ممنوعیت شکنجه: مطابق اصل سی و هشتم قانون اساسی، «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود».

و) قانونی بودن جرم و مجازات: براساس اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی، «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی‌شود».

ز) تفکیک جرائم سیاسی و مطبوعاتی از جرائم عادی: به‌موجب اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی، «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند».

ح) ممنوعیت بازداشت غیرقانونی: مطابق اصل سی و دوم قانون اساسی، «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود».

ط) جبران خسارت ناشی از تصمیمات قضائی: براساس اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی، «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به‌وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال، از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.»

ی) مستدل بودن احکام و آراء محاکم: به‌موجب اصل یکصد و شصت و ششم قانون اساسی، «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن، حکم صادر شده است.» هرگونه حکمی که مستند به مواد قانونی یا مقررات شرعی نباشد، قابل تجدیدنظر و فسخ در دادگاه‌های عالی است و صدور حکم غیرمستدل، مسئولیت انتظامی در پی دارد.

ک) قابل تجدیدنظر بودن کلیه احکام صادره از مراجع قضائی: با توجه به پذیرش دو مرحله‌ای بودن امور قضائی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اکثر احکام صادره از جانب دادگاه‌های تالی، قابل تجدیدنظر در دادگاه‌های عالی است؛ به‌عنوان مثال، احکام صادره از دادگاه‌های عمومی و انقلاب، قابلیت تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان را دارد.

۲. نحوه انتصاب، وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ابتدا و پیش از اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، قوه قضائیه توسط شورای عالی قضائی اداره می‌شد. این شورا متشکل از رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور و سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضاات کشور بود که برای مدت پنج سال در شورا انجام وظیفه می‌کردند.

پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، براساس اصل یکصد و پنجاه و هفتم مقرر شد: «به‌منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به‌عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.»

همچنین، مطابق اصل یکصد و پنجاه و هشتم، «وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱. ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم؛

۲. تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی؛

۳. استخدام قضاات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.»

در برخی دیگر از اصول قانون اساسی نیز وظایف و مسئولیت‌هایی برای رئیس قوه قضائیه پیش‌بینی شده است، از جمله:

۱. نصب رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل.^۱

۲. تعیین ضوابط برای تشکیل دیوان عالی کشور و نظارت بر دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور.^۲

۳. پیشنهاد وزیر دادگستری به رئیس‌جمهور.^۳

۴. پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی به مقام رهبری.^۴

۱. اصل یکصد و شصت و دوم قانون اساسی: «رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضاات دیوان عالی کشور، آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.»

۲. اصول یکصد و شصت و یکم، یکصد و هفتاد و سوم و یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی.

۳. اصل یکصد و شصتم قانون اساسی.

۴. اصل یکصد و دهم قانون اساسی.

۵. نظارت بر فعالیت سازمان صدا و سیما از طریق تعیین نماینده.^۱
 ۶. حضور در مراسم سوگند رئیس‌جمهور.^۲
 ۷. رسیدگی به دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت.^۳
 ۸. عضویت در شورای موقت رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی و شورای بازنگری قانون اساسی.^۴
- در اجرای موارد فوق، رئیس قوه قضائیه برای عملی کردن وظایف پیش‌بینی شده در قانون اساسی و قوانین عادی و بر مبنای نیاز، مبادرت به تشکیل واحدهای قضائی یا اداری می‌کند. همچنین، از آنجا که قوه قضائیه برای اجرای وظایف خود نیازمند قوانین متناسب و به‌روز است، پس از تهیه لوایح قضائی مناسب، آنها را از طریق وزیر دادگستری در هیأت دولت مطرح می‌کند و بعد از تصویب هیأت دولت، لایحه قضائی به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود. به‌علاوه، انتخاب قضات و نظارت بر عملکرد آنان، از جمله وظایف مهم رئیس قوه قضائیه است؛ زیرا قضات به‌عنوان محور اصلی قوه قضائیه، وظیفه اجرای عدالت را در جامعه برعهده دارند. شرایط قضاوت در جمهوری اسلامی ایران برگرفته از آموزه‌های دینی است و آن‌طور که از منابع اسلامی به دست می‌آید، این مقام در مرتبه نخست، مخصوص خداوند و سپس پیامبران (ص) و امامان (ع) می‌باشد.
- شایان ذکر است که تمام این موارد بر مبنای قانون صورت می‌گیرد؛ برای مثال، امکان انفصال قاضی بدون اثبات مجرمیت و محکومیت کیفری او وجود ندارد یا تغییر محل خدمت قاضی بدون رضایت او جایز نیست، مگر در مواردی که مصلحت جامعه اقتضا کند؛ آن هم پس از مشورت رئیس قوه قضائیه با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور.

۳. تشکیلات دادگستری (دادسراها و دادگاه‌ها)

به‌موجب اصل شصت و یکم قانون اساسی، «اعمال قوه قضائیه به‌وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی پردازد.» در رأس تشکیلات دادگستری، دادگاه و دادسرای دیوان عالی کشور قرار دارد که رئیس دیوان و دادستان کل کشور، بالاترین مقام آنها هستند.

مطابق اصل یکصد و هفتاد و دوم نیز، «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد؛ ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند، در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.» بر این اساس، دو نوع محکمه عمومی و نظامی برای رسیدگی به جرائم وجود دارد که البته در کنار هر محکمه‌ای، دادسرای نیز مقرر است.

البته باید توجه داشت که ذکر دو نوع محکمه فوق در قانون اساسی، دلیل بر حصر محاکم به این دو دسته نیست؛ بلکه به‌موجب اصول یکصد و پنجاه و هشتم و یکصد و پنجاه و نهم^۱ قانون اساسی، رئیس قوه قضائیه می‌تواند دادگاه‌ها و تشکیلات لازم دیگری را در دادگستری ایجاد کند.

۱. اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی.

۲. اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی.

۳. اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی: «دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان، قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.»

۴. اصول یکصد و یازدهم، یکصد و دوازدهم، یکصد و هفتاد و ششم و یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی.

به‌طور کلی، در روند رسیدگی به پرونده‌های قضائی، دو مرجع دادرسی و محکمه (دادگاه) وجود دارد. در دادرسی تنها شکایات دارای جنبه کیفری و جزائی مطرح می‌شود. تحقیقات مقدماتی برعهده دادرسی است که پس از انجام تحقیقات و احراز مجرمیت، با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست، پرونده جهت دادرسی، صدور حکم و تعیین مجازات به محاکم ارسال و در صورت عدم احراز مجرمیت، نسبت به صدور قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب اقدام می‌شود.

در معیت دادگاه کیفری استان و محاکم جزائی و انقلاب، دادرسی عمومی و انقلاب و در معیت دیوان عالی کشور، محاکم نظامی، محاکم عالی انتظامی قضات، دادگاه ویژه روحانیت و محاکم رسیدگی به جرائم کارکنان دولت، به ترتیب دادرسی دیوان عالی کشور (دادستانی کل)، دادرسی نظامی، دادرسی انتظامی قضات، دادرسی ویژه روحانیت و دادرسی ویژه کارکنان دولت وجود دارد.

دادرسی که عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم، اقامه دعوی از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، اجرای حکم و همچنین رسیدگی به امور حسبه وفق ضوابط قانونی است، به ریاست دادستان تشکیل می‌شود و به تعداد لازم معاون، دادیار و بازپرس دارد. تحقیقات مقدماتی کلیه جرائم برعهده بازپرس است؛ ولی در جرائمی که مجازات قانونی آنها اعدام، رجم، قصاص و حبس ابد نباشد، دادستان نیز دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس در نظر گرفته شده است؛ در واقع بازپرس به جرائم سنگین رسیدگی می‌کند و دادستان، جرائم کم‌اهمیت را به دادیاران که زیر نظر وی انجام وظیفه می‌کنند ارجاع می‌دهد. در هر صورت پس از صدور قرار مجرمیت توسط دادیار و بازپرس، دادستان با صدور کیفرخواست، پرونده را جهت رسیدگی و صدور حکم به دادگاه صالح ارسال می‌کند.

در دادگاه حقوقی یا مدنی، به کلیه دعاوی مرتبط با امور حسبی، تجاری، ثبتی، مالکیت معنوی و صنعتی، اعتراض به تصمیمات مراجع غیردادگستری، دعاوی موجر و مستأجر، دعاوی بین‌المللی و ... رسیدگی می‌شود. همچنین دادگاه جزائی یا کیفری، مسئولیت رسیدگی به کلیه جرائم مندرج در کیفرخواست، از قبیل سرقت، آدم‌ربایی، صدور چک پرداخت نشدنی، جرائم مربوط به مفاسد اجتماعی، جعل، کلاهبرداری و ... و نیز جرائمی که مطابق قانون بدون کیفرخواست مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود را برعهده دارد. رسیدگی به اعتراض به قرارهای نهایی دادرسی و رسیدگی به اختلاف نظر بین بازپرس و دادستان نیز برعهده دادگاه‌های جزائی است.

۴. وزیر دادگستری

به‌موجب اصل یکصد و شصتم قانون اساسی، وزیر دادگستری از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌کند، انتخاب و پس از کسب رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی، در این سمت مشغول به کار می‌شود.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، وزیر دادگستری بالاترین مقام دستگاه قضائی کشور بود؛ لکن پس از انقلاب و با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به‌موجب آن قوه قضائیه در جایگاه واقعی خود به عنوان قوه‌ای مستقل قرار گرفت، اختیارات وزیر دادگستری در امور قضائی، محدود به مواردی شد که در «بخش دوم - فصل سوم - بند (۶-۱۸)» به‌طور مفصل ذکر شده است.

۵. مراجع قضائی

۵-۱. دیوان عالی کشور

به موجب اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی، «دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود، براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند، تشکیل می‌گردد.»

در سلسله مراتب نظام دادرسی، دیوان عالی کشور، عالی‌ترین مرجع قضائی است و رئیس آن، توسط رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور به مدت پنج سال انتخاب می‌شود.

۵-۱-۱. سازمان و تشکیلات

از نظر سازمانی، دیوان عالی کشور مرکب از دو قسمت شعب و دادسرا است. معمول‌ترین وظیفه دیوان که نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم از طریق رسیدگی فرجامی است، توسط شعب انجام می‌شود. دادسرای دیوان نیز به ریاست دادستان کل کشور در معیت دیوان عالی کشور فعالیت می‌کند. دادسرای دیوان علاوه بر تعدادی معاون، دارای چند نفر دادیار است که زیر نظر دادستان کل کشور، بخشی از وظایف قانونی او را انجام می‌دهند. دادسرای دیوان یک واحد غیرقابل تجزیه است و تصمیمات معاونان یا دادیاران در واقع تصمیمات دادسرا و دادستان کل است. وظیفه مهمی که به موجب قانون به دادسرای دیوان محول شده، درخواست نقض آراء قطعی دادگاه‌ها و شعب دیوان در صورت تشخیص مغایرت آنها با موازین شرعی، از طریق اعلام به رئیس قوه قضائیه است.

۵-۱-۲. وظایف

نظارت بر حسن اجرای قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی، مهم‌ترین وظایف دیوان عالی کشور هستند. همچنین مطابق قوانین مربوط، علاوه بر ریاست اداری و ریاست هیأت عمومی دیوان، وظایف خاصی برای رئیس دیوان پیش‌بینی شده که بخشی از آنها به قرار زیر است:

- حل اختلاف در صلاحیت و تشخیص صلاحیت در موارد قانونی.
- تجویز اعاده دادرسی در امور کیفری.
- تجویز احاله رسیدگی به امر کیفری به دادگاهی غیر از دادگاه صالح.
- رسیدگی به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی و صدور حکم در مورد آن.
- ریاست شعبه اول دیوان عالی کشور؛ از این حیث، رئیس دیوان کلیه وظایف قضائی شعبه اول دیوان را ایفا می‌کند.
- بررسی و تنفیذ احکام صادره از دادگاه‌های انقلاب در خصوص مواد مخدر.
- عضویت در محکمه عالی انتظامی قضات.
- انتخاب دو نفر از اعضای هیأت تجدیدنظر انتظامی قضات.

۵-۲. دادستانی کل کشور

مطابق اصل یکصد و شصت و دوم قانون اساسی، دادستان کل کشور توسط رئیس قوه قضائیه از میان مجتهدین عادل و آگاه به امور قضائی و با مشورت قضات دیوان عالی کشور به مدت پنج سال انتخاب و دادسرای دیوان عالی کشور تحت ریاست وی تشکیل می‌شود. دادستان کل کشور دارای یک معاون اول و به تعداد مورد لزوم، معاون در امور دیگر است.

۵-۲-۱. وظایف و مسئولیت‌های دادستان کل کشور

به موجب قوانین و مقررات مربوط، دادستان کل کشور دارای وظایف و مسئولیت‌هایی است که برخی از آنها عبارتند از:

- اعلام نظر مشورتی در مورد تغییر سمت یا محل خدمت قضات، براساس اصل یکصد و شصت و چهارم قانون اساسی^۱.
- پیشنهاد رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور جهت تصویب رئیس قوه قضائیه.
- حضور در جلسات هیأت عمومی دیوان عالی کشور.
- درخواست و موافقت با اعاده دادرسی.
- اظهار نظر در شعب دیوان عالی کشور.
- درخواست احاله جزائی از یک حوزه به حوزه دیگر.
- دستور تعقیب و بازرسی عملکرد قضات به دادسرای انتظامی قضات.
- حل اختلاف بین دادستان و دادیار دادسرای انتظامی قضات.
- انجام تحقیق و اظهار نظر در خصوص تخلفات اعضای دادگاه انتظامی قضات.
- موافقت با درخواست تجدیدنظر احکام دادگاه‌های عمومی با گزارش سازمان بازرسی کل کشور.
- تأیید احکام اعدام مربوط به جرائم مواد مخدر و تجدیدنظر نسبت به سایر احکام مربوط به آنها.
- دارا بودن حق ورود به زندان.
- تعیین نماینده برای عضویت در هیأت مدیره انجمن حمایت از زندانیان.
- عضویت در مجمع عمومی سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی.
- عضویت در ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- نظارت بر امور دادسراهای عمومی و انقلاب و نظامی.

۵-۳. دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضات

اسناد تاریخی حکایت از آن دارد که در ایران از دیرباز، حکومت‌ها نسبت به تخلفات قضات حساس بوده و قضات متخلف را به شدت کیفر می‌داده‌اند. در آموزه‌های دین مبین اسلام نیز، نظارت بر کار قضات مورد تأکید ویژه قرار دارد. در حال حاضر، مرجع قانونی نظارت انتظامی بر عملکرد قضات کشور، دادسرای انتظامی قضات است که در تهران مستقر بوده و از یک دادستان و تعدادی معاون و کارمند دفتری تشکیل می‌شود؛ نظارت قضائی را نیز، دیوان عالی کشور برعهده دارد.

۱. اصل یکصد و شصت و چهارم قانون اساسی: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است، بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به‌طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضایت او، محل خدمت یا سمتش را تغییر داد؛ مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.»

دادرسی انتظامی در معیت دادگاه انتظامی قضات، که دارای سه شعبه است، انجام وظیفه می‌کند. رسیدگی به تخلفات اعضای دادگاه عالی انتظامی قضات، در هیأت عمومی دیوان عالی کشور به عمل می‌آید. اهمال در انجام وظیفه و عدم رعایت قوانین موضوعه، به‌طور کلی تخلف محسوب شده و مرتکب، حسب مورد به مجازات انتظامی مقرر در قانون محکوم می‌شود.

وظایف دادرسی انتظامی قضات شامل بازرسی و کشف تقصیرات و تعقیب مستخدمین قضائی و تحقیق در جهات اخلاقی و اعمال و رفتار منافی با حیثیت و شئون قضائی و سوء شهرت کارمندان قضائی و اهمال و مسامحه در انجام وظیفه است. همچنین دادرسی انتظامی قضات مکلف است ضمن رسیدگی به شکایات و طی بازرسی‌های منظم، کمیت و کیفیت کار قضات را مورد ارزیابی قرار داده و تشویق قضاتی که مصدر خدمات با ارزش و برجسته و درخشان باشند را به رئیس قوه قضائیه پیشنهاد کند.

دادگاه عالی انتظامی قضات، تنها مرجع قضائی است که با کیفرخواست دادستان، به تخلفات قضات رسیدگی می‌کند. این دادگاه از یک نفر رئیس و دو نفر عضو اصلی تشکیل می‌شود و دارای یک عضو علی‌البدل است. رسیدگی به اموری همچون تقاضای تعلیق یا ترفیع قضات، تخلفات اعضای هیأت مدیره و اعضای دادگاه‌های انتظامی، دادستان و دادیاران انتظامی و کلا، شکایت از رد تقاضای پروانه وکالت از جانب هیأت مدیره کانون وکلا، تخلفات اعضای دادگاه و دادستان انتظامی کانون کارشناسان رسمی و... از مهم‌ترین وظایف دادگاه عالی به شمار می‌رود.

لازم به ذکر این که، به جرائم عمومی قضات در دادگاه‌های عمومی رسیدگی می‌شود.

۴-۵. دیوان عدالت اداری

در اجرای اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی^۱، به‌منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین و ادارات و آئین‌نامه‌های دولتی خلاف قانون یا شرع یا خارج از حدود اختیارات مقام تصویب‌کننده، دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل شده و فعالیت می‌کند.

دیوان در تهران مستقر است و تشکیلات قضایی و اداری و تعداد شعب آن، با پیشنهاد رئیس دیوان به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. هر شعبه دیوان دارای یک رئیس و دو مستشار است. ملاک در صدور رأی، نظر اکثریت است و آراء صادره توسط شعب دیوان، قطعی است.

رئیس دیوان که با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود، رئیس شعبه اول دیوان نیز هست و می‌تواند به تعداد مورد نیاز، معاون و مشاور داشته باشد. قضات دیوان هم به پیشنهاد رئیس دیوان و با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند.

۴-۵-۱. صلاحیت و حدود اختیارات

صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به شرح موارد زیر است:

- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها، تشکیلات و نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسات وابسته به آنها و همچنین تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در امور راجع به وظایف آنها.

۱. اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی: «به‌منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آئین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون معین می‌کند.»

۲. رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی دادگاه‌های اداری، هیأت‌های بازرسی و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، شورای کارگاه، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها و کمیسیون موضوع ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و منابع طبیعی و اصلاحات بعدی آن، منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها.
۳. رسیدگی به شکایات قضات و مضمولین قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مستخدمین واحدها و مؤسسات مذکور در بند ۱ و مستخدمین مؤسساتی که شمول قانون مدیریت خدمات کشوری نسبت به آنها محتاج ذکر نام است، اعم از لشگری و کشوری، از حیث تضييع حقوق استخدامی.

۵-۴-۲. هیأت عمومی

- هیأت عمومی دیوان به منظور ایفای وظایف و اختیارات مندرج در قانون، با شرکت حداقل دو سوم قضات دیوان به ریاست رئیس دیوان و یا معاون قضائی وی تشکیل می‌شود و ملاک در صدور رأی، نظر اکثریت اعضای حاضر می‌باشد. حدود صلاحیت و اختیارات هیأت عمومی به شرح زیر است:
۱. رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آئین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها از حیث مخالفت مدلول آنها با قانون و احقاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت برخلاف قانون بودن آنها یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایف، موجب تضييع حقوق اشخاص می‌شود.
 ۲. صدور رأی وحدت رویه در مورد آراء متناقض صادره از شعب دیوان.
 ۳. صدور رأی وحدت رویه در صورتی که نسبت به موضوع واحد، آراء مشابه متعدد صادر شده باشد.^۱

۵-۵. سازمان قضائی نیروهای مسلح

- سازمان قضائی نیروهای مسلح بخشی از قوه قضائیه کشور و تنها مرجع قضائی اختصاصی پیش‌بینی شده در قانون اساسی است که از دادسراها و دادگاه‌های نظامی تشکیل شده است.
- براساس اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی، برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و یا انتظامی اعضای ارتش، نیروی انتظامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌شود؛ البته به جرائم عمومی این افراد یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند، در محاکم عمومی رسیدگی خواهد شد.
- دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند. در حال حاضر، صلاحیت‌های سازمان قضائی نیروهای مسلح عبارتند از:

۱. جرائم خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح.
۲. جرائم مرتبط با وظایف پرسنل وزارت اطلاعات.
۳. جرائمی که در حین تحقیقات و رسیدگی به جرائم خاص نظامی کشف می‌شود.
۴. جرائم اسرای جنگی ایرانی و اسرای جنگی بیگانه در کشور.

۱. قانون دیوان عدالت اداری (مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۵/۰۳/۰۹ مجلس شورای اسلامی).

رسیدگی در سازمان قضائی نیروهای مسلح دو مرحله‌ای بوده و به همین جهت، پس از ارسال گزارش یا طرح شکایت از سوی مقامات ذی‌ربط و یا مردم، ابتدا پرونده در دادسرای نظامی تشکیل و تحقیقات مقدماتی توسط بازپرسان و دادیاران، زیر نظر دادستان انجام می‌شود. در صورتی که دلایل کافی برای احراز وقوع بزه وجود داشته باشد، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه نظامی ارسال می‌شود تا پس از انجام محاکمه، حکم مقتضی صادر شود.

محاکم نظامی به دادگاه‌های نظامی یک و دو تقسیم می‌شوند. دادگاه‌های نظامی یک، به جرائمی که در قانون، مجازات‌های شدیدتری دارند رسیدگی می‌کنند.

به جز تعدادی از آراء که مطابق قانون، قطعی هستند، سایر آراء دادگاه‌های نظامی، قابل تجدیدنظر در دادگاه‌های نظامی یک و آراء دادگاه‌های نظامی یک، قابل اعتراض و تجدیدنظر در دیوان عالی کشور می‌باشد. رسیدگی در دادسراها و دادگاه‌های نظامی براساس آئین دادرسی کیفری صورت پذیرفته و متهمان در تمامی مراحل رسیدگی می‌توانند از وکیل برخوردار شوند. سازمان قضائی نیروهای مسلح در تمامی مراکز استان‌های کشور دارای دادسرا و دادگاه نظامی است که مسئولیت رسیدگی به جرائم ارتكابی در حوزه قضائی آن استان را برعهده دارند.

۵-۶. سایر مراجع قضائی

علاوه بر موارد پیش گفته، برای رسیدگی به تخلفات و جرائم صورت گرفته در حوزه‌های مختلف، در ساختار قضائی کشور مراجعی همچون دادسرا و دادگاه عمومی و انقلاب، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت، دادسرا و دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم کارکنان دولت، دادگاه کیفری استان، دادگاه تجدیدنظر استان و ... پیش‌بینی شده است که در چارچوب قوانین و مقررات و آئین دادرسی، به تخلفات، جرائم و شکایات مرتبط رسیدگی می‌کنند.

۶. نهادهای شبه قضائی

۶-۱. داوری

در دعاوی مدنی، همه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر، اختلاف خود را، چه در دادگاه طرح شده یا نشده باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند. حتی هنگام تنظیم قراردادها و معاملات، می‌توان طرفین را ملزم کرد که در صورت بروز اختلاف بین آنان، به داوری مراجعه کنند. در امور مدنی، کلیه دعاوی جز دعاوی ورشکستگی و دعاوی راجع به اصل طلاق و فسخ آن و نسب، قابل ارجاع به داوری است و رأی داور یا داوران همانند احکام دادگاه قابلیت اجرا دارد و مورد حمایت قانون است. به طوری که در صورت استنکاف هریک از طرفین در اجرای رأی داور، ذینفع حق دارد با مراجعه به دادگاه، اجرای رأی را درخواست کند و دادگاه نیز مطابق رأی داور، برگ اجراییه صادر خواهد کرد.

۶-۲. شورای حل اختلاف

شوراهای حل اختلاف با تکیه بر مشارکت مردمی و بهره‌مندی از پشتوانه عظیم عاطفی ریش سفیدان، روحانیون و معتمدان محلی و اجتماعی، سعی بر حل و فصل مشکلات مردم براساس مصالحه و سازش دارد.

پشتوانه قانونی این نهاد مردمی، ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران^۱ است که می‌گوید: «به‌منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضائی و در راستای توسعه مشارکت‌های مردمی، رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضائی ندارد و یا ماهیت قضائی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است، به شوراهای حل اختلاف واگذار می‌گردد. حدود وظایف و اختیارات این شوراها، ترکیب و نحوه انتخاب اعضای آن براساس آئین‌نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران، به تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»

دادرسی به دور از تشریفات دست‌وپاگیر، تسریع و تسهیل در رسیدگی، خدمات در دسترس، مشارکت عموم، ارزان بودن فرایند، جلب رضایت طرفین دعوا، کسب هم‌فکری و تلاش دو طرف در حل مسئله و توجه به چشم‌انداز آینده‌نگر در رفع معضل، از جمله موارد برتری این گونه رسیدگی نسبت به دادخواهی در محاکم است.

۷. سازمان‌ها و تشکیلات غیرقضائی وابسته به قوه قضائیه

۷-۱. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمانی مستقل است که زیر نظر مستقیم رئیس قوه قضائیه انجام وظیفه می‌کند و رسالت اصلی آن عبارت است از نگهداری زندانیان، اجرای مجازات حبس و کوشش در جهت اصلاح و تربیت آنان برای بازگشت به خانواده و جامعه. رئیس سازمان به پیشنهاد دادستان کل کشور و با تصویب رئیس قوه قضائیه برای دو سال منصوب می‌شود؛ نصب مجدد وی بلامانع و عزل او نیز با رئیس قوه قضائیه است.

۷-۱-۱. وظایف

وظایف سازمان به شرح زیر است:

- نگهداری متهمان تحت قرار و محکومان به حبس بنابر دستور کتبی مقامات قضائی طبق مقررات سازمان.
- اداره کلیه زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و سایر مؤسسات وابسته و مؤسسات کشاورزی، صنعتی و خدماتی.
- ایجاد مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال در زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مؤسسات لازم برای نگهداری، بازپروری، حرفه‌آموزی و اشتغال به کار متهمان و محکومان.
- انجام تحقیقات و پژوهش‌های نوین کیفرشناسی به‌منظور بهبود شیوه‌ها و خدمات امور زندانبانی.
- تعیین خط‌مشی، اداره و نظارت بر اجرای امور مربوط به زندان‌ها و مؤسسات و مراکز وابسته.
- تهیه پیش‌نویس قوانین و مقررات مورد نیاز و پیشنهاد آن به مراجع صلاحیت‌دار.
- ایجاد امکانات و تسهیلات لازم به‌منظور تصدی امور بازپروری نظیر اصلاح و ارشاد محکومان.
- انجام خدمات مشاوره‌ای و کمک و مساعدت به حل مشکلات محکومان و خانواده آنان.
- جذب هرگونه کمک از قبیل کمک‌های مردمی و مؤسسات خیریه و برنامه‌ریزی برای استفاده صحیح در راستای کمک به امور زندان‌ها و محکومان و خانواده آنان.
- برنامه‌ریزی در زمینه مراقبت بعد از خروج محکومان با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط.

۱. مصوب جلسه مورخ ۱۳۷۹/۰۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی.

- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلیه امور مربوط به اشتغال و حرفه‌آموزی محکومان و خودکفایی مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال زندان‌ها و مراکز وابسته.
- تهیه آمار و اطلاعات مورد نیاز از محکومان و متهمان به روش علمی به منظور استفاده در امور اجرایی و سیاست‌گذاری و مطالعات و تحقیقات کیفرشناسی و انتشار آنها به صورت سالنامه آماری.
- تهیه و پیشنهاد اسامی محکومان واجد شرایط عفو و ارائه آن به هیأت عفو.
- تهیه و پیشنهاد اسامی محکومان واجد شرایط آزادی مشروط و ارائه آن به قاضیان ناظر زندان.
- آموزش کارکنان سازمان زندان‌ها همسو با موازین کیفرشناسی نوین و سیاست‌های توسعه قضائی قوه قضائیه.
- انجام سایر اموری که در جهت نگهداری و اصلاح و تربیت زندانیان لازم و ضروری است.^۱

۲-۲. سازمان بازرسی کل کشور

مطابق قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و اصلاحیه‌های بعدی آن^۲، سازمان مذکور به منظور نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری و در اجرای اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی^۳، زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل شده است.

رئیس سازمان که توسط رئیس قوه قضائیه از بین قضات شرع (روحانی) یا قضاتی که دارای رتبه ۱۰ یا ۱۱ قضائی هستند، انتخاب و منصوب می‌شود، می‌تواند یک نفر قائم‌مقام برای خود از میان قضات با صلاحیت انتخاب کند و همچنین به تعداد مورد نیاز معاون و بازرس داشته باشد. بازرسان باید دارای پایه قضائی باشند و یا از میان افرادی که صلاحیت قضائی آنان مورد تأیید قوه قضائیه قرار گرفته است، انتخاب شوند.

۲-۲-۱. وظایف و اختیارات

اهم وظایف و اختیارات سازمان عبارتند از:

الف) بازرسی و نظارت مستمر کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و امور اداری و مالی دادگستری، سازمان‌ها و دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و مؤسسات عام‌المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحاء بر آنها نظارت یا کمک می‌کند و کلیه سازمان‌هایی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنها است براساس برنامه منظم.

ب) انجام بازرسی‌های فوق‌العاده حسب‌الامر مقام معظم رهبری و یا به دستور رئیس قوه قضائیه و یا درخواست رئیس‌جمهور و یا کمیسیون اصول هشتاد و هشتم و نودم قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئول دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و یا هر موردی که به نظر رئیس سازمان ضروری تشخیص داده شود.

۱. قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» (مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۰۶ مجلس شورای اسلامی) و آیین‌نامه اجرایی آن (مصوب رئیس قوه قضائیه به تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۲۰).

۲. مصوب جلسات مورخ ۱۳۶۰/۰۷/۱۹، ۱۳۷۵/۰۵/۰۷ و ۱۳۸۷/۰۴/۱۷ مجلس شورای اسلامی.

۳. اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی: «براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.»

ج) اعلام موارد تخلف و نارسایی‌ها و سوء جریان‌های اداری و مالی در خصوص وزارتخانه‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیادها به رئیس‌جمهور، در خصوص مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت به وزیر ذی‌ربط، در مورد شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به وزیر کشور، در خصوص مؤسسات غیردولتی کمک‌بگیر از دولت به وزیر ذی‌ربط، در خصوص سوء جریان‌های اداری و مالی مراجع قضائی و واحدهای تابعه دادگستری به رئیس قوه قضائیه و در موارد ارجاعی کمیسیون اصل نودم قانون اساسی به آن کمیسیون.

د) بهره‌گیری از توان تشکلی‌های غیردولتی و مردم‌نهاد و اشخاص واجد شرایط در بخش‌های علمی، تخصصی، صنفی و مردمی به منظور انجام وظایف محوله.

ه) ایجاد هماهنگی‌های لازم، مستمر و منظم با مسئولان دستگاه‌های نظارتی کشور با حفظ استقلال و اختیارات قانونی و ذاتی هر دستگاه، به منظور ارتقای کیفی و کمی و افزایش اثربخشی اقدامات نظارتی و پرهیز از کارهای موازی و غیرضرور و تقویت مدیریت کشور و ارائه گزارش نتایج حاصله به رؤسای قوای سه‌گانه.

و) معرفی نماینده به مجامع و شوراها و تصمیم‌گیر در معاملات دستگاه‌های دولتی و عمومی غیردولتی و دستگاه‌های مشمول بازرسی به عنوان ناظر بدون حق رأی در جهت انجام وظیفه نظارتی.

ز) ارائه گزارش‌های نظارتی هشداردهنده به‌هنگام به مقامات مسئول جهت پیشگیری از وقوع جرم، تخلف و سوء جریان‌های احتمالی.

ح) اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی عمومی از طریق رسانه‌های عمومی به منظور ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، با رعایت قانون.

۲-۲-۲. روش‌های نظارت و بازرسی

نظارت و بازرسی به یکی از روش‌های زیر انجام می‌شود:

الف) برنامه‌ای

فعالیت‌های نظارتی و بازرسی مستمر براساس برنامه‌های مدون و منظم سالانه با تعیین قلمرو موضوعی، محیطی و زمانی. اولویت‌های نظارت و بازرسی برنامه‌ای متناسب با منابع سازمان از قبیل نیروی انسانی، امکانات و اعتبارات و شرایط و مقتضیات زمانی و با توجه به مواردی همچون فرامین مقام معظم رهبری، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام، قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و سایر قوانین و مقررات، برنامه‌های راهبردی سازمان مصوب از سوی رئیس قوه قضائیه و مشکلات و انتظارات مردم و نیازهای عمومی در چارچوب قوانین و مقررات تعیین می‌گردد.

ب) فوق‌العاده

فعالیت‌های نظارت و بازرسی خارج از برنامه‌ریزی مستمر سالانه، که حسب دستور یا درخواست مقامات مذکور در بند «ب» وظایف و اختیارات، در محدوده موضوع ارجاعی انجام می‌گیرد.

ج) موردی

بررسی شکایات و اطلاعات مقرون به دلیل دایر بر وقوع تخلف یا سوء جریان در محدوده صلاحیت سازمان.^۱

۱. قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۰/۰۷/۱۹ مجلس شورای اسلامی) و اصلاحیه‌های بعدی آن (مصوب جلسات مورخ ۱۳۷۵/۰۵/۰۷ و ۱۳۸۷/۰۴/۱۷ مجلس شورای اسلامی) و آئین‌نامه اجرایی قانون مذکور (مصوب رئیس قوه قضائیه به تاریخ ۱۳۸۸/۰۱/۱۵).

۳-۷. سازمان پزشکی قانونی کشور

سازمان پزشکی قانونی کشور سازمانی است وابسته به قوه قضائیه که رئیس آن از بین پزشکان واجد صلاحیت، توسط رئیس قوه قضائیه تعیین و منصوب می‌شود. برخی از مهمترین وظایف سازمان عبارتند از:

- اظهارنظر در امور پزشکی قانونی و کارشناسی آن، کالبدشکافی و انجام امور آزمایشگاهی و پاراکلینیکی به دستور مراجع ذیصلاح قضایی.
- پاسخ به استعلامات ادارات و سازمانهای وابسته به قوه قضائیه و سایر دستگاههای دولتی.
- اجرای برنامه‌های کارآموزی پزشکی قانونی و بررسی صلاحیت علمی داوطلبان خدمت در سازمان.
- همکاری علمی و انجام امور آموزشی و پژوهشی مورد نیاز دانشگاه‌ها در راستای پیشبرد اهداف سازمان و دانشگاه‌ها.
- تبادل اطلاعات علمی مورد نیاز با مراکز آموزشی داخل و خارج کشور.^۱

۴-۷. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به‌منظور ثبت اسناد، ضبط مدارک مالکیت و رسمیت دادن به آنها و حفظ سوابق مربوط، ایجاد شده و رئیس آن، معاون رئیس قوه قضائیه نیز هست. این سازمان به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و گسترده‌ترین دستگاه‌های حاکمیتی، نقش مؤثری در روابط و مناسبات اقتصادی و اجتماعی و استقرار و تثبیت مالکیت ایفاء می‌کند. دفاتر اسناد رسمی و دفاتر رسمی ازدواج و طلاق، به‌عنوان نهادهای تخصصی تحت نظارت این سازمان فعالیت دارند.

۴-۷-۱. مأموریت، اهداف و وظایف

مأموریت و اهداف بنیادین سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مبتنی بر توسعه ثبت رسمی در کشور و تثبیت و حمایت از حقوق و مالکیت مشروع و قانونی اشخاص حقیقی و حقوقی به‌منظور ارتقای نظم حقوقی و کاهش دعاوی و استفاده حداکثری از فناوری‌های نوین جهت افزایش ارائه خدمات ثبتی به نحو غیرحضور است. وظایف اساسی سازمان به شرح زیر است:

- تثبیت و مستندسازی مالکیت‌ها.
- تنظیم روابط حقوقی، استقرار مالکیت و جلوگیری از دعاوی ناشی از روابط مالی و تأمین حقوق صاحبان اموال از طریق اجرای قوانین و مقررات مربوط.
- صدور پروانه و اجازه اشتغال به کار سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و اجازه گواهی امضاء سردفتران اسناد رسمی طبق مقررات مربوط و اعمال نظارت بر حسن جریان امور دفاتر مذکور.
- ثبت شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیرتجاری داخلی و خارجی در ایران براساس مقررات موضوعه.
- ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، نشانه‌های جغرافیایی و علائم تجاری داخلی و خارجی در ایران طبق ضوابط قانونی.
- حمایت از اسناد رسمی تنظیمی در قالب اجرای مفاد اسناد رسمی با توجه به مقررات و آئین‌نامه‌های مربوط، حل و فصل اختلافات افراد ناشی از روابط مالی آنها با یکدیگر، اعتبار بخشیدن به عقود و اسناد رسمی تنظیمی در دفاتر و حمایت و نظارت بر امور مربوط به مشاوران املاک و خودرو.

۱. قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور (مصوب جلسه مورخ ۱۳۷۲/۰۴/۲۷ مجلس شورای اسلامی).

۷-۵. شرکت سهامی روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

روزنامه رسمی، یکی از سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه است که به صورت شرکت سهامی اداره می‌شود. مطابق اساسنامه قانونی مصوب ۱۳۵۲/۱۲/۲۸، ارکان شرکت شامل مجمع عمومی، هیأت مدیره، مدیرعامل و بازرس قانونی، و صددرصد سهام شرکت، متعلق به دولت است. رئیس قوه قضائیه، ریاست مجمع عمومی شرکت را برعهده دارد.

همچنین به موجب اصلاحیه موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۴۷۵۳/ت/۲۵۹۰۷ هـ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۲ هیأت وزیران، موضوع شرکت، اداره و چاپ و نشر روزنامه رسمی کشور، انجام سفارشات چاپی و مطبوعاتی قوه قضائیه، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی، تهیه، چاپ، توزیع و فروش کتب و نرم‌افزارهای الکترونیک و رایانه‌ای است. براساس ماده ۱ قانون مدنی و تبصره آن، «مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه‌پرسی پس از طی مراحل قانونی به رئیس‌جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس‌جمهور باید ظرف مدت پنج روز، آن را امضا و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ، منتشر نماید. در صورت استنکاف رئیس‌جمهور از امضا یا ابلاغ در مدت مذکور، به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید.» همچنین برابر ماده ۲ قانون مذکور، «قوانین، پانزده روز پس از انتشار در روزنامه رسمی، در سراسر کشور لازم‌الاجرا است؛ مگر آن‌که در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.» مطابق ماده ۳ نیز، «انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید.»

۷-۵-۱. وظایف

برخی از وظایف شرکت روزنامه رسمی عبارت است از:

- انتشار کلیه قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی اداری و ...
- انتشار آئین‌نامه‌ها و مصوبات هیأت وزیران.
- انتشار آئین‌نامه‌های اجرایی مصوب رئیس قوه قضائیه.
- نشر آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور.
- نشر آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.
- انجام کلیه سفارشات چاپی و مطبوعاتی قوه قضائیه، وزارت دادگستری و سازمان‌های تابعه.
- چاپ و نشر برخی آگهی‌های قانونی قضائی، همچون آگهی‌های مربوط به تأسیس و ثبت شرکت‌ها، علائم تجاری و ...
- انتشار اعلان لازم جهت صدور حکم موت فرضی در مورد غایب مفقودالاثربرابر ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی.^۱

۷-۶. دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری

این دانشگاه در سال ۱۳۶۱، تحت عنوان دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، به منظور رفع نیازها و تأمین کادر موردنیاز قوه قضائیه در زمینه‌های حقوقی، قضائی و اداری، فعالیت خود را به طور رسمی آغاز کرد و در سال ۱۳۸۹، به دانشگاه ارتقا یافت. دانشگاه در حال حاضر دارای سه دانشکده است.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران (<http://www.rooznamehrasmi.ir>)، ۱۳۹۱/۰۹/۰۲.

۸. نهادها و اشخاص مرتبط با قوه قضائیه

۸-۱. وکلای دادگستری (کانون وکلا)

گرچه وظیفه قضات، تشخیص حق از باطل و اجرای عدالت از طریق صدور آراء قضائی است، اما برابر اصل سی و پنجم قانون اساسی، «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد». از این‌رو، در نظام قضائی جمهوری اسلامی ایران، اجرای دقیق عدالت با همکاری وکلای دادگستری تضمین می‌شود؛ به‌ویژه آن‌که در برخی جرائم مهم، در صورت عدم انتخاب وکیل از سوی متهم، دادگاه مکلف است برای او وکیل تعیین کند و انجام دادرسی بدون وکیل، فاقد اعتبار و ارزش قضائی است. مشاغل این اشخاص، غیردولتی و آزاد محسوب می‌شود و قادر هستند به‌طور آزادانه از موکلان خود در دادگاه‌ها دفاع کنند. برابر قانون، وکلای دادگستری در موضع و مقام دفاع در دادگاه‌ها، از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردارند.

۸-۲. کارشناسان رسمی دادگستری (کانون کارشناسان رسمی)

کارشناسان رسمی دادگستری، چه در امور حقوقی و چه در امور کیفری، جایگاه مهمی برای مساعدت به قاضی از حیث کشف حقیقت و احقاق حق دارند. قانون به قاضی اجازه داده تا از نظریات کارشناسان استفاده کند. کارشناسان رسمی دادگستری در موضوعات مختلف حقوقی و کیفری، مانند تصادفات رانندگی، تعیین میزان خسارات، علت وقوع حوادث ناشی از کار و...، در کشف واقعه و صدور رأی عادلانه نقش مؤثری دارند. کانون کارشناسان، مستقل از قوه قضائیه و دولت است و دارندگان این مشاغل، کارمند دولت محسوب نمی‌شوند. اخذ پروانه کارشناسی شرایط خاصی دارد؛ از جمله داشتن دانشنامه لیسانس در رشته‌های تخصصی، شرکت در آزمون ورودی و گذراندن دوره کارآموزی. چنانچه کارشناسان رسمی بر اثر مسامحه یا سهل‌انگاری، نظری برخلاف واقع اعلام کنند، به‌طوری که در رأی قاضی مؤثر باشد، کارشناس متخلف مسئول خواهد بود.

۸-۳. مترجمان رسمی

اگر یکی از طرفین دعوی یا شهود یا کارشناسان در دادگاه، زبان فارسی ندانند، اظهارات آنان توسط مترجم رسمی ترجمه می‌شود. کسانی که به عنوان مترجم رسمی انجام وظیفه می‌کنند، کارمند دولت به حساب نمی‌آیند و شغل آنان آزاد است. متقاضیان اخذ پروانه مترجمی رسمی باید دارای شرایطی چون داشتن حداقل ۲۰ سال سن، موفقیت در آزمون علمی و... باشند. تشخیص صلاحیت مترجمین و صدور پروانه مترجمی رسمی برعهده قوه قضائیه است. کلیه اسنادی که توسط مترجمین رسمی ترجمه می‌شود باید به تأیید قوه قضائیه برسد.

بخش سوم: شوراها و مجامع تخصصی در قانون اساسی

هدف کلی

ارتقای دانش فراگیران در زمینه اهمیت و جایگاه شورا در اسلام و انواع، ساختار و وظایف شوراها در نظام جمهوری اسلامی ایران

اهداف رفتاری

انتظار می‌رود فراگیران پس از مطالعه این فصل بتوانند:

۱. مفهوم شورا را شرح دهند.
۲. جایگاه و وظایف مجلس خبرگان رهبری را بیان کنند.
۳. ضرورت تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی را تحلیل نمایند.
۴. نحوه تشکیل شورای بازنگری قانون اساسی را ذکر کنند.
۵. وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام را برشمارند.



۱. مفاهیم و کلیات

انسان، موجودی اجتماعی است که نیازها و خواسته‌های او جز با همکاری و تبادل نظر فکری با دیگران برآورده نمی‌شود. نوآوری‌های بزرگ و بهره‌برداری از آنها، حاصل کمک و هم‌فکری انسان‌ها با همدیگر است. پیشرفت دانش و فناوری، ضرورت این کار جمعی و تبادل اطلاعات را میان انسان‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها بیشتر نمایان می‌سازد. تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در جنبه‌های گوناگون سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی زمانی دقیق‌تر و درست‌تر خواهد بود که افراد صاحب‌نظر در تنظیم آن بیشتر شرکت کنند و از نظرخواهی و تبادل اندیشه‌های گوناگون بهره گرفته شود. برخورد اندیشه‌ها به صورت صحیح و پیوسته، می‌تواند نارسایی‌های تصمیم‌گیری و اجرا را از بین برده و نتایج به دست آمده را کامل‌تر و دقیق‌تر کند.

۱-۱. تعریف شورا

«شورا» عبارت است از تبادل نظر و زیر و رو کردن آراء با دیگران در یک موضوع مشخص به قصد رسیدن به رأی و نظر درست‌تر. به بیان دیگر، شورا شامل تعدادی از انسان‌ها یا جمعی از اهل رأی و نظر و یا گروهی از افراد خبیر و آگاه است که به خاطر بررسی عمیق پیرامون موضوعی مشخص در یک جا جمع می‌شوند و هر کدام نظر خود را ابراز می‌کنند تا در نتیجه، رأی و نظر درست و نزدیک به حق به دست آمده، احتمال خطا به حداقل ممکن برسد.

«شورا» یکی از جنبه‌های مشارکت است که معمولاً با واژه «مشورت» معنی می‌شود. این دو مفهوم نشان‌دهنده بنیادهای زندگی اجتماعی مبتنی بر همکاری و همفکری است.

۱-۲. نقش شورا در جامعه

مشورت، یکی از ارکان مهم سلامت تصمیم‌گیری‌هاست. جامعه‌ای که سنت مشورت در آن حاکم نیست، در تب و تاب خودمحوری می‌سوزد؛ ولی در جامعه‌ای که در آن هم‌فکری و نظرخواهی، اصلی یقینی است و از اجزای ضروری حیات آن به شمار می‌آید، بهترین راه و کامل‌ترین مسیر در برابر افراد گشوده خواهد شد. پیامبر اعظم (ص) نیز می‌فرمایند: «هیچ قومی مشورت نکردند، جز آنکه به بهترین امور هدایت یافتند». آنان که گرفتار خودرأیی و استبداد هستند، در اشتباه به سر می‌برند و تنش‌های اجتماعی و سیاسی می‌آفرینند. نبود سنت مشورت در جامعه، رشد افکار را متوقف می‌سازد و چنین مردمی، شایستگی زندگی حقیقی را از دست می‌دهند.

۱-۳. اهمیت مشاوره در اسلام

مشورت، یکی از مسائل مهمی است که خداوند در قرآن کریم، بارها ضرورت و نیازمندی به آن را با شیوه‌های گوناگون و واژه‌های مختلف بیان و عمل به آن را سفارش کرده است. براساس آیات قرآنی، مسئله شورا، به اسلام اختصاص ندارد. اهمیت موضوع مشاوره در اسلام تا آنجا است که حتی در قرآن کریم، سوره‌ای به نام «شورا» نام‌گذاری شده است. در دیدگاه اسلام، مشورت کردن افزون بر هدایت انسان، او را از تنگناها می‌رهاند؛ در انجام امور، نیرومند می‌سازد؛ مایه برکت و فهم و بصیرت انسان می‌گردد؛ او را به رضای خالق نزدیک می‌کند و به رأی خالص می‌رساند. آیات شریفه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»^۱ در مکه و «وَسَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»^۲ در مدینه نازل شده است؛ یعنی دین اسلام هم در شرایط خفقان مکه و هم در دوران تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، به مشورت سفارش می‌کند.

۱. شورا/ ۳۸.

۲. آل عمران/ ۱۵۹.

۱-۴. جایگاه شورا در نظام سیاسی اسلام

هدف از حکومت اسلامی، اجرای احکام اسلام و اداره امور مسلمانان براساس قوانین عادلانه اسلام است؛ زیرا اسلام، تمام نیازهای فردی، خانوادگی و اجتماعی بشر و سعادت وی را در دنیا و آخرت پیش‌بینی کرده است. هدف قرآن از تأکید بر مشورت این است که اساس شورا و مشورت در شریعت اسلام، همواره پابرجا و جاویدان بماند؛ زیرا مشورت، موجب تبادل نظر، یکپارچگی افکار، روشن شدن امور و اطمینان خاطر در برطرف ساختن خطا می‌شود و ترک آن، ستمی بزرگ بر جامعه و امت اسلام است. در حکومت اسلامی ضرورت دارد دولت‌مردان برای حل بسیاری از مسائل اجتماعی و تأمین مصلحت‌های عمومی، با افراد باصلاحیت به مشاوره بنشینند و بر پایه آن تصمیم‌گیری کنند.

۱-۵. محدوده مجاز برای مشورت

در اسلام، شورا و مشاوره زمانی موضوعیت می‌یابد که حکم و قانونی وجود نداشته باشد. وقتی حکم خدا و قوانین و مقررات اسلام یا فرمان صریح پیامبر (ص) و معصومان (ع) وجود دارد، نمی‌توان مشاوره کرد و آن احکام و قوانین باید بدون هیچ‌گونه تردید و تأملی اجرا شود. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «هیچ مرد و زن با ایمانی را در کاری که خدا و رسول حکم کنند، اراده و اختیاری نیست (که رأی خلافی اظهار کنند) و هر کس نافرمانی خدا و رسول کند، دانسته، به گمراهی سختی افتاده است.» از این رو، موضوع شورا و مشورت در اموری جاری می‌شود که اسلام، نظر قاطع و تعیین‌کننده‌ای نداده باشد.

۱-۶. اهداف مشورت

الف) جلوگیری از پیدایش خودکامگی و استبداد

اگر در خانه، سازمان و اجتماع، همه افراد امکان اظهارنظر داشته باشند و اجازه دخالت در سرنوشت خود را بیابند، راه بر خودمحموری‌ها، خودکامگی‌ها و تفکر استبدادی بسته می‌شود.

ب) شناخت خطا

وقتی از راه مشورت‌خواهی به افراد دیگر اجازه اظهارنظر می‌دهیم، افراد می‌توانند مثل آینه، عیب‌های ما را نشان دهند و خطاهایمان را به ما بشناسانند. این عمل وقتی اهمیت بیشتری می‌یابد که خطاهای اجتماعی فرد، به دلیل تعصب فردی، کم بودن تجربه، نداشتن اطلاعات کافی و غفلت از واقعیت‌ها از دید او پنهان بماند. این موضوع در مورد امور جمعی و سازمانی نیز کاملاً صدق می‌کند.

ج) احساس شخصیت و مسئولیت

وقتی افراد در امور جمعی که به آنها و سرنوشتشان مربوط است، شرکت کنند و در تدوین و اجرای امور، تحقق اهداف و نظارت بر اجرای آنها سهم باشند، در مورد موفقیت آنها و دست‌یابی به نتایج قابل قبول، احساس مسئولیت می‌کنند. احساس مسئولیت در افراد، پشتوانه بزرگی برای تحقق اهداف و موفقیت برنامه‌ها است.

د) تأمین منافع جمع

وقتی در اموری که به جمع مربوط می‌شود، تصمیم‌گیری‌ها از راه مشاوره و بررسی دیدگاه‌های جمع، به ویژه افراد آگاه و صاحب‌نظر گرفته شود، امکان دخالت هواهای نفسانی و منافع فردی به کمترین حد می‌رسد؛ چرا که لازمه احترام به آراء دیگران، نادیده گرفتن خواسته‌های شخصی است. بدین ترتیب، تصمیم‌گیری جمعی و مشاوره با اعضای یک مجموعه، نتایج کار را به مصلحت آن مجموعه نزدیک‌تر می‌کند.

ه) تأمین تکیه‌گاه در تصمیم‌گیری

وقتی در تدوین شاخص‌ها، طراحی اهداف، تنظیم روش‌های دستیابی به اهداف و حتی شیوه نظارت بر اجرا، دیدگاه‌های اصلاحی اعضای مجموعه به کار گرفته شود، نوعی ضمانت و تکیه‌گاه برای اجرای درست آنها خواهد بود. این موضوع به ویژه وقتی اهمیت می‌یابد که در مجموعه، به تغییر و تحول نیاز باشد؛ زیرا معمولاً افراد آن مجموعه، در مقابل تغییر و تحول، مقاومت نشان خواهند داد. البته در صورت رعایت اصل مشارکت و مشاوره، افراد مجموعه کمتر موقعیت خود را در خطر می‌بینند و با مراحل کار آشنا می‌شوند و به جای مقاومت، راه تغییر را آسان‌تر می‌کنند. بهره‌گیری از دیدگاه‌های بهتر، تضمین پویایی فرد و مجموعه و نیز هدایت و اصلاح کژی‌ها، از دیگر فایده‌های مشورت کردن است.

۲. جایگاه شوراهای در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

استقرار نظام شورایی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی چنان مورد توجه قرار گرفته که در اصل هفتم قانون اساسی آمده است: «طبق دستور قرآن کریم: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» و «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»، شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها، از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراهای را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.»

اهمیت موضوع شوراهای در قانون اساسی به حدی است که فصل هفتم قانون مذکور (اصول یکصد تا یکصد و ششم) به این عنوان نامیده شده است. به موجب اصل یکصد و سوم، «استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند، در حدود اختیارات شوراها، ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند». براساس اصل یکصد و چهارم نیز، «به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها، شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراهای و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند». برابر اصل یکصد و پنجم، «تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد» و بالاخره، مطابق اصل یکصد و ششم، «انحلال شوراهای جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراهای و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.»

همچنین در اصول دیگری از قانون اساسی و برخی از قوانین و مقررات دیگر، به جایگاه، نحوه تشکیل و وظایف شوراهای و مجامعی از قبیل شورای نگهبان، مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای بازنگری قانون اساسی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی اداری و ... پرداخته شده است که در ادامه آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳. مجلس خبرگان رهبری

مجلس خبرگان رهبری، از نهادهای ابتکاری در نظام سیاسی کشور است که با تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و پس از تدوین قانون اساسی، برای اولین بار در حقوق اساسی مطرح شده است. حضور فعال این مجلس، پشتوانه اطمینان‌بخشی در جهت صیانت از نظام، به ویژه در لحظه‌های مخاطره‌آمیز است.

حساسیت مسئولیت مجلس خبرگان و تأثیر عمیق و گسترده‌اش در سرنوشت نظام اسلامی و آینده آن به‌صورتی است که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، این مسئولیت را در رأس همه مسئولیت‌ها قلمداد نموده و هشدار دادند که

کوچک‌ترین سهل‌انگاری و مسامحه و کوچک‌ترین اعمال نظرهای شخصی و خدای نخواستہ تبعیت از هواهای نفسانی که ممکن است این عمل شریف الهی را به انحراف کشاند، بزرگ‌ترین فاجعه تاریخ را به وجود خواهد آورد. از این‌رو، انجام این وظیفه سترگ در قبال نهاد رهبری و حراست و صیانت از آن، وظیفه کسانی است که خود در سطح بالایی از بینش اجتماعی، خودسازی اخلاقی و دانش فقهی باشند.

۳-۱. شرایط نمایندگان

قانون اساسی به صراحت، شرایط نمایندگان مجلس خبرگان را بیان نکرده و تعیین آن را مطابق اصل یکصد و هشتم، برای نخستین دوره، به فقهای اولین شورای نگهبان و پس از آن، به خود مجلس خبرگان واگذار کرده است؛ اما با دقت در اصول مربوط، می‌توان کلیاتی را در مورد شرایط اعضای مجلس خبرگان به دست آورد. به ضرورت تناسب حکم و موضوع، اعضای خبرگان، اولاً باید دارای درجه‌ای از فقاہت و آگاهی بر مسائل سیاسی و اجتماعی روز باشند که قدرت تشخیص «اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا شخص واجد مقبولیت عامه» را داشته باشند و ثانیاً، دارای مرتبه‌ای از تقوا باشند که در اظهار نظر خویش، فقط مصالح اسلام و مسلمانان را در نظر گیرند و نه منافع فردی و گروهی را. از سوی دیگر، در صورتی که اهل خبره به آنچه می‌گویند، اعتقاد نداشته باشد و یا دارای سوابق سوء سیاسی و اجتماعی باشد، بدون تردید نمی‌توان به تشخیص او اعتماد کرد.

به موجب ماده ۳ قانون انتخابات و آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری^۱، خبرگان منتخب مردم باید دارای شرایط زیر باشند:

الف) اشتهار به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی؛

ب) اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد؛

ج) بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز؛

د) معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران؛

ه) نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی.

در کنار تصریح به ضرورت برخورداری نمایندگان خبرگان از شرایط فوق، این قانون در مقام نفی ضرورت بعضی از شرایط، تصریح کرده است که «ضرورت ندارد که نمایندگان، ساکن یا متولد حوزه انتخابیه خود باشند».

نکته پایانی درباره شرایط نمایندگان مجلس خبرگان، «مرجع تشخیص واجدان شرایط» است. این موضوع، از اهمیت زیادی برخوردار است. تبصره ۱ ماده مذکور، مرجع تشخیص دارا بودن شرایط موردنظر را فقهای شورای نگهبان دانسته است. به‌طور معمول، فقهای مزبور برای کسانی که اجتهادشان محرز نیست، اقدام به برگزاری امتحان و اختبار می‌کنند و شرایط دیگر را با تحقیق و تفحص احراز می‌نمایند.

مطابق تبصره ۲ نیز، کسانی که رهبر، صریحاً یا ضمناً اجتهاد آنان را تأیید کرده باشد، از نظر علمی نیاز به تشخیص فقهای شورای نگهبان نخواهند داشت.

۱. مصوب جلسه مورخ ۱۳۵۹/۰۷/۱۰ فقهای شورای نگهبان.

۲-۳. تعداد خبرگان و مدت هر دوره

عده نمایندگان مجلس خبرگان در هر استان، همان عدد دوره اول خواهد بود. در استان‌هایی که جدیداً تشکیل شده یا می‌شود، تعداد خبرگان به نسبت جمعیت هر استان بین استان‌های جدید تقسیم می‌شود و از تاریخ آمارگیری سال ۱۳۶۵، به ازای هر یک میلیون نفری که به جمعیت هر استان اضافه شود، یک نماینده دیگر به نمایندگان آن استان افزوده خواهد شد. همچنین، خبرگان برای مدت هشت سال انتخاب می‌شوند و شش ماه به پایان هر دوره، باید انتخابات دوره بعد آغاز گردد؛ به طوری که سه ماه به پایان هر دوره، انتخابات دوره بعد خاتمه یافته باشد.

۳-۳. ساختار

مجلس خبرگان، از دو بخش هیأت رئیسه و کمیسیون‌ها تشکیل می‌شود.

الف) هیأت رئیسه

مجلس خبرگان، دارای دو گونه هیأت رئیسه است؛ هیأت رئیسه سنی که در اولین جلسه مجلس خبرگان، براساس سن نمایندگان تعیین می‌شود که مسن‌ترین فرد از خبرگان حاضر، به عنوان رئیس سنی و فرد بعدی به منزله نایب‌رئیس و دو نفر از جوان‌ترین حاضران، به سمت منشی معین می‌شوند و در جایگاه مخصوص قرار می‌گیرند. هیأت رئیسه سنی، وظایف زیر را برعهده دارد:

- اداره جلسه افتتاحیه؛
- انجام دادن مراسم تحلیف؛
- اجرای انتخابات هیأت رئیسه دائم.

هیأت رئیسه سنی با انتخاب اعضای هیأت رئیسه دائم، به کار خود پایان می‌دهد. مدت زمان مسئولیت هیأت رئیسه سنی، فقط در اولین جلسه هر دوره از مجلس خبرگان است.

هیأت رئیسه دوم، هیأت رئیسه دائم است. این هیأت مرکب از رئیس، دو نایب‌رئیس، دو منشی و دو کارپرداز است که از میان اعضا، برای مدت دو سال و با رأی مخفی، انتخاب می‌شوند.

انتخاب رئیس، با رأی اکثریت مطلق حاضران و انتخاب نواب رئیس و منشیان و کارپردازان، هر کدام جداگانه و با اکثریت نسبی و به صورت مخفی خواهد بود. در صورتی که در انتخاب رئیس، در مرحله اول، اکثریت مطلق حاصل نشود، از بین دو نفری که بیشترین رأی را کسب کرده‌اند، با رأی‌گیری مجدد و اکثریت نسبی، رئیس انتخاب می‌شود. ریاست مجلس خبرگان علاوه بر اداره جلسات، بر کلیه امور اداری، مالی، استخدامی و سازمانی مجلس خبرگان نظارت دارد و باید با ارتباط منظم با رهبری، شرایط را برای انجام دادن وظایف مجلس خبرگان آسان کند. وی، مصوبات قانونی مجلس خبرگان را امضا و به مراجع ذی‌ربط ابلاغ می‌کند. رئیس مجلس خبرگان موظف است گزارش سالانه عملکرد و اقدامات هیأت رئیسه را به مجلس خبرگان ارائه کند.

ب) کمیسیون‌ها

به منظور بررسی‌های کارشناسی و تهیه گزارش جهت طرح در جلسات رسمی، کمیسیون‌های زیر در مجلس خبرگان تشکیل شده است:

ب-۱. کمیسیون اصل یکصد و هشتم قانون اساسی

به منظور بررسی و تدوین قوانین مربوط به خبرگان، از جمله انتخابات و آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان، تشکیل می‌شود. اعضای اصلی آن، یازده نفر و اعضای علی‌البدل، چهار نفر هستند.

ب-۲. کمیسیون امور مالی و اداری

به بررسی امور مالی و اداری مجلس خبرگان می‌پردازد و دارای نه عضو اصلی و سه عضو علی‌البدل است.

ب-۳. کمیسیون اصول یکصد و هفتم و یکصد و نهم قانون اساسی

به منظور آمادگی خبرگان برای اجرای اصل یکصد و هفتم و شناخت حدود و شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم قانون اساسی، کمیسیونی مرکب از یازده نفر عضو اصلی و چهار نفر عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود تا درباره همه موارد مربوط به شرایط و صفات رهبر و درباره همه کسانی که در مظان رهبری قرار دارند، تحقیق و بررسی به عمل آورد و نتایج آن را به هیأت رئیسه ارائه کند. گزارش این کمیسیون، سری تلقی و به صورت اسناد طبقه‌بندی شده، حفاظت می‌شود و بدون تصویب مجلس خبرگان، در اختیار دیگری قرار نمی‌گیرد؛ مگر رهبری، که عنداللزوم به اطلاع وی می‌رسد.

ب-۴. کمیسیون سیاسی - اجتماعی

به منظور آگاهی مستمر اعضای مجلس خبرگان از تحولات مهم داخلی و جهانی، به‌ویژه در زمینه مسائل سیاسی، فرهنگی، مدیریتی، امنیتی و اقتصادی تشکیل می‌شود و موظف است با تشکیل جلسات با حضور نخبگان و مسئولان امور سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، مسائل مهم داخلی و جهانی را که به‌نحوی به انجام وظایف خبرگان، به‌ویژه وظایف مذکور در اصول یکصد و هفتم و یکصد و نهم قانون اساسی مربوط می‌شود، مورد بررسی قرار دهد و گزارش آن را به هیأت رئیسه تقدیم کند تا در اولین اجلاس خبرگان، به اطلاع اعضا برسد.

ب-۵. کمیسیون تحقیق موضوع اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی

به منظور اجرای اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی و برای نظارت بر استمرار شرایطی که در اصول پنجم و یکصد و نهم قانون اساسی برای رهبری ذکر شده است و تصمیم‌گیری در موارد فقدان آن، تشکیل می‌شود.

تحقیقات و مذاکرات این کمیسیون محرمانه است. مجلس خبرگان به‌وسیله این کمیسیون، موضوع نظارت بر رهبری را به اجرا می‌گذارد. این کمیسیون باید هرگونه اطلاعات لازم را در رابطه با اصل یکصد و یازدهم، در محدوده قوانین و موازین شرعی تحصیل کند و نسبت به صحت و سقم گزارش‌های مربوط، بررسی لازم را به عمل آورد. سایر اعضای خبرگان نیز، اطلاعات خود را درباره اصل مذکور در اختیار این کمیسیون قرار می‌دهند. کمیسیون بعد از بررسی و تحقیق، در صورتی که مطالب مذکور را برای تشکیل اجلاس خبرگان کافی نداند، موضوع را با عضو یا اعضای خبرگان که اطلاعات را در اختیار گذارده‌اند در میان می‌گذارد و توضیحات خود را ارائه می‌کند و در صورتی که آنان قانع نشوند، اگر اکثریت نمایندگان تقاضای تشکیل جلسه فوق‌العاده را کنند، اجلاس مجلس خبرگان برگزار می‌شود.

ب-۶. کمیسیون بررسی راه‌های پاسداری و حراست از ولایت فقیه

به منظور بررسی راه‌های مناسب پاسداری و حراست از ولایت فقیه، تشکیل می‌گردد. اهم وظایف آن، ارائه پیشنهاد به هیأت رئیسه در این امور است:

- تحقیق و پژوهش در موضوع حکومت اسلامی، بالخصوص ولایت فقیه، و تألیف و نشر آن به صورت‌های مناسب و پاسخ به شبهات؛
- معرفی ولایت فقیه در مجامع علمی داخل و خارج کشور و در سطح عموم مردم؛

- بررسی شیوه‌های مناسب تدریس و ترویج اندیشه حکومت اسلامی و ولایت فقیه در سطوح مختلف تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان و نیز در سطح رسانه‌های عمومی، خصوصاً صدا و سیما و ارائه راهکارهای مناسب به هیأت رئیسه مجلس خبرگان.

۳-۴. وظایف

۳-۴-۱. وظایف اصلی

الف) انتخاب رهبر

انتخاب رهبری به صورت دومارحله‌ای است؛ مردم در مرحله اول، به خبرگان مورد اعتماد خود رأی می‌دهند و در مرحله دوم، نمایندگان مردم مطابق اصل یکصد و هفتم قانون اساسی، از بین فقهای واجد شرایط، بهترین آنان را برای رهبری انتخاب می‌کنند.

ب) عزل رهبر

«تداوم رهبری» ولی امر، به «استمرار صلاحیت و شایستگی» وی بستگی دارد و با فقدان هریک از شرایط لازم برای رهبری، مشروعیت آن از بین می‌رود. در قانون اساسی در سه مورد، برکناری رهبری پیش‌بینی شده است:

- ناتوانی از انجام وظایف رهبری؛
- از دست دادن یکی از شرایط رهبری؛
- کشف فقدان یکی از شرایط از آغاز.

در هریک از این موارد، مطابق اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی، تشخیص و تصمیم برعهده مجلس خبرگان نهاده شده است.

ج) نظارت بر رهبر

در جامعه اسلامی، دو نوع نظارت بر رهبری وجود دارد: نظارت عام مردم که در جهت ایفای نقش «النصیحه لائمة المسلمین» و «امر به معروف و نهی از منکر» انجام می‌گیرد. نوع دیگر، نظارت نهادینه که توسط نهاد خاصی اعمال می‌گردد و پشوانه «حقوقی» دارد. در این نظارت، صرفاً به ارزیابی وقایع آشکار و موضع‌گیری‌های پیدا اکتفا نمی‌شود، بلکه حق تفحص داشته و می‌تواند از مقام مسئول پاسخ بخواهد.

در نظام اسلامی، رهبری دارای دو مسئولیت «جزایی» و «سیاسی» است. از نظر جزایی، تشریفات خاصی برای بررسی اتهامات او در دادگاه وجود ندارد و در اصل یکصد و هفتم قانون اساسی تصریح شده که «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است»؛ لذا رسیدگی به تخلفات او مانند سایر شهروندان است.

علاوه بر این، در جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان عهده‌دار نظارت بر رهبری است که مستفاد از اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی، تشخیص ناتوانی رهبر از انجام وظایف قانونی خود یا فقدان یکی از شرایط برعهده مجلس خبرگان است. زیرا خبرگان مسئولیت «عزل رهبر» را بر عهده دارد. پس لازمه آن نظارت بر توانایی رهبری و استمرار شرایط آن است و البته این نظارت، در تضاد با ولایت مطلقه نیست.

۳-۴-۲. وظایف فرعی

انجام هر عملی که به‌طور مستقیم در تأمین هدف مجلس خبرگان مؤثر باشد، وظیفه اصلی این مجلس است و انجام اعمالی که اثر مستقیم آن، تأمین هدف مزبور نباشد، وظیفه فرعی تلقی می‌گردد. بدیهی است که نتیجه نهایی وظایف جنبی، حسن اجرای وظایف اصلی خواهد بود.

الف) وضع قوانین مجلس خبرگان و تفسیر آنها

مطابق اصل یکصد و هشتم قانون اساسی، «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آئین‌نامه داخلی جلسات آنان، برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس، هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان، در صلاحیت خود آنان است.»

مرجع وضع هر قانون، باید مرجع تفسیر آن نیز باشد؛ زیرا واضح قانون به مراد خود آگاه است. بر این اساس، ماده ۴۵ آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان مقرر کرده است: «تفسیر قانون انتخابات و آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان در موارد ابهام، با خود خبرگان است». اطلاق این ماده، مواد قانونی مربوط به خبرگان را که از سوی فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و تصویب شده است نیز شامل می‌شود. در نتیجه، تنها مرجع تفسیر قوانین مربوط به خبرگان، خود آنان هستند.

ب) رسیدگی به بودجه سالانه مجلس خبرگان

مطابق آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان، کمیسیون امور مالی و اداری مجلس عهده‌دار وظایفی همچون بررسی و پیشنهاد هزینه‌های مجلس خبرگان، تنظیم نمودار تشکیلاتی و ضوابط استخدامی کارمندان، بررسی و پیشنهاد هزینه‌های ناشی از امور نمایندگی و بازرسی و رسیدگی در مورد کلیه اموال و دارایی‌های منقول و غیرمنقول مجلس خبرگان و ... است.^۱

۴. شوراهای اسلامی (روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان)

براساس اصل یکصد و نهم قانون اساسی، «برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان، حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین می‌کند». همچنین به‌موجب اصل یکصد و یکم، «به‌منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند». برابر اصل یکصد و دوم نیز، «شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود، طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.»

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری (<http://www.majlesekobregan.ir>)، ۱۳۹۱/۰۷/۲۰.

قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۱ مجلس شورای اسلامی) و اصلاحیه‌های بعدی آن، شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان، حدود وظایف و اختیارات، تعداد اعضا و نحوه انتخاب و نظارت شوراها را تعیین کرده است.

براساس قانون مذکور، انتخاب اعضای شورای روستا و شهر به صورت مستقیم، عمومی، با رأی مخفی و اکثریت نسبی آراء خواهد بود. دوره فعالیت شوراهای روستا و شهر از تاریخ تشکیل چهار سال است و از نهم اردیبهشت ماه، سالروز فرمان تاریخی حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر تشکیل شوراها، شروع و در هشتم اردیبهشت ماه چهار سال بعد خاتمه می‌یابد.

«شورای شهرستان» از نمایندگان شوراهای شهرها و بخش‌های واقع در محدوده آن شهرستان، «شورای استان» از نمایندگان منتخب شوراهای شهرستان‌های تابعه، و «شورای عالی استان‌ها» از نمایندگان منتخب شوراهای استان‌ها که در مرحله اول با رأی اکثریت مطلق و در صورت عدم احراز، در مرحله دوم با رأی اکثریت نسبی هریک از شوراهای مزبور انتخاب و معرفی شده‌اند، تشکیل می‌شود. عضویت در کلیه شوراهای پیش‌گفته، افتخاری است و شغل محسوب نمی‌شود. همچنین هر فرد می‌تواند فقط عضو شورای یک روستا یا یک شهر باشد.

اختیارات و وظایف هریک از شوراهای مذکور به شرح زیر است:

الف) شورای شهر

- انتخاب شهردار برای مدت چهار سال.
- بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه و تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه‌حل‌های کاربردی در این زمینه‌ها جهت برنامه‌ریزی و ارائه آن به مقامات مسئول ذی‌ربط.
- نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا و طرح‌های مصوب در امور شهرداری و سایر سازمان‌های خدماتی در صورتی که این نظارت مخل جریان عادی این امور نگردد.
- همکاری با مسئولین اجرایی و نهادها و سازمان‌های مملکتی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و عمرانی بنا به درخواست آنان.
- برنامه‌ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی با موافقت دستگاه‌های ذی‌ربط.
- تشویق و ترغیب مردم در خصوص گسترش مراکز گردشگری و تفریحی، ورزشی و فرهنگی با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط.
- حمایت از انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی، امدادی، ارشادی و تأسیس تعاونی‌های تولید و توزیع و مصرف و همکاری در انجام آمارگیری، تحقیقات محلی و توزیع ارزاق عمومی با رعایت مقررات مربوطه.
- نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمایه و دارایی‌های نقدی، جنسی و اموال منقول و غیرمنقول شهرداری و همچنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه آنها به گونه‌ای که مخل جریان عادی امور شهرداری نباشد.
- تصویب آئین‌نامه‌های پیشنهادی شهرداری پس از رسیدگی به آنها با رعایت دستورالعمل‌های وزارت کشور.
- تأیید صورت جامع درآمد و هزینه شهرداری که هر شش ماه یک بار توسط شهرداری تهیه می‌شود و انتشار آن برای اطلاع عموم و ارسال نسخه‌ای از آن به وزارت کشور.
- تصویب و ام‌های پیشنهادی شهرداری پس از بررسی دقیق نسبت به مبلغ، مدت و میزان کارمزد.

- همکاری با شهرداری جهت تصویب طرح حدود شهر با رعایت طرح‌های هادی و جامع شهرسازی پس از تهیه آن توسط شهرداری با تأیید وزارت کشور و وزارت راه و شهرسازی.
- تصویب بودجه، اصلاح و متمم بودجه و تفریح بودجه سالانه شهرداری و مؤسسات و شرکت‌های وابسته به آن با رعایت آئین‌نامه مالی شهرداری‌ها و همچنین تصویب بودجه شورای شهر.
- تصویب معاملات و نظارت بر آنها اعم از خرید، فروش، مقاطعه، اجاره و استیجاره که به نام شهر و شهرداری صورت می‌پذیرد، با در نظر گرفتن صرفه و صلاح و با رعایت مقررات آئین‌نامه مالی و معاملاتی شهرداری.
- تصویب اساسنامه مؤسسات و شرکت‌های وابسته به شهرداری با تأیید و موافقت وزارت کشور.
- تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود.
- نظارت بر حسن جریان دعاوی مربوط به شهرداری.
- نظارت بر امور بهداشت حوزه شهر.
- نظارت بر امور تماشاخانه‌ها، سینماها و دیگر اماکن عمومی که توسط بخش خصوصی، تعاونی و یا دولتی اداره می‌شود، با وضع و تدوین مقررات خاص برای حسن ترتیب، نظافت و بهداشت این قبیل مؤسسات بر طبق پیشنهاد شهرداری و اتخاذ تدابیر احتیاطی جهت جلوگیری از خطر آتش‌سوزی و مانند آن.
- تصویب مقررات لازم جهت اراضی غیرمحصور شهری از نظر بهداشت و آسایش عمومی و عمران و زیبایی شهر.
- نظارت بر ایجاد گورستان، غسل‌خانه و تهیه وسایل حمل اموات، مطابق با اصول بهداشت و توسعه شهر.
- وضع مقررات و نظارت بر حفر مجاری و مسیرهای تأسیسات شهری.
- نظارت بر اجرای طرح‌های مربوط به ایجاد و توسعه معابر، خیابان‌ها، میداين و فضاهای سبز و تأسیسات عمومی شهر بر طبق مقررات موضوعه.
- تصویب نام‌گذاری معابر، میداين، خیابان‌ها، کوچه و کوی در حوزه شهری و همچنین تغییر نام آنها با رعایت مقررات مربوطه.
- تصویب مقررات لازم به پیشنهاد شهرداری جهت نوشتن هر نوع مطلب و یا الصاق هر نوع نوشته و آگهی و تابلو بر روی دیوارهای شهر با رعایت مقررات موضوعه و انتشار آن برای اطلاع عموم.
- تصویب نرخ خدمات ارائه‌شده توسط شهرداری و سازمان‌های وابسته به آن با رعایت آئین‌نامه مالی و معاملاتی شهرداری‌ها با رعایت مقررات قانونی مربوط.
- تصویب نرخ کرایه وسائط نقلیه درون‌شهری.
- وضع مقررات مربوط به ایجاد و اداره میدان‌های عمومی توسط شهرداری برای خرید و فروش مایحتاج عمومی با رعایت مقررات موضوعه.
- وضع مقررات لازم در مورد تشریک مساعی شهرداری با ادارات و بنگاه‌های ذی‌ربط برای دایر کردن نمایشگاه‌های کشاورزی، هنری، بازرگانی و غیره با رعایت مقررات قانونی مربوط.
- نظارت بر حسن اداره امور مالی شهرداری و کلیه سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های وابسته و تابعه شهرداری و حفظ سرمایه، دارایی‌ها، اموال عمومی و اختصاصی شهرداری، همچنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه آنها با انتخاب حسابرس رسمی و اعلام موارد نقض و تخلف به شهردار و پیگیری‌های لازم براساس مقررات قانونی.

- انتشار صورت بودجه و هزینه شورا در پایان هر سال مالی برای اطلاع عموم و ارسال نسخه‌ای از آن جهت بررسی به شورای شهرستان و استان.
- همکاری با شورای تأمین شهرستان در حدود قوانین و مقررات.
- بررسی و تأیید طرح‌های هادی و جامع شهرسازی و تفصیلی و حریم و محدوده قانونی شهرها پس از ارائه آن توسط شهرداری و ارسال به مراجع ذی‌ربط قانونی جهت تصویب نهایی.

ب) شورای شهرستان

- ارائه پیشنهادات لازم در زمینه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عمرانی شهرستان به دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و کمیته برنامه‌ریزی شهرستان و شورای استان.
- نظارت بر حسن اجرای تصمیمات شورای شهرستان.
- تصویب، اصلاح، تنظیم و تفریغ بودجه دبیرخانه شورای شهرستان و شوراهای شهر در شهرستان به استثنای شورای شهر مرکز استان.
- هماهنگی و رسیدگی به مسائل و حل‌وفصل مشکلات فی‌مابین شوراهای شهر و بخش، در مواردی که قابل پیگیری قضائی نیست.
- نظارت بر عملکرد و فعالیت‌های شوراهای بخش و شهر.

ج) شورای استان

- بررسی مسائل و مشکلات استان و ارائه پیشنهادهای لازم به منظور رفع تبعیض و توزیع عادلانه امکانات و منابع و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان به شورای عالی استان‌ها.
- نظارت بر حسن اجرای تصمیمات شورای عالی استان‌ها در محدوده استان.
- ایجاد ارتباط و هماهنگی لازم میان شوراهای شهرستان در محدوده استان جهت حسن انجام وظایف و حل‌وفصل اختلافات شوراهای سطح استان، در مواردی که قابل پیگیری قضائی نیست.
- همکاری با شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان در نظارت بر حسن اجرای طرح‌های عمرانی استانی و ملی در محدوده استان و ارائه گزارش و پیشنهاد در جهت بهبود امور به رئیس شورای برنامه‌ریزی و شورای عالی استان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط.
- تصویب، اصلاح، تنظیم و تفریغ بودجه دبیرخانه شورای استان.
- نظارت بر عملکرد شوراهای شهرستان‌ها در محدوده استان و نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورای استان.
- عضویت رئیس شورای استان در جلسات شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان بدون حق رأی.
- نظارت بر حساب درآمد و هزینه‌های مشترک شهرداری‌های استان با انتخاب حسابرس رسمی و اعلام موارد نقض و تخلف به مرجع ذی‌ربط و انجام پیگیری‌های لازم براساس مقررات قانونی.
- نظارت بر حساب درآمد و هزینه سازمان همیاری شهرداری‌ها با انتخاب حسابرس رسمی که هزینه آن توسط سازمان همیاری شهرداری‌ها تأمین می‌شود.

د) شورای عالی استان‌ها

- بررسی پیشنهادات واصله از طرف شوراهای استان‌ها و تعیین اولویت هریک و ارجاع به مقامات اجرایی ذی‌ربط.

- بررسی پیشنهادها و ارائه آنها در قالب طرح به مجلس شورای اسلامی یا دولت.
- اعلام نارسایی‌ها و اشکالات نهادها و سازمان‌های اجرایی در حدود اختیارات و وظایف شوراها به مسئولین مربوطه و پیگیری آنها.
- تصویب، اصلاح، تمیم و تفریغ بودجه دبیرخانه شورای عالی استان‌ها.
- اعلام پیشنهادهای اصلاحی در خصوص پیش‌نویس لوایح برنامه‌های توسعه و بودجه عمومی کشور و استان‌ها به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
- تهیه آئین‌نامه نحوه هزینه بودجه شوراها و ابلاغ آن به شوراها پس از تصویب هیأت وزیران.
- برنامه‌ریزی به منظور آموزش و آشنایی اعضای شوراها با وظایف خویش از طریق برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت کاربردی در قالب امکانات موجود کشور با همکاری وزارت کشور و سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های اجرایی ذی‌ربط.
- مشخص نمودن آن دسته از امور شهری که توسط وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی انجام می‌شود و انجام آن در حد توانایی شهرداری‌ها می‌باشد و تهیه و تقدیم طرح لازم جهت واگذاری آن امور به شهرداری‌ها به دولت یا مجلس شورای اسلامی.

۵. مجمع تشخیص مصلحت نظام

همانگونه که پیش‌تر ذکر شد، نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌توان از بی‌بدیل‌ترین نظام‌های سیاسی جهان معاصر خواند که از ویژگی‌های حقوقی و سیاسی منحصر به فردی برخوردار است. ترکیب و تحقق دو عنصر اسلامیت و جمهوریت در قالب قوانین اجرایی، از اصلی‌ترین ویژگی‌های این نظام به‌شمار می‌آید.

تحقق جمهوریت از طریق تشکیل مجلس شورای اسلامی با انتخاب مستقیم نمایندگان توسط مردم و به‌عنوان یکی از جلوه‌های حاکمیت ملی با وظیفه قانون‌گذاری و تحکیم سندیت شرعی و قانون اساسی، و تحقق اسلامیت در قوانین از طریق تشکیل نهاد شورای نگهبان، ترکیبی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸ پیش‌بینی شده بود.

بدیهی است که در نخستین سال‌های شکل‌گیری و تحقق نظامی نوپا با ویژگی‌های یادشده، اختلاف نظر پیرامون منطبق ساختن قوانین کشور با احکام شرع و قانون اساسی، اجتناب‌ناپذیر نماید. از جمله، مجلس شورای اسلامی با ملاحظه ضرورت‌ها، لوایح و طرح‌هایی را به تصویب می‌رساند که بعضاً وضعیت جدیدی را پایه‌گذاری می‌کرد؛ شورای نگهبان نیز گرچه همین هدف‌ها را محترم می‌شمرد، ولی برخی از این قبیل مصوبات را حسب وظایف قانونی خود، خلاف شرع یا قانون اساسی تشخیص می‌داد و وظیفه‌ای نیز برای مبنا قراردادن احکام ثانویه و حکومتی، ضرورت‌ها و مصلحت‌ها نداشت.

در چنین مواقعی، شورای نگهبان به دلیل نوع و شیوه قانون‌گذاری در کشور، الزام داشت که نظرات خود را به مجلس شورای اسلامی اعلام کند (عودت مصوبه مجلس). تأکید مجلس شورای اسلامی بر مصوبه خود و عدم تأمین نظر شورای نگهبان، شرایطی را به وجود می‌آورد که ایجاد یک نهاد فصل‌الخطاب برای تشخیص مصلحت را ضروری ساخت.

حضرت امام (ره) در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷، با صدور فرمانی، مجمع تشخیص مصلحت نظام را برای رسیدگی به این قبیل امور تأسیس فرمودند. مجمع در آغاز تأسیس، صرفاً به منظور تشخیص مصلحت در موارد اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان شکل گرفته بود تا آن که در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و در قالب اصل یکصد و دوازدهم، جایگاه آن مورد تأکید قرار گرفت. براساس اصل یادشده، «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان، خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای

نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است، به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید». مطابق اصول دیگری از قانون اساسی نیز، وظایفی برعهده مجمع قرار گرفته است تا به‌عنوان حلقه تکمیلی در نظام جمهوری اسلامی و در شرایط مختلف، ایفای نقش کند.

مجمع تشخیص مصلحت نظام براساس آئین‌نامه داخلی خود، که در تاریخ ۱۳۷۶/۰۸/۰۳ به تصویب مجمع رسیده و در تاریخ ۱۳۷۶/۰۹/۰۵ مورد تأیید مقام معظم رهبری قرار گرفته است، موظف به «تشخیص مصلحت در موارد تعارض میان مصوبه مجلس و نظر شورای نگهبان» است و در مقام «تعیین سیاست‌های کلی نظام» و «حل معضلات کشور» و نیز موارد مهمی که «رهبری به آن ارجاع می‌کنند»، «با توجه به مجموع وظایف مقرر در قانون اساسی»، به‌عنوان «هیأت مستشاری عالی رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران»، انجام وظیفه می‌کند. مجمع برای انجام وظایف خود علاوه بر شورای مجمع، دارای کمیسیون‌های دائمی و کمیسیون‌های خاص و دبیرخانه است.

به‌منظور تنظیم کار کمیسیون‌های دائمی و کمیسیون‌های خاص، برقراری ارتباط با دستگاه‌های مسئول دولتی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و استفاده کامل از فرآورده‌های کارشناسی آنها، ارتباط مستمر با شوراهای مشورتی و نظارت بر کارهای اداری و کارشناسی کمیسیون‌ها و ایجاد گنجینه اطلاعات کارآمد از مطالعات و تحقیقات و گزارش‌های مهم کارشناسی مربوط به مسائل ایران و جهان، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی که به تأیید مقام معظم رهبری رسیده است و پیگیری آنها و نیز ابلاغ مصوبات و تصمیم‌ها و تدوین صورت مشروح مذاکرات و دیگر امور اداری و اجرایی مجمع، دبیرخانه مجمع تشکیل شده است. دبیر مجمع به پیشنهاد رئیس مجمع و موافقت مقام معظم رهبری، توسط رئیس مجمع منصوب می‌شود و ریاست دبیرخانه را برعهده دارد. دبیر مجمع زیر نظر رئیس مجمع انجام وظیفه می‌کند و در موارد لازم، رابط مجمع با مقام معظم رهبری است.

همچنین، به‌منظور فراهم آوردن اطلاعات دقیق مربوط به مباحث و مسائلی که در مجمع مطرح می‌شوند و آماده‌سازی آنها برای تصمیم‌گیری و نیز بهره‌گیری کامل از آخرین فرآورده‌های کارشناسی دستگاه‌های مسئول دولتی و استفاده از تحقیقات کاربردی، توسعه‌ای و بنیادی مؤسسات پژوهشی کشور، کمیسیون‌های تخصصی دائمی و نیز کمیسیون‌های خاص مرکب از اعضا در مجمع تشکیل شده است که کمیسیون‌های تخصصی دائمی شامل: کمیسیون علمی، فرهنگی و اجتماعی، کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی، کمیسیون زیربنایی و تولیدی، کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری و کمیسیون حقوقی و قضائی می‌شود.

۵-۱. وظایف

به استناد اصول یکصد و دهم، یکصد و یازدهم، یکصد و دوازدهم و یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی و مأموریت‌های واگذار شده توسط مقام معظم رهبری، مهم‌ترین وظایف مجمع عبارتند از:

- ارائه مشاوره به مقام معظم رهبری در تعیین سیاست‌های کلی نظام.
- پیشنهاد چگونگی حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، به مقام معظم رهبری.
- تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند.
- مشاوره در اموری که مقام رهبری به مجمع ارجاع می‌دهد.
- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام.

- مشاور رهبری در موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی.
- عضویت اعضای ثابت مجمع در شورای بازنگری قانون اساسی.
- انتخاب یکی از فقهای شورای نگهبان برای عضویت در شورای موقت رهبری.
- تصویب برخی از وظایف رهبری برای اجرا توسط شورای موقت رهبری.
- انتخاب جایگزین هریک از اعضای شورای موقت رهبری، در صورت عدم توانایی انجام وظایف.
- پیشنهاد چگونگی اتخاذ تصمیم شورای موقت رهبری در مورد وظایف مصرح در بندهای اصل یکصد و دهم قانون اساسی که در اصل یکصد و یازدهم آمده است.^۱

۶. شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما

شورای نظارت بر سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، در اجرای اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی، با ترکیب: دو نفر به نمایندگی از طرف قوه مجریه به انتخاب و معرفی رئیس‌جمهور، دو نفر به نمایندگی از طرف قوه قضائیه به انتخاب و معرفی رئیس قوه قضائیه و دو نفر به نمایندگی از طرف قوه مقننه به انتخاب و معرفی مجلس شورای اسلامی، تشکیل شده و وظایف زیر را برعهده دارد:

- نظارت بر حسن انجام کلیه امور سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و تذکرات لازم در مورد تخلفات و انحرافات جهت اصلاح امور مذکور.
 - نظارت بر سیاست‌های اجرایی که در نظر است در سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به مرحله اجرا دربیاید و اعلام نظر اصلاحی شورا به رئیس سازمان.
 - نظارت بر حسن اجرای قوانین مربوطه در سازمان صدا و سیما.
 - نظارت بر ایجاد و یا انحلال هر بخش، واحد، شعبه، دفاتر و نمایندگی در سازمان.
 - نظارت بر انعقاد قراردادها و خریدهای داخلی و خارجی سازمان.
 - نظارت بر سایر اموری که سازمان طبق قانون برعهده دارد و انجام می‌دهد.
 - گزارش منظم و مستمر از جریان امور در سازمان به مقام معظم رهبری و قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران.
- اعضای شورا برای مدت ۲ سال از طرف قوای سه‌گانه انتخاب می‌شوند و تجدید انتخاب آنها برای دوره‌های بعدی بلاشکال است.

رئیس سازمان صدا و سیما، معاونین وی و مدیران مراکز استان‌ها، شهرستان‌ها و دفاتر نمایندگی خارج از کشور موظف هستند در اجرای دقیق وظایف شورای نظارت، اطلاعات، اسناد و مدارک مورد درخواست را در اختیار شورا قرار دهند.^۲

۷. شورای عالی امنیت ملی

شورای عالی امنیت ملی، در اجرای اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی، به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی تشکیل شده و ریاست آن برعهده رئیس‌جمهور است. وظایف شورا عبارتند از:

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع تشخیص مصلحت نظام (<http://maslahat.ir>)، ۱۳۹۱/۰۸/۲۲.

۲. قانون نحوه اجرای اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی در بخش نظارت (مصوب جلسه مورخ ۱۳۷۰/۰۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام).

- تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری.
 - هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی.
 - بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.
- رؤسای قوای سه‌گانه، رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح، مسئول امور برنامه و بودجه، دو نماینده به انتخاب مقام رهبری، فرمانده کل ارتش، فرمانده کل سپاه پاسداران، وزیر امور خارجه، کشور و اطلاعات و وزیر یا مسئول مربوط به موضوع در حال بررسی، اعضای شورا را تشکیل می‌دهند.
- همچنین، شورا به تناسب وظایف خود، شوراهای فرعی از قبیل: شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد که ریاست هریک از شوراهای فرعی با رئیس‌جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس‌جمهور تعیین می‌شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری، قابل اجرا است.

۸. شورای عالی انقلاب فرهنگی

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و به‌دنبال آن، استقرار نظام جمهوری اسلامی، تغییر و تحول بنیادینی را در عرصه‌های گوناگون اجتماعی به وجود آورد؛ چرا که تحول در نظام، از طریق تحول در بنیادها و ساختارها تحقق می‌یابد. در این راستا، مقوله فرهنگ از جایگاه ویژه و پایگاه ممتازی برخوردار بوده، به‌طوری‌که تصور تغییر در نظام بدون تغییر در فرهنگ حاکم بر آن، تصویری ناموجه است.

صدور پیام نوروزی امام خمینی (ره) در اول فروردین ۱۳۵۹ را باید نقطه عطفی در تاریخ انقلاب فرهنگی دانست. ایشان در بند ۱۱ این پیام، بر ضرورت ایجاد «انقلاب اساسی در دانشگاه‌های سراسر کشور»، «تصفیه اساتید مرتبط با شرق و غرب» و «تبدیل دانشگاه به محیطی سالم برای تدوین علوم عالی اسلامی» تأکید کردند. پس از تعطیل رسمی دانشگاه‌ها در خردادماه، حضرت امام (ره) در ۱۳۵۹/۰۳/۲۳، فرمانی را مبنی بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی صادر کردند.

در شهریور ماه سال ۱۳۶۲، با توجه به نظر بنیان‌گذار انقلاب مبنی بر لزوم ترمیم و تقویت ستاد و به‌خصوص حضور مسئولان اجرایی در آن و به دنبال پیشنهاد تکمیل ستاد انقلاب فرهنگی از طرف رئیس‌جمهور وقت، برخی از مسئولان مانند نخست‌وزیر، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، فرهنگ و ارشاد اسلامی و دو نفر دانشجو به انتخاب جهاد دانشگاهی، به ترکیب ستاد اضافه شدند. با بازگشایی دانشگاه‌ها و توسعه مراکز آموزشی و گسترده‌گی فعالیت ستاد انقلاب فرهنگی، ضرورت تقویت این نهاد بیش از پیش احساس شد؛ به‌طوری‌که حضرت امام (ره) در آذر ۱۳۶۳، برای دومین بار ستاد انقلاب فرهنگی را ترمیم کردند و به این ترتیب، شورای عالی انقلاب فرهنگی با ترکیبی جدید تشکیل شد.

سومین ترمیم عمده شورای عالی انقلاب فرهنگی به سال ۱۳۷۵ برمی‌گردد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۷۵/۰۹/۱۴ با صدور پیامی، ضمن تعیین ترکیب جدید اعضای شورای عالی، بر اهمیت جایگاه و وظایف خطیر آن نیز تأکید کردند. همچنین ایشان در تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۵، با توجه به پایان یافتن دوره مسئولیت اعضای حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی، اعضای جدید را برای یک دوره سه ساله منصوب و در تاریخ ۱۳۸۶/۰۲/۱۵ نیز، اعضای جدید شورا را انتخاب کردند. به این ترتیب، شورای عالی انقلاب فرهنگی وارد مرحله جدیدی از حیات تشکیلاتی خود شد و موظف گردید در رأس فعالیت‌های خود، به تدوین نقشه جامع علمی کشور، مهندسی فرهنگی و تحول و نوسازی نظام آموزشی پرداخته و با سیاست‌گذاری‌های اصولی، زمینه را برای پیدایش جامعه‌ای بهره‌مند از حیات طیبه الهی فراهم سازد.

آخرین ترمیم در ترکیب شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۹۰/۰۳/۱۷ صورت پذیرفت و مقام معظم رهبری ضمن تعیین اولویت‌های برنامه‌ای و انتصاب اعضای افتخاری، معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور، وزیر ورزش و جوانان و رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را نیز به اعضای حقوقی شورای عالی افزودند.

۸-۱. جایگاه، اهداف و وظایف

شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان مرجع عالی سیاست‌گذاری، تعیین خط‌مشی، تصمیم‌گیری، هماهنگی و هدایت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام محسوب می‌شود و تصمیمات و مصوبات آن لازم‌الاجرا و در حکم قانون است. شورای عالی با مأموریت تصحیح و ارتقای فرهنگ و سازماندهی امور فرهنگی برای حفظ استقلال و تحکیم و تعمیق تدین و فرهنگ دین‌باوری و در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی فعالیت می‌کند و مهمترین اهداف آن عبارت است از:

- گسترش و نفوذ فرهنگ اسلامی در شئون جامعه و تقویت انقلاب فرهنگی و اعتلای فرهنگ عمومی.
 - تزکیه محیط‌های علمی و فرهنگی از افکار مادی و نفی مظاهر و آثار غرب‌زدگی از فضای فرهنگی جامعه.
 - تحول دانشگاه‌ها و مدارس و مراکز فرهنگی و هنری براساس فرهنگ صحیح اسلامی و گسترش و تقویت هرچه بیشتر آنها برای تربیت متخصصان متعهد، اسلام‌شناسان متخصص، مغزهای متفکر و وطن‌خواه، نیروهای فعال و ماهر و استادان، مربیان و معلمان معتقد به اسلام و استقلال کشور.
 - تعمیم سواد، تقویت و بسط روح تفکر و علم‌آموزی و تحقق و استفاده از دستاوردها و تجارب مفید دانش بشری برای نیل به استقلال علمی و فرهنگی.
 - حفظ، احیاء و معرفی آثار و مآثر اسلامی و ملی.
 - نشر افکار و آثار فرهنگی و انقلاب اسلامی و ایجاد و تحکیم روابط فرهنگی با کشورهای دیگر به‌ویژه با ملل اسلامی.
- در راستای تحقق اهداف فوق، وظایف شورا به قرار زیر است:
- تدوین و تصویب اصول، اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی و علمی و تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور و روزآمد نمودن آنها.
 - تهیه و تدوین نقشه جامع علمی کشور.
 - تهیه و تدوین طرح توسعه و تحول نظام پژوهش و تعلیم و تربیت کشور.
 - هدایت و ساماندهی مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی، آموزشی، پژوهشی و رسانه‌ای کشور.
 - برنامه‌ریزی برای مواجهه فعال و مبتکرانه با تهاجم فرهنگی دشمنان با استفاده هدفمند از روش‌های کارآمد.
 - رصد مستمر تحولات برنامه‌های توسعه، فرهنگ، علم، پژوهش و فناوری کشور و ارائه راهبردهای مناسب.
 - سیاست‌گذاری، حمایت و بهره‌گیری از نظریه‌پردازی و ایجاد، زمینه‌سازی و مناظره در حوزه فرهنگ و علم.
 - مشارکت فعال در برنامه‌ریزی جامع کشور در زمینه‌های علمی و فرهنگی موردنظر چشم‌انداز و پیگیری تحقق آن.
 - برنامه‌ریزی و تهیه طرح‌های خاص برای شناسایی، جذب و ارتقای بهره‌مندی از نخبگان، تربیت و پرورش علمی و معنوی استعدادهای درخشان و بهره‌گیری از توانایی‌ها، ابتکارات و خلاقیت‌های آنان در حوزه فرهنگ و علم.
 - تصویب ضوابط و معیارهای اساسی تأسیس مؤسسات و مراکز علمی، فرهنگی، تحقیقاتی، فرهنگستان‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و تصویب اساسنامه دانشگاه‌های خاص.

- تهیه، تدوین و تصویب ضوابط کلی گزینش و جذب مدیران فرهنگی و علمی کشور، استادان، معلمان و دانشجویان.
- سیاست‌گذاری برای تعیین سهم اعتبارات فرهنگی، علمی، پژوهشی و فناوری و تعیین جهت‌گیری و اولویت هزینه‌کرد اعتبارات در برنامه‌های پنج‌ساله و بودجه‌های سالیانه.
- طراحی سازوکارهای مناسب برای اجرایی شدن مصوبات شورا در دستگاه‌های مختلف کشور و نظارت مؤثر بر اجرای آنها.
- ارزیابی برنامه‌های توسعه فرهنگی، علمی و اجتماعی کشور.
- سیاست‌گذاری و ساماندهی مدیریت فعالیت‌های فرهنگی و علمی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور.
- تعیین سیاست‌های رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران.
- سیاست‌گذاری لازم برای حاکمیت و گسترش فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص).
- سیاست‌گذاری برای تولید محصولات فرهنگی کشور براساس ارزش‌ها و معیارهای ملی و اسلامی.
- تصویب پیوست‌های فرهنگی طرح‌های ملی و کلان اقتصادی، عمرانی و صنعتی کشور.
- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان برای وحدت حوزه و دانشگاه.
- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای بازبینی و تحول محتوایی رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی بر مبنای ارزش‌های اسلامی و مقتضیات فرهنگی کشور.
- زمینه‌سازی برای اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور و نقشه جامع علمی کشور.
- تعیین و تصویب شاخص‌های فرهنگی.

۸-۲. دبیرخانه

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی با هدف فراهم آوردن زمینه‌های لازم در جهت کارشناسی هرچه بهتر مصوبات شورای عالی و پشتیبانی علمی، پژوهشی و خدماتی متناسب با وظایف و مسئولیت‌های آن و همچنین بهره‌برداری از اطلاعات و تحقیقات انجام شده به منظور تصمیم‌سازی مناسب، به عنوان مؤسسه پژوهشی تشکیل شده است.

دبیرخانه، زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت می‌کند و ارکان آن شامل: هیأت امناء و دبیر شورای عالی (رئیس دبیرخانه) است. اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیأت امنای دبیرخانه محسوب می‌شوند و رئیس شورای عالی، ریاست هیأت امناء را برعهده دارد.

دبیر شورای عالی، بالاترین مقام اداری و اجرایی دبیرخانه است که از بین اعضا، به پیشنهاد شورای عالی پس از تنفیذ مقام معظم رهبری با حکم رئیس شورای عالی منصوب می‌شود.^۱

۹. شورای عالی اداری

شورای عالی اداری در ابتدا براساس تکلیف قسمت (۴-۳) بخش نظام اداری و اجرایی مندرج در پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران^۲، تشکیل شد و جایگاه آن، به موجب تبصره ۳۱ قانون برنامه دوم توسعه^۳

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (<http://www.iranculture.org>)، ۱۳۹۱/۰۸/۱۰.

۲. مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی.

۳. مصوب جلسه مورخ ۱۳۷۳/۰۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی.

نیز، مورد تأکید قرار گرفت. همچنین، مطابق ماده ۱ قانون برنامه سوم توسعه^۱، به منظور تصحیح، بهسازی و اصلاح نظام اداری در ابعاد تشکیلات، سازماندهی و ساختار اداره امور کشور، کاهش تصدی‌های دولت، سیستم‌ها و روش‌ها، مدیریت منابع انسانی، مقررات (آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها) و افزایش بهره‌وری دستگاه‌های اجرایی، شورای عالی اداری تشکیل و ترکیب اعضا و وظایف آن نیز مشخص شد.

پس از تصویب و اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری^۲، مطابق مفاد ماده ۱۱۴ آن، به منظور ایجاد تحول در نظام اداری کشور در ابعاد، نقش و اندازه دولت، ساختار تشکیلاتی و نظام‌های استخدامی، مدیریت منابع انسانی، روش‌های انجام کار و فناوری اداری و ارتقا و حفظ کرامت مردم و نیل به نظام اداری و مدیریتی کارا، بهره‌ور و ارزش‌افزا، پاسخگو، شفاف و عاری از فساد و تبعیض، اثربخش، نتیجه‌گرا و مردم‌سالار، شورای عالی اداری تشکیل شد. اعضای شورای یادشده عبارتند از:

- رئیس‌جمهور (رئیس شورا) که در غیاب او، معاون اول وی ریاست شورا را برعهده خواهد داشت.
 - معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور (عضو و دبیر شورا).
 - وزیر آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سه نفر از وزرای بخش‌های دیگر، به انتخاب هیأت وزیران.
 - وزیر یا رئیس دستگاه مستقل ذی‌ربط، حسب مورد.
 - دو نفر از استانداران، به انتخاب استانداران سراسر کشور.
 - دو نفر صاحب‌نظر در رشته حقوق اداری و مدیریت، به انتخاب رئیس‌جمهور.
 - دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به انتخاب مجلس شورای اسلامی، به‌عنوان ناظر.
- دبیرخانه شورا در معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور خواهد بود و معاونت مذکور، مسئول نظارت بر حسن اجرای تصمیمات مربوط است. مصوبات شورا نیز، پس از تأیید رئیس‌جمهور، لازم‌الاجرا است.
- همچنین مطابق ماده ۱۱۵، وظایف و اختیارات شورای عالی اداری عبارت است از:
- اصلاح ساختار تشکیلات دستگاه‌های اجرایی، به استثنای دستگاه‌هایی که احکام آنها در قانون اساسی آمده و یا به امر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری تأسیس شده است.
 - تجدیدنظر در ساختار داخلی دستگاه‌های اجرایی به منظور ایجاد انسجام تشکیلاتی و حذف وظایف موازی، مشابه و تکراری.
 - تفکیک وظایف اجرایی از حوزه‌های ستادی دستگاه‌های اجرایی و محدود نمودن فعالیت حوزه‌های ستادی به اعمال حاکمیت و امور مدیریتی و راهبردی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل و انتقال وظایف اجرایی به واحدهای استانی، شهرستانی و سایر سطوح جغرافیایی و اصلاح ساختار تشکیلاتی متناسب با تغییرات به‌عمل آمده.
 - تنظیم دستورالعمل در مورد ادغام واحدهای استانی و شهرستانی وابسته به هریک از وزارتخانه‌ها در یک واحد سازمانی.
 - بررسی تعیین نقش و اندازه دولت و اتخاذ ضوابط و سیاست‌های مناسب برای کوچک‌سازی دولت در چارچوب سیاست‌های کلان و قوانین مربوطه.
 - بررسی و موافقت با ایجاد هر نوع دستگاه اجرایی قبل از ارائه به مراجع ذی‌ربط مذکور در این قانون.

۱. مصوب جلسه مورخ ۱۳۷۹/۰۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی.

۲. مصوب کمیسیون مشترک مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۳۸۶/۰۷/۰۸.

- بازنگری و اصلاح نظام تصمیم‌گیری شوراها و کمیته‌های کشور به‌نحوی که ضمن ارتقای کیفی و کوتاه نمودن مراحل آن، مراجع و نهادهای تصمیم‌گیرنده موازی و غیرضرور حذف شوند.
- تدوین مقررات لازم برای اجرای صحیح احکام این قانون.
- شناسایی و واگذاری وظایف، امور و فعالیت‌های قابل واگذاری دستگاه‌های اجرایی به شهرداری‌ها و بخش غیردولتی با هدف رهاسازی دولت از تصدی‌های غیرضرور و همچنین، تعیین نحوه ارتباط و تنظیم مناسبات نظام اداری با شوراها و اسلامی روستا، بخش، شهر، شهرستان و استان.
- اصلاح و مهندسی مجدد سیستم‌ها، روش‌ها و رویه‌های مورد عمل در دستگاه‌های اجرایی با گرایش ساده‌سازی مراحل انجام کار، خودکارسازی عملیات و کاهش میزان ارتباط کارمندان با مراجعه‌کنندگان، افزایش رضایت مراجعان، کاهش هزینه‌های اداری و اقتصادی نمودن فعالیت‌ها.
- تصویب طرح‌های لازم برای ارتقای بهره‌وری و کارآیی نیروی انسانی و مدیریت دستگاه‌های اجرایی.
- تصویب مقررات لازم در جهت بهینه‌سازی ساختار، ترکیب و توزیع نیروی انسانی بخش دولتی.
- تصویب دستورالعمل‌های مربوط به تعیین تکلیف نیروی انسانی دستگاه‌هایی که ادغام، منحل، واگذار و یا وظایف آنها به دیگر دستگاه‌ها منتقل می‌شود.
- تصویب دستورالعمل ناظر بر بهره‌برداری مطلوب از فضاها، تجهیزات و وسایل نقلیه اداری و جابه‌جایی و تأمین ساختمان‌های اداری.
- پیشنهاد منابع مورد نیاز برای تحقق برنامه‌های تحول نظام اداری و طرح‌های مصوب شورا که نیاز به منابع جدید دارد.

۱۰. شورای بازنگری قانون اساسی

همان‌طور که در «بخش اول - بند ۷» نیز گفته شد، در اصلاحات سال ۱۳۶۸ قانون اساسی، فصل چهاردهم و اصل یکصد و هفتاد و هفتم به قانون مذکور الحاق شد که مربوط به بازنگری در قانون اساسی است. پیش از آن، روش مشخص و مدونی برای این مهم در قانون اساسی پیش‌بینی نشده بود. از این‌رو، حضرت امام (ره) در فرمان مورخ ۱۳۶۸/۰۲/۰۴ خود، اصلاح قانون اساسی، محدوده اصلاحات و افرادی که باید اصلاحات را انجام دهند، را مقرر فرمودند. بند هفتم فرمان، ناظر به بازنگری قانون اساسی و روش آن بود که در فصل و اصل پیش‌گفته منعکس شد. براساس اصل مذکور، مراحل زیر را می‌توان برای بازنگری در قانون اساسی تشخیص داد:

- تشخیص ضرورت بازنگری.
- مشورت مقام رهبری با مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- صدور حکم مقام رهبری خطاب به رئیس‌جمهور مبنی بر پیشنهاد موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی که باید در شورای بازنگری مطرح شود.
- ترکیب شورای بازنگری شامل: اعضای شورای نگهبان، رؤسای سه قوه، اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام، پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری، ده نفر به انتخاب مقام رهبری، سه نفر از هیأت وزیران، سه نفر از قوه قضائیه، ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و سه نفر از دانشگاهیان است.
- بررسی، تدوین و تصویب موارد اصلاح یا الحاق در شورای مذکور.
- تأیید و امضای مصوبات شورا به‌وسیله مقام رهبری.

- برگزاری همه‌پرسی (رفراندوم) برای تصویب موارد بازنگری شده که باید به تصویب اکثریت مطلق رأی‌دهندگان برسد. لازم به ذکر است، رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم قانون مذکور، که تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس را برای مراجعه به آراء عمومی ضروری می‌داند، در این مورد لازم نیست.

مطابق مفاد قسمت پایانی اصل یادشده، محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای تمامی قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور به اتکای آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران، تغییرناپذیر است و در فرایند بازنگری، نمی‌توان آنها را تغییر داد.

۱۱. شورای موقت رهبری

توضیحات مربوط به این شورا در «بخش دوم - فصل اول - بند ۵» ذکر شده است.

۱۲. شورای نگهبان

توضیحات مربوط به این شورا در «بخش دوم - فصل دوم - بند ۵» ذکر شده است.

۱۳. سایر شوراها

علاوه بر موارد فوق‌الذکر، براساس قوانین و مقررات موجود، شوراهای دیگری نیز در مجموعه نظام اداری کشور پیش‌بینی شده و در چارچوب ضوابط مربوط، انجام وظیفه می‌کنند؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری.
- شورای عالی آموزش و پرورش.
- شورای عالی فضائی.
- شورای عالی فناوری اطلاعات.
- شورای انرژی اتمی.
- شورای عالی انرژی.
- شورای اقتصاد.
- شورای عالی اشتغال.
- شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی.
- شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی.
- شورای عالی بیمه.
- شورای عالی آب.
- شورای پول و اعتبار.
- شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری.
- شورای عالی استاندارد.
- شورای عالی حفاظت محیط زیست.
- شورای عالی انفورماتیک.
- شورای عالی فضای مجازی.

بخش چهارم: سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و برنامه‌های توسعه

هدف کلی

آشنایی و ارتقای سطح دانش فراگیران در زمینه مفاهیم، اصول و ویژگی‌های سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه کشور

اهداف رفتاری

انتظار می‌رود فراگیران پس از مطالعه این فصل بتوانند:

۱. چشم‌انداز را تعریف کنند.
۲. ساختار چشم‌انداز را توضیح دهند.
۳. ویژگی‌های سند چشم‌انداز ایران را از منظر مقام معظم رهبری تشریح کنند.
۴. ابعاد اساسی سند چشم‌انداز را نام برده و به صورت فهرست‌وار بیان کنند.
۵. محورهای اصلی و اهداف سند چشم‌انداز را ذکر نمایند.
۶. عوامل مؤثر در تحقق چشم‌انداز را تحلیل کنند.
۷. الزامات تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله را توضیح دهند.
۸. پیشینه برنامه‌های توسعه کشور را بازگو نمایند.
۹. راهبردها، رویکردها و ویژگی‌های عمده برنامه پنجم توسعه را برشمارند.

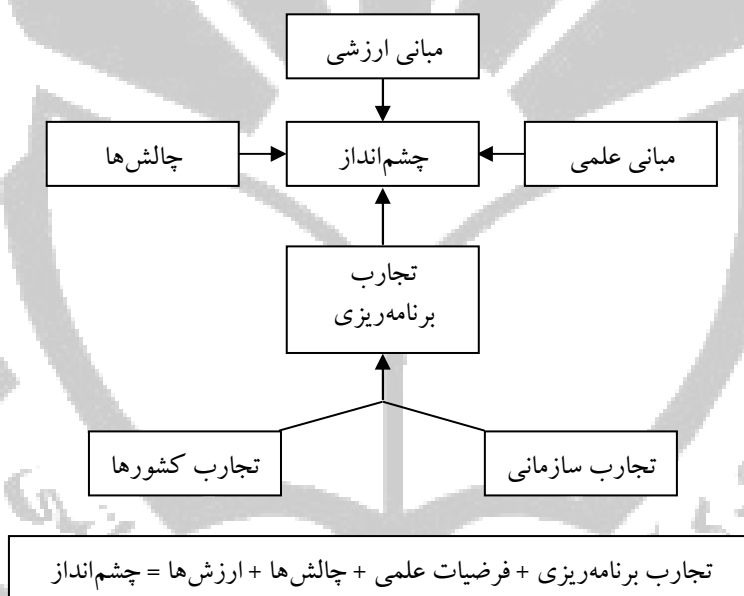
۱. تعریف چشم‌انداز

«چشم‌انداز» در لغت، یعنی منظره وسیع باصفا؛ دورنما؛ مساحتی از دشت یا تپه و کوه که چشم آن را ببیند. اما در اصطلاح، چشم‌انداز ارائه‌دهنده یک تصویر مطلوب، آرمانی و قابل دست‌یابی است که مانند چراغی در افق بلندمدت، فراروی جامعه و نظام حکومتی قرار دارد و دارای ویژگی‌های جامع‌نگری، آینده‌نگاری، ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی است. در تعریف دیگر، چشم‌انداز تصویری مطلوب و قابل دست‌یابی در یک افق زمانی بلندمدت است که متناسب با مبانی ارزشی و آرمان‌های نظام و مردم تعیین می‌شود.^۱

۲. ساختار چشم‌انداز

چشم‌انداز از ترکیب چهار رکن زیر به دست می‌آید:

- نظریات علمی و فرضیات ناشی از آن
- آرمان‌ها و ارزش‌ها
- تجارب برنامه‌ریزی در سازمان‌ها و کشورهای مختلف
- بررسی محیط‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی و چالش‌های فراروی جامعه.^۲



ساختار چشم‌انداز

۳. سند چشم‌انداز ایران از منظر مقام معظم رهبری

«ملت ایران به‌عنوان یک ملت و یک مجموعه، تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، فرصت و مهلت این را نیافت که برای خود چشم‌انداز تعریف کند؛ آن چشم‌انداز را انتخاب کند، برای آن چشم‌انداز برنامه‌ریزی کند و به سوی آن چشم‌انداز حرکت کند. تا چشم‌انداز را برای خود تعریف نکنیم، هیچ کار درستی صورت نخواهد گرفت...^۳ ما باید یک کشور نمونه بسازیم و نشان

۱. محمد کشاورزی و همکاران، آشنایی با سند چشم‌انداز، امیرکبیر، ۱۳۸۸، ص ۷۱.

۲. محسن رضایی میرقاند، چشم‌انداز ایران فردا، اندیکا، ۱۳۸۴، ص ۲۱.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان، اساتید و معلمان استان همدان (۱۳۸۳/۰۴/۱۷).

دهیم که اسلام می‌تواند با اجرای قوانین خود و با حاکمیت خود، انسان‌ها را از لحاظ نیاز مادی و معنوی اشباع کند^۱... ما می‌توانیم توسعه نمونه و مبتنی بر فرهنگ اسلامی و ملی خود را در این کشور به وجود بیاوریم^۲... چشم‌انداز بیست ساله، حقیقتاً جاده بسیار مستحکمی به سمت یک آینده روشن، زیر پای ملت و مسئولان باز می‌کند^۳... این یک آینده مطلوب و یک گام بلند در راه رسیدن به آرمان‌های والای اسلامی است که در آن پیشرفت مادی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت فرهنگی، تعالی معنوی و اخلاقی و هویت اسلامی وجود دارد^۴... ما یللم صادقانه مطلب برای شما روشن شود؛ ما معتقدیم این چشم‌انداز، تحقق‌یافتنی است، اما باید برنامه‌ریزی و راه حرکت را پیدا کرد. اینکه می‌گوییم «ما می‌توانیم» یک تحلیل اسلامی قرآنی دقیق دارد^۵... من مکرر گفته‌ام، سند چشم‌انداز یک انشای مدرسه‌ای نبوده که کسی بنشیند بنویسد؛ یک آرزوی محض و آرزوی خام هم نبوده، این‌ها چیزهایی است که با ملاحظه و محاسبه همه جهات روی کاغذ آمده و معنایش این است که این شدنی است^۶... این سند چشم‌انداز مسئله مهمی است. نباید هم تصور شود این سند یا سیاست‌های کلی را نشسته‌اند و دارند تنظیم می‌کنند؛ نه؛ درست است که اینها فرایند دارد و از یک جاهایی شروع می‌شود، لیکن آن کسی که در این زمینه کار و فکر می‌کند و تصمیم می‌گیرد، خود رهبری است؛ این سیاست‌ها، سیاست‌های رهبری است. اینها چیزهایی است که با توجه به همه جوانب ملاحظه شده و این سند چشم‌انداز درآمده است و براساس سیاست‌های کلی‌ای که در این مدت وجود داشته، اعلام شده است^۷... چشم‌انداز بر پایه اسلام؛ همه وقت و شغل را مصروف همین اهداف کرد و در واقع ذوب در این اهداف شد^۸،^۹.

۴. متن سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی، و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله، ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

- توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضائی؛
- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی؛
- امن، مستقل و مقتدر، با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت؛

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای بسیج استان همدان (۱۳۸۳/۰۴/۱۶).

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم همدان (۱۳۸۳/۰۴/۱۵).

۳. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران (۱۳۸۲/۱۱/۲۴).

۴. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، (۱۳۸۲/۰۸/۲۳).

۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان، اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) (۱۳۸۴/۱۰/۲۹).

۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و نخبگان (۱۳۸۴/۰۷/۰۳).

۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت (۱۳۸۵/۰۶/۰۶).

۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳/۰۳/۲۷).

۹. محمد کشاورزی و همکاران، آشنایی با سند چشم‌انداز، امیرکبیر، ۱۳۸۸، صص ۸۶-۷۹.

- برخوردار از سلامت، رفاه و امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب؛
- فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن؛
- دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل؛
- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)؛
- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.



ملاحظه: در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که: شاخص‌های کمی کلان آنها از قبیل: نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاست‌های توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز تنظیم و تعیین گردد و این سیاست‌ها و هدف‌ها به صورت کامل مراعات شود. شایان ذکر است، این چشم‌انداز مبنای تنظیم سیاست‌های کلی چهار برنامه پنج‌ساله آینده خواهد بود و افق جهت‌گیری کلی فعالیت‌های کشور را در ابعاد مختلف در بیست سال آینده مشخص می‌نماید.^۱

۱. محسن رضایی میرقائد، چشم‌انداز ایران فردا، اندیکا، ۱۳۸۴، صص ۲۱۵-۲۱۴.

۵. ویژگی‌های سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران

با تدوین سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و ابلاغ آن توسط رهبر معظم انقلاب، خلأ و فاصله بین قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام برطرف و گام بلندی در جهت تکامل نظام سیاست‌گذاری کشور برداشته شد. در این سند، مفاهیم بنیادی فراوانی همچون توسعه، عدالت اجتماعی، ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی و امثال آن مندرج است که هریک از آنها، از مؤلفه‌های اصلی جهت‌دهنده به جامعه به حساب می‌آید و اهداف اصلی کشور را نشان می‌دهد. این مفاهیم بنیادی، بیانگر ویژگی‌هایی است که سند چشم‌انداز ایران از آنها برخوردار است و تبیین آن ویژگی‌ها، به یقین، به برجسته‌سازی جایگاه سند خواهد انجامید.

۱. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، بعد از قانون اساسی و اولویت‌های آرمانی آن، گامی بلند در جهت تکامل نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور است.

۲. در این سند، که دربردارنده مفاهیم بنیادی تعیین‌کننده‌ای است، با وجود غلبه وجه فرهنگی بر مفاهیم آن، مفهوم هویت اسلامی و انقلابی، بیانگر روح حاکم بر سند و زیربنای سایر مفاهیم و قید و شرط، و بلکه بستر و زمینه توسعه‌یافتگی و احراز جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه است.

۳. هویت متجلی در سند، هویت دینی و اسلامی است که با پذیرفتن حاکمیت الهی و اتکاء نگرش و رفتار انسان‌ها بر وحی و اهداف دین، شکل گرفته و پیوسته تجلیات خاص خود را در جامعه خواهد داشت. شاخصه‌های هویت دینی سند، به استناد آیات و روایات، قابل شناسایی است و رصد مستمر آن، لازمه تحقق سند و روح فرهنگی آن است.

۴. در سند چشم‌انداز، مقصود از هویت اسلامی - انقلابی، تناسب توسعه با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی و اتکاء به اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی است.

۵. مراد از قید «هویت اسلامی - انقلابی»، بقای عزت‌مند نظام جمهوری اسلامی ایران براساس اندیشه‌های امام خمینی (ره)، تعامل فعال و مؤثر در فرایند جهانی شدن و مقابله با سلطه آمریکا از طریق همگرایی اسلامی، دنبال کردن نهضت بیداری اسلامی و همزمان، ساختن کشوری آباد و الگو، با حفظ همه ارزش‌های بنیادین نظام است.

به‌طور کلی، سند چشم‌انداز ایران اسلامی، با در نظر گرفتن چالش‌های اساسی‌ای که برای آینده نظام ترسیم می‌شود، تدوین و ابلاغ شده است. در این میان می‌توان به پنج چالش راهبردی اشاره کرد:

۱. بقای عزت‌مند نظام جمهوری اسلامی ایران، یا تضعیف و براندازی آن؛

۲. تداوم انقلاب اسلامی براساس اندیشه امام خمینی (ره)، یا توقف آن؛

۳. چگونگی تعامل ایران اسلامی با فرایند جهانی شدن و پروژه جهانی سازی؛

۴. بیداری اسلامی مسلمانان در جهان، یا ایجاد انحراف در نهضت بیداری با جریان‌های رادیکال و واپس‌گرا؛

۵. توسعه‌یافتگی، یا توسعه‌نیافتگی جمهوری اسلامی ایران.

با تحلیل هویت اسلامی - انقلابی و به‌استناد چالش‌های بیان‌شده، این نتیجه کلی به دست می‌آید که توسعه‌یافتگی نظام، همراه با بقای عزت‌مندانه و تداوم آن براساس اندیشه‌های امام خمینی (ره) و تعامل سازنده در پروژه جهانی شدن و ناکام نمودن آمریکا با استمرار نهضت بیداری مسلمانان خواهد بود. این معنا، همان تفسیر تصریح‌شده در متن سند، یعنی حفظ مقتضیات فرهنگی و اتکاء بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی است.^۱

۶. ابعاد اساسی سند چشم‌انداز

ابعاد اساسی و مؤلفه‌های اصلی چشم‌انداز را می‌توان به شکل‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد. به‌عنوان مثال، در یک تقسیم‌بندی، ابعاد سند به چهار بعد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قابل تقسیم است که هر بعد، دارای مؤلفه‌ها و متغیرهای زیر است:

ابعاد و متغیرهای سند چشم‌انداز

ابعاد اساسی سند	مؤلفه‌ها و متغیرهای هر بعد
اقتصادی	رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، توسعه کارآمد، برخورداری از رفاه، دوری از فقر، رسیدن به اشتغال کامل، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه، رسیدن به اشتغال کامل، توزیع مناسب.
فرهنگی	جامعه اخلاقی، نواندیشی، پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذاری.
اجتماعی	انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، برخورداری از وجدان کاری، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها، بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضائی، امن، برخوردار از سلامت و امنیت‌گرایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فساد و تبعیض، بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.
سیاسی	دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان اسلام براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت، مستقل، مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت، دارای الگوی مردم‌سالاری دینی.

بعضی از مؤلفه‌ها و متغیرها را می‌توان در دو یا سه بعد قرار داد؛ لیکن احصای مؤلفه و متغیرها در هر بعد، چارچوب راهنما برای هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری در آن بعد را فراهم می‌آورد. تحول اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای رسیدن به چشم‌انداز، مستلزم آن است که مؤلفه‌ها و متغیرهای اصلی این نظام‌های چهارگانه به‌صورت سیستمی، منسجم و متعامل دیده شود. در مورد جامع و مانع دیدن ابعاد و تقدم و تأخر و اهمیت هر یک از آنها، نظریه‌ها و مدل‌های بسیاری ارائه شده است. اما به نظر می‌رسد بعد فرهنگی به علت انعکاس ارزش‌ها و باورهای مشترک اعضای جامعه، از اهمیت و تقدم ویژه‌ای برخوردار است. چرا که ارزش‌ها و باورها هستند که به اهداف جامعه و طراحی و استقرار ساختارهای اجتماعی و سیاسی جهت می‌دهند.^۱

۷. محورهای اصلی سند چشم‌انداز

محورهای اصلی سند چشم‌انداز، بیان‌کننده مهم‌ترین اهداف سند مزبور برای کشور در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی هستند. این محورها به شرح زیر هستند:

۱. نگاه کلی به وضعیت کشور در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی: در فراز اول و دوم سند، به خاستگاه آن، یعنی قانون اساسی اشاره و سپس، آینده موردنظر برای کشور در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی ترسیم شده است.
۲. توسعه: دومین محور مورد اشاره در سند، توسعه و مبانی آن از جمله توجه به ویژگی‌های کشور است. البته به نظر می‌رسد هدف اصلی سند نیز توسعه بوده و سایر اهداف در چارچوب آن طراحی شده است.
۳. علم و فناوری: محور مهم تولید دانش و بهره‌گیری از علم و فناوری، سومین عنصر سند بوده که در آن به منابع انسانی توجه خاصی صورت گرفته است.

۱. محسن فرمهبینی فراهانی، بررسی راهبردها و راهکارهای تحقق اهداف فرهنگی در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، ۱۳۸۷.

۴. **دفاع و امنیت:** یکی از زیرساخت‌های هر نوع رفاه و پیشرفت، امنیت است که به‌عنوان چهارمین محور سند مطرح شده است. امنیت یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های توسعه است. بدیهی است جذب و حفظ منابع مالی و سرمایه‌گذاری ایرانیان و سرمایه‌گذاران خارجی، حفظ نیروی انسانی متخصص و جلوگیری از فرار سرمایه و ترغیب سایر کشورها برای مرادوات بلندمدت، نیاز به امنیت و توان بالفعل و بالقوه دفاعی دارد.

۵. **تأمین اجتماعی و رفاه:** مؤلفه‌هایی که بر سطوح مختلف زندگی افراد اثرگذار هستند، در چارچوب توسعه انسانی مطرح شده‌اند.

۶. **اخلاق:** اخلاق از دو دیدگاه فردی و جمعی موردنظر است. محور ششم سند چشم‌انداز، به این مبحث پرداخته است.

۷. **رقابت:** واقعیت این است که تا عامل مقایسه، رقابت و رتبه‌بندی نباشد، میل به پیشرفت و توسعه کم‌رنگ می‌شود. مقایسه و رقابت، موجب تلاش و هوشیاری یک فرد، گروه یا جامعه می‌شود. کسب رتبه اول نیز در همین چارچوب مدنظر است.

۸. **تعامل منطقه‌ای:** جایگاه و ارزش منطقه‌ای هر کشور، به میزان تأثیرگذاری آن بر سایر کشورهای منطقه وابسته است. از آنجا که منطقه جغرافیایی کشور ما در مرکزیت دنیای اسلام قرار دارد، نوع ارتباط کشور ما با سایر کشورهای اسلامی حائز اهمیت است؛ تا جایی که اثرگذاری بر کشورهای اسلامی به‌عنوان محور ششم سند به‌طور مجزا در نظر گرفته شده است.

۹. **تعامل جهانی:** جایگاه و اقتدار واقعی هر کشور در سطح بین‌الملل، به نوع روابط آن کشور با کشورها و نهادهای بین‌المللی وابسته است. از این‌رو، تعامل با جهان به‌عنوان محور نهم سند مطرح شده است.

۱۰. **همسویی برنامه‌ها و بودجه‌ها:** لازمه موفقیت یک استراتژی، هم‌جهت بودن تمام برنامه‌های وابسته به آن با یکدیگر و با اهداف استراتژی مربوطه است؛ لذا توجه به سیاست‌ها و اهداف سند چشم‌انداز در طراحی کلیه برنامه‌ها و بودجه‌های سالیانه، محور دهم سند در نظر گرفته شده است. اگر در طراحی برنامه‌ها و برای رسیدن به سطوح بهینه شاخص‌های کمی کلان، اهداف سند چشم‌انداز مورد توجه قرار گیرد، هماهنگی خوبی بین برنامه‌های مختلف ایجاد خواهد شد که این موضوع، موجب رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز با هزینه و زمان کمتر می‌شود.

باید خاطر نشان ساخت که هدف کلی سند چشم‌انداز، توسعه‌یافتگی کشور تا سال ۱۴۰۴ است و بر این اساس، عامل توسعه، زیرساخت تمام عوامل دیگر است.^۱

۸. اهداف سند چشم‌انداز

الف) جایگاه اول اقتصادی

جامعه ایران، پس از فراهم شدن بسترهای سیاسی از قبیل آزادی، مردم‌سالاری، نظام جمهوری اسلامی ایران و استقلال، آمادگی تحول اقتصادی را پیدا کرده است. پیشرفت سریع کشورهای دنیا و همسایگان ایران در ابعاد اقتصادی، انگیزه مناسبی را برای تسریع در امر توسعه ملی، به بار آورده است.

اقتصاد ایران، انقلاب و تحولی اقتصادی را می‌طلبد. این تحول، از چند سال پیش، با ابلاغ سند چشم‌انداز و پس از آن با ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی کلید خورده است. مطابق سند چشم‌انداز، ایران ۱۴۰۴، قدرت اول منطقه جنوب‌غربی آسیاست. این منطقه، به‌عنوان بخشی از قاره آسیا، شامل ۲۶ کشور در ۵ حوزه ژئوپولیتیکی آسیای مرکزی، آسیای جنوب‌غربی، شبه قاره قفقاز، خلیج فارس و خاورمیانه است. لذا منظور از منطقه در سند چشم‌انداز، شامل کشورهای ارمنستان، جمهوری

۱. امیرعباس سیاهوش، بررسی فرایند توسعه براساس سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ (جلد سوم)، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۵، صص ۳۰۰-۲۹۹.

آذربایجان و گرجستان (حوزه قفقاز)، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان (آسیای میانه)، عراق، ترکیه، افغانستان، پاکستان، کویت، عربستان سعودی، قطر، بحرین، عمان و امارات متحده عربی (کشورهای همسایه ایران)، سوریه، لبنان، رژیم اشغالگر قدس، اردن و یمن (دیگر کشورهای حوزه خاورمیانه) است.

ب) جایگاه اول فناوری و علمی در منطقه

از اصول و مبانی علم و فناوری، به‌خصوص در حیطه سند چشم‌انداز، تکیه بر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی و توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. ریشه این موارد، «جنبش نرم‌افزاری و جریان تولید علم» است.

هر کشور در راستای پیمودن مسیر توسعه پایدار، تا حد زیادی به توانمندسازی و ظرفیت‌سازی نیروی انسانی، مبتنی بر شرایط محیطی و اکولوژیکی خود نیازمند است. بنابراین، ضرورت دارد برنامه‌ریزی در کلیه سطوح کشور مزبور، اعم از فرد، سازمان و اجتماع، صورت پذیرد تا با برخورداری از تفکر راهبردی، آموزش مستمر و خلاقیت و مدیریت دانش‌مدار و کارآمد، به توسعه پایدار دست یابد. ایجاد ظرفیت و پایه‌های توسعه علمی و ارتقای فناوری برای توسعه‌یافتگی در هر کشور، به تحقق موارد زیر وابسته است:

۱. استقرار دانشمندان در آن کشور؛
۲. تربیت نیروهای انسانی توسعه‌یافته و ماهر؛
۳. تولید علم جهانی؛
۴. توسعه و افزایش توان واحدهای پژوهشی و جایگاه علمی کشور؛
۵. تسهیل امور تحقیقات و نوآوری و تأمین منابع مالی آن؛
۶. مجهز شدن به منابع الکترونیکی و تجهیزات مدرن پژوهشی؛
۷. تبدیل علم به فناوری؛

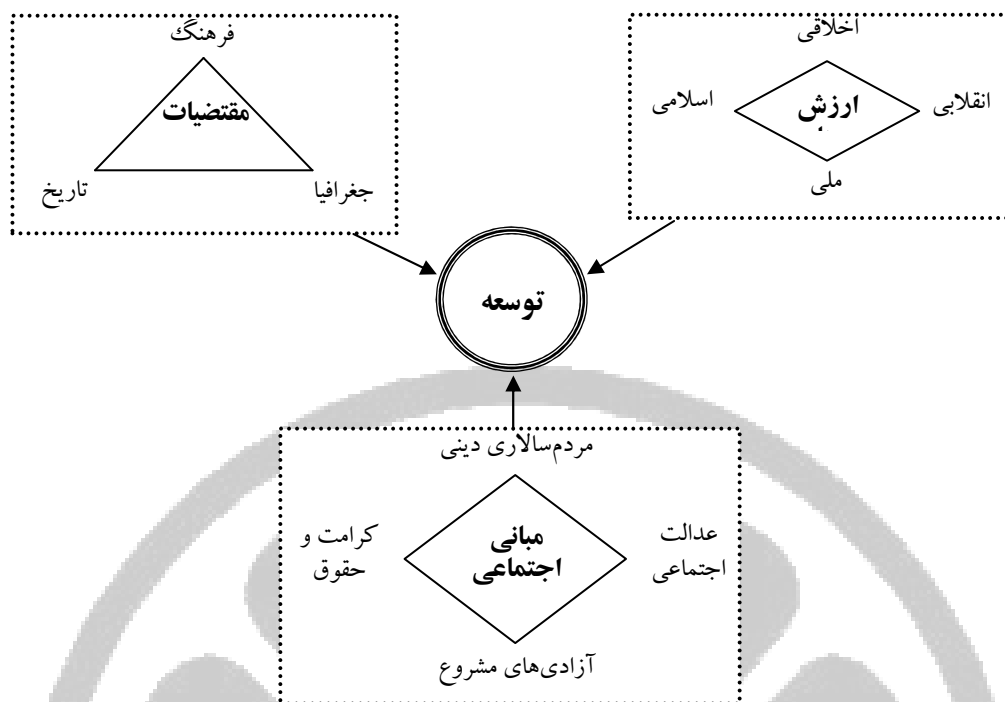
ج) رسیدن به توسعه‌ای با هویت اسلامی و انقلابی

این بند، به‌عنوان روح حاکم بر سند، جهت همه تحولات توسعه‌ای کشور را تا سال ۱۴۰۴ ترسیم می‌کند. مقام معظم رهبری از این بند به‌عنوان خط قرمز حرکت نظام، امر لازم برای همه ابعاد توسعه و تضمین‌گر سلامت حرکت کشور در طوفان تحولات توسعه و آثار و پیامدهای وسیع آن، یاد کردند.

اگر «فرایند پیدایش و سرانجام هویت» را خرد کنیم، درمی‌یابیم که بستر اصلی شکل‌گیری هویت انسان، نگرش اوست؛ نگرش به خود از یک‌سو و نگرش به دیگران از سوی دیگر. هویت موردنظر سند چشم‌انداز، هویت دینی است که با غور و تأمل در آیات فراوان قرآن، قابل دست‌یابی است. ایمان و معنویت، قسط و عدل، علم و معرفت، صفا و اخوت و ...، برخی از ریشه‌های هویت دینی را تشکیل می‌دهند.

این هویت، شاخصه‌های انقلابی نیز دارد؛ از ریشه‌های انقلابی هویت می‌توان به خدامحوری، آخرت‌مداری، ولایت‌محوری، بصیرت، قیام و عبادت اشاره کرد.^۱

۱. محمد کشاورزی و همکاران، آشنایی با سند چشم‌انداز، امیرکبیر، ۱۳۸۸، صص ۹۲-۹۰.

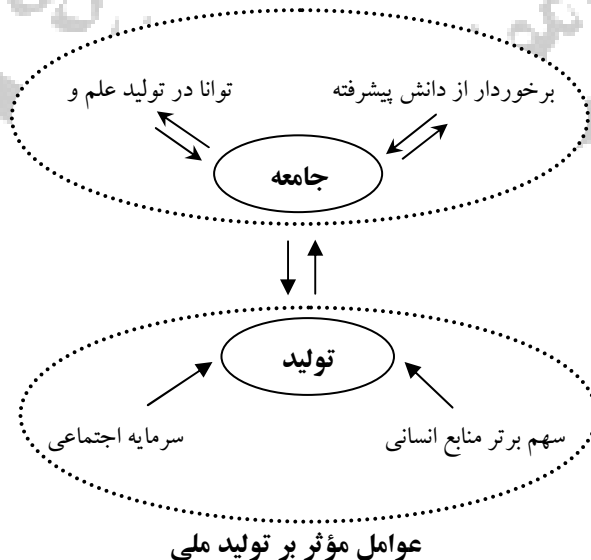


(د) سرمایه اجتماعی

بند بعدی چشم‌انداز، بر افزایش تولید ملی تأکید دارد که این امر، وابسته به تولید علم و فناوری است. این مسئله نیز به منابع انسانی و سرمایه‌های اجتماعی تکیه دارد. مفهوم سرمایه اجتماعی که با سرعت در علوم اقتصادی، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی در حال گسترش است، عمر کوتاهی دارد.

آقای شولتز، برنده جایزه نوبل، سرمایه جدید تحت عنوان «سرمایه اجتماعی» را مطرح می‌سازد. در دوره‌های قبل، سرمایه‌های شناخته شده عبارت بودند از: سرمایه‌های فیزیکی (تأسیسات، زیربنایها، سد، اتوبان و ...)، سرمایه‌های مالی (اوراق بهادار، پول و ...) و سرمایه‌های انسانی. اما آقای شولتز، سرمایه چهارمی را نیز اضافه نمود. مقصود از سرمایه اجتماعی، مهارت‌ها و توانایی‌های شخصی افراد است.

در حقیقت، اگر جامعه‌ای از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار باشد، «بازدهی» سرمایه‌های سه‌گانه (فیزیکی، مالی و انسانی) بیشتر خواهد بود. بنابراین، برنامه‌ریزان و دولت‌مردان جهت افزایش تولید ملی با شتاب بیشتر، باید به سرمایه‌های اجتماعی و انسانی بیشتر توجه کنند.



عوامل مؤثر بر تولید ملی

هـ) امنیت ملی

یکی دیگر از بندهای سند چشم‌انداز، «امنیت ملی» است. امنیت ملی در بعد بیرونی، دارای دو شاخصه استقلال (سیاسی، اقتصادی و...) و اقتدار است. برای تأمین اقتدار و استقلال، باید در دو بعد نظامی و سیاسی، فعالیت‌های مؤثری صورت گیرد. در بعد نظامی باید بر قدرت بازدارندگی همه‌جانبه تأکید و برای به دست آوردن تکنولوژی‌های پیشرفته نظامی، تدابیر لازم اتخاذ شود. در بعد سیاسی نیز، به بازسازی و کارآمدسازی نظام سیاسی پرداخته شود تا پیوستگی مردم و حکومت حفظ شود.

و) ویژگی‌های فرد ایرانی

چشم‌انداز با این نگرش که برای تحول جامعه باید ابتدا اجزای این سیستم بزرگ را متحول ساخت، با توجه به فرهنگ ایرانی-اسلامی، بر روی برخی از ویژگی‌ها تأکید کرده است؛ چرا که تحقق آنها می‌تواند جامعه را براساس آرمان‌های چشم‌انداز بنا کند. اگر فرد ایرانی «متعهد»، «منضبط» و «مسئولیت‌پذیر» باشد و با «وجدان کار» به فعالیت‌های خود بپردازد، بازدهی مجموعه‌های اداری، علمی و صنعتی کشور به مراتب افزایش پیدا خواهد کرد و نظم و انضباط بر مجموعه‌های مختلف مستولی خواهد شد. اگر فرد ایرانی با تاریخ گذشته خود آشنا شود و بداند که در گذشته دارای چه میراثی بوده است، قطعاً آینده درخشانی را برای خود تصویر خواهد کرد و به هویت ایرانی-اسلامی خویش خواهد بالید و از این که یک ایرانی است، «مفتخر» خواهد شد. همچنین، ترویج روحیه «تعاون» و «ایثار» در فرد، باعث تشکیل جامعه‌ای خواهد شد که افراد، منافع ملت را بر منافع شخصی یا گروهی خویش ترجیح خواهند داد. بالا بردن سازگاری فرد با اجتماع و یا به تعبیری «اجتماعی شدن» فرد، منجر به انجام کارهای گروهی شده و افراد در انجام فعالیت‌های مختلف، زندگی گروهی و اجتماعی با یکدیگر را بیشتر تجربه خواهند کرد. متأسفانه یکی از ویژگی‌های منفی ایرانیان، تأکید بر «فردیت» است. معمولاً، اشخاص اجتماعی نبوده و از شرکت در کارهای گروهی گریزان هستند. در حقیقت، نهادینه ساختن ویژگی‌های فوق، امری بلندمدت بوده و همت متولیان امور فرهنگی کشور را می‌طلبد تا با برنامه‌ریزی‌های خود در امر «فرهنگ‌سازی»، اقدامات مؤثری انجام دهند.

ز) رفاه ملی

در چشم‌انداز بیست ساله، سعی شده با فراهم نمودن فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد و... محیطی مناسب برای رفاه ملی ایجاد شود؛ لذا باید جهت تحقق این امر، توجه زیادی به «عدالت فراگیر» صورت پذیرد.

ح) رسیدن به موقعیت الهام‌بخش در جهان اسلام

کشور ایران با ارائه مدلی نوین از مردم‌سالاری در نظام سیاسی، پیوند مبارکی میان سنت و تجدد برقرار کرد و ضمن احیای نظام سیاسی اسلام و پیرایه‌زدایی از آن، گوشه‌ای از چهره واقعی اسلام ناب را در عرصه سیاست و اجتماع نمایان ساخت. ایران همانند دوره طلایی تمدن اسلامی که باعث بسط فرهنگ و علم شد، باید امروز نیز در جهان اسلام «فعال و مؤثر» اقدام کند و سبب «همگرایی اسلامی» شود. مقدمه این همگرایی، بیداری اسلامی است.^۱ گرایش انقلابی میان «جهانی‌شدن» و «جهانی‌سازی» تفکیک قائل می‌شود. در این دیدگاه، «جهانی‌شدن»، فرایند طبیعی و تکامل تمدن انسانی است؛ اما پدیده دیگری که از آن تحت عنوان «جهانی‌سازی» یاد می‌شود، پدیده‌ای آگاهانه و هم‌راستا با

۱. محسن رضایی میرقائد، چشم‌انداز ایران فردا، اندیکا، ۱۳۸۴، صص ۲۱۶-۲۱۲.

مقاصد سلطه‌جویانه غرب است؛ گروهی با برنامه‌ریزی‌های مختلف سعی دارند تا فرهنگ و تمدن غربی و لیبرال دموکراسی را به‌عنوان پایان تاریخ، تنها نسخه سعادت‌بخش بشر معرفی کنند.

در این دوران، مکتب فکری امام خمینی (ره)، بهترین وسیله برای مواجهه با این نظریه‌هاست. آزادی انسان‌ها از اسارت شیطان نفس، استبداد و استعمار جهانی، احترام به کرامت انسان‌ها، حفظ عزت و سربلندی آنها در جامعه، اعتماد به نفس، خودباوری و تلاش برای تعالی اجتماعی در همه ابعاد زندگی، از ویژگی‌های این مکتب فکری است.

تشکیل نظام حکومتی در چارچوب این مکتب با ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی، نمونه‌ای است از مفهوم «الهام‌بخشی» در جهان اسلام. صدور این الگو به دیگر جوامع اسلامی می‌تواند نجات‌دهنده ملت‌های دیگر از فرهنگ جهانی‌سازی و تقلید از الگوهای تحمیلی بیگانه باشد.

از عوامل دیگر تسریع‌کننده در صدور انقلاب و الهام‌بخشی آن، حوزه تمدن ایرانی - اسلامی است که جایگاه ژئوپولیتیک ایران، آن را تقویت می‌کند.^۱

ط) تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل

دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران بر پایه اصول عزت، حکمت و مصلحت استوار است که اگر به هریک از آنها بی‌توجهی شود، ایران در روابط بین‌الملل نخواهد توانست نقش‌آفرینی کند. لازمه نقش‌آفرینی «مؤثر» و «سازنده» در عرصه روابط بین‌الملل، پایبندی به اصول یادشده و اتخاذ تصمیمات مناسب نسبت به مقتضیات و شرایط است. در دنیای امروز، روابط بین‌الملل «خنثی» تعریف نمی‌شود؛ بلکه کشورهای مختلف، متناسب با منافع ملی خود، سعی در تعامل مؤثر و سازنده با سایر کشورها و رقبا دارند.^۲



روابط بین‌الملل

۹. تحقق چشم‌انداز

الف) هرم اجتماعی

هرم اجتماعی در تحقق چشم‌انداز اهمیت به‌سزایی دارد؛ چرا که اگر به رابطه صحیح اجزای این هرم توجه نشود، نباید امیدی به تحقق چشم‌انداز داشت و این برنامه مانند بسیاری از برنامه‌های دیگر، در حد حرف و برنامه‌ریزی باقی خواهد ماند و قابلیت اجرا پیدا نخواهد کرد.

۱. محمد کشاورزی و همکاران، آشنایی با سند چشم‌انداز، امیرکبیر، ۱۳۸۸، صص ۹۳-۹۲.

۲. محسن رضایی میرقائد، چشم‌انداز ایران فردا، اندیکا، ۱۳۸۴، صص ۲۲۴-۲۲۳.

حکام و سیاست‌مداران باید قائل به مشارکت جدی و فراگیر نخبگان در طراحی برنامه‌ها باشند تا بتوانند کامل‌ترین برنامه را تهیه و اجرا کنند. این امر سبب جلوگیری از هدر رفتن منابع ملی و احساس مسئولیت بیشتر نخبگان در قبال جامعه خویش می‌شود؛ چرا که نخبگان در سطح تصمیم‌سازی و سیاست‌مداران در سطح تصمیم‌گیری عمل کرده و ارتباط صحیح بین این دو، تصمیم‌های گرفته شده را از پشتوانه علمی و تئوریک قوی برخوردار می‌سازد.

همچنین ارتباط نخبگان با نخبگان میانی، ارتباطی مهم و کلیدی است؛ زیرا نخبگان، به دلیل عدم ارتباط مستقیم با مردم، از درک نیازهای اصلی آنها غافل مانده‌اند و ممکن است تجویز علمی آنها، مطابق با بیماری‌های جامعه نباشد؛ لذا نخبگان میانی، حلقه واسطی را بین نخبگان و مردم ایجاد خواهند کرد تا از یک سو بتوانند مشکلات جامعه را به منظور ارائه راه‌حل، به نخبگان انتقال دهند و از سوی دیگر، سخنان نخبگان را به زبان مردم برای خود مردم بیان کنند.

نتیجه این هرم آن است که در یک تقسیم کار ملی، هر فردی متناسب با جایگاه خویش، قدمی مؤثر در تحقق چشم‌انداز برمی‌دارد؛ یعنی حکام و سیاست‌مداران در تدوین و اجرای برنامه‌ها و قوانین، باید توجهی کافی و وافی را به چشم‌انداز مبذول دارند. همچنین، نخبگان به عنوان معماران و طراحان جامعه، باید طرح‌ها و برنامه‌های کاربردی متناسب با چشم‌انداز را ارائه کنند و نخبگان میانی، آنها را برای مردم که مجریان اصلی چشم‌انداز هستند، به خوبی شفاف سازند.

ب) بسیج ملی

بدون توجه به نقش مردم و گروه‌های اجتماعی، هیچ چشم‌اندازی کامل نخواهد بود. تا زمانی که چشم‌انداز از حمایت وسیع مردمی برخوردار نشود، امیدی به تحقق آن نیست. زمانی که چشم‌انداز به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی مردم درآید و از حمایت گسترده مردمی برخوردار شود، آنگاه انگیزه مشارکت در افراد جامعه، جهت دستیابی به اهداف چشم‌انداز به وجود خواهد آمد.

فرد، جامعه و حکومت باید برای رسیدن به ایران فردا با علاقه و برنامه‌ریزی تلاش کرده و تمامی نهادهای مردمی و حکومتی با تغییر و تحول لازم و مطابق چشم‌انداز، راه رسیدن به ایران فردا را تسهیل کنند. همچنین، هر نهادی باید به طور منظم آموزش‌های لازم و موردنیاز چشم‌انداز را به زیرمجموعه‌های خود انتقال دهد و مأموریت خود را در رسیدن به ایران فردا تعریف کند و در عین حال، دارای یک آئین‌نامه اجرایی جهت حرکت به سوی تحقق چشم‌انداز باشد.

ج) بومی‌گرایی

یکی از ملاک‌های مورد نظر برای مطالعه و تدوین چشم‌انداز ملی آن است که باید تدوین این سند مهم توسط نخبگان ملی صورت گیرد و افرادی که در تهیه سند مشارکت دارند، باید نماینده همه قشرهای جامعه تلقی شوند. یکی از پارامترهای کارآمدی چشم‌انداز، در گرو کار گروهی نخبگان ملی است؛ زیرا برای تحقق چشم‌انداز، تخصص‌های زیادی موردنیاز است که معمولاً، افراد به تنهایی دارای این تخصص‌ها نیستند.

اگرچه بهره‌گیری از تجارب کشورهای مختلف برای اجرایی کردن نمودن چشم‌انداز لازم است، ولی توجه نکردن به شرایط بومی و الگوبرداری صرف، باعث دور شدن از مقصود خواهد شد.

د) ترویج

برای ترویج صحیح چشم‌انداز، باید بیشتر بر حداقل‌های مشترک، که جزو اشتراک نظرهای اکثر آحاد جامعه است، تأکید ورزید و علاوه بر آن، از طرح مسائلی که به انسجام ملی لطمه می‌زند، خودداری کرد. بنابراین، باید اشتراکاتی در زمینه هدف‌های اساسی چشم‌انداز وجود داشته باشد که اصول اساسی و اولیه‌ای که همه آحاد جامعه به آن التزام دارند را بیان کند.

گام‌های بعدی

تدوین و ترویج چشم‌انداز، جزو اولین گام‌های ضروری محسوب می‌شود و پس از آن، باید با مشارکت جدی و فراگیر نخبگان، بستر لازم برای گام‌های بعدی چشم‌انداز ایجاد شود؛ چرا که توجه نداشتن به تحقق و اجرای چشم‌انداز، باعث ابر شدن این کار بزرگ خواهد شد.

در این راستا ضروری است حلقه‌های تخصصی در حیطه‌های مختلف تشکیل شود تا به مطالعه و سیاست‌گذاری‌های لازم بپردازند. استراتژیست‌های نظام نیز با ارائه استراتژی مشخص و جامع برای دستیابی به ایران فردا می‌توانند در تحقق این امر یاری رسانند. لذا باید حیطه کاری خود را شناخت و در جهت انجام مسئولیت‌های خویش، اقدامات مفید و مؤثری را به انجام رساند.^۱

۱۰. الزامات تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله

با توجه به جدول زیر، الزامات تحقق سند چشم‌انداز را می‌توان به سه دسته نرم‌افزار، سخت‌افزار و مغزافزار تقسیم کرد. در این میان، فرهنگ‌سازی، هموارسازی، آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی در زمره اقدامات نرم‌افزاری قرار می‌گیرد. تجهیزات و زیرساخت‌ها را نیز می‌توان در زیرمجموعه اقدامات سخت‌افزاری قرار داد و سرانجام، دانش و نیروی انسانی از جمله اقدامات مغزافزاری محسوب می‌شود.

نقش مدیریت نیز برای برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، هماهنگی و کنترل فعالیت‌ها، حیاتی است؛ چرا که اهداف سند چشم‌انداز، جز در سایه گسترش هوشمند و درایت مدیران کلان و خرد محقق نمی‌شود.^۲

تحقق اهداف چشم‌انداز							
مدیریت							
مغزافزاری		سخت‌افزاری		نرم‌افزاری			
نیروی انسانی	دانش	زیرساخت‌ها	تجهیزات	برنامه‌ریزی	آمایش سرزمین	هموارسازی	فرهنگ‌سازی

۱۱. برنامه‌های توسعه کشور

توسعه، فرایندی با ابعاد مختلف و مجموعه اهداف گوناگون است. این ابعاد جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه را دربردارد. برنامه توسعه، سندی است که در آن شرایط مطلوب در چارچوب محدودیت‌ها و منابع ترسیم شده و خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مناسب برای تحقق آن در نظر گرفته می‌شود.

۱. محسن رضایی میرقاند، چشم‌انداز ایران فردا، اندیکا، ۱۳۸۴، صص ۲۲۹-۲۲۵.

۲. محسن فرمهبینی فراهانی، بررسی راهبردها و راهکارهای تحقق اهداف فرهنگی در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، ۱۳۸۷.

از پیدایش تفکر برنامه‌ریزی در ایران در سال ۱۳۱۲ و تشکیل شورای برنامه‌ریزی در سال ۱۳۱۶ و در نهایت تدوین و تصویب نخستین برنامه هفت ساله عمرانی در سال ۱۳۲۷ و متعاقب آن مبتنی کردن توسعه به برنامه‌ریزی، ۶۰ سال می‌گذرد. برنامه اول که شکل ناقصی از برنامه‌ریزی متمرکز بود و تنها به منظور هدایت منابع حاصل از نفت اجرا شد، به تدریج و به دلیل افزایش هزینه‌های جاری دستگاه‌های دولتی، از مسیر خود منحرف شد و به سمت برنامه‌ریزی متمرکزتر گرایش یافت. به‌طور اصولی در برنامه‌ریزی‌های جامع، گرایش عمده به سمت اقتصاد دستوری است و این گرایش در برنامه‌های عمرانی بعدی مشاهده می‌شود. دولت منابع را در اختیار دارد و برای رسیدن به اهداف هزینه می‌کند. البته غیر از منابع، ابزارهای دیگری نظیر سیاست‌های پولی و مالی و بازرگانی هم در اختیار دولت قرار دارد تا نیل به اهداف را میسر سازد. از نظر تاریخی، پس از ملی شدن صنعت نفت، مدیریت اقتصادی کشور به سمت برنامه‌ریزی متمرکز و دولتی شدن اقتصاد گرایش پیدا کرد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز این گرایش با به انحصار درآمد بانک‌ها در دست دولت و ملی شدن برخی صنایع افزایش یافت.

تجربه بیش از ۶۰ سال توسعه مبتنی بر برنامه‌ریزی در ایران، بیان‌کننده ناکارآمدی الگوهای یک بعدی ناموزون و اقتدارگرایانه برای توسعه است. از این‌رو، ضرورت بازنگری در بینش‌ها و الگوهای حاکم بر برنامه‌ریزی توسعه و حرکت به سوی برنامه‌ریزی برای توسعه جامع، پایدار و ملی احساس می‌شود. این الگو باید مشابه هر کشور دیگری با فرهنگ و معیارهای ارزشی حاکم بر جامعه انطباق یابد و شرایط بین‌المللی، تجربه سایر کشورها و ویژگی‌های اقتصادی کشور را مدنظر قرار دهد. این ضرورت با توجه به وضع موجود کشور و جایگاه بین‌المللی آن، مروری بر تجارب برنامه‌ریزی و الگوهای توسعه در کشور، خود را نشان می‌دهد زیرا رشد سریع فناوری، جهانی‌شدن تولید، آزادسازی سیاست‌های اقتصادی در خصوص تجارت و سرمایه‌گذاری، شرایط، ضرورت‌ها و الزام‌های برنامه‌های توسعه را تغییر داده است.

به‌طور کلی یک برنامه باید دارای ویژگی‌های فراگیر، انعطاف‌پذیر و پویا، دارای سازوکار خود اصلاحی، مشارکتی، آینده‌نگر، همگن، هدفمند، دارای پوشش جغرافیایی، دارای قابلیت اجرایی، زمان‌دار، منسجم و هماهنگ و استفاده‌کننده از تمام قابلیت‌ها و فرصت‌ها باشد. هر برنامه‌ای که فاقد ویژگی‌های یادشده باشد، در تحقق اهداف خود با مشکل مواجه خواهد شد. بنابراین آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه گذشته به‌عنوان راهنمای برنامه‌های توسعه پیش‌رو و در چارچوب سند چشم‌انداز بیست ساله کشور ضروری و مفید است.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، تدوین برنامه‌های عمرانی برای پیشرفت کشور در عمل از سال ۱۳۲۷ شروع شد و با اجرای دو برنامه ۷ ساله و سه برنامه ۵ ساله ادامه یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با پایان یافتن جنگ تحمیلی و شروع دهه دوم انقلاب، همچنین ضرورت ایجاد تحول در اقتصاد کشور و بازسازی اقتصاد آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی و نیز ایجاد زمینه لازم به‌منظور بهبود وضع زندگی مردم، در عمل، تدوین برنامه توسعه کشور در قالب برنامه‌های پنج‌ساله از سال ۱۳۶۸ شروع شد. برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دوره ۱۳۷۲-۱۳۶۸، با انتخاب راهبرد «آزادسازی اقتصادی» آغاز شد. هدف اصلی این برنامه آن بود که با سرمایه‌گذاری دولت در زمینه بازسازی خسارت‌های جنگ تحمیلی و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های موجود، روندهای منفی اقتصادی حاکم را به نفع ایجاد رشد اقتصادی در کشور تغییر دهد و بستر تداوم رشد در آینده را فراهم کند. از این‌رو، برنامه اول توسعه به «برنامه سازندگی» شهرت یافت که مرکز ثقل برنامه بود. در این راستا، رشد اقتصادی از اساسی‌ترین نیازهای توسعه ملی به شمار آمد و سیاست‌های اقتصادی برای افزایش تولید در دستور کار قرار گرفت.

استراتژی اصلی برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴)، تثبیت دستاوردهای برنامه اول توسعه، ایجاد ثبات در روندهای اقتصادی کشور و کاهش بار سنگین تحولات اقتصادی بر جامعه بود. این برنامه از جهت ساختار و ماهیت تفاوتی با برنامه اول نداشت و

مبتنی بر آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی بود. برنامه دوم نیز رشد و توسعه اقتصادی را از اصلی‌ترین اهداف خود می‌دانست و تأکید خاصی بر پایداری آن داشت. «برنامه ثبات اقتصادی» عنوان دیگر برنامه دوم توسعه بوده است.

مشکلات ساختاری برنامه اول و دوم توسعه، نگاه اجتماعی به مسائل اقتصادی در داخل و سیاست تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل و بهبود روابط در اوپک و ارائه طرح ساماندهی اقتصاد در سال ۱۳۷۷، منجر به شکل‌گیری سرمشق اصلاح ساختار اقتصادی با رویکرد داخلی در برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) شد. از این رو، مهم‌ترین ویژگی برنامه سوم توسعه، سعی در فراهم‌ساختن الزام‌های تحقق یک توسعه پایدار بود. بر این اساس، برنامه سوم با راهبرد اصلاحات اقتصادی مبتنی بر رویکرد «توسعه اقتصاد رقابتی» از طریق حرکت به سمت آزادسازی اقتصادی همراه با شکل‌گیری نظام جامع تأمین اجتماعی و اصلاحات قانونی و نهادی و لغو انحصارات برای فراهم شدن زمینه‌های مشارکت بخش خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت طراحی و تدوین شد. از این رو، برنامه سوم توسعه به «برنامه اصلاح ساختاری» نیز مشهور بود که این موضوع، نقطه اتکا و مرکزی برنامه سوم به‌شمار می‌آمد.

جهت‌گیری اصلی این برنامه، اصلاحات ساختاری و نهادی به‌منظور آزادسازی و خصوصی‌سازی بود. اصلاح محیط کسب و کار، مقررات‌زدایی از فرایند سرمایه‌گذاری، تقویت قدرت رقابت‌پذیری از طریق حرکت به سمت آزادسازی نظام قیمت‌ها و تعیین قیمت بر مبنای سازوکار بازار به‌عنوان ابزار تخصیص بهینه منابع، از راهبردهای این برنامه محسوب می‌شد. یکسان‌سازی نرخ ارز، آزادسازی تجارت و حذف موانع غیرتعرفه‌ای، تخصیص رقابتی منابع بانکی، تأسیس بانک توسط بخش غیردولتی، تشکیل حساب ذخیره ارزی و حذف یارانه انرژی از مقوله‌های اصلاح نظام قیمت‌ها به‌شمار می‌آمد که در برنامه سوم توسعه بر آنها تأکید شده بود.

مهم‌ترین ویژگی برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تهیه و تصویب آن در چارچوب سند چشم‌انداز بیست‌ساله و پس از ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی است. هدف از این نوع برنامه‌ریزی، نگاه فعال و آینده‌ساز به مسائل بود که لازمه این نوع نگاه، حرکت بر پایه مدیریت چشم‌انداز است. در چارچوب چشم‌انداز، برنامه‌ریزی‌ها و حرکت‌های فردی و اجتماعی در راستای آینده‌سازی جهت‌گیری می‌شوند. در این چارچوب، تمام قلمروهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی به‌صورت یک کلیت مطرح است. همچنین تحولات صورت گرفته در نظم جهانی به‌خصوص در عرصه اقتصاد و مطرح شدن مباحثی مانند همگرایی سیاست‌ها، جهانی‌شدن تولید، نظام جدید تقسیم کار بین‌المللی، بهره‌مندی از علوم و فناوری پیشرفته، دگرگونی در قلمروی فعالیت دولت، الزام‌ها و قانونمندی‌های مهم در نظام جدید جهانی، موجب شد در برنامه چهارم توسعه علاوه بر تأکید بر ادامه سیاست‌های اصلاح ساختاری برنامه سوم توسعه، پایه‌های جدیدی برای تغییر در روند توسعه کشور پیش‌بینی شود.

برنامه پنجم توسعه، پنجمین برنامه بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران و دومین برنامه از سند چشم‌انداز ۲۰ ساله است. این برنامه در چارچوب سند چشم‌انداز و براساس سیاست‌های ابلاغی برنامه‌های چهارم و پنجم و تجربیات حاصل از چهار برنامه قبلی تهیه و تدوین شده است. در تدوین لایحه برنامه پنجم، یک دسته راهبردها، رویکردها و ویژگی‌ها مدنظر قرار گرفته است:

۱. حفظ خط امام (ره) و استمرار خط نورانی ولایت به‌عنوان ستون فقرات فرهنگ و نظام اجتماعی سیاسی ملت ایران.
۲. استفاده هرچه بیشتر از ظرفیت‌های قانون اساسی؛ قانون اساسی برای برپایی جامعه متعادل و انجام مأموریت‌های بزرگ طراحی شده است، اما هنوز از ظرفیت‌های قانون اساسی به‌طور کامل استفاده نشده است.
۳. استفاده از همه استعدادها و ظرفیت‌های انسانی، مادی و معنوی کشور؛ به‌گونه‌ای که همه استعدادها فرصت حضور یابند.
۴. تحقق استقلال همه‌جانبه به‌عنوان آرمان بلند ملت ایران و انقلاب اسلامی.

۵. تحقق عدالت و قسط در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مدیریتی و ...
۶. ساختن همه جای ایران به طور هماهنگ.
۷. قوام و دوام هرچه بیشتر فرهنگ اسلامی ایرانی و فرهنگ انتظار.
۸. حرکت به سمت افق ۱۴۰۴.
۹. تقویت همبستگی ملی و دلبستگی به سرزمین و تحکیم هویت ملی و عزت ملت ایران در جهان و رسیدن به آرمان‌های انقلاب.
۱۰. واگذاری امور به مردم و اعتقاد به این که کشور را در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و سیاسی و دیگر موارد باید مردم اداره کنند.
۱۱. تکمیل مراحل اجرایی سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی.
۱۲. پیشرفت علمی کشور، مشارکت مردم در مدیریت علمی، آموزشی و پژوهشی، فراهم کردن فرصت رشد و تعالی در ابعاد مادی و معنوی برای همه مردم و به‌ویژه جوانان پاک و مؤمن ایرانی، اعتلای حرکت انسانی و صیانت از ارزش‌ها و تأمین حداقل‌ها و نیازهای ضروری از جمله اشتغال و مسکن و ازدواج.
۱۳. گسترش عدالت اجتماعی، ایجاد فرصت برابر برای آحاد مردم سرزمین ایران، کاهش فاصله طبقاتی، کاهش ضریب جینی از ۳۸ صدم به ۳۵ صدم و توسعه مناطق روستایی و محروم.
۱۴. استفاده از نیروی کار و سرمایه و تعادل میان درآمدهای غیرنفتی و مصارف هزینه‌ای دولت.
۱۵. هدایت منابع نفتی به سوی سرمایه‌های زاینده اقتصادی.
۱۶. گسترش کمی و کیفی نظام تأمین اجتماعی و اصلاح آن، تمرکززدایی از حوزه اداری و توسعه اختیارات در استان‌ها و شهرستان‌ها و هم‌چنین تأمین معیشت کارکنان اداری.
۱۷. بهبود خدمت‌رسانی به مراجعان.
۱۸. تأکید بر انسان سالم برای رسیدن به جامعه سالم، اعتلای فضای فرهنگی، رشد آگاهی‌های اخلاقی از جمله قانون‌گرایی، خودباوری، تعاون، پاکی، انضباط، وجدان‌کاری، توسعه روحیه ایثارگری و ...
۱۹. اعتلای توانمندی دفاعی کشور.
۲۰. گسترش کمی و کیفی تولید داخلی، توسعه فرهنگ استفاده از کالای تولید داخلی، بسیج امکانات کشور در جهت تولید علم، تجاری‌سازی تولیدات علمی و افزایش سهم علمی ایران در جهان.
۲۱. تقویت نهاد خانواده، تکریم زنان خانه‌دار به‌عنوان پایه صیانت از فرهنگ، امنیت، پیشرفت و توسعه جایگاه زنان و نقش سازنده آن‌ها در عرصه‌های مختلف.
۲۲. اعتلای نقش جمهوری اسلامی در نظام بین‌الملل.
۲۳. توجه به خطوط راهنمای الگوی برنامه‌ریزی ایرانی و اسلامی؛ چنان‌که برای اولین بار دولت به همراه شورای عالی برنامه‌ریزی و کارگروه‌ها تلاش کرد به این خطوط راهنما توجه کند که در متن برنامه، عملیاتی شدن آن در نظر گرفته شده است.
۲۴. توجه به تداوم رشد و عدالت به همراه رشد شتابان مستمر و همراه عدالت اجتماعی.
۲۵. توجه به محتویات و پیش‌نیازها و فرایندها؛ در برنامه پنجم هیچ وظیفه‌ای تعیین نشده مگر این که به مقدمات، پیش‌نیازها و ظرفیت‌های کشور توجه شده باشد. پس اهداف غیرقابل تحقق در برنامه وجود ندارد و برنامه واقع‌بینانه طراحی شده است.
۲۶. توجه به مسئله‌محوری به جای برنامه‌های جامع.
۲۷. رویکرد هدفمند و دارای انسجام درونی، شفاف، عملیاتی، انعطاف‌پذیر و سازگار با شرایط بومی کشور.

برخی اهداف کمی و کلان نیز که در سیاست‌های مبنایی معین شده بود، به‌عنوان پایه در جهت تحقق سایر اهداف به کار رفت؛ همچنین علاوه بر توان کارشناسی دولت و بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و فضایی حوزه علمیه نیز در تدوین برنامه، مشارکت فعال داشته‌اند.

در برنامه پنجم در مقایسه با برنامه‌های قبلی، در سیاست‌ها، موضوعات فرهنگی و اجتماعی مورد تأکید و استفاده از ظرفیت قانونی موجود کشور مدنظر قرار گرفته است؛ به طوری که خلأها و نیازهای تحقق برنامه در نظر گرفته شده است.^۱

قانون برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی تصویب و برای اجرا به دولت ابلاغ شد. از آنجا که در تهیه و تدوین برنامه مذکور، الزاماتی همچون قرارگیری در دهه چهارم انقلاب اسلامی، که به تعبیر مقام معظم رهبری دهه پیشرفت و عدالت است، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری مورد توجه و دقت نظر قرار گرفته است، در ادامه به بیان توضیحاتی در خصوص موارد یادشده خواهیم پرداخت.

۱۲. دهه چهارم؛ دهه پیشرفت و عدالت

با گذشت بیش از سه دهه از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، وارد دهه چهارم انقلاب اسلامی شده‌ایم؛ دهه‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی آن را دهه پیشرفت و عدالت نامیده‌اند. از زمانی که ایشان در اجتماع بزرگ زائران رضوی^۲، پیشرفت همراه با عدالت را به‌عنوان جهت‌گیری اصلی نظام در دهه چهارم انقلاب مطرح کردند، تاکنون مکرراً بر لزوم پیگیری این راهبرد تأکید فرموده‌اند. از دیدگاه ایشان، مأموریت نسل کنونی و راهبرد نظام در دهه چهارم، ساختن جامعه اسلامی نمونه است؛ به این معنا که براساس اندیشه اسلامی، باید تمامی ساختارهای ظاهری و حقیقی جامعه سامان یابد و یکی از اساسی‌ترین الزامات جهت انجام این کار، همراه‌سازی پیشرفت با عدالت است؛ نه پیشرفت بدون عدالت مطلوب است و نه عدالت بدون پیشرفت.

اعلام این راهبرد و تأکید مکرر مقام معظم رهبری بر آن، در شرایطی که دیدگاه‌های رایج در توسعه، پیشرفت همراه با عدالت را ناممکن می‌دانند، وظایف و الزامات جدی را برای همه سطوح جامعه ایرانی ترسیم می‌کند.

۱۳. الزامات عملی ساختن راهبرد پیشرفت همراه با عدالت

۱. باید از اندیشه پیشرفت همراه با عدالت پاسداری کرد تا این اندیشه دستخوش برداشت‌ها و تفاسیر مختلف نشده و صورت مسئله پاک نشود؛ اصل و ملاک اساسی، پیشرفت همراه با عدالت است و چگونگی این همراه‌سازی، وظیفه نخبگان علمی است. همچنین احزاب و گروه‌های سیاسی نباید موضوع را دستاویز موضع‌گیری‌های سیاسی کنند، بلکه مهم‌تر از این باید جهت عملی شدن راهبرد پیشرفت و عدالت، دو اقدام را که جزو کارکردهای اساسی هر حزب و گروهی تلقی می‌شود، دنبال کنند؛ اولاً با روشنگری افکار عمومی، مردم را در جریان اهمیت و ضرورت این راهبرد قرار دهند و موضوع را در بین افکار عمومی به گونه‌ای نهادینه کنند که این مقوله، به خواسته اصلی مردم تبدیل شود و ثانیاً، مسئولان مربوطه را جهت عملی ساختن این راهبرد مورد پرسش قرار دهند. نباید فراموش کرد که هدایت و روشنگری افکار عمومی جامعه، نقش اساسی در ایستادگی آنها بر آرمان‌های نظام دارد.

۱. برگرفته از سخنان رئیس‌جمهور هنگام تقدیم لایحه برنامه به مجلس، ۱۳۸۸/۱۰/۲۰.

۲. مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۰۱.

۲. اجرای راهبرد پیشرفت و عدالت بدون پشتوانه برنامه‌ای نیست. سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه کشور، که هر سه از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ شده، سه برنامه اجرایی مهم است که در راستای عملی شدن و رسیدن به پیشرفت همراه با عدالت قرار دارد و سایر برنامه‌های تدوین شده نباید در تضاد با آنها باشد.

۳. تحقق راهبرد دهه چهارم انقلاب نیاز به وحدت در سه سطح دارد. اول، وحدت گروه‌های سیاسی و مسئولان با یکدیگر بر سر این راهبرد (وحدت نخبگان سیاسی)؛ دوم، وحدت نخبگان سیاسی با نخبگان علمی و سوم، وحدت نخبگان علمی با یکدیگر به‌ویژه وحدت حوزه و دانشگاه. شکل‌گیری این وحدت سبب می‌شود تا سیاست‌های اجرایی در راستای عملی شدن پیشرفت همراه با عدالت به حرکت درآید و نخبگان علمی به محور برنامه‌ریزی کشور تبدیل شوند. این همان راه قدرتمند شدن یک نظام سیاسی است. رابطه نخبگان علمی و سیاسی در این وحدت باید به دور از هرگونه سیاست‌بازی و قدرت‌طلبی بوده و هدف مشترک باید تسهیل شرایط جهت عملی ساختن راهبرد دهه چهارم انقلاب باشد.

۱۴. ابلاغ سیاست‌های برنامه پنجم؛ فرصتی برای نیل به پیشرفت و عدالت توأمان

براساس اصل یکصد و دهم قانون اساسی، یکی از وظایف و اختیارات مقام رهبری، تعیین سیاست‌های کلی نظام است. سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، سیاست‌های کلی اصل ۴۴، سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله و ...، بخشی از سیاست‌های کلی نظام است که مقام معظم رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای تهیه برنامه و قوانین لازم، به نهادهای مسئول نظام به‌ویژه دولت و مجلس ابلاغ کرده‌اند.

در پی ابلاغ سند چشم‌انداز بیست‌ساله در سال ۱۳۸۲، که مسیر توسعه و سازندگی کشور را در جهت تحقق اهداف والای نظام جمهوری اسلامی مشخص ساخت، در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۲۰، سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه، به‌عنوان اولین برنامه پنج‌ساله از سند چشم‌انداز، به دولت ابلاغ شد تا مبنای تهیه و تدوین برنامه مذکور قرار گیرد.

با اتمام این دوره و آغاز پنج سال دوم از سند چشم‌انداز، رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱، سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه را به رئیس‌جمهور ابلاغ کردند.

مهم‌ترین نکته قابل توجه در این سیاست‌ها آن است که گسترش عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از زیربندهای مهم امور اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. در این قسمت مقرر شده که همه فعالیت‌های رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی تنظیم شود. علاوه بر این در همین بخش، گام‌هایی به سمت اجرایی شدن این مهم پیش‌بینی شده و این به معنای حضور راهبرد دهه چهارم در برنامه‌ها است.

کمی‌سازی و هدفمند کردن سیاست‌های اقتصادی، یکی دیگر از ویژگی‌های سیاست‌های برنامه پنجم است که در این قسمت هم، راهبرد دهه چهارم انقلاب نمایان است. در واقع، سیاست‌های اقتصادی به دو بخش رشد مناسب اقتصادی و گسترش عدالت اجتماعی تقسیم شده است؛ تحقق نرخ رشد ۸٪ سالیانه، قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به نفت در حوزه امور اقتصادی و هدفمند کردن یارانه‌های آشکار و اجرای تدریجی هدفمند کردن یارانه‌های غیرآشکار، کاهش فاصله دو دهک بالا و پایین درآمدی جامعه و همچنین کاهش نرخ بیکاری، از شاخصه‌های گسترش عدالت اجتماعی است که به روشنی از همراه‌سازی پیشرفت و عدالت حکایت می‌کند.

۱۵. الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی خود در دانشگاه کردستان^۱، درخصوص اهمیت توجه به الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت فرمودند: «ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوییم، با آنچه امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتماً دارد - اما در نظام واژگانی ما، کلمه پیشرفت معنای خاص خودش را دارد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نایستی اشتباه بشود...»

در حقیقت وقتی می‌گویند کشور توسعه یافت، یعنی کشور غربی! با همه خصوصیاتش، فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت‌گیری سیاسی‌اش؛ این توسعه یافته است. در حال توسعه، یعنی کشوری که در حال غربی شدن است؛ توسعه نیافته یعنی کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست...

پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون تاریخی، جغرافیایی، جغرافیای سیاسی، طبیعی، انسانی، زمانی و مکانی، در ایجاد مدل‌های پیشرفت اثر می‌گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور، یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد... ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم؛ هنر ما این خواهد بود که بتوانیم مدل بومی پیشرفت را متناسب با شرایط خودمان پیدا کنیم.»

تفاوت الگوی پیشرفت نظام جمهوری اسلامی ایران در مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و مؤلفه‌های آن با الگوهای متعارف توسعه، تفاوت در بهره‌مندی از منبع لایزال معارف الهی در کنار برخورداری سازگار از تجربه علمی و عملی بشر، تفاوت فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی کشورهای اسلامی و ایران با جوامعی که الگوهای متعارف مبنای اداره آنها بوده است و ناکامی عملی الگوهای متعارف توسعه در کشورهای مختلف به‌ویژه در ایران، حتی پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، از جمله این مقتضیات است.

همچنین، شکل‌گیری انتقادات اساسی بر الگوهای متعارف توسعه از نظر مبانی، مؤلفه‌ها، ساختار نظری و توصیه‌های سیاستی و رویکردهای نوین دانش توسعه، فراهم آمدن پشتوانه علمی کافی در شرایط کنونی کشور، با توجه به رشد کمی و کیفی مراکز علمی، تربیت پژوهشگران برجسته در قلمرو علوم انسانی با رویکرد اسلامی، بهره‌مندی از تجربه و ادبیات علمی فراهم آمده در بستر نظریه پردازی پیرامون انقلاب فرهنگی، وحدت حوزه و دانشگاه، اصلاح نظام آموزشی و پژوهشی حوزه‌های علمی، جنبش نرم‌افزاری، رویکرد نقد فلسفی و بنیادی به دانش‌های متعارف، بهره‌مندی از ذخیره دانش موجود در قلمرو فرهنگ، علوم و معارف اسلامی و فضای فرهنگی و سیاسی متناسب را می‌توان از دیگر الزامات تدوین چنین الگویی دانست.

به هر حال، بدیهی است که کشوری با مشخصه‌هایی مانند جمهوری اسلامی ایران، نمی‌تواند با الگوهای غربی به کار خود ادامه بدهد و تدوین الگویی اسلامی و ایرانی در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ضروری است.

منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها و مقالات

- اخترشهر، علی، توزیع قدرت در ساختار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۷.
- اخوان کاظمی، مسعود، جایگاه و نقش رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی در مقایسه آن با قوانین اساسی دموکراسی‌های غربی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۴.
- اعظمی، علی اصغر، آشنایی با سازمان و تشکیلات قوه قضائیه، سایت اینترنتی <http://www.hoghooghddanan.com>
- امینی، سید کاظم، ساختار سازمانی و تشکیلات جمهوری اسلامی ایران، مدیریت، ۱۳۸۵.
- برهانی، بهاء‌الدین، آشنایی با سازمان کار و مدیریت دولت جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۶.
- پروین، فرهاد، اهداف و وظایف قوه قضائیه در قانون اساسی، دوماهنامه اندیشه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، ۱۳۸۲.
- توحیدی، احمدرضا، جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سیستم حقوقی ایران، فصلنامه بصیرت (دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق)، شماره ۳۵، ۱۳۸۴.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، دانش، ۱۳۸۸.
- جندقی، بهروز، جایگاه نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در میان دو نظام ریاستی امریکا و مجلس‌مدار انگلستان، ماهنامه معرفت، شماره ۵۵، تیرماه ۱۳۸۱.
- دفتر ریاست و روابط عمومی بنیاد ملی نخبگان، آشنایی با ضوابط و آئین‌نامه‌های بنیاد ملی نخبگان، مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی، ۱۳۹۱.
- دولت‌رفتار حقیقی، محمدرضا، جایگاه رئیس‌جمهور در نظام جمهوری اسلامی ایران، نشریه حقوق عمومی، شماره ۱، مردادماه ۱۳۸۵.
- راعی، مسعود، ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران، دوماهنامه طرح ولایت، شماره ۱، ۱۳۹۰.
- رستمی، ولی و سیدمجتبی حسینی‌پور، نظارت مالی بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، فصلنامه حقوق (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸.
- رضایی میرقائد، محسن، چشم‌انداز ایران فردا، اندیکا، ۱۳۸۴.
- زرهانی، سیدحسین، نظام ریاستی و نظام پارلمانی، سایت اینترنتی <http://mystudents.persianblog.ir>
- سبک‌های اداری ساختار نظام اداری ایران، سایت اینترنتی <http://juge.ir>
- سیاهوش، امیرعباس، بررسی فرایند توسعه براساس سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ (جلد سوم)، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۵.
- شفیعی‌فر، محمد، جایگاه ولایت‌فقیه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۷۸.
- شوشتری، هادی، بررسی وظایف استانداران و فرمانداران در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران، رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، آبان ۱۳۸۴.

- صفار، محمدجواد، حقوق اساسی؛ آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (بعد از اصلاحات)، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۹.
- فتحی، امیرحسین، از ولایت فقیه تا جمهوری اسلامی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۹ و ۱۰، تابستان و پاییز ۱۳۸۶.
- فرمینی فراهانی، محسن، بررسی راهبردها و راهکارهای تحقق اهداف فرهنگی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، ۱۳۸۷.
- کشاورزی، محمد و همکاران، آشنایی با سند چشم‌انداز، امیرکبیر، ۱۳۸۸.
- گنج‌بخش، حقوق اساسی؛ آشنایی با تشکیلات دولت جمهوری اسلامی ایران، دانشکده علوم اقتصادی، بهار ۱۳۹۰.
- محسنی، فرید و مرتضی نجفی اسفاد، بررسی حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام و جایگاه آن در نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، شماره ۲۱ و ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰.
- مقیسه، مریم، نگاهی به تشکیلات قوه قضائیه، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۸۲، ۱۳۸۷.
- میرحسینی، سیدمهدی، آشنایی با تشکیلات دولت جمهوری اسلامی ایران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۷.

ب) قوانین و مقررات

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون اختیارات و وظایف رئیس قوه قضائیه (مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۰۹ مجلس شورای اسلامی).
- قانون انتخابات و آئین‌نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری (مصوب ۱۳۵۹/۰۷/۱۰ فقهای شورای نگهبان).
- قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش (مصوب ۱۳۶۶/۱۱/۲۵ مجلس شورای اسلامی).
- قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی).
- قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مصوب ۱۳۸۳/۰۵/۱۸ مجلس شورای اسلامی).
- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی).
- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۳/۰۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی).
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی).
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی).
- قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی).
- قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۲/۰۵/۲۷ مجلس شورای اسلامی).
- قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۰۶ مجلس شورای اسلامی) و آئین‌نامه اجرایی آن (مصوب رئیس قوه قضائیه به تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۲۰).
- قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (مصوب ۱۳۶۰/۰۷/۱۹ مجلس شورای اسلامی) و اصلاحیه‌های بعدی آن (مصوب ۱۳۷۵/۰۵/۰۷ و ۱۳۸۷/۰۴/۱۷ مجلس شورای اسلامی) و آئین‌نامه اجرایی قانون مذکور (مصوب رئیس قوه قضائیه به تاریخ ۱۳۸۸/۰۱/۱۵).
- قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور (مصوب ۱۳۷۲/۰۴/۲۷ مجلس شورای اسلامی).
- قانون تشکیل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۸/۰۵/۲۸ مجلس شورای اسلامی).

- قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۱ مجلس شورای اسلامی).
- قانون تصویب اساسنامه کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۷۵/۰۶/۲۱ مجلس شورای اسلامی).
- قانون تعیین وضعیت شوراهای عالی (مصوب ۱۳۸۷/۰۱/۲۰ مجلس شورای اسلامی).
- قانون دیوان عدالت اداری (مصوب ۱۳۸۵/۰۳/۰۹ مجلس شورای اسلامی).
- قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی).
- قانون شرح وظایف مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۷۴/۰۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی).
- قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی (مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۱۹ مجلس شورای اسلامی) و الحاقیه‌های آن.
- قانون محاسبات عمومی کشور (مصوب ۱۳۶۶/۰۶/۰۱ مجلس شورای اسلامی).
- قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶/۰۷/۰۸ کمیسیون مشترک مجلس شورای اسلامی).
- قانون نحوه اجرای اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی در بخش نظارت (مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام).
- قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه (مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۰۸ مجلس شورای اسلامی).
- قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات (مصوب ۱۳۸۲/۰۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی).
- قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت (مصوب ۱۳۹۱/۰۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی).
- قانون وظایف وزارت امور خارجه (مصوب ۱۳۶۴/۰۱/۲۰ مجلس شورای اسلامی).
- قانون هدفمند کردن یارانه‌ها (مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی).
- بخشنامه تفویض اختیارات رئیس جمهور در امور اداری و استخدامی به استانداران (شماره ۴۴۱۸۵-۶۵۳۶۵ مورخ ۱۳۸۹/۰۳/۲۳).
- تصویب‌نامه هیأت وزیران در خصوص تفویض برخی از اختیارات، مسئولیت‌ها و وظایف رئیس جمهور، هیأت وزیران، وزیران، رؤسای دستگاه‌های ملی و معاونت‌های رئیس جمهور به استانداران یا فرمانداران ویژه (شماره ۱۳۹۱/۰۳/۰۷ ت/۴۴۴۴۴-مورخ ۱۳۹۱/۰۳/۰۷).
- تصویب‌نامه هیأت وزیران در خصوص تفویض برخی از اختیارات، مسئولیت‌ها و وظایف معاونت‌های «توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور» و «برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» به استانداران و وزارت کشور (شماره ۱۳۹۱/۰۵/۲۸ ت/۴۴۴۴۴-مورخ ۱۳۹۱/۰۵/۲۸).
- تصویب‌نامه هیأت وزیران در خصوص شرح وظایف تفصیلی وزارت جهاد کشاورزی (شماره ۱۳۸۱/۰۴/۲۵ ت/۲۵۶۳۸-مورخ ۱۳۸۱/۰۴/۲۵).
- مصوبه شورای عالی اداری در خصوص تشکیل معاونت‌های «توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور» و «برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» (شماره ۱۹۰۱/۵۶۰۶۰ مورخ ۱۳۸۶/۰۴/۲۴).
- مصوبه شورای عالی اداری در خصوص متناسب کردن اختیارات، تعیین وظایف و نحوه عزل و نصب استانداران (شماره ۱۳۷۷/۰۷/۳۰ مورخ ۱۳۷۷/۰۷/۳۰).

ج) پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و سایت‌های اینترنتی

- آیت... سید محمود هاشمی شاهرودی (<http://hashemishahroudi.org>).

- اداره کل امور بین‌الملل قوه قضائیه (<http://www.bia-judiciary.ir>).
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (<http://www.cbi.ir>).
- پایگاه مجلات تخصصی (<http://www.noormags.com>).
- دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری (<http://fjs.ac.ir>).
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (<http://www.iranculture.org>).
- دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری (<http://www.majlesekhobregan.ir>).
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای (<http://khamenei.ir>).
- دفتر مقام معظم رهبری (<http://www.leader.ir>).
- دولت (<http://www.dolat.ir>).
- دیوان محاسبات کشور (<http://www.dmk.ir>).
- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران (<http://www.rooznamehrasmi.ir>).
- ریاست جمهوری اسلامی ایران (<http://www.president.ir>).
- سازمان انرژی اتمی ایران (<http://www.aei.org.ir>).
- سازمان بازرسی کل کشور (<http://www.bazresi.ir>).
- سازمان پزشکی قانونی کشور (<http://www.lmo.ir>).
- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور (<http://www.ssaa.ir>).
- سازمان حفاظت محیط زیست (<http://www.doe.ir>).
- سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (<http://www.prisons.ir>).
- سازمان قضائی نیروهای مسلح (<http://www.imj.ir>).
- سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (<http://www.ichto.ir>).
- شورای نگهبان (<http://www.shora-gc.ir>).
- قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران (<http://www.dadiran.ir>).
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (<http://www.ical.ir>).
- مجلس شورای اسلامی (<http://www.parliran.ir>).
- مجمع تشخیص مصلحت نظام (<http://www.maslahat.ir>).
- مرکز آموزش مدیریت دولتی (<http://www.smtc.ac.ir>).
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (<http://rc.majlis.ir>).
- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (<http://www.spac.ir>).
- معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور (<http://www.mdhc.ir>).
- معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور (<http://www.isti.ir>).
- وزارت آموزش و پرورش (<http://www.medu.ir>).
- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات (<http://www.ict.gov.ir>).
- وزارت امور اقتصادی و دارایی (<http://www.mefa.ir>).

- وزارت امور خارجه (<http://www.mfa.gov.ir>).
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (<http://www.mohme.gov.ir>).
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (<http://www.mcls.gov.ir>).
- وزارت جهاد کشاورزی (<http://www.maj.ir>).
- وزارت دادگستری (<http://www.justice.ir>).
- وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (<http://www.mod.ir>).
- وزارت راه و شهرسازی (<http://www.mrud.ir>).
- وزارت صنعت، معدن و تجارت (<http://www.mimt.gov.ir>).
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (<http://www.msrt.ir>).
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (<http://www.farhang.gov.ir>).
- وزارت کشور (<http://www.moi.ir>).
- وزارت نفت (<http://www.mop.ir>).
- وزارت نیرو (<http://www.moe.org.ir>).
- وزارت ورزش و جوانان (<http://www.msy.gov.ir>).
- <http://danesh.roshd.ir>
- <http://fa.wikipedia.org>
- <http://hamshahrionline.ir>
- <http://juge.ir>
- <http://maskanma.blogfa.com>
- <http://mystudents.persianblog.ir>
- <http://noorportal.net>
- <http://talesh10212.blogfa.com>
- <http://www.andisheqom.com>
- <http://www.hoghooghddanan.com>
- <http://www.pakdamanb.com>
- <http://www.tebyan.net>